

The
Economist

عليه توسعه

زير پوست پيونگ يانگ چه مي گذرد؟

دنيال تودور و جيمز بي پرسون
ترجمه: محمد حسين باقي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: تودور، دانیل، ۱۹۸۲-م.
 Tudor, Daniel, 1982
 عنوان و نام پدیدآور: علیه توسعه: زیر پوست پیونگ یانگ چه می گذرد؟ / دنیل تودور و جیمز پی برسون؛ ترجمه محمدحسین باقی.
 مشخصات نشر: تهران: امین الضرب، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۳۲۸ص.؛ رقعی
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۷۷-۹-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی:
 North Korea confidential: private markets, fashion trends, prison camps, dissenters and defectors, 2015
 عنوان دیگر: زیر پوست پیونگ یانگ چه می گذرد؟.
 موضوع: جرم و جنایت -- کره شمالی
 موضوع: Crime -- Korea (North)
 موضوع: حقوق بشر -- کره شمالی
 موضوع: Human rights -- Korea (North)
 موضوع: کره شمالی -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۲۱م.
 موضوع: Korea (North)-- Social conditions -- 21st century
 موضوع: کره شمالی -- اوضاع اقتصادی -- قرن ۲۱م.
 موضوع: Korea (North)-- Economic conditions -- 21st century
 موضوع: کره شمالی -- تاریخ -- قرن ۲۱م.
 موضوع: Korea (North) -- History -- 21st century
 شناسه افزوده: پیرسون، جیمز
 Pearson, James (Journalist)
 شناسه افزوده: باقی، محمدحسین، ۱۳۵۹-، مترجم
 رده بندی کنگره: HN730/6
 رده بندی دیویی: ۹۵۱/۹۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۸۵۸۷۸



اتحادیه بازرگانان، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
 TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
 INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



علیه توسعه (زیر پوست پیونگ یانگ چه می گذرد؟)

نویسندگان: دنیل تودور و جیمز پی برسون

ترجمه: محمدحسین باقی

شورای سیاست گذاری: مصطفی درویشی، بهراد مهر جو

گرافیک و طراحی: آتلیه آینده نگر / رضا دولت زاده

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

مدیر تولید: مینا واشویی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: آرمانسا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۷۷-۹-۳

انتشارات امین الضرب / پخش و فروش: ۰۹۱۲۳۹۰۳۴۲۸

عليه توسعه

زیر پوست پیونگ یانگ چه می گذرد؟

دَنیل تودور و جیمز پی یرسون

ترجمه: محمد حسین باقی



فهرست

پیشگفتار

۹	ناگفته‌هایی از آخرین وارث کمونیسیم مسعود خوانساری
۱۱	مقدمه مترجم
۲۹	مقدمه نویسندگان

فصل اول

بازارهای کره شمالی

۳۵	فروپاشی سیستم
۳۹	وون (ویوان) به‌مثابه ارزی برای خرید و فروش
۴۳	بازار جانگ مادانگ
۴۸	دنبال کردن رد پول
۵۱	یک مرز اقتصادی
۵۴	مشارکت‌های عمومی - خصوصی
۶۰	صنعت ساخت‌وساز
۶۴	نابرابری

فصل دوم

اوقات فراغت در کره شمالی

۷۴	تلویزیون و فیلم‌های خارجی
۸۴	خواندن و کتاب‌های کُمیک
۸۷	کامپیوترها
۹۱	یومی گامو
۱۰۲	سفر و اوقات فراغت
۱۰۷	نیکوتین و دیگر اقلام نشئه‌آور

فصل سوم

مسئول کیست؟

۱۲۵	از کیم ایل سونگ تا کیم جونگ ایل
۱۳۴	وزارتخانه سازمان دهی و ارشاد (اودی جی)
۱۴۱	دبیرخانه فردی
۱۴۴	جانگ سونگ تانگ
۱۴۹	توازن

فصل چهارم

جرم و مجازات در کره شمالی

۱۵۷	جرم غیرسیاسی
۱۶۰	زندانی‌های متعارف
۱۶۳	زندانی سیاسی: فرق آن چیست؟
۱۶۵	چگونه دایره امنیت دولت افراد را دستگیر می‌کند
۱۶۸	مرحله عدم بازگشت
۱۷۰	زندانی‌های سیاسی
۱۷۳	تبعید

فصل پنجم

پوشش، مد و گرایشات

۱۷۷	جرائم مربوط به پوشش و پلیس مد
۱۸۲	دنیای جدید شجاعانه
۱۸۴	چونگجین، پایتخت مُد
۱۸۸	محصولات کپی برداری شده داخلی
۱۹۰	محصولات آرایشی، زیبایی، و درمانی
۱۹۳	از غیرطبیعی‌ها تا طبیعی‌ترین‌ها

فصل ششم

ارتباطات

۱۹۸	تاریخچه مختصری از تلفن‌های همراه در کره شمالی
۲۰۰	استفاده از تلفن‌های کوریولینک
۲۰۳	وضعیت در مرزها چگونه است؟
۲۰۶	مسدود کردن، پارازیت فرستادن و پخش رادیویی از خارج
۲۱۰	تأثیرات رادیو
۲۱۲	چه کسی؟ چه چیزی؟ چه زمانی؟

فصل هفتم شکاف اجتماعی

- ۲۱۹ طبقه اجتماعی
- ۲۲۴ خلاصه‌ای از یک انحراف تاریخی
- ۲۲۶ پیونگ‌یانگ در برابر بقیه
- ۲۲۹ اقلیت قومی چینی یا هواگیو

سخن آخر

- ۲۳۵ آیا کره شمالی فرو می‌باشد؟

پیوست‌ها

پیوست ۱

- ۲۴۲ قلب امریکا در تیررس موشک‌های پیونگ‌یانگ
- ۲۴۲ ۱. کابوس واشنگتن
- ۲۴۴ ۲. آیا پیونگ‌یانگ پیش پای قدرت‌های بزرگ قربانی می‌شود؟
- ۲۴۴ میراث خاندان کیم در دست فرزند چموش
- ۲۴۶ ۳. سناریوهایی برای کره شمالی

پیوست ۲

- ۲۵۵ نظریه‌ها چه می‌گویند؟
- ۲۵۶ نظریه اول: بازی ترسوها یا چیکن گیم
- ۲۵۹ نظریه دوم: پنجره اورتون
- ۲۶۱ نظریه سوم: تئوری مرد دیوانه
- ۲۶۳ نظریه چهارم: جنگ پیشدستانه
- ۲۶۶ نظریه پنجم: «کیم» در کسوت «قذافی»
- ۲۶۸ نظریه ششم: تصمیمات غریزی
- ۲۷۰ نظریه هفتم: آرماگدون هسته‌ای
- ۲۷۲ نظریه هشتم: حمله همه‌جانبه
- ۲۷۴ سناریوهای دیگر
- ۲۷۷ سناریوهای کره جنوبی در برابر همسایه شمالی

پیوست ۳

- زیر و بم اقتصادیک دولت اسرارآمیز**
- ۲۸۱ ۱. جامعه پادگانی
- ۲۸۳ ۲. ونسان، شهر غذاهای دریایی و موشک‌ها
- ۲۸۴ ۳. مزارع و اخبار جعلی
- ۲۸۵ تحریم‌ها و خشکاندن اقتصاد کره شمالی
- ۲۸۸ تنگ‌تر شدن گلوگاه اقتصاد پیونگ‌یانگ با فشار بر متحدان این کشور
- ۲۹۰ پول‌هایی برای روز مبادا
- ۲۹۳ گوشی‌های هوشمند در پیونگ‌یانگ
- ۲۹۴ کره‌شمالی در رده‌های آخر اقتصادی در دنیا
- ۲۹۶ دست‌چین در دست پیونگ‌یانگ
- ۲۹۷ آیا باید در برابر کره‌شمالی تسلیم شد؟
- ۲۹۹ بیت‌کوین در کره‌شمالی

پیوست ۴

- آیا احتمال ورود به فاز ترور وجود دارد؟**
- ۳۰۱ ۱. احتمالات چه می‌گویند؟
- ۳۰۳ ۲. یگان ویژه برای ترور رهبران کره‌شمالی

پیوست ۵

- مروری گذرا بر نظام سیاسی کره‌شمالی و اندیشه جوجه**
- ۳۰۶ فلسفه سیاسی هدایتگر در کره شمالی
- ۳۰۷ نظام سیاسی کره شمالی

پیوست ۶

- کیم جونگ اون کیست؟**
- ۳۱۸ وارث اسرارآمیز
- ۳۲۰ اون: فردی با کیش شخصیت خاص
- ۳۲۱ پسر چاقالویی که صاحب قدرتی هسته‌ای است
- ۳۲۳ عصر وحشت
- ۳۲۴ آیا پایان سلسله کیم نزدیک است؟

پیشگفتار

ناگفته‌هایی از آخرین وارث کمونیسم

مسعود خوانساری

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مدیر مسئول ماهنامه آینده‌نگر

کره شمالی یکی از اسرارآمیزترین کشورها (ی کمونیستی) در جهان است. آنطور که در رسانه‌ها گفته می‌شود، نه اطلاعاتی از بیرون به داخل این کشور وارد می‌شود و نه اطلاعاتی خارج می‌شود. اما سوال مهمی در مورد کره شمالی وجود دارد. کشوری با این وضعیت، چطور می‌تواند اقتصادش را اداره کند؟ معیشت مردم با چه مکانیزم‌هایی تامین می‌شود؟ اساسا کسب و کاری در این کشور وجود دارد؟ و اینکه در نهایت چه درس‌هایی از کره شمالی می‌توان گرفت؟

کتابی که پیش روی شما قرار گرفته؛ سعی می‌کند به همین سوالات پاسخ دهد. به طوری که در فصل اول با نهایت دقت و موشکافی اقتصاد کره شمالی را برای مخاطب معنا می‌کند. جالب است اطلاعات این کتاب مشخص می‌سازد اقتصاد کره شمالی در بعضی بخش‌های محدود به سمت بازار پیش می‌رود. البته که این بخش از اقتصاد هم محدود و هم کوچک است ولی آنچنان که این کتاب تفسیر کرده، در اقتصادی مانند کره شمالی هم چاره‌ای به غیر از اتکای به روندهای بازار محور وجود ندارد. حال آنکه باز هم کتاب توضیح می‌دهد، سیاست و رفتارهای اجتماعی همچنان در کره شمالی بسته باقی مانده است.

کتاب در فصل‌های بعدی روایت می‌کند که نسل جوان کره شمالی برخلاف

نسل‌های در جست‌وجوی تغییر است و حداقل در فضای فرهنگی رفتارهای متفاوتی دارد.

براساس اطلاعات بسیار دقیق این کتاب، آنچه به این کشور وارد یا خارج می‌شود باید از کانال‌های فراوان سانسور بگذرند تا آنچه باب میل رهبران این کشور است حاصل شود. یکی از کانال‌های کسب خبر از داخل کره شمالی فراریانی هستند که به هزار و یک دلیل از این کشور می‌گریزند. این فراریان از دو طیف خارج نیستند: یا شهروندان معمولی‌اند که به دنبال کسب‌وکار و یافتن معیشت بهتر خطر را به جان می‌خرند و به سؤال یا پکن می‌گریزند و یا مقام‌های رسمی کشورند که از کشورهای خارجی تقاضای پناهندگی می‌کنند. بسیاری از اطلاعاتی که کارشناسان مسائل کره شمالی به آن‌ها دسترسی پیدا می‌کنند از طریق همین فراریان و پناهندگان است.

کتاب علیه توسعه از این قاعده مستثنی نیست. نویسندگان ضمن مطالعه منابع در کتابخانه‌های سؤال، توکیو، پکن و سایر منابع کتابخانه‌ای در دسترس به گفت‌وگو با فراریان مبادرت کرده و کوشیده‌اند با زبانی ژورنالیستی و روان، یافته‌های خود را در ذهن خواننده بنشانند. شاید در این کتاب نظریه پردازی و تئوری‌سازی دیده نشود، چرا که نویسندگان زبانی روایی-توصیفی را برگزیده‌اند. علیه توسعه به زیرپوست کره شمالی می‌رود و گزارشی مفصل از بازارهای آنجا و زیست اقتصادی مردم در اختیارشان قرار می‌دهد. آن‌ها معتقدند کره شمالی به‌آهستگی و با سرعت لاک‌پشتی در حال گذار از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد شبه‌سرمایه‌داری است. افزون بر این، آن‌ها ضمن بررسی طبقات اجتماعی، آداب‌ورسوم، فرهنگ و اخلاق مردم این کشور گریزی به پشت پرده قدرت در این کشور زده و مروری هم بر سیستم قضایی کره شمالی دارند. مطالعه این کتاب نه تنها نگاه خواننده کنجکاو را به کره شمالی تغییر می‌دهد، بلکه بی‌تردید افق جدیدی پیش‌روی وی می‌گشاید.

مقدمه مترجم

گذار از «کمونیسم اقتدارگرا» به عصر «شبه سرمایه‌داری»

شبی سرد در سپتامبر ۲۰۱۴، مردی به نام «آن» به حاشیه رودخانه تومن^۱ رفت. در بخش چینی، مرزی که به شدت از سوی چین و کره شمالی محافظت می‌شود. این رودخانه در کم عمق‌ترین قسمت‌هایش، عرض اندکی بیش از ۴۶ متر دارد و «آن» به راحتی می‌توانست از همان جایی که ایستاده بود کره شمالی را ببیند. در دو ساکی که بر دوش داشت، ۱۰۰ عدد یو.اس.بی.پُر از فیلم، نمایش‌های تلویزیونی، موسیقی و کتاب‌های الکترونیکی از اقصی نقاط دنیا بود. تقریباً در هر جای دیگری در این دنیا، این یو.اس.بی.ها چیزی کاملاً معمولی و بی‌ضرر تلقی می‌شوند؛ اما در این مرز، داشتن این یو.اس.بی.ها قاچاق بود و به شدت غیرقانونی و خطرناک شناخته می‌شد. در دولت توتالیتار کره شمالی، شهروندان فقط مجاز به دیدن و شنیدن محصولات^۱ی اند که رسانه‌های دولتی یا خود دولت

1. Tumen

تهیه و تولید می‌کند. بی‌یونگ‌یانگ اطلاعات خارجی از هر نوع را تهدید می‌انگارد و تلاش زیادی به خرج می‌دهد تا مانع ورود این اطلاعات به داخل کشور شود. ترس اصلی رژیم این است که اگر مردم در تیررس کلمات، تصاویر یا صداهایی از دنیای بیرون قرار گیرند، مردم کره شمالی در مورد اوضاع و تحولات کشورشان دچار توهم می‌شوند و همین امر می‌تواند آن‌ها را مشتاق تغییر سازد یا حتی این تغییر را «بطلبند».

«آن» فردی فراری است که در سال ۲۰۰۴ از کره شمالی گریخت و اکنون در سئول، پایتخت کره جنوبی، زندگی می‌کند. او سازمانی غیردولتی را اداره می‌کند و کارش ارسال اطلاعات به داخل کره شمالی است. وی یکی از چند ده فراری از کره شمالی است. گفته‌های این فراریان قابل اعتماد نبوده و همچنین این گفته‌ها آنقدر کافی نیست که بتوان آن‌ها را کنار هم قرار داد و به تصویری دقیق از زندگی داخل کشوری مرموز و اسرارآمیز دست یافت؛ اما وقتی این گفته‌ها با اطلاعات دیگر آمیخته می‌شود، داستان فراریان ارزشمند می‌گردد.

آن شب در حاشیه آن رودخانه، «آن» دقیقاً فهمید چه کند؛ او بارها در گذشته سفرهایی از این دست انجام داده بود. کاملاً هشیار بود و آن منطقه را به خاطر حضور گارد مرزی دقیقاً بررسی کرده بود. وقتی مطمئن شد کسی او را نمی‌بیند، یو.اس.بی.هایش را در سطل کوچک پلاستیکی گذاشت و سطل را هم داخل ساک پلاستیکی قطوری پیچید، سپس بسته را با سیم محکمی بست و درحالی که یک سر آن را به دست داشت، سر دیگر بسته را به هوا پرتاب کرد. آن بسته داخل آب نزدیک ساحل کره شمالی فرود آمد. در آنجا، مردی اهل کره شمالی به نام «کو» کاملاً نامحسوس آمد و بسته را برداشت. از این دو مرد، «کو» کار خطرناک‌تری داشت، چون باید کالا را به درون کره شمالی انتقال می‌داد. سازمانی که «آن» اداره می‌کرد به «کو» مبلغی معادل ۱۰۰ دلار داد تا یو.اس.بی.ها را به داخل کشور ببرد. مبلغی قابل توجه که کفاف یک یا دو ماه

زندگی «کو» را می‌داد؛ اما «کو» هم ریسک بزرگی می‌کرد، اگر گارد مرزی کره‌شمالی او را می‌گرفتند، به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت، به زندان / اردوگاه فرستاده می‌شد یا حتی ممکن بود اعدام شود. «کو» به رودخانه زد، لباس‌هایش خیس شد و بسته را برداشت. پس از مدتی تأمل برای خشک شدن لباس‌ها، به سوی شهر و جایی که زندگی می‌کرد بازگشت. در آنجا «کو» هر یو.اس.بی را در بازار سیاه به قیمت یک دلار می‌فروخت آن هم به شهروندانی که مشتاق بودند نیم‌نگاهی به زندگی در آن سوی آب‌ها بیندازند.

اگرچه طی دو دهه گذشته از کره‌شمالی با عنوان «کشور تارک دنیا» یا «کشور منزوی» یاد می‌شود، اما در دیوارهایی که دولت در حال ساخت آن به دور مردم بوده، شکاف‌های زیادی ایجاد شده است. عملیات قاچاق رسانه‌ای که به شکلی ابتدایی صورت می‌گیرد، همچون عملیاتی که سازمان «آن» می‌کوشد تا مردم کره‌شمالی را به واسطه آن در مورد کشورشان و جهان خارج آگاه سازد، ریسک زیادی به دنبال دارد. با وجود تهدید مجازات از سوی نیروهای امنیتی خشن کره‌شمالی، توزیع اطلاعات خارجی به کسب و کاری سودآور در کره‌شمالی تبدیل شده است. این مسئله تا حدودی موجب تغییر اقتصاد بسته و سنتی کره‌شمالی در بیست سال اخیر شده است. از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸، قحطی گسترده و فراگیری کره‌شمالی را در نوردیده و موجب مرگ صدها هزار - شاید میلیون‌ها - نفر شده است. دولت در واکنش به شکست خود در تغذیه مردمانش، اجازه داده تا بازارهای کوچکی تحت عنوان «جانگ مادانگ» شکل بگیرد تا مردم بتوانند کالاهای اساسی را از یکدیگر یا به شکل تهاتری خریداری کنند. جانگ مادانگ شکلی بدوی و ابتدایی از سرمایه‌داری است و کاملاً در تضاد با کمونیسم سخت و کنترل دولتی اقتصاد است. اقتصادی که دولت طی دهه‌های اخیر آن را به اجرا درآورده است؛ اما هنگامی که قحطی در نهایت فروکش کرد، رژیم تصمیم گرفت

بازار جانگ مادانگ را تحمل کند، زیرا احتمالاً به این درک رسیده بود که دولت به تنهایی نمی‌تواند به شکل قابل‌انکابی نیازهای اکثر شهروندان را برآورده سازد. از آن زمان به بعد بازارهای غیررسمی به بازارهایی پیچیده و وسیع مقیاس تبدیل شدند که برخی از آنها صدها غرفه دارند و طیف متنوعی از کالاها را به فروش می‌رسانند. قابل‌اعتمادترین آمارها، تعداد این بازارهای وسیع را در کل کشور چیزی حدود ۳۸۰ تا ۷۳۰ مورد برآورد کرده است؛ البته بازارهای کوچکتری هم وجود دارد. براساس برخی از قابل‌اعتمادترین آمارها، حدود ۱۸ میلیون از جمعیت ۲۵ میلیونی کره‌شمالی برای بقا و تأمین نیازهای خود تاحدی یا فقط به این بازارها متکی هستند.

افزون بر این بازارهای به اصطلاح «خاکستری»، که توزیع تولیدات رسانه‌ای و تکنولوژی‌های ممنوع‌شده را آسان‌تر کرده است، بازار «سیاه» متعارف‌تری نیز به جریان اطلاعات از خارج کمک کرده است. بیشتر تولید ناخالص داخلی کره‌شمالی از تولید مواد مخدر، قاچاق کالا، جعل پول و پولشویی تأمین می‌شود. امروزه مجموعه‌ای متنوع از سازمان‌های غیردولتی خارجی، فراریان، قاچاقچیان، واسطه‌ها، بازرگانان، سربازان و مقام‌های رشوه‌گیر کره‌شمالی با یکدیگر شبکه‌ای بسیار محکم را ایجاد کرده‌اند که شهروندان معمولی را از طریق تلفن‌های همراه قدیمی، لپ‌تاپ‌ها، تبلت‌ها و درایوهای اطلاعاتی به دنیای خارج وصل می‌کند. این کالاهای دیجیتال نقش بسیار مهمی - اگرچه غیرقابل‌رؤیت - در جامعه کره‌شمالی ایفا می‌کنند. به یمن وجود همین رسانه‌های قاچاق‌شده به داخل، شهروندان بسیاری (نسبت به گذشته) توانسته‌اند به شکاف گسترده میان تصویر خوش آب و رنگی که رژیم از کشور و رهبرانش ترسیم می‌کند و واقعیت سیاهی که موجود است، پی‌برند. بسیاری از شهروندان کره‌شمالی به این درک رسیده‌اند که دنیای خارج آن‌گونه که رژیم در

بوق و کرنا می‌کند، نه غرق در محرومیت است، نه بی‌اخلاقی و نه غرق در جرم و جنایت. دنیای خارج از نگاه مردم هیچ شباهتی به دنیایی که رژیم برایشان ترسیم می‌کند، ندارد.

این آگاهی فزاینده خطر کوتاه‌مدتی برای رژیم «کیم جونگ - اون» است، زیرا ظاهراً رژیم همچنان قدرتمند است و قابلیت سرکوب مردم را دارد؛ اما در جامعه‌توتالیتر که مشروعیت و قدرت مقام‌ها تا حد زیادی به توانایی آن‌ها برای فریب و اغفال مردم متکی است، نیروی دیجیتال زیرزمینی در حال جان گرفتن می‌تواند تهدیدی موجودیتی در بلندمدت برای بقای رژیم باشد.

به استثنای چندصد یا چندهزار نخبه‌حاکم، مردم کره‌شمالی هیچ دسترسی‌ای به اینترنت ندارند. مدارس، کتابخانه‌های عمومی و ادارات با سیستم داخلی اینترنت بهم وصل می‌شوند که «کوانگ میونگ» نام دارد. فقط به برخی از مقامات مورد اعتماد اجازه داده می‌شود برای موارد خاص به اینترنتی ایمن دسترسی پیدا کنند تا چیزی به این «شبکه بسته» بیفزایند، مثلاً مقاله‌ای علمی یا اطلاعاتی در مورد بهداشت و سلامتی بیابند. تمام خانواده‌ها مجبورند تجهیزات رسانه‌ای الکترونیک خود را در مراجع محلی «رجیستر» کنند. در مواقعی، بازپرس‌ها خانه به خانه می‌روند تا ببینند در خانه مردم چه نوع پخش‌کننده رسانه‌ای وجود دارد. اگر مواردی غیرقانونی بیابند، فرد را دستگیر و آن کالای قاچاق را توقیف می‌کنند و به مراجع بالاتر در پیونگ‌یانگ ارجاع می‌دهند. پیش از گسترده شدن استفاده از یو.اس.بی، فیلم‌های غیرمجاز و نمایش‌های تلویزیونی اغلب روی دی.وی.دی به کره‌شمالی قاچاق می‌شدند. مقام‌ها برای اینکه مانع از این شوند که مردم دی.وی.دی‌ها و یو.اس.بی‌ها را هنگام بازرسی‌های سرزده پنهان کنند، برق منطقه‌ای را به صورت رندوم و ناگهانی قطع می‌کنند و سپس بازرسان وارد خانه‌ها و آپارتمان‌ها می‌شوند تا هرکسی را که در

حال مشاهده دی.وی.دی بوده و دستگاهش خاموش شده است دستگیر و دستگاه را توقیف کنند. بازرسان تمام دستگاه پخش دی.وی.دی را مصادره کرده و برق آن خانه را وصل و دستگاه را روشن می‌کنند، سپس دکمه ایجکت را می‌زنند تا دی.وی.دی بیرون بیاید و سپس دوباره آن را روشن می‌کنند تا ببینند محتویات آن چیست.

این تلاش‌ها نشان می‌دهد چگونه فناوری‌های دیجیتال باعث عصبی شدن رژیم شده است، مثلاً گوشی‌های موبایل را در نظر بگیرید. کره شمالی با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر، حدود ۳ میلیون کاربر تلفن همراه دارد. تقریباً تمام آن‌ها محدود به شبکه کوریولینک هستند و فقط می‌توانند تماس‌های داخلی برقرار کنند و این تماس‌ها هم دائماً در معرض رصد است؛ اما برخی به گوشی‌های غیرقانونی دسترسی دارند که به صورت قاچاق وارد کره شمالی می‌شود و فقط مختص کاربرانی است که نزدیک مرز زندگی می‌کنند و از آنجا می‌توانند به شبکه‌های چینی وصل شوند. سرویس‌های امنیتی نیز از ردیاب‌هایی استفاده می‌کنند که می‌تواند تماس‌های غیرقانونی بیش از ۵ دقیقه را شناسایی کند؛ بنابراین برای احتراز از شناسایی، فرد باید تماسی مختصر برقرار کند، مکان خود را دائم تغییر دهد و دوباره تماس بگیرد تا بتواند اندکی بیشتر صحبت کند.

این تلفن‌های همراه محتویاتی دارد که مقامات دوست ندارند مردم آن را ببینند. انتقال داده‌ها به شدت رصد می‌شود و مقامات می‌توانند نسبت به هرکسی که به موارد غیرمجاز دسترسی دارد گوش به زنگ شوند. افسران پلیس اغلب کاربران تلفن همراه را در خیابان‌ها متوقف و گوشی آن‌ها را بازرسی می‌کنند تا مبادا محتویات حساسی در گوشی‌شان باشد. گاهی این افسران گوشی‌ها را ضبط کرده و مجازات‌هایی نصیب کاربر آن می‌شود. پخش‌کننده‌ای رسانه‌ای قابل حمل برای رژیم مشکل‌سازتر است، زیرا شناسایی آن‌ها دشوارتر از تلفن همراه است. بسیاری از مردم کره شمالی اکنون می‌توانند در مناطق مرزی

ام. پی. فورهای چینی را خریداری کنند زیرا می‌تواند کارت‌های حافظه قاچاق را اجرا کند. این ام. پی. فورها کوچکند و باتری‌های کوچکشان هر دو ساعت یک بار شارژ می‌شود و به مردم اجازه می‌دهد تا فیلم‌ها را بدون نیاز به وصل شدن به برق مشاهده کنند. در کره شمالی قطع مکرر برق امری روزمره و همیشگی است.^۱

سال‌هاست پیش‌بینی می‌شود که کره شمالی در آستانه فروپاشی است. از دهه ۹۰ که قحطی جان بیش از ۱ میلیون انسان را گرفت، بسیاری می‌گفتند کره شمالی نفس‌های آخر را می‌کشد؛^۲ اما این کشور هنوز پابرجاست و شاید بتوان آن را پایدارترین نظام کمونیستی در جهان دانست که با وجود قحطی‌ها، تحریم‌ها و فقر گسترده توانسته همچنان برقرار بماند، اما فروپاشی سرنوشت محتومی است که در انتظار کشورهای سرکوبگر است. کره شمالی هم از این مقوله مستثنی نیست. برخی معتقدند کره شمالی به دلیل اتکای رهبر آن به ابزارهای سرکوب، در برابر «کودتا» یا «انقلاب» آسیب‌پذیر نیست، اما برخی دیگر بزرگترین چالش‌های آخرین وارث کمونیسم اقتدارگرا در جهان را چالش «جانشینی» می‌دانند.^۳ «کیم ایل سونگ»، پایه‌گذار کره شمالی، پیش از مرگ در سال ۱۹۹۴ دست به انتقال قدرت زد. او چند سال پیش از مرگ، فرزند جوانش «کیم جونگ ایل» را وارد ساختار قدرت و برای رهبری کشور آماده کرد. او اطمینان داشت فرزندش می‌تواند عنان قدرت را در دست بگیرد و مخالفت‌های احتمالی داخلی را مهار کند. کیم جونگ ایل هم در میان فرزندانش گویی چشم

۱. این بخش ترجمه‌ای است از متن خلاصه مقاله‌ای با این عنوان:

Jieun Baek (January/February 2017), the Opening of the North Korean Mind, https://www.foreignaffairs.com/articles/north-korea/20161128/openingnorthkoreanmind?utm_medium=newsletters&utm_source=special_send&utm_campaign=summer_reads_2019_newsletters&utm_content=20190728&utm_term=newsletter-summer-popup2019

2. Daniel Byman & Jennifer Lind (July 2010), Keeping Kim: How North Korea's Regime Stays in Power, <https://www.belfercenter.org/publication/keeping-kim-how-north-koreas-regime-stays-power>

3. opcit

امید به «کیم جونگ اون» جوان داشت که در صورت و سیرت شباهت زیادی به پدر داشت. براساس سنتی نانوشته در کره شمالی، قدرت همواره از پدر به پسر می‌رسد؛ اما اکنون مشکل اینجاست که کیم جوان فرزندی ندارد. اگر این روند ادامه پیدا کند، برخی پیش‌بینی می‌کنند احتمالاً این سنت در کره شمالی نقض و کشور دستخوش بحران شود. به هر حال این سناریویی است که اثبات آن شاید مدت زیادی به طول انجامد.

سناریوی دوم، تغییر نسلی است که «تای یونگ - هو» - دیپلمات سابق کره شمالی که از کشورش گریخته - مطرح کرده است. او معتقد است کره شمالی با نیروی خارجی یا کودتا از پا در نخواهد آمد. به اعتقاد او، نظام سیاسی کره شمالی حداکثر بیست سال دیگر دوام خواهد آورد، زیرا شاهد تغییر نسل در داخل هستیم. رژیم کیم اکنون متکی به حمایت و وفاداری حامیان قدیمی و کهنسال خود است، اما نسل جدیدی را که در حال ظهور هستند نادیده گرفته است. او می‌گوید: «نمی‌گویم رژیم کیم جونگ اون ده سال دیگر فرو خواهد پاشید، بلکه تصورم این است حداکثر بیست سال دیگر این رژیم فرو خواهد ریخت». این دیپلمات سابق که پیش از این در آگوست ۲۰۱۶ معاون سفیر کره شمالی در بریتانیا بود، می‌گوید: «اگر من بیست یا سی سال دیگر زنده باشم، می‌توانم بدون هیچ مشکلی به کشورم بازگردم». او معتقد است با وجود مشت آهنین رهبر کره شمالی، این رژیم بیش از آنکه با کودتا یا حمله خارجی از پا درآید، از طریق نسل جوان عمرش به پایان خواهد رسید. این دیپلمات سابق بر این باور است که رهبران نظامی که اکنون پیرامون «اون» را گرفته‌اند در دهه ۶۰ تا ۸۰ عمر خود هستند و وقتی این کهنه‌سربازان بازنشسته شوند، تازه مشکل آغاز می‌شود: «ژنرال‌های کهنسال عمرشان به پایان خواهد رسید و یا بازنشسته می‌شوند و ژنرال‌هایی که اکنون در دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰ عمر خود هستند تعلق خاطر اندکی به ایدئولوژی رژیم دارند». به گفته تای یونگ - هو: «آن زمان، زمان نیست

که این ژنرال‌های جوان با کیم جونگ اون خداحافظی خواهند کرد. تنها زمان می‌تواند مشکل را حل کند.»^۱ البته اگر بنا به فروپاشی باشد، دلایل بسیاری را می‌توان ذکر کرد. تحلیل ابعاد فروپاشی نیازمند تحلیلی چندبعدی و نه تک‌بعدی است. شاید تمام این سناریوها در کنار هم بتواند فروپاشی احتمالی کره شمالی در آینده را اثبات کنند، اما در اینجا می‌خواهم به سناریوی سوم اشاره کنم که چه بسا نادیده گرفته شده یا به آن کم‌توجهی شده است. این سناریو ظهور بازارهای غیررسمی از دل نظام کمونیستی کره شمالی است. درحقیقت، در این کشور طبقه متوسط نوظهوری در حال شکل‌گیری است که عمدتاً در نواحی مرزی نزدیک به چین سکنی دارند. با وجود آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی در سال‌های اخیر و با وجود چنگ و دندان نشان دادن‌های این کشور به همسایگان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، برخی گزارش‌ها حاکی از این است که اقتصاد کره شمالی همچنان سرپاست. برخی کارشناسان می‌گویند: با ظهور این طبقه نوظهور اقتصادی که «طبقه متوسط» نام گرفته، دیر یا زود کره شمالی مجبور خواهد بود «وجود» آن‌ها را بپذیرد - چنان‌که پذیرفته است - و از اقتصاد سوسیالیستی قرون وسطایی به اقتصادی شبه‌سرمایه‌داری گذار کند.

«چو سانگ - هون»، در گزارش ۳۰ آوریل ۲۰۱۷ برای نیویورک تایمز، گزارشی مفصل از ظهور طبقه اقتصادی نوظهور در کره شمالی نوشت. طبقه‌ای که می‌رود فضای اقتصادی و اجتماعی کره شمالی را متحول سازد. از همان زمانی که «کیم جونگ اون» پس از مرگ پدرش به تاج و تخت دست یافت، مغازه‌ها و بازارهایی در نقاط مختلف این کشور بازگشایی شدند. تاجران و کارآفرینان هم زیر لوای حمایت دولت مرکزی به فعالیت مشغول هستند. ساخت‌وسازهای ساختمانی هم قارچ‌گونه در حال افزایش‌اند و ماشین‌ها هم در

1. quoted by Agence France-Presse, Kim Jong-un regime won't last beyond 20 years, predicts North Korean diplomat who defected (20 Jun, 2019), <https://www.scmp.com/news/asia/east-asia/article/3015386/kim-jong-un-regime-wont-last-beyond-20-years-predicts-north>

خیابان‌های خلوت این کشور بسیار دیده می‌شوند؛ ماشین‌هایی که برخی از مردم با شستن آن‌ها درآمدی کسب می‌کنند.

با اینکه اطلاعات اقتصادی از این کشور نادر است؛ اما پناهندگان، اندک توریست‌های خارجی و اقتصاددانانی که این کشور را مورد مطالعه قرار داده‌اند می‌گویند: نیروهای بازاری نوپایی در حال شکل‌گیری، بازسازی و نوسازی هستند. اگرچه دولت ترامپ سخت تلاش دارد تا اقتصاد پیونگیانگ را فلج کند و به واسطه آن توانایی نظامی این کشور را از میان بردارد، به نظر می‌رسد اقتصاد این کشور در حال بهبود بوده و همین مسئله به کره شمالی اجازه می‌دهد در برابر فشارها مقاومت کند. کره شمالی کشوری به شدت فقیر است، اما آمارهای مربوط به رشد اقتصادی این کشور از ۱ تا ۵ درصد متفاوت می‌باشد. با این حال، ظهور طبقه بازاری برای کیم قمار محسوب می‌شود؛ زیرا این طبقه در جامعه بی طبقه کره شمالی می‌تواند به صورت نیرویی در برابر او قد علم کند.

کیم جوان از زمانی که سکان رهبری کره شمالی را در دست گرفته، رشد اقتصادی را، هم‌راستا با پیشبرد برنامه هسته‌ای، هدف و اولویت خود قرار داده است. او گفته بود دیگر نیازی نیست مردم «کمربندها را سفت ببندند»، اما وقتی اجازه می‌دهد طبقه کارآفرین، تاجر خصوصی گسترش یابد، استدلال دولت خود را در مورد برتری سوسیالیستی پیونگیانگ بر نظام سرمایه‌داری سئول تضعیف می‌کند. نشانه‌هایی وجود دارد که این طبقه بازاری نوپا در حال تضعیف کنترل دولت بر جامعه است. اطلاعاتی از صادرات کالاهای خارجی به کره شمالی نشان می‌دهد، «کیش شخصیت»ی که رهبر جوان کره شمالی حول خود تنیده است، در حال از میان رفتن است.

مردم با وجود فشار دولت، در حال تهیه و خرید نیازهای خود از خارج کشورند. خانم کیم جین هی که در سال ۲۰۱۴ از کره شمالی گریخت، یکی از افرادی است که نویسنده نیویورک تایمز برای تهیه گزارش با وی مصاحبه کرد.

او برای پنهان ماندن هویت اصلی خود از این نام استفاده می‌کند و می‌گوید: «نگرش ما به دولت این است، اگر نمی‌توانید ما را سیر کنید، ما را به حال خود بگذارید؛ خودمان می‌توانیم از طریق بازار درآمد کسب کنیم». وفاداری خانم «هی» به دولت و وفاداری بسیاری از دیگر شهروندان کره‌شمالی به ایدئولوژی دولتی در دهه ۹۰ به محک کشیده شد، وقتی قحطی برخاسته از سیل، سپس خشکسالی ویرانگر، کمک‌های شوروی و غیره که در این دهه پدید آمد باعث شد دولت میزان کمک‌های غذایی را به مردم متوقف کند و بیش از ۲ میلیون نفر جان خود را از دست بدهند. «هی» و بسیاری مانند او که دیدند در مواقع بحرانی، دولت به جای کمک، به نابودی شهروندانش می‌پردازد، دیگر به دنبال کار دولتی نرفتند. افرادی مانند او تلاش کردند تا شغلی غیررسمی در بازار سیاه برای خود دست‌وپا کنند. آن‌ها در این بازار همه‌چیز می‌فروختند. بازارهای سیاه، غیررسمی و زیرزمینی به تدریج در تمام این کشور پا گرفت و باعث شد طبقه جدیدی شکل بگیرد که با وجود ترس از دولت مرکزی وقعی بر آن نهد و مسیر خاص خود را دنبال کند. «کیم جونگ ایل»، پدر رهبر فعلی کره‌شمالی نیز استراتژی چندگانه‌ای در برابر چنین بازارهایی در پیش گرفته بود. گاهی با آن‌ها مدارا می‌کرد و از آن‌ها برای تأمین مایحتاج عمومی استفاده می‌کرد؛ گاهی از آن‌ها برای دور زدن تحریم‌های آمریکا، سازمان ملل و دیگر کشورها استفاده می‌کرد و گاهی هم آن‌ها را با این استدلال که مطیع دولت و قوانین دولتی نیستند سرکوب می‌کرد.

از سال ۲۰۱۰ به بعد، تعداد بازارهای غیررسمی، اما مورد تأیید دولت به ۴۴۰ مورد - یا حتی بیشتر - رسید و تصاویر ماهواره‌ای هم نشان می‌دهد این بازارها به سرعت در حال توسعه در شهرها هستند. مؤسسه کره‌ای «اتحاد ملی» مستقر در سئول، در تحقیقی به این نتیجه رسید که از جمعیت ۲۵ میلیونی کره شمالی، حدود ۱/۱ میلیون نفر به صورت خرده‌فروش یا مدیر در این بازارها

مشغول به کار هستند. علاوه بر این فعالیت‌های غیررسمی بازاری هم از طرف توده مردم رواج چشمگیری دارد، آن‌ها به فروش کفش، لباس، شیرینی و نان می‌پردازند. بازارچه‌های سنتی هم که محصولات کشاورزی می‌فروشند هر ۱۰ روز یک‌بار شکل می‌گیرند. قاچاقچیان کالا هم محصولات هالیوودی مانند فیلم‌های آمریکایی، کره‌ای و گوشی‌های هوشمند را از مرز چین وارد کشور می‌کنند. «لی بیونگ هو»، مدیر سرویس اطلاعاتی کره جنوبی در جلسه‌ای پشت درهای بسته در فوریه ۲۰۱۷، به نمایندگان پارلمان گفت: حداقل ۴۰ درصد از جمعیت کره شمالی اکنون در کارهای خصوصی دخیل‌اند. محرک این بازار غیررسمی ناامیدی و سرخوردگی مردم از اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده و غیرقابل انعطاف دولتی است.

مردم کره شمالی برای گذراندن زندگی به مشاغل دولتی وابسته بودند، اما این وضعیت از دهه ۹۰ به بعد تغییر کرد. قحطی دهه ۹۰ نقطه عطفی در تحولات اجتماعی و اقتصادی کره شمالی بود. امروزه کارگران دولتی به ندرت یک دلار در روز بدست می‌آورند. کارشناسان می‌گویند هزینه زندگی در این کشور ۶۰ دلار در ماه است.

کیم نام چول - ۴۶ ساله - که نزدیکی مرز چین زندگی می‌کند، می‌گوید: «اگر شهروند عادی باشید و نتوانید از طریق این بازارها امرارمعاش کنید محکوم به مرگید.» «چول» تا پیش از فرار به سوی مرزهای چین، زندگی خود را با فروش کالاهای قاچاق سپری می‌کرد. او کالاهایی مانند محصولات دریایی خشک‌شده، گیاه جنسینگ، متامفتامین و عتیقه‌جات را برای فروش به چین منتقل می‌کرد. در آنجا به شکل تهاتری دانه‌های غلات، ساخارین، جوراب و کیسه‌های پلاستیکی خریداری می‌کرد و پس از ورود به کره شمالی در این بازارها می‌فروخت. او می‌گوید چاره‌ای نیست جز اینکه «سبیل گارد مرزی را چرب کنید». باید یا به آن‌ها پاکتی سیگار یا ۱۰۰ دلار و یا معادل ۱۰ هزارین بدهید، در

غیر این صورت امکان کار سلب می‌شود.

«کیم یونگ - هی»، مدیر دپارتمان اقتصادی کره شمالی در بانک توسعه کره در سؤال می‌گوید: «۸۰ درصد کالاهای مصرفی فروخته شده در کره شمالی، چینی‌اند». شاید به این دلیل است که چینی‌ها تمایلی به قطع رابطه با پیونگیانگ ندارند، چرا که منطق اقتصادی بر تعاملاتشان حاکم است. کفش، لیکور، سیگار، جوراب، شیرینی، روغن سرخ کردنی، لوازم آرایشی و سوزن محصولاتی هستند که در کره شمالی تولید می‌شود و بخش اندکی از سهم بازار مرزی چین را در دست دارد. رودیگر فرانک، اقتصاددان دانشگاه وین، مطالعاتی در مورد کره شمالی انجام داده است، به نقل از کسانی که از این کشور بازدید می‌کنند می‌گوید: «اقتصاد واقعاً مصرفی در حال ظهور است. رقابت همه‌جا دیده می‌شود، در میان آژانس‌های مسافرتی، شرکت‌های مسافرتی، تاکسی‌ها و رستوران‌ها.» این وضعیت باعث می‌شود لقب سوسیالیستی رنگ ببازد و مردم - برخلاف نگاه غالب دولتی - میل بیشتری به ادغام در اقتصاد جهانی و وحدت با سؤال داشته باشند.

شواهد نشان می‌دهد وابستگی دولت به این بازارهای خصوصی و غیررسمی در حال افزایش است. چامون سوک - محقق مؤسسه وحدت کره در سؤال - تخمین می‌زند که دولت روزانه از این بازارهای غیررسمی که در سراسر کشور فعال‌اند، ۲۲۲ هزار دلار مالیات اخذ می‌کند. شهروندان کره شمالی کلمه‌ای را برای توصیف این طبقه نوظهور از تاجران بکار می‌برند، «دانگجو» یا «سرمایه‌داران سرخ». این دانگجوها در پروژه‌های ساخت‌وساز در مشارکت با شرکت‌های دولتی و در سایه واردات از چین سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌اند. آن‌ها برای در امان ماندن از «گوش بریدن‌های مقامات دولتی» در پوشش «نماینده دولتی» عمل می‌کنند تا کسب و کارشان آسیب نبیند. برخی از این دانگجوها هم از اقوام مقامات حزبی هستند. برخی از این دانگجوها هم شهروندان چینی هستند که

اجازه دارند میان چین و کره در رفت و آمد باشند تا بده و بستان‌های مرزی را تسهیل کنند. با این حال، حقِ دانگجوها برای در امان ماندن از گوش‌بریدن‌های دولتی راه به جایی نبرده است، چرا که گاهی مجبورند، هبه‌های وفادارانه بپردازند. برخی از آن‌ها باید این «هبه»های اجباری را براساس ارزش‌های خارجی بدهند.^۱

دولت کره‌شمالی به غیر از کسب درآمد از این بازارهای غیررسمی که قارچ‌گونه در سراسر کشور در حال رشد هستند، از طریق صدور زغال‌سنگ به چین نیز ۷۰۰ میلیون دلار بدست آورده است. پکن مهم‌ترین شریک اقتصادی کره‌شمالی بوده، در واقع صادرات به چین یا دریافت کمک اقتصادی از این کشور راه دیگر درآمد برای دولت کره‌شمالی است. همچنین، بیش از ۵۰ هزار شهروند کره‌شمالی به شکل‌های مختلف در خارج از کشور مشغول به کارند. این افراد مجبورند حقوق و درآمد خود را به کارمندان ادارات کره‌شمالی تحویل دهند. سفارتخانه‌های کره‌شمالی هم باید هزینه‌شان را خودشان تأمین کنند؛ حتی سفارت کره‌شمالی در برلین بخشی از محوطه و وسیعش را اجاره داده است و خرج خودش را تأمین می‌کند. یکی دیگر از روش‌های تأمین مالی در کره‌شمالی هک کردن شبکه‌های بانکی است. گفته می‌شود هک‌های کره‌شمالی از این طریق میلیون‌ها دلار بدست آورده‌اند. در این رابطه، کارشناسان به گروه سایبری «واحد ۱۸۰» اشاره می‌کنند که وظیفه‌اش درآمد از طریق هک کردن است.^۲ صادرات کالا و واردات کارگر از این کشور راهی مهم برای تأمین ارز خارجی و درآمد برای این کشور محسوب می‌شود؛ به طور مثال هم‌اکنون فقط ۳۰ تا ۵۰ هزار کارگر کره‌ای در روسیه و در شرایطی اسفناک مشغول به کارند و سالانه ۱۲۰ میلیون دلار عائد کشور خود می‌کنند. گفته می‌شود کل تجارت خارجی کره‌شمالی حدود ۳ میلیارد دلار است. زغال‌سنگ، آهن، سنگ آهن، سرب و غذاهای

1. Choe Sang-Hun (30 Apr 2017), As Economy Grows, North Korea's Grip on Society Is Tested, <https://www.nytimes.com/30/04/2017/world/asia/north-korea-economy-marketplace.html>

۲. برنامه‌اتمی کره شمالی از کجا تأمین مالی می‌شود؟ دویچه وله فارسی (۸ ژوئیه ۲۰۱۷)

دریابی ۱ میلیارد دلار از تجارت ۳ میلیارد دلاری کره شمالی را تشکیل می‌دهد.^۳ در هر حال کره شمالی به لحاظ منابع معدنی یکی از غنی‌ترین کشورهاست، اما جمعیت ۲۵ میلیونی آن در نهایت فقر زندگی می‌کنند. زندگی در کره شمالی با زندگی در کشوری آفریقایی تفاوتی ندارد. کنزا برایان، گزارشگر ایندپندنت، در گزارش ژوئیه ۲۰۱۷ به منابع زیرزمینی کره شمالی اشاره کرد و نوشت: «معدن حدود ۱۴ درصد از اقتصاد کره شمالی را تشکیل می‌دهد. رژیم دیکتاتوری بر منابع زیرزمینی غنی نشسته است.» اگرچه برخی گزارش‌ها بر این باورند که تنها صادرات کره شمالی زغال‌سنگ است. برایان معتقد است این کشور صادرات دیگری هم دارد، از جمله طلا، وانادیوم، تیتانیوم، مقداری هم فلزات مانند نیکل، مس، روی و نقره. در سال ۲۰۱۴، کره شمالی ۳/۴ میلیون تُن سنگ آهن تولید کرد، در حالی که کره جنوبی ۰/۶ میلیون تن تولید کرد. به نوشته ایندپندنت، تخمین زده می‌شود، ثروت معدنی کره شمالی ۱۰ تریلیون دلار (۷/۵ تریلیون پوند) باشد. این آماري است که مؤسسه تحقیقات کره جنوبی در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد. لیوود واسی، پایه‌گذار مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک می‌گوید: «کره شمالی ۲۰۰ نوع ماده معدنی متفاوت دارد. از جمله این معادن می‌توان به زغال‌سنگ، سنگ آهن، سنگ طلا، روی، مس، سنگ آهک، مولیبدنیت، گرافیت و تنگستن اشاره کرد.» این مرکز می‌افزاید: «ذخایر مگنزیت این کشور پس از چین در رتبه دوم جهانی و معادن تنگستن در رتبه ششم جهانی است.» با این حال، اکونومیست در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد: «اقتصاد کره شمالی چهل بار کوچکتر از اقتصاد کره جنوبی است.»^۴

3. Rick Gladstone (4 Aug 2017), North Korea Could Lose 1\$ Billion in Exports Under U.N. Measure, [https://www.nytimes.com/04/08/2017/world/asia/north-korea-missile-nuclear-security-council-resolution.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld; US seeks UN ban on North Korea exports of coal, iron, lead & seafood \(5 August 2017\), https://www.theguardian.com/world/2017/aug/05/us-seeks-un-ban-on-north-korea-exports-of-coal-iron-lead&seafood](https://www.nytimes.com/04/08/2017/world/asia/north-korea-missile-nuclear-security-council-resolution.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld; US seeks UN ban on North Korea exports of coal, iron, lead & seafood (5 August 2017), https://www.theguardian.com/world/2017/aug/05/us-seeks-un-ban-on-north-korea-exports-of-coal-iron-lead&seafood).

4. Bryan, Kenza (1 July 2017), North Korea could be sitting on trillions in untapped mineral resources, <https://www.independent.co.uk/news/world/asia/north-korea-trillions-mineral-resources-nuclear-iron-ore-a7818651.html>.

سخن درباب کره‌شمالی فراوان است.^۱ در این خلاصه فقط به پتانسیل اقتصادی کره‌شمالی و ظهور یک طبقه نوظهور اقتصادی اشاره شد که سرمایه‌داری سرخ نام گرفته است. برآوردهای اقتصادی نشان می‌دهد دو کره با دو نظام سیاسی و اقتصادی متفاوت در کجای اقتصاد جهانی قرار گرفته‌اند. کره‌شمالی با پیروی از الگوی کمونیستی «امنیت» را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. اگرچه به سلاح هسته‌ای هم دست یافت؛ حجم تجارت خارجی این کشور ۳ میلیارد دلار است و مردمانش در فقر، روزگار سپری می‌کنند. کره جنوبی با پیروی از الگوی نظام سرمایه‌داری و اولویت قرار دادن «اقتصاد» به یکی از قطب‌های قدرت، ثروت و تکنولوژی در جهان تبدیل شد؛ حجم تجارت خارجی آن بالغ بر ۳ تریلیون دلار است.

اثری که پیش‌رو دارید ترجمه کتابی است با عنوان علیه توسعه که به قلم دنیل توءور و جیمز بی‌یرسون نوشته شده است. نویسندگان در این کتاب، بدون اینکه به نظریه پردازی‌های معمول روی آورند مستقیم سراغ اصل مطلب رفته‌اند. آن‌ها با مطالعه بسیاری از اسناد و کتاب‌ها، مصاحبه با بسیاری از فراریان کره‌شمالی از جمله مقام‌های ارشد این کشور موفق شدند با قلم خود به عمق جامعه کره‌شمالی رسوخ کنند و ناگفته‌هایی از اقتصاد، سیاست، نظام قضایی، پشت پرده قدرت و بسیاری اطلاعات دیگر در این کشور را به تصویر بکشند. می‌توانم به جرأت بگویم اطلاعاتی که نویسندگان در این کتاب آورده‌اند در کمتر کتابی وجود دارد. با مطالعه این کتاب، نظر خواننده درباره کره‌شمالی و تحولات آن بی‌تردید عوض خواهد شد. زبان این کتاب ژورنالیستی، ساده و روان است. در این کتاب حتی به عادات، اخلاق، آداب و رسوم اجتماعی مردم و نحوه گذران

۱. در این زمینه می‌توانید به اثر دیگری از نگارنده رجوع کنید: یاول فرنیچ (۱۳۹۵)، دولتی در اسارت توهم، (کره شمالی: دولت پاراوی)، محمدحسین باقی، انتشارات سراسری.

اوقات فراغتشان نیز اشاره شده است. عمده بخش‌های این مقدمه، ترجمه دو مقاله مفصل است. همچنین لازم به ذکر است، تمام پی‌نوشت‌هایی که در هر صفحه آمده از آن مترجم بوده و تمام پی‌نوشت‌هایی که داخل گیومه و در پایان هر فصل آمده از آن نویسندگان کتاب است. در پایان کتاب هم چند پیوست افزوده‌ام که عمدتاً با اتکا به منابع رسانه‌ای خارجی همچون نیویورک تایمز، سی.ان.ان، رویترز و غیره نوشته شده است. با مطالعه مجموعه گزارش‌ها و مقالات، چکیده‌ای از دل آن‌ها بیرون کشیدم تا بتواند تحولات کره‌شمالی را طی دو سال اخیر یعنی از آغاز مذاکرات کره‌شمالی با آمریکا و به تبع آن مذاکرات دو کره به تصویر بکشد. زبانی که در نوشتن مطالب این پیوست‌ها به کار گرفته شده زبانی خبری - توصیفی با استناد به رسانه‌های خبری خارجی و درحقیقت زبانی ژورنالیستی است، فارغ از نظریه‌پردازی. شاید بتوان این پیوست‌ها را مکمل کتاب حاضر دانست. امید که مقبول اهل نظر قرار گیرد.

محمدحسین باقی

دوشنبه ۲۱ مردادماه ۹۸

مقدمه نویسندگان

آیا می‌دانستید مردمان متوسط کره‌شمالی به روندهای سرمایه‌داری وابسته‌اند؟ یا می‌دانستید لاقل‌نیمی از مردم کره‌شمالی فیلم‌ها و تئاترهای تلویزیونی کره‌جنوبی را می‌بینند و به موسیقی پاپ کره‌جنوبی گوش فرا می‌دهند؟ آیا می‌دانستید سربازان کره‌شمالی زمان بیشتری را صرف کار روی پروژه‌های خصوصی ساخت‌وساز می‌کنند تا توطئه برای تخریب سئول؟ این روزها پیونگ‌یانگ‌شناسی^۱ به صنعتی نو پا تبدیل شده که الهام‌بخش خلق کتاب‌ها، یادداشته‌ها و مطالب روزنامه‌ای و اسناد است. شوربختانه، گزارش‌های معدودی در مورد شرایط روزمره در کره‌شمالی (با توجه به نخبگان پیونگ‌یانگ و شهروندان میانه‌حال) وجود دارد. طبیعی است وقتی از کره‌شمالی سخن به میان می‌آوریم، روی سخن کاملاً بر کیم جونگ اون، ژئوپلیتیک و برنامه‌تسلیمات هسته‌ای رژیم متمرکز شود؛ اما انجام دادن این کار یعنی از دست دادن و نادیده گرفتن حجم زیادی از تغییر داخلی که در بالا و پایین جامعه کره‌شمالی در حال وقوع است. ممکن است موجب تعجب خواننده شود که کره‌شمالی اکنون مکانی تقریباً

1. Pyongyangology

پویاست. نان‌آوران معمول در کره‌شمالی از طریق کار و کاسبی خصوصی امرارمعاش می‌کنند. مردم مشاغل رسمی در کارخانه‌های دولتی دارند، اما برای کار و کاسبی خود رشوه هم می‌دهند. زنان نزدیک به مرز چین شلوارهای جین بدن‌نما - با وجود غیرقانونی بودن این قبیل پوشش‌ها - می‌پوشند. بیشتر جوانان در پیونگ‌یانگ تلفن همراه دارند و وقتی به دنبال روابط عاشقانه برمی‌آیند، از این گزینه برخوردارند که منزل فردی را به مدت یک یا دو ساعت اجاره کنند. فقیر و غنی به یک اندازه از گوش دادن به موسیقی پاپ کره‌جنوبی لذت می‌برند و این کاملاً برخلاف خواسته‌های دولت است.^۱ همچون کل آسیا، مردمان کره‌شمالی به شوهای تلویزیونی کره‌جنوبی معتاد شده‌اند و دی.وی.دی، یو.اس.بی و کارت‌های حافظه از چین تهیه می‌کنند. در بیشتر موارد، وقتی افراد به دلیل در اختیار داشتن این موارد یا انواع دیگری از محتواهای رسانه‌ای متعلق به کره‌جنوبی دستگیر شوند با پرداخت مبلغی رشوه آزاد شده، به دنبال کار خود می‌روند. دلیل این کار این است که طی - بیش از - دو دهه گذشته، جامعه کره‌شمالی به شدت فاسد شده است. درحقیقت، بیشترین تشنگان پول در کره‌شمالی در میان نخبگان و قشر «الیت» هستند؛ یعنی کسانی که از لحاظ ایدئولوژیکی در زمره ناب‌ترین اعضای جامعه‌اند.

گزارش‌های معمول از کره‌شمالی بر حسب هم‌دردی چشمگیر با شهروندانی نوشته می‌شود که مدت‌هاست زیر زجر و فشار امرارمعاش می‌کنند، زندگی

۱. به نظر می‌رسد این محدودیت به تدریج در حال برداشته شدن است؛ به طور مثال برای اولین بار در آوریل ۲۰۱۸ بود که یک گروه موسیقی پاپ از کره‌جنوبی در پیونگ‌یانگ، پایتخت کره‌شمالی و در برابر «کیم جونگ اون» رهبر این کشور به اجرای برنامه پرداخت. این اولین باری بود که رهبر کره‌شمالی در کنسرت موسیقی پاپ از کره‌جنوبی حضور می‌یافت و طی دو ساعت کنسرت هم دست می‌زد و هم با اعضای کنسرت عکس یادگاری گرفت. او حتی از اعضای کنسرت در مورد لحن‌های خوانندگی و اشعار سوالاتی کرد. پس از المپیک زمستانی ۲۰۱۸ در سئول، به نظر می‌رسد یخ‌های روابط دو کشور در حال آب شدن باشد. به این ترتیب، دیدارهای فرهنگی، اعم از کنسرت، تیم‌های ورزشی و... میان دو کشور از سرگرفته شد، اما معلوم نیست این روابط تا کی دوام خواهد آورد؛ برای اطلاعات بیشتر.ک.:

South Korean K-pop stars perform for Kim Jong-un in Pyongyang (1 Apr 2018), <https://www.theguardian.com/world/2018/apr/01/south-korean-k-pop-stars-perform-for-kim-jong-un-in-pyongyang>; Joyce Lee, Why it pays to listen closely to North Korea's modern musical groups (7 Feb 2018), https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/07/02/2018/why-it-pays-to-listen-closely-to-north-koreas-modern-musical-groups/?utm_term=.bfe2b0514311

محقری دارند و روزگار را به‌سختی سپری می‌کنند. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که این افراد و هم‌نوعانشان را در نهادهای دولتی بی‌مسئولیت جلوه دهند و آن‌ها را تا کاریکاتورهای غیرانسانی پایین آورند؛ یعنی پرستندگان شست‌وشوی مغزی شدهٔ کیم ایل سونگ یا قربانیان بی‌پناه دستگاه امنیت دولت. این دومی قطعاً وجود دارد؛ بنابراین ما فصلی را ارائه می‌دهیم در مورد آنچه باعث جرم و مجازات در کره‌شمالی می‌شود. یادآوری این مسئله مهم است که نگرانی اصلی مردمان معمولی و متوسط کره‌شمالی نگرانی‌هایی «معمولی» است، درست مانند دیگر مردمان در سرزمین‌های دیگر. دغدغهٔ اصلی مردم این کشور کسب پول، پرورش صحیح فرزندان و گاهی هم اندکی خوش‌حالی است. به‌طور روزافزون، مردم کره‌شمالی می‌توانند فراتر از چتر دولتی این نیازها را برآورده سازند.

تغییرات اجتماعی اخیر در کره‌شمالی واقعاً دلایلی ترازیک دارد. قحطی دههٔ ۹۰، که در آن ۷۰۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند، پیوند میان مردم و دولت را به‌شدت سست کرد و باعث شد هرکس فقط به فکر حال و روز خود باشد و بس. در نتیجه اکنون دولت - به جای اینکه تنها هماهنگ‌کنندهٔ فعالیت اقتصادی باشد که روزگاری خواستار آن بود - یک بخش از «اقتصاد بازار شبه‌سرمایه‌داری»^۲ است. در سراسر این کتاب، خواننده بر تأثیر قحطی به‌مثابهٔ عامل تغییر اجتماعی و اقتصادی پی خواهد برد. در تمام تاریخ کره، نمونه‌هایی از رویدادهای مصیبت‌بار بوده که موجب تحولات اجتماعی گسترده و درنهایت حرکت‌های غیرمنتظره شده است؛ برای مثال از خاکسترهای جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) نسلی از شایسته‌سالاران و ملت‌سازان به‌شدت مصمم در کره جنوبی برخاستند. نویسندگان بر این باورند که بزرگترین تراژدی کره‌شمالی قحطی - روزگاری باعث اتفاقی مشابه [همچون کره جنوبی] در این کشور خواهد شد و کره‌شمالی

را به سوی ترقی سوق خواهد داد.

با این تفصیل، گزارش دادن در مورد کره شمالی چالشی عظیم است. آمارهای قابل اعتماد در مورد این کشور به چشم نمی خورد. فرصت مردم این کشور برای صحبت در مورد مسائل پیش پا افتاده در خیابان‌های پیونگ‌یانگ و بیان اندیشه‌شان در مورد کیم جونگ اون امری بس نادر است. شاید این فرصت اصلاً دست ندهد. با این حال، به بهترین نحو تلاش کردیم تا جایی که می‌توانیم طی گفت‌وگو با متخصصان - برخی معروف‌اند و برخی دیگر نه - قابل اعتماد و منابعی که از بخش‌های مختلف جامعه کره شمالی استخراج کردیم، تصویر دقیقی از این کشور نشان دهیم. منابع ما شامل این موارد است: برخی اعضای نخبه جامعه پیونگ‌یانگ که هنوز در داخل کشور هستند؛ پناهندگان و فراریان در سنین مختلف با منشأ جغرافیایی مختلف و سال ترک کشور از سوی آن‌ها؛ دیپلمات‌ها و نیروها و کارگران ان.جی.اوها؛^۱ تاجران و برخی مناطق میان‌مرزی مانند یانجی^۲ (شهر چینی در فاصلهٔ چهل دقیقه‌ای از مرز کره شمالی) و همچنین از منابع و متون کاغذی به زبان انگلیسی، کره‌ای و چینی نیز بهره برده‌ایم. به عنوان قاعده‌ای کلی، تصمیم گرفتیم ادعاهایی قابل اعتماد را از سوی سه (یا بیشتر) منبع مجزا و قابل اعتماد در نظر بگیریم؛ البته ممکن است خواننده معیارهای متفاوتی داشته باشد.

1. Non-Governmental Organizations (NGOs)

2. Yanji

فصل اول

بازارهای کره شمالی

چگونه کار می کنند
کجا هستند و گرانی چقدر است؟

«کمونیستی» و «اشتراکی») برچسب‌هایی تاریخ گذشته، برای اقتصاد کره شمالی است؛ اقتصادی که به شدت بر تبادلات بازاری چهره‌به‌چهره و موفق متکی است و مردم در آن محصولات و کالاهای خود را با هدف کسب سود خرید و فروش می‌کنند. تجارت خصوصی در سال‌های اخیر آنچنان شایع شده که در تمام سطوح جامعه از فقیرترین اقشار تا حزب حاکم و نخبگان نظامی ریشه دوانده است. همان‌طور که در بریتانیای دوران ویکتوریا در مورد جنسیت استاندارد دوگانه وجود داشت، در مورد سرمایه‌داری در جمهوری دموکراتیک خلق کره^۱ هم استاندارد دوگانه وجود دارد، درحالی‌که همگان مشغول کسب‌وکارند، تعداد معدودی وجود آن را می‌پذیرند. اگرچه بازارها به شکل‌های مختلف در کره شمالی وجود داشتند؛ کاهش نقش رسمی دولت در فعالیت اقتصادی بدین معناست که تجارت خصوصی هرگز مانند امروز آن قدر گسترده - یا لازم - نبوده است. دلیلش هم ساده است: دولت دیگر نمی‌تواند همچون گذشته و به شیوه‌های گذشته خدمات به مردم ارائه دهد.

همان‌طور که خواهیم دید، قحطی وحشتناک دهه ۹۰ نقطه عطف بود. نرخ منظم عرضه و تأمین مواد غذایی از سوی دولت در این بازه زمانی از میان رفت و هرگز به‌طور کامل بازنگشت. درسی که بازماندگان از این تجربه گرفتند درس خودکفایی بود؛ البته نه خودکفایی از ایدئولوژی «جوچه»^۲ بلکه خودکفایی از

1. Democratic People's Republic of Korea (DPRK)

۲. ایدئولوژی «جوچه» (Juche)، ایدئولوژی حاکم بر کره شمالی است. درحقیقت این ایدئولوژی دکتین ایل سونگ (۱۹۱۲-۱۹۹۴) برای کره شمالی و پیش برد چرخ اقتصاد و سیاست در این کشور بود. «جوچه» یا «اتکا به خود» یعنی این کشور باید از هر قدرت و نفوذ خارجی بی‌نیاز و مستقل باشد. جوچه به نوعی «دیانت» یا «مذهب مختار» در کره شمالی تبدیل شده است. دونالد بیکر، پژوهشگر تاریخ کره معتقد است: «جوچه ابزاری ایدئولوژیکی برای وحدت‌بخشی به کشور محسوب می‌شود. جوچه به ما می‌گوید ما نیازی به خدا نداریم و در عوض به رهبر خود اعتماد و اتکا داریم...» درواقع، جوچه می‌گوید: اگر انسان‌ها سرسپرده کشور خود باشند، به نوعی ابدیت و فناپذیری خواهند رسید. ایل سونگ با حاکم کردن جوچه بر تمام ارکان و جوانب حیات مردم کره شمالی (از سیاست و فرهنگ و اقتصاد گرفته تا خصوصی‌ترین امور مردم) خود نیز جایگاهی خداگونه بدست آورد و رهبر ابدی خوانده شد. دانشکده حقوق دانشگاه کلمبیا در این باره می‌نویسد: «ایدئولوژی جوچه در دهه ۵۰ با هدف قطع نفوذ شوروی شکل گرفت و ابزاری بود در دست کیم ایل سونگ برای تسویه مخالفان و رقبا سیاسی...» این دانشکده می‌افزاید: «این ایدئولوژی در سلسله‌مراتب قدرت در کره شمالی جا افتاد و سلاخی ایدئولوژیک بود برای توجیه دیکتاتوری و طرح جانشینی قدرت پشت درهای بسته، همچنین ابزاری بود برای دستیابی به انقلاب کمونیستی در کره جنوبی.» معمار و پایه‌گذار این ایدئولوژی در اصل هوانگ جانگ یوپ بود که پس از معرفی آن به کیم ایل سونگ، سند آن به نام «رهبر ابدی» کره شمالی زده شد. یوپ در فوریه ۱۹۹۷ از کشورش گریخت و از کره جنوبی درخواست پناهندگی

طریق «سرمایه‌داری به هر شکلی».^۳ دارایی و تجارت خصوصی همچنان غیرقانونی است؛ اما برای کره شمالی پساقحطی فقط یک قاعده اقتصادی واقعی وجود دارد: «قوانین را دنبال نکن».^۴ ۶۲ درصد از فراریانی که در سال ۲۰۱۰ نظرسنجی شدند، اعلام کردند پیش از ترک کره شمالی در کارهایی غیر از مشاغل رسمی شان مشغول بودند و بازار خاکستری^۵ موفقی که از نرخ‌های غیررسمی ارز استفاده می‌کند اکنون روشی «دوفاکتو» برای تعیین قیمت‌ها حتی برای نخبگان حکومتی است.

فروپاشی سیستم

از بدو تأسیس کره شمالی در دهه ۴۰، این کشور تقریباً سال‌ها به لحاظ غذایی خودکفا بود. در دوران «نظام توزیع عمومی»^۵ کشاورزان بخش اعظم تولید خود را به دولت می‌دادند و دولت هم آن را در میان مردم توزیع می‌کرد. در سال‌های اولیه و میانی دوران حکومت کیم ایل سونگ، مردمان کره شمالی ثروتمند نبودند، اما حداقل متحمل گرسنگی جمعی^۶ نمی‌شدند. به گفته چینی‌های قدیمی‌تر که نزدیک مرز کره شمالی زندگی می‌کنند، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در مورد استانداردهای زندگی مردم کره شمالی حسادت می‌ورزیدند. درحقیقت، اقتصاد کره شمالی در اواخر دهه ۵۰، ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ عملکرد نسبتاً خوبی داشت. تا حدود ۱۹۷۳، اقتصاد دستوری کره شمالی براساس سرانه تولید ناخالص داخلی قوی‌تر از اقتصاد سرمایه‌داری کره جنوبی بود. این تاحدی به خاطر شرایط تاریخی بود، به

سیاسی کرد. او پس از پناهندگی اعلام کرد ایدئولوژی جوچه «سلاح دیکتاتوری» است و به صورت حربه‌ای تبلیغاتی برای بیرون راندن رقبا از جمله گروه‌های چپ از کره شمالی به کار گرفته شد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Zack Beauchamp (18 Jun 2018), Juche, the state ideology that makes North Koreans revere Kim Jong Un, explained, <https://www.vox.com/world/17441296/18/6/2018/north-korea-propaganda-ideology-juche>; Juche Ideology, accessed on 3 November 2018, http://www2.law.columbia.edu/course_005_L001_9436/North20%Korea20%materials/3.html.

3. by hook or by crook capitalism

4. gray market

5. Public Distribution System (PDS)

6. en masse

خاطر نزدیکی اش به منچوری و چین، ژاپنی‌های استعمارگر (۱۹۱۰-۱۹۴۵) صنعتی کردن بخش شمالی را برگزیده بودند، درحالی‌که از جنوب به عنوان «منطقه حاصلخیز»^۱ کشاورزی که تغذیه‌کننده دیگر مناطق است استفاده می‌کردند. از این رو، کره شمالی در قالب زیرساخت‌های برتر جلوتر از کره جنوبی بود. این مسئله، در ترکیب با اشتیاق عمومی برای بازسازی ملتی شکست خورده، گسسته و دارای شکاف به پیشبرد اقتصاد کره شمالی در سال‌های اولیه کمک کرد.

یک مؤلفه اساسی دیگر هم در آن موفقیت اولیه وجود داشت، کمک‌های چین و شوروی. طی دوره جنگ سرد، کره شمالی توانست با بازی زیرکانه این دو کشور، از شکاف میان آن‌ها بهره‌برداری کند. در این مثلث روابط عاشقانه،^۲ کره شمالی به دقت از مزایای رابطه با مسکو و پکن نفع برد و نقطه ضعف خود «طعمه‌ای میان نهنگ‌ها»^۳ بودن را به دارایی تبدیل کرد. این استراتژی که در توانایی دائمی این رژیم برای بهره‌برداری از نگرانی‌های چین و ایالات متحده به نفع خودش جلوه می‌یافت، به جریان پیوسته کمک‌ها منتج شد و به این کشور کمک کرد که میزان قوت مردم خود را افزایش دهد. با وجود این به مردم کره شمالی گفته نشد این کمک خارجی است که غذا را سر سفره مردم قرار می‌دهد. دولت این باور را به آن‌ها خوراند که این کمک‌ها از بذل و کرم کیم ایل سونگ است. (۱)

برخلاف انتظارات، کره شمالی موفق شد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ جان سالم به در برد، که تاحدی به دلیل افزایش کمک‌های چین و تاحدی هم به خاطر این حقیقت بود که مردم عموماً به رژیم اعتماد داشتند. (۲) با این حال، کاهش و سپس توقف کلی کمک‌های شوروی، افزون بر سوءمدیریت اقتصادی

1. agrarian breadbasket
2. love triangle relationship
3. shrimp between whales

گسترده در دوران رهبری کیم جونگ ایل، نظام توزیع عمومی^۴ را در معرض خطر قرار داد. کاهش تدریجی در میزان توزیع غذا شکل گرفت؛ به طور مثال در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۹۲ شاهد کاهش ۱۰ درصدی نظام توزیع عمومی هستیم؛ اما تا اواسط دهه ۹۰ سیستم به تدریج شروع به فروپاشی کامل کرد. وضعیت اقتصادی به شدت شکننده شد و کره شمالی تا ۱۹۹۳ وارد دوره کمبود مواد غذایی شد. با مجموعه‌ای از سیل‌های مرگبار در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ که موجب نابودی حدود ۱/۵ میلیون تن غلات شد و بیشتر زیرساخت‌های کشور را نابود کرد، اوضاع به شدت بدتر شد. نتیجه آن، از کف رفتن ۸۵ درصدی قابلیت تولید برق در کره شمالی بود. نظام توزیع عمومی زیر فشاری فزاینده و بی‌سابقه قرار گرفت. در فاصله ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ حجم غذایی که در اختیار مردم قرار گرفت از ۴۵۰ گرم غذا در روز به ۱۲۸ گرم کاهش یافت. در همین دوره، نظام توزیع عمومی از منبع مهم غذایی برای اکثر مردم به منبعی تبدیل شد که تنها ۶ درصد از کل جمعیت می‌توانستند، به آن دسترسی داشته باشند.

نتیجه قحطی جدی در فاصله ۱۹۹۴-۱۹۹۵ بود که جان ۲۰۰ هزار تا ۳ میلیون کره‌ای را گرفت. (۳) دولت کره شمالی این مصیبت را «راهپیمایی طاقت‌فرسا»^۵ می‌نامد؛ نام عملیات جنگی افسانه‌ای که گفته شده است، از سوی کیم ایل سونگ به عنوان مبارز چریک جوان کلید خورد. ممکن است کنایه‌ای سیاه‌آلود تلقی شود که بزرگترین شکست کره شمالی را - و شکستی که به طور اساسی سیستم اقتصادی سوسیالیستی را که کیم ایل سونگ کوشیده بود بسازد پایان داد - در زورق عباراتی زیبا می‌پیچید. گرسنگی به مقیاسی فحیح گریبان جامعه را گرفت. مناطق مرزی و روستایی به شدت متأثر شدند، اما مرگ‌های دسته‌جمعی به خاطر قحطی در تمام بخش‌های کشور از جمله در شهرها و حومه شهرها رخ

4. Public Distribution System (PDS)

5. Arduous March

می‌داد. دولت مردم را به فلاکت انداخته بود و اساساً هرکسی باید از خودش دفاع می‌کرد، حتی اساتید دانشگاه‌های با کلاس در پیونگیانگ - آن هم فقط برای زنده ماندن - به فعالیت‌های بازاری سطح پایین روی آوردند. (۴) برخی در خارج از ایستگاه‌های شلوغ اتوبوس یا دانشگاه‌ها به همسران خود ملحق می‌شدند و سوپ ارزانی^۱ می‌فروختند که محتویاتش آرد و آب بود. اعضای دیگر حلقه‌های نخبگان رده پایین‌تر هم برای فروش اثاث منزل خود با قیمت‌های پایین به بازارهای حاشیه‌ای روی آوردند.

قحطی بذر بازاری شدن^۲ را در کره شمالی کاشت. تنها نخبگان نزدیک به هسته اصلی قدرت^۳ می‌توانستند با اعانه‌های غذایی از سوی دولت گذران زندگی کنند. (۵) درست همانند اساتید دانشگاه که برای زنده ماندن به فروشندگان دوره‌گرد خیابانی تبدیل شدند، اکثر مردمان امروز کره شمالی یاد گرفتند زندگی اقتصادی دوگانه‌ای^۴ را دنبال کنند تا بتوانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند.

این زندگی اقتصادی دوگانه که از ضرورت تراژیک زاده شد، طرحی است که امروز تأثیری چشمگیر بر زندگی توده‌های مردم داشته و وضعیتشان را قابل تحمل‌تر کرده است. افزون بر این، قحطی موجب شد زنان کره شمالی هم توانمندتر شده و به چیزی بیش از زن خانه‌دار تبدیل شوند. بسیاری از آن‌ها به نان‌آوران واقعی خانواده‌هایشان تبدیل شدند. بیشتر زنان‌اند که دگه‌های چنین بازارهایی را اداره می‌کنند، غذا می‌فروشند، در صادرات - واردات در مقیاس کوچک فعال‌اند یا به زوج‌های جوان خانه اجاره می‌دهند. در عوض، تمام این مسائل تأثیر چشمگیری بر نقش زنان در جامعه و حتی بر نرخ طلاق برجا گذاشته است. به طور قراردادی، بخش شمالی کره شمالی جاهل‌مآب^۵ تر از بخش جنوبی این کشور بوده (۶) و

۱. cheap broth: نوعی سوپ که با گوشت و تکه‌های سبزیجات و اغلب برنج طبخ می‌شود.

2. marketization

3. core elite

۴. double life: منظور یافتن دو شغل در دو سطح مختلف است. استاد دانشگاه به فروشندگی خیابانی روی می‌آورد؛ نخبگان حکومتی هم یا به صورت مستقیم در فعالیت‌های بازاری دخیل بودند یا با واسطه‌هایی از آن کسب سود می‌کردند.

5. macho

حتی پس از ورود کمونیسم به کره شمالی نیز (که به لحاظ نظری قرار بود برابری جنسیتی را دنبال کند) زن در این کشور - در نقش دختر، همسر یا مادر - چنان مردان رخ می نمود. امروز این زن از قدرت مستقلی برخوردار است. در گذشته، برای زنان به ندرت اتفاق می افتاد که از بانمال^۶ - شکلی غیررسمی از گویش در زبان کره‌ای - در برابر مردان استفاده کنند، هرچند مردان از این سبک زبانی هنگام صحبت با زنان استفاده می کنند؛ این عرف هم اکنون در حال تضعیف است.

وون (ویوان) به مثابه ارزشی برای خرید و فروش

دولت کره شمالی رابطه‌ای پیچیده و دشوار با این نظم اقتصادی جدید دارد. قلع و قمع سرمایه‌داری در کره شمالی به شدت احتمال قحطی دیگر را - با وجود ناکامی و شکست اقتصاد دستوری و نظام توزیع عمومی - افزایش می دهد. افزون بر این، بسیاری از خودی‌های دولتی هم اکنون از تجارت به مثابه ابزاری برای تولید ثروت استفاده می کنند (در همین فصل توضیحات بیشتری داده خواهد شد). با وجود این، اگر اصلاحات کامل بازاری دنبال شود، موجب دگرگونی‌های گسترده اجتماعی و اقتصادی خواهد شد که موضع دولت را با تهدید مواجه می سازد؛ البته مقام‌های دولتی اصلاح طلب هم در کره شمالی وجود دارند، اما ترسی طبیعی از تغییر در سلسله مراتب بالایی قدرت به چشم می خورد. برای نخبگان حکومتی، لیبرالیزاسیون کامل اقتصادی در نهایت ممکن است به معامله‌ای ختم شود. تعویض مزایای انحصاری با زندان، مرگ یا در بهترین حالت، راننده تاکسی در سئول. (۷)

دولت مشتاق است، نه مسیر کنترل شده چین را برود، نه مسیر هرچ و مرج گونه اروپای شرقی را. برای کنار گذاشتن ایدئولوژی سیاسی به نفع اصلاحات

اقتصادی، تا حد زیادی به سوی کنترل ظهور فعالیت بازارهای خصوصی رفته است؛ برای مثال برخوردهای مقطعی با این بازارها وجود داشته است. سال ۲۰۰۹، بی‌پرده‌ترین اتفاق‌ها برای فعالیت این بازارها رخ داد. در نوامبر این سال اعلام شد ارز ملی - وون کره‌شمالی از طریق حذف دو صفر آخر تمام اسکناس‌ها تعیین خواهد شد. یک اسکناس ۱۰۰۰ وونی باید با یک اسکناس ۱۰ وونی عوض می‌شد. به شهروندان یک هفته مهلت داده شد تا اسکناس‌های پراز صفر قدیمی را با اسکناس‌های جدید عوض کنند. به همین ترتیب، سپرده بانکی ۱۰۰ هزار وونی با یک سکنه به ۱۰۰۰ وون تبدیل شدند. با وجود این، ممکن است کسی در مورد اقدامات و انگیزه‌های دولت حدس و گمان‌هایی بزند؛ اقداماتی که اساساً به‌منزلهٔ ربودن پول^۱ و انتقال ثروت از سوداگران خصوصی به دولت معروف شد؛ چرا؟ زیرا هر فرد تنها مجاز بود حداکثر ۱۰۰ هزار وون را تبدیل کند (براساس نرخ بازار سیاه، این رقم در آن زمان حدود ۳۰-۴۰ دلار آمریکا می‌شد). هرکسی مبلغی بیش از آن داشت - برای افراد درگیر در کسب‌وکار بازاری طبیعی است که چنین مبالغی داشته باشند - می‌دید که اندوخته‌اش نابود می‌شود و یک شبه به باد می‌رود.

نتیجهٔ این کار خشم مردم علیه مقامات بود؛ خشمی که مدت‌ها در کره‌شمالی اثری از آن نبود. با وجود اینکه محدودیت ۱۰۰ هزار وونی به ۱۵۰ هزار وون نقدی و ۳۰۰ هزار وون سپردهٔ بانکی افزایش یافت، ظاهراً نتوانست نارضایتی مردم را متوقف سازد. خبرگزاری چینی شینهوا به هراس عمومی در میان مردمان کره‌شمالی اشاره کرد و گزارش رسانه‌های دیگر هم مدعی این بود که کرورکرور اسکناس قدیمی در اعتراض به کاهش صفرها از واحد پول ملی در آتش می‌سوختمند. اگر مورد دوم درست باشد - از میان بردن اسکناس‌های ۱۰۰، ۱۰۰۰ و ۵ هزار وونی - یعنی تصاویر کیم ایل سونگ در آتش می‌سوزد.

خشم سوداگران معمولی بی‌تردید با این حقیقت درآمیخته می‌شود که نخبگان کره‌شمالی تمایل داشتند دارایی‌های خود را در قالب ارزهای دیگر به ویژه یوان چین حفظ کنند؛ (۸) حتی پیش از حذف صفر، وون کره‌شمالی ارزی نبود که مردم به آن اعتماد چندانی بکنند؛ بنابراین آن‌ها که فرصتی داشتند - مانند مقاماتی که بده و بستان نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی با هم‌تایان چینی خود داشتند - دارایی خود را با ارز خارجی حفظ می‌کردند؛ اما باز هم، نتیجه بلندمدت فشار بر مردم کره‌شمالی حتی فراتر از مدار کنترل اقتصادی دولتی بود. مردم معمولی اکنون یوان و دیگر ارزها را منبعی برای حفظ دارایی‌های خود می‌دانند. آن‌ها آموخته‌اند به دولت و ارز آن - وون - اعتماد نکنند. هم‌زمان، یاد گرفته‌اند تجارت و پس‌انداز با یوان می‌تواند آن‌ها را از پیامدهای غارت و چپاول و بی‌کفایتی‌های آینده دولت در امان نگه دارد. در نتیجه تخمین زده می‌شود که اکثر بده و بستان‌های بازاری در کره‌شمالی با ارزهای خارجی انجام می‌گیرد و در این میان یوان مطلوب‌ترین ارز خارجی است. (۹)

چندان تعجبی ندارد که ارزش غیررسمی بازار خاکستری کره‌شمالی در مسیر کاهش قرار دارد. اگرچه نرخ تبادل رسمی دولتی ۹۶ وون به ازای هر ۱ دلار است - نرخ واقعی در زمان نگارش این کتاب ۸ هزار وون بود - و آن نرخ در سال‌های اخیر به طور چشمگیری با کاهش اعتماد به وون افزایش یافته است. گفتنی است، حتی بانک‌های کره‌شمالی در حال نزدیک‌تر شدن به نرخ بازار سیاه‌اند و اغلب به نرخ تغییر می‌دهند که قیمت‌های بازار سیاه را تحت تأثیر قرار دهند. در منطقه اقتصادی ویژه راسون،^۲ بانک مثلث طلایی^۳ حتی ۱ دلار را با ۷۶۳۶ وون در نیمه اکتبر ۲۰۱۳ مبادله می‌کرد. همچنین گزارش‌هایی وجود دارد که کارگران در مجموعه‌ای از شرکت‌های بزرگ دولتی، مانند معدن آهن موسان^۴

2. Rason

3. Golden Triangle Bank

4. Musan Iron Mine

دستمزدهایشان از ۳-۴ هزار وون در ماه به ۳۰۰ هزار وون در ماه در سپتامبر ۲۰۱۳ افزایش یافت تا بازتابی باشد از ارزش واقعی وون.

قیمت‌گذاری بازار سیاه بر وون در مغازه‌ها و رستوران‌ها در حال تبدیل شدن به امری متداول است؛ برای مثال یک مغازه اسباب‌بازی فروشی در پیونگ‌یانگ قیمت هر توپ بسکتبال را ۴۶ هزار وون قرار داده است و کمتر کسی باور می‌کند یک توپ بسکتبال ۴۰۰ دلار ارزش داشته باشد. در اقدامی مشابه، فروشگاه‌هایی که محصولات معروف غربی، مانند کلوچه‌های پیریچ،^۱ شکلات‌های هرشی،^۲ فیرو روشر^۳ و آب انگور سرس^۴ را می‌فروشند؛ قیمت آن‌ها را بالاتر از نرخ رسمی قرار می‌دهند، اما وون کره‌شمالی را نمی‌پذیرند. (۱۰) همین مسئله در مورد کل فروشگاه آدیداس هم صادق است. فروشگاه‌های مملو از کالاهای ورزشی که از چین (ظاهراً بدون اطلاع آدیداس) آورده می‌شوند، آن هم به قیمت‌هایی که اگر مردم توان خرید با وون را داشته باشند فوق‌العاده سخاوتمندانه است. قیمت‌های پایین وون نشانه‌ای است از اینکه فرد باید پول این اجناس را به ارز خارجی با قیمت دلاری که بازتاب ارزش واقعی آن است، بپردازد. (۱۱) با وجود این، ارزش‌گذاری دوگانه وون کره‌شمالی موجب چانه‌زنی‌های جالبی می‌شود. حمل‌ونقل عمومی همچنان با قیمتی ارائه می‌شود که بازتاب نرخ رسمی است و این یعنی هزینه سفر بسیار کمتر از ارزش واقعی آن است؛ برای مثال هزینه سفر با مترو در پیونگ‌یانگ ۵ وون است؛ یعنی حدود ۵ سنت امریکا با نرخ مبادله رسمی و با نرخ واقعی هم یعنی سفر رایگان. (۱۲)

متأسفانه، همین مسئله در مورد حقوق‌ها هم صادق است. تمام کارگران یا لاقبل بسیاری از آن‌ها، در استخدام دولت‌اند و حقوق آن‌ها براساس ارزش رسمی وون پرداخت می‌شود؛ برای مثال حقوق نیروهای کشوری معمولاً ۱۰۰۰

1. Pepperidge's cookies
 2. Hershey's chocolate
 3. Ferrero Rocher
 4. Ceres grape juice

تا ۶۰۰۰ وون در ماه است. با نرخ رسمی ۹۶ وون به ازای هر دلار این چندان کافی نیست، اما وقتی کسی نرخ تبادل «واقعی» بازار خاکستری را در نظر می‌گیرد، حتی یک مقام بسیار بالا هم کمتر از ۱ دلار در ماه حقوق می‌گیرد. طبق سیستم نظری کمونیستی بهداشت، تحصیل، غذا و مسکن رایگان، چنین حقوقی آن‌گونه که به نظر می‌رسد، فاجعه‌بار نیست، اما تا جایی که می‌دانیم، دولت دیگر نمی‌تواند خدماتی به مردم ارائه دهد (هرچند مسلم است به نخبگان هنوز مقادیری کمک ارائه می‌شود)؛ بنابراین کارگر و خانواده‌اش باید به دنبال روش‌های دیگری برای پول در آوردن - معمولاً در بازار یا با ارائه برخی خدمات - و سیر کردن شکم خود باشند. نتیجه این می‌شود که در کره شمالی همگان از معدنچی گرفته تا معلم مدرسه، زندگی اقتصادی دوگانه دارند؛ یعنی بسیاری در وقت اضافه‌شان برای پول در آوردن یا درگیر کارهایی هستند که پول نقد به دنبال دارد یا در فعالیت‌های بازاری حضور دارند. این پدیده پیامدهایی فوق‌العاده منفی برای توانایی کشور در کارکرد مناسب دارد. از آنجا که تقریباً هیچ‌چیز به مردم پرداخت نمی‌شود، آن‌ها هم انگیزه اندکی برای کار واقعی نشان می‌دهند. پلیس منتظر فرصت برای دریافت رشوه است و بسیاری از کارمندان دولت با دزدیدن اموال محل کار به دنبال کسب پول بیشتر یا صرف آن برای رفع نیازهای خود هستند. کارگر کارخانه حدود ۲ هزار وون در ماه دریافتی دارد؛ بنابراین تعجبی ندارد که گزارش‌های زیادی از کارخانه‌های دولتی وجود دارد که در آن‌ها قطعه فلزی ناپدید می‌شود، کارگزارانش محصولات کارخانه را می‌ربایند و در خفا می‌فروشند. براساس نرخ تبادل رسمی، کارگر کارخانه نمی‌تواند، حتی یک بسته سیگار را با حقوق ماهیانه خود خریداری کند، چه برسد به فندق یا کبریتی برای روشن کردن آن.

بازار جانگ مادانگ

درست همان‌طور که کره شمالی دارای دو نرخ تسعیر ارز است، دارای دو نوع

اقتصاد هم هست: اقتصاد «رسمی» (جایی که مردم در مشاغل دولتی کار می‌کنند و به آن‌ها حقوقی دولتی پرداخته می‌شود) و اقتصاد «بازار خاکستری» که مردم به شیوه‌ای پول درمی‌آورند که کاملاً قانونی نیست؛ اما به طور گسترده‌ای با آن مدارا می‌شود. مورد دوم، اقتصادی است که واقعاً در کره شمالی امروز جریان دارد. عبارتی که برای بازارهای غیرقانونی - اما تحمیل شده - در کره شمالی بکار می‌رود، جانگ مادانگ^۱ است؛ کلمه قدیمی کره‌ای که به شکل تحت‌اللفظی بازار^۲ ترجمه شده است (مردمان کره جنوبی هم از سیجانگ^۳ استفاده می‌کنند که در زبان چینی هم آمده است) و ریشه‌های این کلمات به بازارهای قدیمی کشاورزان کره‌ای بازمی‌گردد. جانگ مادانگ را اغلب می‌توان در چهارراه‌های شلوغ خیابان‌های مسکونی باریک و گل‌آلود در مناطق شهری و روستایی کره شمالی و گاهی در ساختمان‌های خاصی که برای فعالیت بازاری طراحی شده‌اند، مشاهده کرد. این ساختمان‌ها را حتی در گوگل^۴ هم می‌توان دید. آشکارترین نمونه از این بازارها را می‌توان در بازار مسقف و آبی‌رنگ چائه‌ها دونگ^۵ در شهر سینویجو^۶ نزدیک مرز چین یافت. متأسفانه، این ساختمان در نهایت تخریب شد، اما بدین معنا نیست که کسب‌وکار در سینویجو پایان یافته است؛ تجارت و بده و بستان به بخش‌های دیگر شهر منتقل شده است.

مردمی که دگه‌ها یا غرفه‌هایی را در جانگ مادانگ عَلم کنند ملزم به پرداخت مالیات دگه / غرفه به کادرهای حزبی هستند تا بتوانند کسب‌وکار خود را نگه دارند؛ از این رو دولت را در فرایند بازاری شدن هم‌دست خود می‌کنند. در برخی بازارهای بزرگ، سیستم‌های ثبت‌نام الکترونیکی وجود دارد تا رصد کنند

1. jangmadang
 2. marketplace
 3. sijang
 4. Google Earth
 5. Chaeha-dong
 6. Sinuiju

چه کسی مالیات دگه / غرفه را پرداخت کرده است. سوداگرانی که به دنبال مشتریان جدیدند، اغلب کالاهای خود را از مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، از میان رودخانه‌ها، دره‌های پر از گل‌ولای و یا مسیرهای پر از گرد و خاک عبور می‌دهند تا به دست مشتریان خود برسانند. همچنین آن‌ها به این وسیله از دست مقاماتی که می‌کوشند مانع کارشان شوند یا حق و حسابی از آن‌ها بگیرند می‌گیرند. غرفه‌دار یا دگه‌دار معمولاً جانگ مادانگ یک زن از طبقه پایین یا متوسط است که آجوما^۷ - زن متأهل میانسال - نام دارد. با وجود این، از زمانی که «نو کنفوسیوسیسم» رد پای خود را بر سلسله چوسان^۸ (۱۳۹۲-۱۹۱۰) بر جای گذاشت، فرهنگ کره‌ای همواره مردمحور بوده است - زن ایده‌آل در قاموس آنان کسی است که به منزله زن خوب، مادر عاقل^۹ می‌زیست و عمل می‌کرد - و اصولاً در میان جمعیت دهقانان این تصور وجود داشت که زنان تاجران بازاری، نه مردان. در کره شمالی امروز، زنان فقیر کهنسال در گوشه‌های خیابان سبزی و کیک برنج^{۱۰} می‌فروشدند و در خارج از ایستگاه‌های مترو هم با سبدهایی مملو از چتر در روزهای بارانی ظاهر می‌شوند. به این دلیل، تعجبی ندارد که تاجران و کاسبان جانگ مادانگ در کره شمالی معمولاً زن هستند.

دلیلی مضاعف هم وجود دارد دال بر اینکه آجوماها بر جانگ مادانگ مسلط‌اند. در کره شمالی، بزرگسالان به واحدهای کارگری گمارده می‌شوند تا در ازای دریافت دستمزدهای رقت‌انگیز برای دولت کار کنند. با این حال، زنان

7. ajumma

۸. Joseon dynasty که به آن Chosŏn or Choson هم گفته می‌شود. حکومت چوسان در ۱۳۹۲ میلادی توسط ژنرال یی سونگ گی در کره تشکیل شد. حکومت چوسان تا اکتبر ۱۸۹۷ میلادی به حیات خود ادامه داد و طی این مدت، ۲۶ پادشاه حکومت کردند. پایتخت این سلسله شهر هان سونگ (ستول امروزی) بود. در این دوره، دین کنفوسیوس رسمی کشور شد. همچنین در این دوره، ژاپن به کره حمله کرد؛ ولی به دلیل کمک چین به کره، ژاپن در این حمله ناکام ماند. در این دوره، نفوذ چین در کره افزایش یافت به طوری که در قرن هفدهم میلادی، پادشاهان چوسان تنها رؤسای پوشالی بودند و قدرت اصلی در دست چینی‌ها بود و کره از چین تبعیت می‌کرد؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Kallie Szczepanski (Updated 14 June 2017), the Joseon Dynasty in Korea, <https://www.thoughtco.com/the-joseon-dynasty-in-korea195719->; Chosŏn dynasty, accessed on 9 November 2018, <https://www.britannica.com/topic/Choson-dynasty>

9. hyonmoyangcho

10. rice-cakes

متأهل از این مسئله معاف‌اند. این بدین معناست که آن‌ها آزادند به عنوان تاجر و کاسب بازار فعالیت کنند؛ بنابراین آن‌ها می‌توانند سهم چشمگیری از آنچه همسرانشان بدست می‌آورند کسب کنند و همین مسئله، زنان را به نان‌آوران خانواده تبدیل کرده و وضعیت سنتی کره‌ای شوهر-همسری [مرد و زن] را به چالش کشیده است. با وجود این افراد بسیاری با مشاغل رسمی در تجارت و کاسبی در بازار هم دخیل‌اند؛ برای مردان غیرممکن نیست که در تجارت و کسب‌وکار به زنان ملحق شوند، بلکه این ملحق شدن اندکی دشوارتر است. گاهی، مردم چند ماهی به بهانه انجام دادن خدمات پزشکی از واحدهای کاری‌شان غایب می‌شوند. دلیل این غیبت هم چیزی نیست جز اجرای دادوستد در بخش‌های دیگر کشور. همه این را می‌دانند، اما هیچ‌کس واقعاً به آن وقعی نمی‌نهد. این فرد در آخر گزارشی از روند درمان خود به واحد کار محلی ارائه می‌دهد و در جلسه خود انتقادی حضور می‌یابد یا پیش از حضور دوباره در کار معمولشان مقداری رشوه می‌پردازد؛ (۱۳) اما این تاجران و کاسبان جانگ مادانگ چه می‌فروشند؟ چنان‌که انتظار می‌رود، تمرکز بر روی چیزهای اساسی است. سیگارهای کره‌شمالی بسیار ارزان است، اما قیمت سیگارهای چینی و روسی از ۲ هزار وون (۰/۲۵ دلار) تا ۲۰ هزار وون (۲/۵۰ دلار) - بسته به برند آن - متغیر است. یک بسته شکلات ۳ هزار وون (۰/۳۸ دلار) آب می‌خورد و یک کیلو برنج نیز معادل ۵ هزار وون (۰/۶۳ دلار) است. کواکولای امپریالیست‌های امریکایی کاملاً در دسترس است و قیمت آن به‌ازای هر بطری ۶ هزار وون (۰/۷۵ دلار) است و این قیمت تفاوت چندانی با سوپرمارکت‌ها در جاهای دیگر ندارد. بطری‌های آبجوی چینی مانند سینگ‌تائو^۱ یا هاربین^۲ ۴ هزار وون (۰/۵۰ دلار) قیمت دارد، کاسه‌های ماکارونی^۳ معادل ۷ هزار وون (۰/۸۸ دلار)

1. Tsingtao
2. Harbin
3. noodles

قیمت دارد و یک قهوه فوری کوچک چینی هم ۱۰ هزار وون (۱/۲۵ دلار) آب می خورد. به دلیل بی ثباتی شدید وون کره شمالی، تمام این قیمت‌ها در زمانی که شما این کتاب را می خوانید ممکن است تغییر کند.

تصویر زنی میانسال که سیگار و ظرف کوچک ماکارونی را در غرفه‌ای کوچک کنار خود گذاشته است و می فروشد، تصویری متأثر کننده است؛ اما عقل اقتصادی عمده‌فروشان را که از آن‌ها خرید می شود نباید دست کم گرفت؛ برای مثال تاجران برنج (به طور غیرقانونی) رادیوهای خارجی را رصد می کنند تا در مورد کشتی‌های کمی به کره شمالی اطلاعاتی کسب کنند. (۱۴) اگر کشتی حامل بار در راه باشد، قیمت بازاری برنج به دلیل انتظار افزایش عرضه سقوط خواهد کرد و سپس مسابقه فروش پیش از رسیدن برنج به دست کسی شروع می شود. عرضه گسترده کود هم تأثیری مشابه بر بازار گذاشته و بر افزایش تولید برنج هم اثر خواهد کرد. برنج همواره در زندگی مردم کره شمالی نقشی اساسی داشته؛ بنابراین افزایش قیمت آن فوق‌العاده محل توجه است. دولت تولید برنج مکفی ندارد (۱۵) و به کمک و واردات برای جبران کسری‌ها وابسته است.

تجارت جانگ مادانگ در تمام کشور به امری متداول تبدیل شده است؛ حتی در پیونگیانگ، جایی که کنترل دولتی و وفاداری به دولت قدرتمند است، تقریباً هر خانواده اعضایی دخیل در چنین فعالیت‌هایی دارد. راهنماهای تورها - افرادی که اعتماد قاطع رژیم را با خود دارند - نزد بازدیدکنندگان خارجی تصدیق می کنند که اعضای خانواده‌شان در فعالیت جانگ مادانگ دخیل اند یا اینکه از آن‌ها خرید می کنند؛ حتی اگر کسی کالایی برای فروش نداشته باشد، می تواند در فرایند انتقال و حمل و نقل آن کالاها، تهیه آن‌ها یا چرب کردن سبیل مقامات مشارکت داشته باشد تا اجازه دهند همه چیز در روال خود قرار بگیرد و تجارت ادامه یابد. در حالی که آجوما چهره عمومی کسب و کار است، بستگان و دوستانش در پشت پرده به او کمک خواهند کرد. آن‌ها هم ممکن است سهمی در این

بده‌وبستان داشته باشند. هزینه بسیاری از دکه‌ها یا غرفه‌های جانگ مادانگ از سوی افرادی که دور هم جمع شده‌اند تأمین می‌شود تا بتوانند مالیات‌ها را بپردازند و سهمی هم برای خود بردارند؛ حتی تاجر نبودن می‌تواند خطرناک هم باشد. خانواده‌های با درآمد متوسط و بالا که در این کسب‌وکارها مشارکت فعالانه ندارند، با خطر بازجویی از سوی مقامات مواجه می‌شوند. چنین خانواده‌ای احتمالاً دارای منبع چندان قابل قبولی از درآمد - مانند دریافت نقدی از بستگان فراری که در کره جنوبی زندگی می‌کنند - نخواهد بود. افراد بسیار زیادی وجود دارند که به مقامات دولتی در مورد همسایگانی که پول دارند؛ اما هیچ نفع اقتصادی روشنی ندارند گزارش می‌دهند. این امر موجب وضعیتی متناقض در کره شمالی می‌شود که براساس آن، برخی خانواده‌ها تظاهر به مشارکت در کاپیتالیسم می‌کنند تا از سوءظن دولت در امان بمانند.

دنبال کردن رد پول

اما در مورد آن منابع درآمدی کمتر قابل تحمل چطور؟ حدود ۲۴ هزار شهروند فراری کره شمالی در کره جنوبی زندگی می‌کنند - برابر با ۱/۰ درصد از جمعیت تقریباً ۲۵ میلیونی کره شمالی و بیش از این میزان نیز در چین. با وجود این، زندگی آن‌ها اغلب سخت است و باید از پایین‌ترین سطوح نردبان اقتصادی و اجتماعی از نو شروع کنند و پولی هم که از قبیل کارهای ابتدایی و دون پایه بدست می‌آورند تفاوت چشمگیری در زندگی خویشان و بستگان‌شان در کره شمالی به وجود می‌آورد. تخمین زده شده که انتقال پول به کره شمالی از سوی فراریانی که در کره جنوبی کار می‌کنند بالغ بر ۱۰-۱۵ میلیون دلار در سال است؛ البته مبلغ کلانی نیست، اما اگر این رقم به‌ازای یا بر مبنای هر خانواده در نظر گرفته شود، تأثیر بالقوه آن را نباید نادیده گرفت. معمولاً فرد فراری که پولی را به کشورش می‌فرستد چیزی حدود ۱ میلیون وون کره جنوبی (کمتر از ۱۰۰۰ دلار) در سال را

منتقل خواهد کرد. در کشور فقیری مانند کره شمالی، چنین ارقامی شگفت‌انگیز است. (۱۶) افزون بر این، به گفته مرکز داده‌های پیمایش حقوق بشری کره شمالی^۱ در سال ۲۰۱۱، ۱۲/۵ درصد از کسانی که پول می‌فرستادند بیش از ۵ میلیون وون کره جنوبی در سال را به موطن خود منتقل می‌کردند. این جابجایی‌ها همچنین به برخی افراد کمک کرده است تا در اقتصاد خاکستری در حال گسترش وارد کار و فعالیت شوند. اگر روزگاری داشتن عضو فراری در کره جنوبی کسر شأن و خیانت محسوب می‌شد، امروزه داشتن بستگان فراری در کره جنوبی نه تنها تعجبی ندارد، بلکه امری مطلوب هم تلقی می‌شود، اما حس غرور از داشتن چنین عضوی آشکارا ابراز نمی‌شود، چرا که عواقبی به دنبال دارد.

هیچ سیستم رسمی برای انتقال و جابه‌جایی این پول به کره شمالی وجود ندارد. انتقال پول میان دو کره در نظر هر دو کشور غیرقانونی است (هرچند مقامات کره جنوبی تمایل بیشتری دارند تا بر انتقال این وجوه به همسایه شمالی چشم بر بندند و به قول معروف زیر سیلی رد کنند). با این حال، شبکه‌هایی از عوامل وجود دارند که روش‌هایی سریع و مؤثر برای جابه‌جایی این پول طراحی کرده‌اند، البته رایگان. فرد فراری برای انتقال این پول و رساندن آن به دست خانواده‌اش بعضاً تا ۳۰ درصد پول را کمیسیون می‌پردازد؛ بنابراین از هر ۱ میلیون وونی که به کره شمالی فرستاده می‌شود، شاید فقط ۷۰۰ هزار وون به دست خانواده فرد مورد نظر برسد. مقدار این کمیسیون نشان‌دهنده کمبود خدمات و البته خطرهایی است که این انتقال در پی دارد. معمولاً گام اولی که آن فراری باید انجام دهد یافتن واسطه در کره جنوبی است که این واسطه بر اساس توصیه‌های شخصی اعضای دیگر جامعه فراریان انتخاب می‌شود. فرستنده، پول را به واسطه تحویل خواهد داد. واسطه هم این پول را به حسابی در چین منتقل می‌کند. نماینده یا عاملی دیگر، احتمالاً یکی از اقوام چینی که در کره شمالی

1. Database Center for North Korean Human Rights Survey

زندگی می‌کند - و به واگیو^۱ معروف است - (۱۷) از طریق بانک اطلاعات موبایلی در تلفن هوشمندش در چین کنترل می‌کند که آیا پول رسیده است یا نه. سیگنال‌های شبکه موبایلی چین در شهرهای مرزی کره شمالی دریافت می‌شود؛ بنابراین این کار بدون خروج عامل از کره شمالی می‌تواند انجام بگیرد. پول در حساب چین دست‌نخورده باقی می‌ماند و آن عامل معادل آن پول را به صورت نقد از اندوختگاه خود در کره شمالی به صورت یوان پرداخت می‌کند. اگر دریافت‌کننده محلی باشد آن عامل ممکن است خودش به صورت نقد به او پرداخت کند؛ اگر محلی نباشد، (۱۸) عاملی دیگر - این بار یک کره‌ای - برای تحویل پول به منطقه موردنظر به خدمت گرفته می‌شود.

ویژگی مهم این سیستم، این حقیقت است که عاملان همچنین ترتیب تماس‌های تلفنی میان گیرنده و فرستنده را هم برقرار می‌کنند. کل این فرایند معمولاً با گفت‌وگوهای مختصر و سریع میان اعضای خانواده صورت می‌گیرد. این عاملان نه تنها می‌توانند پول به کره شمالی منتقل کنند؛ بلکه می‌توانند تلفن‌های همراه چینی، نامه‌ها و دیگر اقلام را هم قاچاق کنند. به ویژه در مورد کره‌ای‌هایی که نزدیک مرز زندگی می‌کنند، این کار ابزاری دست‌آنها می‌دهد تا بتوانند تماس‌های تلفنی کوتاه با کره جنوبی برقرار نمایند. (۱۹) این واسطه‌ها سرعت عمل دارند؛ اما باز هم، کره‌ای‌هایی که نزدیک مرز زندگی می‌کنند از مزیتی دیگر برخوردارند، ممکن است به فاصله چند ساعت از یکی از اقوام در سئول کُپه‌ای از پول نقد به آنها داده شود. یکی از کارگران شاغل در یک ان.جی.او در سئول که به فراریان کره شمالی کمک می‌کند، می‌گوید: «این کار سریع‌تر از اتحادیه اروپاست». اینها قابل اعتمادتر از چیزی است که تصور می‌کنید. با وجود ماهیت لزوماً غیرقانونی فرایندهای انتقال، گزارش‌های اندکی از گم شدن یا ناپدید شدن پول در راه وجود دارد.

1. hwagyo

یک مرز اقتصادی

مگر مرزها به شدت محافظت شده نیست؟ چگونه قاچاقچی چینی از مرز کره شمالی می‌گذرد؟ با توجه به تصویر توتالیتری از کره شمالی، طبیعی است چنین سؤالی پرسیده شود؛ اما مرز چین - کره شمالی، بسیار پُرمنفذ است. منطقه غیرنظامی،^۲ منطقه‌ای در مدار ۳۸ درجه میان دو کره که شبه‌جزیره کره را تقریباً به دو قسمت تقسیم می‌کند و نقش حائل را میان دو کشور دارد، علی‌رغم نامش یکی از نظامی‌ترین مناطق دنیاست. از نظر مردمان کره شمالی مرزی «مناسب» است، مرز شمالی بیشتر شکافی اقتصادی است. در منطقه غیرنظامی، صدها مایل سیم خاردار، حصار و مین وجود دارد که عبور از این منطقه را برای شهروندان دو کره غیرممکن و خارج از دسترس ساخته است؛ اما گذرهای مرزی چین - کره شمالی، هر دو رسماً تحریم شده‌اند. در سال ۲۰۱۲، حدود ۱۳۰ هزار شهروند کره شمالی به صورت قانونی از چین بازدید کردند. آن‌ها از مجوزهایی استفاده می‌کردند که از سوی دولت اعطا شده بود. دریافت چنین مجوزهایی از طریق کانال‌های رسمی چند ماه طول می‌کشد، اما با رشوه ۵۰-۱۰۰ دلاری به راحتی و مستقیم می‌توان دریافت کرد. (۲۰)

این بدین معنا نیست که فرد با میل و اراده و دلخواه خود از مرز عبور کند. مردم معمولی کره شمالی با تلاش برای ورود به چین آن هم بدون ترتیب دادن مقدماتی بیش از آن، ریسک بزرگی را به جان می‌خرند. به ویژه از روزهای آخر عمر کیم جونگ ایل و روزهای آغازین حکمرانی کیم جونگ اون، امنیت مرزی سفت و سخت‌تر شده و فرار از کشور را دشوارتر و خطرناک‌تر ساخته است. برای کسانی که پول و ارتباطات دارند، مسائل تا حدودی سراسرتر می‌شود. تاجران چینی و کره‌ای که بده و بستانی نیمه خصوصی در چین دارند ممکن است

2. De Militarizes Zone (DMZ)

بتوانند از مرز عبور کنند؛ اما محتمل تر است که شهروندان کره‌ای پرواز با هواپیما از پکن را به عبور زمینی ترجیح دهند. تاجران چینی رفت و آمد منظمی در شهرهای مرزی مانند داندونگ^۱ دارند و با خود تمام اقلام مورد نیاز مردم کره شمالی را به همراه می‌آورند.

برنج کوکو^۲ در کره جنوبی پخت می‌شود و در بسیاری از خانه‌های مردمان کره شمالی که درآمد بالایی دارند نیز جایگاه خاصی دارد. بده و بستان زیادی میان کره شمالی و چین وجود دارد و حتی کالاهایی به طور خاص برای بازارهای کره شمالی ساخته می‌شود، مانند تلویزیون‌هایی که با ولتاژ بسیار پایین برق هم کار می‌کنند. اگرچه حجم کلی تجارت بالاست؛ عمدتاً این حجم از تجارت از سوی تاجران خرده‌پا و کوچک انجام می‌گیرد تا رصد تحریم‌های کالایی سازمان ملل را دشوار سازد. (۲۱)

رشوه دادن برای عبور از مرز امری شایع برای شهروندان معمولی کره شمالی است. فرایندی کاملاً جاافتاده وجود دارد که به وسیله آن یکی از اعضای خانواده به کره جنوبی می‌رود و با هدف خاص تسهیل در فرار اقوامش [به هر جایی] شروع به ارسال پول می‌کند. واسطه‌ها هم با ارتباطات خوبی که دارند و در ازای مبلغی که می‌گیرند آن‌ها را از مرز به چین منتقل می‌کنند. در این فرایند که «بسته ابتدایی فرار»^۳ نام دارد، فراری جدید با ابزار و وسایلش در چین به حال خود رها می‌شود تا سفر طولانی و خطرناک از چین به کشورهای دیگری مانند تایلند یا مغولستان را با عبور غیرقانونی از مرزها آغاز کند؛ اما بسته طلایی^۴ هم وجود دارد (که ممکن است ۱۰ هزار دلار تمام می‌شود)، به فردی که قصد فرار دارد سرویس «اسکورت» از منزل تا پکن را ارائه می‌دهد و نیز مستندات جعلی لازم را هم برای سوار کردن آن‌ها به هواپیما و انتقالشان به سنول فراهم می‌کند. افزون بر این،

1. Dandong
 2. "Cuckoo" brand of bapsot
 3. basic defection package
 4. gold packages

جغرافیای منطقه هم زمینه و ابزار لازم را برای فرار از مرز فراهم می‌کند. حدود ۳۲۰ مایل (۵۲۰ کیلومتر) در امتداد رودخانه طولانی «تومن» در منتهی‌الیه شمال شرقی مرز وجود دارد که شکافی میان دو ساحل [چین و کره شمالی] ایجاد کرده و بسیار کم عمق است، به گونه‌ای که ناظران در سمت ساحل چین به راحتی می‌توانند افراد را در سوی ساحل کره شمالی ببینند، افرادی که در خانه‌هایشان مشغول شستن و آویزان کردن رخت و لباس خود هستند؛ حتی در مناطق بزرگتر، عمق نسبتاً کم رودخانه، یخ زدن احتمالی‌اش در زمستان و بخش‌های صخره‌ای و ماسه‌ای مختلف آن عبور از این رودخانه را با وجود حضور گارد مرزی امری آسان کرده است.

منبع رودخانه تومن، پائک توسان^۵ است؛ مقدس‌ترین کوه در فرهنگ کره و زادگاه افسانه‌ای مردم کره. در اینجا بود که به هوانونگ،^۶ فرزند هوانین^۷ (خدای بهشت)،^۸ گفته شد به زمین فرود آید تا «سین سی»^۹ (شهر خدا)^{۱۰} را بنا کند. دانگون،^{۱۱} فرزند او هم، بعداً اولین پادشاهی کره را با عنوان گوجوسئون^{۱۲} در شهری به نام آن «آسادل»^{۱۳}، نزدیک پیونگ‌یانگ امروزی تأسیس کرد. طبیعی است که پروپاگاندا رسمی کیم جونگ ایل (به دروغ) مدعی زاده شدن وی در پائک توسان است. در حالی که پائک توسان به همان اندازه که برای خانواده کیم مهم است برای افسانه‌سازی در کره هم اهمیت دارد؛ اما رودخانه‌ای که از آن کوه سرچشمه می‌گیرد منبعی از فرصت برای بسیاری از مردم کره شمالی است که در جست‌وجوی زندگی جدید دور از کشور خود هستند.

5. Paektusan

6. Hwanung

7. Hwanin

8. Lord of Heaven

9. Sinsi

10. City of God

11. Dangun

12. Gojoseon

13. Asadal

مشارکت‌های عمومی - خصوصی

بیشتر توجهی که به سرمایه‌داری جدید^۱ کره‌شمالی معطوف می‌شود بر مردم معمولی متمرکز است که اکنون می‌توانند از طریق تجارت جانگ مادانگ، صادرات و واردات در مقیاس کوچک و فروش خدمات (مثلاً تعمیر دوچرخه) پولی بدست آورند؛ اما بده و بستان و کسب‌وکار پایین به بالا در کره‌شمالی در اندازه و مقیاس آن قدر پیش افتاده است که برخی به آن مشارکت عمومی - خصوصی^۲ نام داده‌اند. از اواسط دهه ۹۰ به این سو، دولت کره‌شمالی تقریباً در وضعیت درماندگی کامل اقتصادی بوده است؛ البته این رژیم کنترل سیاسی قدرتمندی به ویژه در پیونگیانگ دارد؛ اما دولت مرکزی نمی‌تواند درآمد مستقیم مکفی یا مالیات بر درآمد را برای تأمین مالی ساختمان‌ها، وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌ها و کمیته‌های بدست آورد. به دلیل فقدان این تأمین مالی از سوی دولت مرکزی، سازمان‌های دولتی با تشکیلات عریض و طویلشان به حال خود رها شده‌اند و اگرچه تأمین و تدارک خدمات دولتی به مردم در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است، همچنان باید کارکرد خود در سطح اساسی و ابتدایی را حفظ کند. آن‌ها [دولت و سازمان‌های دولتی] همچنان باید حقوق کارمندان خود را بدهند یا اینکه راهی برای کارمندانی که دریافتی‌های رسمی رقت‌انگیزی (چند دلار در ماه به نرخ بازار سیاه (۲۲)) دارند بیابند تا حقوقشان پرداخت شود. راه‌حل‌های موقت یا موردی^۳ برای مقامات همانا شروع کسب‌وکار نیمه‌خصوصی زیر چتر سازمان مربوط به خودشان است؛ بنابراین تصادفی نیست که فهرست دعوتنامه‌های کیم جونگ ایل از طرف‌های معروف مورد قبول در دهه ۹۰ شروع به تغییر کرد. این دعوتنامه‌ها محدود بودند به اسامی

1. new capitalism

2. public-private partnerships

3. ad-hoc solution

مقامات مورد اعتماد او اما از آن زمان به بعد چهره‌های مطلوب او کسانی شدند که بتوانند برای او ایجاد درآمد کنند.

بی‌تردید هیچ سیستم رسمی در این مورد وجود ندارد که نشان دهد چگونه این کسب‌وکارها شروع شده و چگونه عملیاتی شدند و هیچ نمونه خاصی هم از آن وجود ندارد؛ اما یک مورد موفق را می‌توان در مورد زیر دید، یک عضو از یک نهاد دولتی (مانند کمیسیون دفاع ملی که اعضای ارشدش به گفته یک منبع «هر کاری بخواهند می‌توانند انجام دهند») با ارتباطات و مجوزهای خوب سیاسی برای سفر به خارج به دنبال سرمایه‌گذاری‌های مشترک یا فرصت‌های صادرات و واردات در چین یا حتی سرزمین‌های دورتر بر خواهد آمد. غذا، منابع کشاورزی، دارو و کالاهای لوکس مصرفی مواردی مهم تصور می‌شوند. وقتی طرح یا برنامه‌ای شکل می‌گیرد، یک شرکت رسمی دولتی شروع به تعقیب و دنبال کردن فرصت می‌کند، زیرا شرکت‌های خصوصی همچنان غیرقانونی تلقی می‌شوند. با وجود این برخی عائدات به جیب دولت می‌رود. از آنجا که کره شمالی هیچ سیستم بانکداری ندارد، شرکت‌ها اغلب پول نقد فراوان نگه می‌دارند و سوابق مالی را در دفاتر قدیمی به شکل دستی ثبت و ضبط می‌کنند؛ بنابراین شرکتی بسیار سودآور می‌تواند به راحتی به شرکتی تقریباً سودآور تبدیل شود و به اداره‌کنندگان آن کسب‌وکار اجازه دهد ۶۰-۷۰ درصد درآمد را خودشان بردارند و الباقی به سایرین و دیگر مقامات برسد و از آنجا که سیستم اقتصادی کره شمالی کاملاً دولتی نیست، هیچ‌کس نمی‌تواند آن «خودی‌مورد حمایت^۴» را از مشارکت در فعالیت اقتصادی در سایه باز دارد. در این صورت، به گفته یک منبع مطلع، سازمان مورد نظر می‌تواند پول اندکی برای کمک به تأمین بودجه‌اش کسب کند. پایه‌گذاران می‌توانند ثروتمند شوند و مدیران و مقامات اجرایی (که معمولاً کارمندان همان وزارتخانه‌اند)

می‌توانند به ترتیب ۳۰۰ تا ۵۰۰ دلار در ماه در موارد موفق بدست آورند. این رقم به اندازه دریافتی یک مدیر در کره جنوبی هم نیست؛ اما در کره شمالی می‌تواند استاندارد بسیار مؤثری برای زندگی باشد. (۲۳) افزون بر این، مدیران با استعداد می‌توانند نزد رؤسای خود لابی کنند تا اجازه تأسیس شرکت‌های تابعه خود را بدست آورند؛ این کسب اجازه یک یا دو سال طول می‌کشد (و البته رشوه‌هایی هم می‌طلبند)؛ اما ارزش انتظار کشیدن را دارد.

همچون درآمدها، تولید هم می‌تواند ناچیز پنداشته شود. تولید کشاورزی یا کالاهای ساخته‌شده در کارخانه‌های دولتی، به این صورت می‌تواند «ناپدید شوند» و به مقام / بنگاه دولتی اجازه دهند سود خود را کسب کنند. این محصولات پیوسته در جانگ مادانگ عرضه می‌شوند. با این حال، سوداگران نخبه^۱ که نسبت به آجوماهای معمولی جانگ مادانگ از طبقه اقتصادی - اجتماعی متفاوتی هستند، روش‌هایی برای اجرای تجارت با آن‌ها خواهند داشت. از این رو برآورد می‌شود ۲۰ درصد از تولید جانگ مادانگ داخلی باشد و الباقی عمدتاً از چین است. از آنجا که تمام شرکت‌ها رسماً دولتی‌اند، امنیت بنگاه‌ها به قدرت فردی و ارتباطات آن‌ها بستگی دارد. رقابتی شدید بر سر این مسئله جریان دارد که چه کسی فرصت‌های طلایی را می‌ریابد. بنگاهی که می‌خواهد سر پا بماند به اسپانسر نیاز دارد؛ یعنی به فردی بسیار قدرتمند که از اعتبار و جایگاه آن بنگاه محافظت کند. این به طور طبیعی به معنای «باج سبیل» دادن است؛ یعنی شما باجی به آن فرد قدرتمند می‌دهید تا وی در ازای آن از بنگاه شما محافظت کند. به یک معنا، رهبری عالی کره شمالی هم نقش پشتیبان خواهد داشت. آن‌هایی هم که در رأس هستند بده و بستان خاص خود را دارند. پیش از بازی قدرتی که موجب حذف شوکه‌کننده و اعدام جانگ سونگ

1. elite trader

تائک^۲ در دسامبر ۲۰۱۳ شد - وی شوهر عمه^۱ کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی بود - تائک منافع تجاری گسترده‌ای داشت و شبکه دارایی‌های نقدی و غیرنقدی او حدود ۸۰ میلیون دلار - براساس یک ارزیابی بسیار محافظه کارانه - تخمین زده می‌شد؛ برای مثال تائک مالک هتل‌های لوکس در چین بود و بخش زیادی از تجارت مرزی کره شمالی چین را در کف قدرت خود داشت. بیوه‌اش، کیم کیونگ هویی^۳، هم شرکت آب معدنی کانگسو یاکسو^۴ و شرکت هاندانگوا^۵ را در کنترل داشت که فروشگاه‌ها را مدیریت می‌کرد. او در تجارت رستوران‌های آن سوی دریای کره شمالی هم ذی‌نفع بود. همچنین خانم (هویی) تا همین

۲. جانگ سونگ تائک، شوهر عمه کیم جونگ اون، رهبر فعلی کره شمالی بود. او در زمره مقاماتی قرار داشت که همواره در کنار «اون» دیده می‌شد. برخی او را قدرت اصلی پشت پرده می‌دانستند. وی پس از برکناری از قدرت در دادگاه به رشوه‌خواری و کودتا علیه حکومت متهم و اعدام شد. برخی می‌گویند او با گلوله اعدام شد و برخی انداختن او در قفس ۱۲۰ ساگ را که پنج روز گرسنه نگه داشته بودند، از روش‌های ترور و اعدام او می‌دانند. از او به عنوان «نفر دوم قدرت» یا «مرد در سایه قدرت» در کره شمالی نام برده می‌شد. پس از حذف تائک، ترکش‌های اعدام او خانواده‌اش را هم بی‌نصیب نگذاشت. از میان آن‌ها می‌توان به اعدام جونگ یونگ جین، شوهر خواهر جانگ سونگ تائک سفیر کره شمالی در کوبا و اعدام جانگ یونگ چول، برادرزاده جانگ سونگ تائک سفیر کره شمالی در مالزی اشاره کرد. برای گزارش کامل پیرامون سوانح احوال او، ر.ک.:

Choe Sang-Hun (12 March 2016), In Hail of Bullets & Fire, North Korea Killed Official Who Wanted Reform, <https://www.nytimes.com/2016/03/12/world/asia/north-korea-executions-jang-song-thaek.html>;
N. Korean media confirm leader's uncle Jang Song Thaek ousted (8 Dec 2013), https://www.upi.com/Top_News/World-News/08/12/2013/N-Korean-media-confirm-leaders-uncle-Jang-Song-Thaek-ousted/21031386564795/

۳. کیم کیونگ هویی (Kim Kyong Hui)، عمه حدوداً ۷۰ ساله دیکتاتور کره شمالی، تا زمان اعدام شوهرش، جانگ سونگ تائک، در دسامبر ۲۰۱۳ از جایگاهی قدرتمند در این کشور کمونیستی برخوردار بود. گفته می‌شود وی به همراه همسرش نقش بسزایی در به قدرت رسیدن «کیم جونگ اون»، کوچک‌ترین فرزند کیم جونگ ایل، رهبر سابق کره شمالی داشتند. شایعات در مورد مرگ او بسیار است. رسانه‌هایی مانند تلگراف، سی.ان.ان، فاکس نیوز و جوسون ایلبو هریک روایتی از ناپدید شدن «هویی» ارائه می‌دهند. برخی می‌گویند وی در جریان مکالمه تلفنی بسیار مشاجره‌آمیز با برادرزاده‌اش، یعنی کیم جونگ اون در خصوص اعدام شوهرش، سکنه کرد و درگذشت. برخی دیگر می‌گویند پس از اعدام شوهرش، او هم دچار سکنه قلبی شد و درگذشت؛ روایت دیگر می‌گوید «هویی» به دلیل افسردگی شدید، اعتیاد به الکل و ناراحتی کبدی دست به خودکشی زد. در حال حقیقت این است که از ۱۰ سپتامبر سال ۲۰۱۳ وی در انتظار عمومی دیده نشد و حتی در مراسم سالروز درگذشت کیم جونگ ایل، برادرش، نیز حضور نداشت. اگرچه مرگ او قطعی است، نحوه مرگ او روشن نیست. مرگ وی توسط دولت کره شمالی اعلام نشد، چرا که دولت نمی‌خواست مردم درگذشت کیم کیونگ هویی را به اعدام شوهرش نسبت دهند. در حال، گزارش‌ها حاکی است که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، تصاویر و نام عمه خود را از تمام اسناد دولتی و فیلم‌ها حذف کرده است. اگرچه برخی تحلیل‌گران معتقد بودند: «این دختر کیم ایل سونگ، بنیان‌گذار ملت است و نام او سبزی است در برابر اعدام احتمالی»، اما این سبزه سر هم نتوانست او را از دست «اون» نجات دهد. دلیل دیگری هم که برای مرگ او گفته شده این است که «اون» می‌خواست نشان دهد می‌تواند کشور را بدون عمه‌اش اداره کند. مرگ او اثبات‌کننده این حقیقت برای رهبر جوان کره شمالی بود که بود و نبود عمه‌اش تأثیری بر اداره کشور از سوی او ندارد؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Ryall, Julian (1 September 2017), Kim Jong-un's previously powerful aunt 'seriously ill' after years out of public view, <https://www.telegraph.co.uk/news/01/09/2017/kim-jong-uns-previously-powerful-aunt-seriously-years-public/>

4. Kangso Yaksu
5. Haedanghwa

اواخر سرپرست نهایی ثروت خانوادهٔ کیم بود. به گفتهٔ برخی منابع، این دارایی‌ها در بانک‌هایی در اقصی نقاط دنیا حفظ می‌شود و ارزش کل آن‌ها حدود ۲۰ میلیارد دلار است.

رستوران‌های دولتی کره شمالی هم در بسیاری از شهرهای آسیایی و اروپایی فعال هستند؛ تنها در چین ۴۰ رستوران کره‌ای وجود دارد و مجموعه‌های زیاد دیگری هم در آسیای جنوب شرقی. در این رستوران‌ها میهمانان هنگام تناولِ شام که گوشت خوک کبابی^۱ است با اجراهایی از قطعات قدیمی موسیقی کره‌ای مورد استقبال قرار می‌گیرند. این رستوران‌ها در کره جنوبی بسیار مورد توجه‌اند. در قاموس جنوبی‌ها، این رستوران‌ها هم آشنايند و هم عجيب. گاهی، مقامات کره شمالی از این رستوران‌ها سوء استفاده می‌کنند و در میان خدمه و گارسن‌ها جاسوس‌هایی می‌گمارند تا به هر دلیلی اطلاعاتی از کره جنوبی‌هایی که از این رستوران‌ها بازدید می‌کنند و مورد توجه قرار می‌گیرند، تهیه کنند؛ اما دلیل اصلی وجود این رستوران‌ها غیر از جاسوسی، تهیه «چندرغاز پول» برای رژیم است و نیز شکل دادن به جبهه‌ای که از طریق آن پول‌های نقدی که قانونی بدست می‌آید، با درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی آمیخته می‌شود. (۲۴)

یک منبع موثق و مطمئن می‌گوید که یک رستوران معمولی کره‌ای در خارج از این کشور از سوی زن یا زنانی که وابستگی به مقامات دارند، مثلاً معاون وزیر، افتتاح می‌شود. این زن به همراه تئو چند از دوستانش برای بالا بردن سرمایه ابتدایی [جهت شروع به کار] باشگاه یا انجمنی را تشکیل خواهد داد. از این سرمایه دو مدل استفاده می‌شود: پرداخت حق امتیاز^۲ ۶ رقمی با دلار به حساب خاندان کیم و هزینهٔ واقعی افتتاح رستوران. دولت کارکنانی را در این رستوران‌ها

۱. galbi or segyeopsal که در کره جنوبی samgyeopsal نامیده می‌شود. در قاموس کره‌ای‌ها به «گوشت سه لایه» هم معروف است. ویکی‌پدیای انگلیسی اطلاعات قابل قبولی در این مورد دارد:

Samgyeopsal (14 November 2018), accessed on, <https://en.wikipedia.org/wiki/Samgyeopsal>
2. franchise fee

منصوب خواهد کرد که هم به شدت رصد می‌شوند و هم بیشتر درآمدشان را به داخل می‌فرستند. افزون بر این، ۲۰-۳۰ درصد از عائدی‌ها باید برای تعطیلات ملی اختصاص داده شود. معمولاً در کره شمالی مرسوم است که مردم پولدارهایی را ببینند که بسته‌های بزرگی از پول نقد را از طریق فرودگاه‌ها در چنین برهه‌ای از سال [تعطیلات ملی] جابه‌جا می‌کنند. نپرداختن این مبالغ کاری غیرمنطقی است؛ زیرا می‌تواند موجب دشواری‌های طاقت‌فرسایی برای خانواده‌های باقی‌مانده در کره شمالی شود. تهدید به زندان و اردوگاه‌های کار اجباری برای عزیزان و بازماندگان این سفرکردگان در داخل، ابزاری است که باعث می‌شود به واسطه آن کره‌ای‌هایی که در آن سوی آب‌ها کار و زندگی می‌کنند دست از پا خطا نکنند و از این طریق، رژیم بر آن‌ها نظارت داشته باشد.

برخی مقامات نسبت به دیگران در جایگاه بهتری برای کسب درآمد هستند. آن‌هایی که از فرصت یادگیری و دستیابی به مهارت‌های زبان خارجی برخوردارند و تجربیاتی از آن سوی آب‌ها دارند از مزیت بالاتری برخوردارند چرا که توانایی برقراری تماس و ارتباطات را برای اجرای بده و بستان‌های خارجی دارند. از این رو، شنیدن این مسئله مرسوم است که مردم برای رسیدن به مشاغل دیپلماتیک یا نهادهای دولتی که دارای قدرت واقعی هستند رشوه می‌دهند. (۲۵) به این ترتیب، اعضای اتحادیه جوانان کیم ایل سونگ^۳ که در رویدادهای کمونیستی مربوط به آن در اقصی نقاط جهان شرکت می‌کنند، می‌توانند از مزیت ارتباطات جهانی‌شان برای مشارکت در سوداگری سودآور استفاده کنند. اتحادیه جوانان مذکور قبلاً و پیش از سقوط شوروی اردوگاه‌های تابستانی را برای کودکان در تمام دنیای کمونیست برگزار می‌کرد؛ امروز، آن‌ها یک شرکت تعاونی سوداگرانه به نام پانه‌کام^۴ به علاوه چندین رستوران و هتل را در پیونگ‌یانگ اداره می‌کنند.

3. Kim Il Sung Youth League

4. Paekam

صنعت ساخت‌وساز

ارتش در مقام منبع کار ارزان برای ساخت مجتمع‌های آپارتمانی، هتل‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و غیره به شدت درگیر ساخت‌وساز است. برخلاف تصویر معمول از سربازان کره‌شمالی به عنوان وفادارانی که بدون اندک انحنایی همچون آدم کوکی رژه می‌روند، شست‌وشوی مغزی شده و ماشینی کشتار بی‌رحمانه تلقی می‌شوند، اما این مردان معمولی نظامی احتمالاً زمان بیشتری را صرف ساخت‌وساز می‌کنند تا سرکوب و تار و مار کردن رژیم دست‌نشانده در سئول، حتی رسانه‌های دولتی اغلب به آن‌ها با عنوان «سرباز-سازنده»^۱ اشاره می‌کنند. واحدهای نظامی اکنون چیزی در حد و اندازه تیم‌های کارگری رایگان^۲ هستند. (۲۶) اگر دولت نیاز به ساخت جاده داشته باشد، تنها هزینه عمده‌اش مصالح خواهد بود. هزینه کارگر هم همان مبلغ پولی است که برای تغذیه سربازان داده می‌شود؛ با در نظر گرفتن اینکه برخی سرباز-سازندگان خودشان وظیفه یافتن غذا برای خود را به عهده دارند و هزینه غذا در فهرست کلی هزینه‌ها لحاظ نمی‌شود. اگر گروهی از مدیران جاه‌طلب در یک وزارتخانه دولتی بخواهند بلوک‌های آپارتمانی عَلم کنند، می‌توانند نیروهای نظامی را برای ساختن آن اجیر کنند. درحقیقت حجم زیادی از ساخت‌وسازهای دولتی-خصوصی «سرباز-سازندگان» امروز در کره‌شمالی اتفاق می‌افتد.

از آنجا که ساخت یک ساختمان بزرگ کاری دشوارتر و گران‌تر از مثلاً واردات دارو از چین است، تقریباً تعداد معدودی می‌توانند با وجود مشکلات به کار خود ادامه دهند و کار را به پایان برسانند؛ اما در میان آن‌هایی که می‌توانند، ظاهراً درجه‌ای از رقابت وجود دارد تا پروژه را از روی زمین بردارند. دو دلیل برای این وجود دارد: اول، سود فراوانی که می‌تواند از بهره‌کشی از کار کثیف

1. soldier-builders

2. free labor teams

ارزان حاصل شود. دوم، پرستیژ. یک پروژه موفق ساخت و ساز می تواند موجب تقدیر دولتی از بنگاه مربوط به آن شود؛ بنابراین می تواند فرصت ها و درهای بیشتری را به روی او بگشاید تا آنجا که همه سهم خود را دریافت کنند. این موضوع در دوران کیم جونگ اون مصداق بیشتری دارد، زیرا دولت تمایل دارد تا بر توسعه و رفاه اقتصادی در پروپاگاندایش تأکید ورزد. در کنار ساخت و ساز دولتی - خصوصی از سوی شعبات مختلف دولت، پول های ژاپنی - کره ای هم پروژه های ساختمانی را تأمین مالی می کند. طی دوران استعماری، بسیاری از کره ای ها به ژاپن مهاجرت کردند و در فاصله ۱۹۵۹ و اواخر دهه ۱۹۷۰ حدود ۹۰ هزار نفر از فرزندان این مهاجران به درخواست کره شمالی برای «بازگشت» پاسخ دادند. این کار از طریق سازمانی به نام چونگ ریون^۳ انجام می گرفت که به صورت سفارت دوفاکتوی کره شمالی در ژاپن عمل می کرد. چونگ ریون و اعضایش همچنان به کار قمار پاجینکو^۴ در ژاپن ادامه می دهند تا سرمایه ای برای بستگان به فقر کشیده شده شان به طور خاص و دولت کره شمالی به طور عام ایجاد کنند.

به بازگشت ژاپنی - کره ای ها به وطنشان [کره شمالی] اغلب با سوء ظن و تردید نگر بسته می شود و آن ها فاقد ارتباطات ضروری برای زندگی خوب در کشوری بودند که با فریبکاری و دغل اداره می شود. به عبارت دیگر، از آن ها

3. Chongryon

۴. Pachinko: پاجینکو بازی ای با اصالت ژاپنی است. ژاپنی ها علاقه شدیدی به شرط بندی در این بازی دارند. پاجینکو ماشینی است که با توپ های کوچک کار می کند. بازیکنان برای بازی سطلی توپ می خردند و ممکن است در جریان بازی توپ های آن ها برنده یا بازنده باشد. شرط بندی از نظر فنی در ژاپن غیر قانونی است، اما پاجینکو چگونه از این نکات فنی در قانون سوء استفاده می کند؟ در داخل اتاق پاجینکو، این توپ های کوچک بی ارزش اند، آن ها را تنها می توان با حیوانات عروسکی و جوایز دیگر تبادل کرد. هر چند، دقیقاً خارج از اتاق پاجینکو (معمولاً در کوچه ای تاریک) مغازه ای کوچک وجود دارد که در آن می توان این توپ ها را با پول نقد معاوضه کرد. از نظر فنی در داخل اتاق پاجینکو هیچ گونه شرط بندی صورت نمی گیرد؛ البته پلیس از جنبه ای دیگر به این مسئله نگاه می کند (پاجینکو توسط گروه های بزهکار سازمان یافته کنترل می شود)، اما صنعت پاجینکو در ژاپن چقدر بزرگ است؟ مسلماً شما در مورد خودروهایی ژاپنی شنیده اید! صنعت پاجینکو حتی بزرگتر از صنعت خودروسازی ژاپن است و درآمد سالانه آن ۳۷۸ میلیارد دلار آمریکاست. از هر ۴ ژاپنی یک نفر پاجینکو بازی می کند و متوسط هزینه ای که هر بازیکن برای این بازی می پردازد سالانه ۷۰۰۰ دلار است؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Tara Francis Chan (25 Jul 2018), Japan's pinball gambling industry rakes in 30 times more cash than Las Vegas casinos, <https://www.businessinsider.com/what-is-pachinko-gambling-japan7-2018->

خواسته شد به کشورشان بازگردند؛ اما وقتی به آنجا وارد شدند تنها و بی‌پناه به حال خود رها شدند و از ابتدایی‌ترین ملزومات زندگی هم محروم گشتند. تنها برگ برنده این افراد بازگشته یا بازگشتگان توانایی‌شان برای دریافت پول از بستگان‌شان در ژاپن بود که به نسبت بسیار ثروتمند بودند (و برخلاف پولی که از سوی فراریان به کشور فرستاده می‌شود، دولت از این‌ها استقبال می‌کرد). برای ژاپنی - کره‌ای‌ها سرمایه‌گذاری این پول در ساخت‌وساز رایج شد. امروزه چونگ ریون در نهایت افول سازمانی خود بسر می‌برد، اما همچنان جریان چشمگیری از سرمایه‌ی خصوصی از ژاپن وارد کره‌شمالی می‌شود و برای مثال، از این پول‌ها برای استفاده در ساخت هتل چونگ جین^۱ و چندین پروژه آپارتمانی دیگر استفاده می‌شود.

برخی از این مجتمع‌های آپارتمانی به منظور اسکان مستأجران خاص که در ذهن مقامات است، ساخته می‌شوند؛ مثل، کهنه سربازان نظامی، ورزشکاران ستاره یا دانشمندان. آپارتمان‌های وزارت خارجه در پیونگ‌یانگ تقریباً خیلی شیک هستند و کارکنان وزارت خارجه نیز به این آپارتمان‌های شیک و لوکس عادت کرده‌اند؛ زیرا برق تمام‌وقت برای پُست کالاهایی به خارج از کشور دارند و وقتی هم این کارکنان از مأموریت‌های خارج به کشور خود باز می‌گردند انتظار چیزی کمتر از آن را ندارند. در کشوری که قطعی برق امری معمول و رایج است و زمستان به‌شدت سرد، برق ۲۴ ساعته شاخص واقعی است از اینکه چه کسی را می‌توان نخبه واقعی دانست. (۲۷) درست مانند هر کشور کاپیتالیستی دیگر، آپارتمان‌ها در کره‌شمالی قابل فروش‌اند. احتمالاً اکثر واحدها در بلوک‌های آپارتمانی جدید و تازه‌ساز فوق‌العاده به جای اینکه به کارمندان دولتی که تمایل به آن دارند داده شود در بازار فروخته می‌شود. تنها تفاوت واقعی همانا فقدان سیستم رسمی برای انتقال آپارتمان است، زیرا مالکیت خصوصی در این کشور ممنوع است. (۲۸) با این حال، اگر در هر شهری از کره‌شمالی زندگی می‌کنید، فروش

1. Chongjin Hotel

آپارتمان محتمل است. مردمی که در همان منطقه زندگی می‌کنند به شکل قانونی مجازند خانه‌های خود را معاوضه کنند؛^۲ بنابراین ممکن است این امر به شکلی نیمه قانونی انجام شود و فروش آن با پول نقد تسهیل می‌شود، (۲۹) با وجود این، دادوستد خانه‌ها بدون هیچ‌گونه ثبتي انجام می‌گیرد. در پیونگ‌یانگ، جایی که قیمت آپارتمان‌ها از زمان آغاز قرن جدید بیش از ۱۰ برابر شده است، سوداگری می‌تواند تنها با یک عامل املاکی (به صورت غیر قانونی) تسهیل شود.

آپارتمان‌ها در مناطق معمولی، بدون آسانسور و برق ناپایدار (۳۰) ممکن است حدود ۳ تا ۴ هزار دلار امریکا مبادله شود. با وجود این، طبقات پایین قیمت بالاتری دارند. به طور کلی پذیرفته شده است که هرچقدر فقیرتر باشید، مجبورید در طبقات بالاتر زندگی کنید. در کره جنوبی برعکس است، زیرا در این کشور بهترین چشم‌انداز قیمت بالاتری دارد؛ اما وقتی آسانسوری وجود نداشته باشد - یا قطع برق شما را گیر بیندازد - طبقات بالاتر دیگر چندان جذابیتهایی ندارد. خانه‌های نزدیک مرز چین - کره شمالی آشکارا بسیار گران هستند، زیرا زندگی در آنجا فرصت‌های تجاری خوب و توانایی دسترسی به شبکه‌های تلفن همراه چینی را بدست می‌دهد؛ برای مثال گزارش‌هایی از خانه‌های بسیار باکیفیت در شهر مرزی هایسان^۳ وجود دارد که قیمتشان ۳۰ هزار دلار است. این قیمت‌ها البته در مقایسه با مناطق بالای شهر پایتخت رنگ می‌بازد، یک آپارتمان معمولی و رضایت‌بخش در منطقه مرکزی «مانسودای» در پیونگ‌یانگ (که به شوخی از آن با عنوان دویی یا پیونگاتان^۴ یاد می‌شود) ۱۰۰ هزار دلار یا بیشتر قیمت دارد.

2. swap
3. Hyesan

۴. در کره شمالی هم (یک‌درصدی‌ها) یا همان «بچه پولدارها» در بخش‌های لوکس و ثروتمندترین این کشور زندگی می‌کنند. این یک‌درصدی‌ها را می‌توان در پیونگاتان (عنوانی که دیپلمات‌های خارجی به پیونگ‌یانگ داده‌اند) دیدند. آن‌ها لباس‌های غربی به تن می‌کنند، به باشگاه می‌روند، روی ترمه‌می‌دوند و سعی می‌کنند تمام ادا و اطوارشان غربی باشد. مردان برندهای آدیداس و نایک را ترجیح می‌دهند و زنان برند Elle را. در سفرهایی هم که به چین می‌روند لیست خرید بلندبالایی با خود می‌برند تا برای هم‌کیشان و دوستان خود از مراکز برند خرید کنند. در رستوران‌هایی غذا می‌خورند که یک ساعت حضور در آن ۵۰۰ دلار آب می‌خورد و نوشیدنی‌هایشان هم ۴ تا ۸ دلار قیمت دارد. این گروه در کره شمالی به Donju یا خدایان پول معروف‌اند. آن‌ها مشاغل دولتی و بده‌ویستان‌های خارجی دارند و می‌کوشند تا سرمایه‌گذاران را وارد کشور خود کنند؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: Anna Fifield (14 May 2016), North Korea's one-percenters savor life in 'Pyonghattan', <https://>

کسانی هستند که از قیمت‌های ۲۵۰ هزار دلاری هم سخن می‌گویند. این پول واقعاً زیادی است برای خرید ملک در سرزمینی که فرد حق مالکیت در آن ندارد؛ اما اگر آن مقدار پول را در کره شمالی در دسترس داشته باشید، مطمئن هستید آن پول در دستان خود شما می‌ماند.

نابرابری

آن‌هایی که به طور منظم از پیونگ‌یانگ دیدار می‌کنند، می‌گویند این شهر در حال تجربه انواع رونق‌هاست و آن‌ها که مال و منالی دارند به راحتی دست به جیب می‌شوند. چند سال پیش، اگر کسی ثروتی داشت آن را پنهان نگاه می‌داشت، اما اکنون به رخ کشیدن ثروت و مصرف آزادانه آن دیگر باعث رو ترش کردن این و آن نمی‌شود. استفاده از تلفن‌های هوشمند، برق زدن ساعت‌های مچی سوئیسی یا حمل کیف‌دستی‌های اشرافی تانوشیدن قهوه‌های گران‌قیمت، همگی چیزهایی‌اند که اگر تا دیروز مختص قشر بالایی جامعه بود امروز به تفریحات قشر متوسط این کشور تبدیل شده است. این نابرابری در پیونگ‌یانگ عیان‌تر از جاهای دیگر است؛ شهری که بسیاری از مردم قدرت خرید این چیزها را ندارند، اما به یقین می‌دانند گروهی از این فرصت‌ها منتفع‌اند و گروهی دیگر خیر.

اگرچه خود دولت اساساً ورشکسته است، نهادهای دولتی و مقامات در تمام اشکال کارهای سودآور دخیل‌اند. تجارت با چین، به‌منزله یکی از عمده‌ترین ثروت‌آفرینان، از ۵۰۰ میلیون دلار سالانه در سال ۲۰۰۰ به ۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت؛ بنابراین با وجود افول چونگ ریون، ساختمان‌های جدیدی در کنار رستوران‌ها، مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و مراکز تفریحی جدید برای طبقات

www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/north-koreas-one-percenters-savor-life-in-pyonghattan/9/14/05/2016f3b47ea15-fa11-e971-6a-dadf9ab18869_story.html?utm_term=.0ac12515839e; Oliver Wainwright, The Pyonghattan project: how North Korea's capital is transforming into a <socialist fairyland> (11 Sep 2015), <https://www.theguardian.com/cities/2015/sep/11/pyongyang-north-korea-capital-socialist-fairyland-kim-jong-un>

بالا و طبقات کارآفرینِ نوظهور در حال سر بر آوردن در تمام پیونگیانگ است. با این حال، پایتخت از لحاظ توسعه همچنان با شهرهای درجه سوم چینی قابل مقایسه است؛ حقیقتی که به عنوان سورپرایز برای کسانی رخ خواهد داد - افرادی که می‌توانند به یک رستوران یا قهوه‌خانه نیمه‌خصوصی بروند، پیتزا یا چای سبز سفارش دهند و مردمی را ببینند که از آی‌پاد استفاده می‌کنند - که کره شمالی را کشوری سراسر فقیر و کمونیستی تصور می‌کنند.

خودروهای مرسدس بنز، بی.ام.دابلیو و لکسوس که وارد کره شمالی می‌شود فقط مختص خاندان کیم نیست. بسیاری از مقامات دولتی مالک این خودروها هستند و معمولاً خودروهای مشکی با پنجره‌های دودی را ترجیح می‌دهند. مقامات رده بالا را می‌توان با پلاک خودروهایشان که با «۲۷/۷» شروع می‌شود به راحتی تشخیص داد؛ اما تعداد زیادی از سوداگران پیونگیانگی وجود دارند (و در واقع، کره‌ای‌هایی که در چین به بده و بستان و سوداگری مشغول‌اند) که ماشین‌های خارجی لوکس دارند. درحقیقت، میلیونرهای خودساخته‌ای در پایتخت هستند که توانایی خرید لکسوس‌هایی را که از چین وارد و در بازار با قیمت‌های بالا فروخته می‌شوند، دارند. به گفته یک منبع، حتی کارآفرینی وجود دارد که ارزش خالص دارایی‌اش بیش از ۱۰ میلیون دلار است، با وجود اینکه هیچ ارتباطی با «کیم»‌ها یا هیچ خاندان حاکم دیگری ندارد. او عضو «نخبه سرمایه‌داری در حال ظهور» است که موفق شده بازی جدید دولتی - خصوصی را به خوبی ایفا کند؛ (۳۱) اما برای میلیون‌ها کره‌ای که دستشان به دهانشان نمی‌رسد، ایده راندن بی.ام.دابلیو و زندگی در آپارتمان‌های مانسودای فراتر از حد تصور است. در حومه‌های شهری، کشاورزان همچنان زمین‌ها را با گاو شخم می‌زنند. سربازان با نوعی فرنی^۱ خود را تغذیه می‌کنند؛ حتی در مناطق معمولی‌تر پیونگیانگ، صدها هزار نفر از مردم در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند. استاندارد

۱. gruel: ترکیبی از آرد جو و دیگر آردها که با شیر پخته می‌شود؛ جو شیر.

زندگی مردم معمولی کره شمالی احتمالاً بدتر از دهه ۷۰ است. طبیعی است فرض کنیم ظهور ثروتمندان جدید پیونگ‌یانگ بر توهین و آسیب به توده‌های فقیر خواهد افزود. اعضای نظام مرکزی رهبری در کره شمالی بی‌تردید از این امر آگاه‌اند. آن‌ها همچنین از تأثیرات بالقوه مخرب کاپیتالیسم بر توانایی‌شان در حفظ کنترل در بلندمدت آگاه‌اند. آن‌ها همچنین می‌دانند که نمی‌توانند بازارها را سر به نیست و تارومار کنند؛ زیرا پایان تجارت خصوصی یعنی شکست کامل اقتصادی، قحطی جدید و تهدید بقا و موجودیت دولت. هم‌زمان، کاپیتالیسم دولتی - خصوصی نیز به نظام رهبری اجازه می‌دهد در عصری که دیگر ایدئولوژی اهمیت ندارد حامیان و وفادارانی دست‌وپا کند؛ البته هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند رژیم چه آینده اقتصادی برای کره شمالی در نظر دارد. در واقع، دشوار است در مورد «رژیم» به‌منزله سازمانی با هدف واحد سخن بگوییم؛ زیرا بسیار جناحی است و حالت باندبازی دارد، اما اگر بپذیریم هر جناح در موضوعی اشتراک نظر دارد، آن میل به بقای سیستم است؛ حدسی معقول به دلیل زیر کره شمالی اجازه می‌دهد سرمایه‌داری و اصلاح اقتصادی با ضرب‌آهنگی ضرورتاً آرام توسعه یابد تا فروپاشی به تعویق افتد، درحالی‌که دقیقاً به همین دلیل در برابر تغییر سریع مقاومت می‌ورزد. همین مسئله شهوت دولت در ساخت منطقه ویژه اقتصادی^۱ را توضیح می‌دهد. با چنین منطقه‌ای می‌توان پول بدست آورد درحالی‌که کنترل سفت و سخت بر بخش‌های دیگر کشور را حفظ می‌کند؛ بنابراین ساخت چنین مناطقی این امر را قابل‌درک می‌سازد که چرا دولت کیم جونگ اون در نوامبر ۲۰۱۳ اعلام کرد ۱۴ منطقه ویژه اقتصادی خواهد ساخت؛ مناطقی که برای این کشور کوچک بسیار زیاد است. تاکنون مناطق ویژه اقتصادی موجود مانند منطقه ویژه اقتصادی راسون نتوانسته انتظارات را برآورده سازد؛ اما این مسئله تلاش‌های آینده برای تولید و کسب پول بدون در آغوش کشیدن تغییر سیاسی -

1. Special Economic Zone (SEZ)

اجتماعی را متوقف نخواهد کرد.

نظام رهبری با بازاری شدن روی بند راه می‌رود. انطباق بسیار آرام یا بسیار سریع می‌تواند پیامدهایی فاجعه‌بار برای رژیم داشته باشد. با این حال باید محتاط باشیم که در برابر حامیان فروپاشی^۲ مکتب پیونگ‌یانگ شناسی به راحتی وسوسه نشویم. کره شمالی از فروپاشی شوروی، قحطی دهشتناک و شکست سرافکننده‌وار نظام اقتصادی‌اش جان به در برده است. کره شمالی به لحاظ اقتصادی «غرب وحشی دوران مدرن»^۳ است؛ اما کنترل سیاسی داستان متفاوتی است به ویژه در پایتخت. «کیم»ها و مرتبطانشان همچنان کارت‌های بسیار قدرتمندی دارند؛ حامیان، ترس از مجازات، تبلیغات، کمی احترام باقی مانده برای کیم ایل سونگ و قدرت وسوسه‌کننده شهریاری همگی همچنان مشت آن‌ها را قوی کرده است.

2. collapsist

۳. modern-day Wild West: منظور از غرب وحشی ایالت‌های غربی امریکای قرن نوزدهم است که قانون درستی بر آن‌ها حاکم نبود. این منطقه را به لحاظ تاریخی به اصطلاح غرب وحشی (Wild West) می‌گویند.

پی‌نوشت‌های فصل اول

۱. با این حال، کاملاً معمول است که روستائیان کره‌شمالی بسته‌هایی را می‌بینند که روی آن نوشته شده «(US AID)». بعید است آن‌ها ندانند این یعنی چه! اما در بیرون این بسته‌ها جمله‌ای به کره‌ای وجود دارد که می‌گوید: «هدیه‌ای از مردم امریکا.»
۲. کنترل جریان اطلاعات از سوی دولت در کوتاه‌مدت به رژیم کمک کرده است. برای نشان دادن وضعیت، قتل عام میدان تیان آنمن برای برخی پیونگ‌یانگی‌ها دهان‌به‌دهان نقل می‌شد، اما بیشتر مردم این کشور در آن زمان چیزی از ماجرای این قتل عام نشنیده بودند. در عوض، آن‌ها به‌شدت اخبار قتل عام ۱۹۸۰ گوانگجو در کره جنوبی را می‌شنیدند.
۳. بحث‌های زیادی در مورد هزینه‌های نهایی انسانی این قحطی وجود دارد. آمار رسمی سازمان ملل هیچ کاهش چشمگیری در جمعیت طی آن دوره را نشان نمی‌دهد. با این حال، هیچ‌یک از این موارد نباید بر تراژدی وحشتناک دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۸ سایه بیفکند.
۴. عضوی از خانواده‌های برجسته در پیونگ‌یانگ بیان می‌کند که خانواده‌اش به خاطر اعانه‌های دولتی به قدر کافی قوت ذخیره داشتند تا بتوانند دوره قحطی را با آن سر کنند. در همان مجتمع مسکونی، اما دوستانش از چنین امکانی بی‌بهره بودند. این فرد می‌گوید خانواده‌اش غذای خود را با این دوستان بی‌بهره قسمت می‌کردند.
۵. این دسته از نخبگان هم مشارکتی گسترده در فعالیت‌های بازاری داشتند؛ زیرا آن‌ها کسانی بودند که بیشترین نفع را از این بازارها می‌بردند.
۶. حتی روش صحبت مردان در کره‌شمالی هم بیش‌ازحد مردانه است؛ آن‌ها ظاهراً روش مردان کره جنوبی را در نظر دارند که زن‌صفتانه صحبت می‌کنند.
۷. والتین استراسر، رئیس‌جمهور سابق سیرالئون، ممکن است خوش‌شانس‌تر از برخی دیگر از دیکتاتورهای مخلوع باشد، چرا که هم‌اکنون در کشور خود آزادانه زندگی می‌کند. با این حال، او مستمری ۵۰ دلاری در ماه دارد و در یک زاغه با مادرش زندگی می‌کند. او هر روز به نوشیدن مسکرات می‌پردازد تا خلع فاجعه‌بارش از قدرت را فراموش کند.
۸. اگر شما دیداری از کره‌شمالی داشته باشید، انتظار این است که از یوان چین و یورو هم استفاده کنید. پیش از اوایل دهه ۲۰۰۰، بازدیدکنندگان خارجی می‌توانستند از وون استفاده کنند، البته وونی که با همسایه جنوبی متفاوت بود تا جدایی میان این دو اردوگاه را نشان دهد. در کوبا هم این مسئله در مورد «پزو» و «چاویتو» وجود دارد. با این حال برخلاف کوبا، کره‌شمالی دو مدل وون ارائه می‌داد، یکی اسکناس‌های شکوهمند قرمز برای کشورهای سوسیالیست دوست و دیگری اسکناس‌های مشکوک آبی برای سگ‌های دست‌آموز سرمایه‌داری و پادوهای

امپریالیست. حتی توریست‌های خارجی هم می‌توانند با تبدیل پول خود به «نرخ‌های خاکستری بازار» در بانک‌های منتخب، وون کره‌شمالی را بدست آورند؛ اما مانند نرخ تبدیل پیشنهادی، انجام این کاریک حوزه خاکستری قانونی است و برخی توریست‌ها ممکن است از سوی فروشنده حرفه‌ای فریفته شوند که در ازای یک مشت وون، چند اسکناس هدیه دریافت کنند.

۹. از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴، دلار ارز خارجی مرجح بود. وقتی مردم از این ترسیدند که تحریم‌های امریکا ممکن است به ذخایر دلاری‌شان آسیب زند، به طور خودکار به یورو روی آوردند که عرضه آن کمتر بود. اکنون وون ارز غالب است.

۱۰. شاید تصور شود این روشی برای صرفه‌جویی یا پس‌انداز پول است. هیچ مغازه‌داری به‌راستی نمی‌پرسد چرا نمی‌توانند به وون جنسی را بخرند چرا که خودشان پاسخ واقعی را می‌دانند.

۱۱. در سال ۲۰۱۴، دولت اسکناس جدید ۵ هزار وونی را منتشر کرد - بزرگترین رقم اسکناس - که مزین به تصویر کیم ایل سونگ نبود. این یعنی تصویر رهبر این کشور برای اسکناس جدید ۱۰ هزار وونی یا حتی ۵۰ هزار وونی ذخیره شده است. افزایش قابل توجه اسکناس تک‌منظوره نشانه دیگری است از به رسمیت شناختن ارزش وون در بازار سیاه از سوی دولت.

۱۲. روزی که متروی پیونگیانگ به جای ۵ وون قیمت‌ها را به ۳۰۰ تا ۵۰۰ وون برساند روزی خواهد بود که دولت درنهایت این سیگنال را مخابره می‌کند که به اقتصاد بازار تن داده است.

۱۳. این روزها ترتیبی وجود دارد - قاعده سوم اوت - که به واسطه آن کارگران ممکن است ماهانه ۵۰ هزار وون (حدود ۷ دلار) بپردازند تا از کار معاف شوند و به این ترتیب آزادی لازم برای فعال شدن در کسب‌وکارهای خصوصی را بدست آورند. اساساً این پرداختی مالیاتی است بر درآمدهای خصوصی.

۱۴. بیشتر کمک‌های خارجی به کره‌شمالی ذرت و برنج است، اما خرید برنج از توان بسیاری از طبقات پایین در کره‌شمالی خارج است.

۱۵. منابع دیپلماتیک که پروژه‌های مشترک کشاورزی را با کره‌شمالی و نهادهای کمک‌رسان دیگر اداره می‌کنند می‌گویند شکاف کسری مواد غذایی رو به پایان است، هرچند مانند هر محصول دیگری، آب‌وهوا می‌تواند تأثیر شدیدی بر برداشت برنج در کره‌شمالی داشته باشد.

۱۶. به همین دلیل معمولاً گفته می‌شود بازرسی یا ناظری که خانواده‌هایی را زیر نظر دارد که از سوی فراریان تأمین مالی می‌شود، هیچ نگرانی بابت درآمد خود ندارد، زیرا می‌تواند از این خانواده‌ها رشوه بگیرد و امورات خود را بگذراند.

۱۷. اقوام چینی در کره‌شمالی آزادی عمل بیشتری برای ورود و خروج به این کشور دارند. این امتیاز (ترتیب دادن روند انتقال، واردات و صادرات کالاها و ...) می‌توان برای انتقال پول و درآمد استفاده کرد (برای اطلاعات بیشتر در مورد واگیوها؛ ر.ک.:: فصل هفتم).

۱۸. پول به یوان به دریافت‌کننده پرداخت می‌شود و این موجب «یوانیزه شدن» مناطق شمالی کره شمالی شده است.

۱۹. از سال ۲۰۰۴ به بعد، مقامات کره شمالی از تکنیک‌های پیشرفته برای شناسایی سیگنال‌های تلفن همراه جهت از میان بردن امکان مکالمه غیرقانونی تلفنی استفاده کرده‌اند. همچنین برخوردهای قهرآمیزی در مناطق مرزی از سوی مقامات چینی و کره شمالی در این مورد گزارش شده است.

۲۰. با این حال، برای مردمانی که در وضعیت متوسطی قرار دارند، بعید است این اجازه داده شود. فرد باید پیشینه و ارتباطات خوبی داشته باشد. واسطه‌ای که ارتباطات خوبی داشته باشد می‌تواند سفری رایگان برای شما به ارمغان آورد.

۲۱. پرواز معمولی ایرکوریو^۱ از پکن به پیونگ‌یانگ نیز پر از تلو‌یز یون‌های صفحه‌تخت و دیگر اقلام دارای تکنولوژی بالاست که از سوی تاجران کره شمالی در چین خریداری می‌شود. درحقیقت مغازه‌هایی نزدیک سفارت کره شمالی در پکن وجود دارند که هدفشان به طور خاص کره‌ای‌هاست و اصولاً هم با همین هدف شکل گرفته‌اند. با علم به این مسئله، می‌توان کارایی اجرای تحریم‌ها را زیر سؤال برد.

۲۲. حقوق دولتی اگرچه اندک است، ژتون‌هایی هم به آن‌ها [کارمندان دولتی] داده می‌شود که می‌تواند در ازای دریافت غذا مبادله شود. از این رو، اگرچه پول بی‌فایده است، مقدار اندک سهمیه‌هایی که ارائه می‌دهد مکملی مفید است.

۲۳. گفته می‌شود مردان شاغل معمولی در شرکت‌های کره جنوبی اندکی سخت‌تر کار می‌کنند. در هر دو کشور، کارگران کار خود را زود هنگام شروع می‌کنند. مرسوم است که پیش از رئیس، در محل کار خود حضور داشته باشند. مردان شاغل در شرکت‌های کره شمالی از حدود ۷/۳۰ صبح کار خود را آغاز کرده و محل کار خود را پیش از دیدار در ساعت ۸ صبح تمیز می‌کنند. کار اصلی از ساعت ۹ صبح شروع می‌شود و ساعت ۱۲ ظهر هم یک بسته ناهار داده می‌شود. این امکان وجود دارد که تا ساعت ۲ عصر چرتی کوتاه بزنند؛ امری که رئیس چانه بول^۲ در سنئول هرگز اجازه انجام آن را به کارگران خود نمی‌دهد. ساعت ۶ عصر، کارگران به خانه می‌روند. کارمندان بخش اداری سنئول که کارشان با توپ و تشر همراه است زمان اندکی برای پرداختن به این کارها دارند.

۲۴. براساس گزارش‌های پنل سازمان ملل که اجرای تحریم‌های سازمان ملل علیه کره شمالی

1. Air Koryo

۲. Chaebol؛ چانه بول شکلی از کسب‌وکار در کره جنوبی است که عموماً شرکت‌های متعدد بین‌المللی دارند و تحت اداره فردی قدرتمند است.

را رصد می‌کند، بخش قابل توجهی از ارزش کسب‌شده، از معاملات غیرقانونی تسلیحاتی با دیگر دولت‌ها مانند سوریه، ایران، لیبی، تانزانیا، سومالی، اریتره، اوگاندا و اتیوپی (و برخی دیگر) بدست می‌آید.

۲۵. افرادی که چنین مشاغلی دارند بسیار واجد شرایط تلقی می‌شوند و می‌توانند با خانواده‌های «نخبه» [یعنی خانواده‌های دیگری که در قدرت حضور دارند] وصلت کنند تا جایگاه خود را بهبود بخشند و تقویت کنند. از اواخر دهه ۹۰، پیونگ‌یانگ شاهد ظهور زوج‌های سیاسی - مالی بوده که مزیت‌های مربوط به خود را با هم ادغام و آن را به فرزندان خود منتقل می‌کنند.

۲۶. به گفته بسیاری از منابع، روحیه آن‌ها بسیار پایین است. از یک سرباز معمولی در کره شمالی به خاطر کارش، آموزش بسیار ضعیفش و تغذیه بسیار اندکش بهره‌کشی می‌شود. در بحبوحه مشکلات جدی، کیم جونگ اون احتمالاً نمی‌تواند بر این نیروها اتکا کند، بلکه در عوض باید به سربازان/نیروهای ویژه همواره آماده تکیه کند. از چشم‌انداز سیاسی و از منظر بیرونی، این موضوع به حقیقتی اشاره می‌کند که کره شمالی هرگز به صورت داوطلبانه تسلیحات هسته‌ای خود را کنار نخواهد گذاشت؛ تسلیحاتی که تنها بازدارنده واقعی برای این کشور است.

۲۷. اگر فردی پول کافی داشته باشد، این امکان برایش هست که با دادن رشوه به تأمین برق از تأسیسات نظامی یا دفاتر دولتی در آن محدوده اقدام کند.

۲۸. به غیر از موارد بسیار نادر، خانه‌ای کوچک و نوساز نشده در مالکیت یک خانواده از قبل از اصلاحات ارضی کیم ایل سونگ باقی مانده است.

۲۹. گاهی، مقامات گزارش‌ها را بررسی می‌کنند تا به دقت دریابند چه چیزی در شرف وقوع است و خواستار کاهش برای خود می‌شوند.

۳۰. عرضه و تأمین برق در کره شمالی فوق‌العاده ضعیف است؛ حتی بزرگترین ساختمان‌های پیونگ‌یانگ مانند سالن مطالعه مردم یا با خاموش کردن چراغ‌هایشان و یا کم‌نور نگه‌داشتنشان در طول روز باید اقتصادی و به صرفه شوند. وقتی مهمانان مهم از راه می‌رسند این چراغ‌ها به طور کامل روشن می‌شوند.

۳۱. این طرح‌ها و توسعه‌ها چه تأثیر سیاسی می‌توانند داشته باشند؟ درحالی که نخبگان تجاری جدید ممکن است دستور کار سیاسی خاص خود را داشته باشند، مهم است به خاطر آوریم موقعیت انحصاری آن‌ها بسته به تأیید و ارتباطات رژیم دارد. ثروتمندان جدید کره شمالی ضرورتاً شرکای تجاری دولت‌اند؛ بنابراین از آسیب رسیدن به قایق نگران هستند. آنچه به‌راستی لازم است طبقه متوسط در حال ظهور بزرگ است.

فصل دوم

اوقات فراغت در کره شمالی

براساس تصویری معمول از کره شمالی، ممکن است کسی ایده خوش بودن در کره شمالی را کم‌دی سیاه صرف ببیند. در واقع، زندگی برای مردم معمولی سخت است و ابزارهای معمول سرگرم‌کننده - وقت آزاد و درآمد در دسترس و قابل مصرف - بسی اندک است. در کره جنوبی، مردم لباس‌هایشان را با ماشین می‌شویند؛ جاده‌ها و شبکه‌های ریلی عالی بدین معناست که همه‌جای این کشور به راحتی در دسترس شماست و مردم پول کافی برای خرج کردن در مورد هر چیزی دارند. هیچ‌یک از این‌ها در کره شمالی مصداق ندارد. جنوبی‌ها - همانند پسرعموهای شمالی‌شان - هیچ الزامی برای حضور در جلسات خودانتقادی^۱ و جلسات منظم محله ندارند. (۱) با این حال، درست مانند سایر جهان، مردمان کره شمالی هم در جست‌وجوی فرصت‌هایی برای خوش بودن هستند. این امر با وجود وضعیت دشواری است که در آن به سر می‌برند و برخلاف تصاویر رسانه‌ای و بین‌المللی مضحکی است که می‌گوید شهروندان کره شمالی ربات‌هایی زنده در خدمت رهبر عزیز^۲ هستند. افزون بر این، در نتیجه تغییرات اخیر تکنولوژیکی، شمالی‌ها بیش از گذشته در جست‌وجوی روش‌هایی برای خوش بودن هستند. برخی از این تغییرات حتی بر توانایی دولت برای کنترل مردم هم تأثیر می‌گذارد.

تلویزیون و فیلم‌های خارجی

یکی از معدود مواردی که کیم جونگ ایل به آن معروف بود عشق و علاقه‌اش به سینما بود. او کلکسیون‌های هزاران فیلم داشت، همچنین از هواداران تلویزیون کره جنوبی بود به ویژه شبکه رادیویی - تلویزیونی ملی^۳ (کی.بی.اس) این کشور. وقتی همراهان روه مو هیون،^۴ رئیس‌جمهور کره جنوبی، از کیم جونگ ایل پرسیدند چرا طی اجلاس سران در سال ۲۰۰۷ عاشق شبکه کی.بی.اس شده

1. self-criticism

2. Dear Leader

3. Korean Broadcasting System (KBS)

4. Roh Moohyun

است، وی جواب داد: «من به چیزهای دولتی عادت کرده‌ام». با این حال، کیم جونگ ایل این امتیاز را از هموطنانش دریغ کرد. استفاده از رسانه‌های خارجی در کره شمالی براساس قانون قابل مجازات است؛ اما این بدین معنا نیست که کسی مبادرت به استفاده از آن‌ها نکند. براساس نظرسنجی سال ۲۰۱۰ (۲)، حدود ۲۵۰ شهروند فراری از کره شمالی که از آن‌ها سؤال شده بود پاسخ دادند تلویزیون‌ها یا فیلم‌های خارجی را دیده‌اند و بسیاری از مقام‌ها در پیونگیانگ هم به طور خصوصی آن را به کار می‌گیرند. (۳) از کره شمالی تقریباً ۴ درصد به طور مستقیم به تلویزیون کی.بی.اس روی آورده‌اند. افزون بر این، تمام کسانی که می‌گفتند به این تلویزیون روی آورده‌اند، مدعی بودند بازدیدکنندگان منظم این تلویزیون هستند و می‌گفتند این تلویزیون برای آن دسته از شمالی‌هایی که توان دریافت سیگنال‌ها را دارند بسیار جذاب است.

این نظرسنجی به طور نامتناسبی بر آن دسته از کسانی متمرکز بود که در بخش شمالی کره شمالی به ویژه در استان شمالی هامگیونگ^۵ می‌زیستند، زیرا بخش زیادی از فراریان از آنجا هستند؛ بنابراین احتمالاً دست کم گرفتن محبوبیت تلویزیون کره جنوبی در مناطقی از کره شمالی است که سیگنال‌های این تلویزیون به طور مستقیم قابل دریافت می‌شود. چرا؟ زیرا تنها کسانی که در ۵۰-۷۵ مایلی کره جنوبی زندگی می‌کنند می‌توانند سیگنال دریافت کنند؛ البته این فاصله بسته به شرایط جوی تغییر می‌کند. (۴) مردم در جاهایی مانند کائه سونگ^۶ یا ساری وون^۷ (که هر دو فاصله زیادی تا مرز ندارند) ممکن است بتوانند وصل شوند، اما آن‌هایی که در هامگیونگ هستند عموماً نمی‌توانند. اگرچه مردمی که در مناطق شمالی کره شمالی زندگی می‌کنند نمی‌توانند مستقیماً به کی.بی.اس وصل شوند و امواج آن را دریافت کنند، می‌توانند شوهای

5. Hamgyong

6. Kaesong

7. Sari-won

پسرعموهای جنوبی خود را از طریق امواج ارسالی از چین ببینند. منطقه مرزی پیرامون کره شمالی دارای جمعیتی عظیم از شهروندان این کشور است؛ بنابراین ایستگاه‌هایی مانند تلویزیون یانجی^۱ برنامه‌هایی با محتوا و زبان کره‌ای پخش می‌کند. ۱۸ درصد از فراری‌های کره شمالی که مورد نظرسنجی قرار گرفته‌اند، گفتند تلویزیون یانجی را از داخل کره شمالی دیده‌اند و ۱۵ درصد هم گفتند آن را به صورت هفته‌ای تماشا کرده‌اند. برای نشان دادن اینکه تلویزیون دولتی چقدر کسالت‌آور است، ۵۱ درصد از کسانی که نظرسنجی شدند گفتند کانال‌های کره شمالی را دیده‌اند - آمار فوق‌العاده بالایی می‌گوید این کانال‌ها تنها از مزیت قانونی بودن برخوردارند و لاغیر، اما فقط ۱۴ درصد گفتند آن را به صورت هفتگی تماشا می‌کنند. (۵)

تلویزیون و رادیوهای فروخته‌شده در کره شمالی به شکل از پیش تنظیم‌شده به شبکه‌های دولتی مانند تلویزیون مرکزی کره،^۲ شبکه آموزش و فرهنگ کره،^۳ یا تلویزیون مانسودای که فقط در پیونگیانگ قابل دریافت است^۴ وصل می‌شوند. تلویزیونی که به طور قانونی در کره شمالی فروخته شود نمی‌تواند به هیچ چیزی وصل شود، مگر اینکه آماده شکستن قانون باشد و بابت آن رشوه‌ای بدهد. افزون بر این، تلویزیون کره شمالی از سیستم ویدئویی پال^۵ استفاده می‌کند، برخلاف ان.اس.تی.سی^۶ که در کره جنوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر کره شمالی‌ها چیزی ندارند (با توجه به شرایط سختشان)، کسب‌وکار غیرقانونی پر زرق و برق را در حوزه تلویزیون‌ها و رادیوهای به روز و مُد^۷ سر و سامان داده‌اند. تعمیرکنندگان تلویزیون در کره شمالی می‌توانند زندگی پُر سودی

1. Yanji TV
 2. Korean Central Television (KCTV)
 3. Korean Educational and Cultural Network
 4. Pyongyang-only Mansudae TV
 5. PAL video system
 6. National Science & Technology Council (NSTC)
 7. mod-ding

برای خود دست‌وپا کنند. همچنین تعداد زیادی از مردم رادیو - تلویزیون‌های چینی را می‌بینند که هم روی سیستم‌های پال قابل دریافت است و هم روی سیستم‌های ان.اس.تی.سی.

دریافت مستقیم تلویزیون چین یا کره جنوبی با واردات مجموعه فیلم‌ها و تلویزیون‌ها از طریق چین به شکل دی.وی.دی و کارت حافظه‌های یو.اس.بی روندی کاهشی گرفته است. دی.وی.دی‌ها در نیمهٔ دههٔ ۲۰۰۰ در کره شمالی متداول شدند و تقریباً از سال ۲۰۱۰، کارت حافظه‌های یو.اس.بی ناپدید و در برهه‌ای باز سروکله‌شان پیدا شد و به خاطر اندازهٔ کوچکشان که باعث راحت پنهان شدن آن از برابر دیدگان نهادها و نیروهای امنیتی می‌شد برتری یافتند. دی.وی.دی‌ها تأثیراتی بر کنترل دولت روی اطلاعات برجای گذاشت، اما کارت حافظه‌های یو.اس.بی، همان‌طور که خواهیم دید، پتانسیل بیشتری برای تغییر دارد. سوداگران چینی - کره‌ای (۶) با ارتباطات خوبی که دارند دی.وی.دی‌هایی را از برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی امریکایی، کره‌ای و چینی به شکل قاچاقی و غیرقانونی وارد می‌کنند، شاید به یکباره چند هزار دیسک. آن‌ها ۲۰۰-۳۰۰ فقره از این دی.وی.دی‌ها را به صورت رشوه به مقام‌ها می‌دهند، سپس الباقی را به عمده‌فروشان در شهرهای مرزی مانند هایسان می‌فروشند. این عمده‌فروشان هم آن‌ها را با سودی که برای خود لحاظ می‌کنند به سوداگران کوچکتر در جانگ مادانگ می‌فروشند. این عمده‌فروشان به ارتباطاتی با رژیم نیاز دارند، آن هم به خاطر این حقیقت که کار و کاسبی‌شان غیرقانونی است و کنترل دولت بر اطلاعات را تضعیف می‌کند. در نتیجه، مجازات هم شدیدتر می‌شود. از این رو، سوداگران معمولی در عمده‌فروشی دی.وی.دی‌ها دخالتی ندارند، مگر اینکه صبر و آگاهی بالایی از خطر یا ابزارهایی برای پرداخت رشوه‌های کلان داشته باشند.

این دی.وی.دی‌ها در نهایت با قیمتی اندک کمتر از ۱ دلار به ازای هر دیسک

به جانگ مادانگ می‌رسند و طیفی گسترده از مردم به طور شگفت‌آوری آن‌ها را می‌خرند. از آنجا که این محصولات غیرقانونی بوده، ممکن است خریدار به شکل عجیب و غریبی از فروشنده بپرسد، آیا این دی.وی.دی‌ها («چیز جالبی») دارد؟ گویی آن فرد در حال صحبت با موادفروش است. همچون تلویزیون، بیشتر افراد ممکن است با دوستان مورداعتماد یا اعضای خانواده این فیلم‌ها را تماشا کنند، با فرض این احتمال که ممکن است آن‌ها دی.وی.دی پلیر نداشته باشند؛ البته ممکن است بسیاری دی.وی.دی‌های مربوط به شوهای کره‌شمالی را تماشا کنند، اما این محتوای خارجی است که به کششی واقعی تبدیل شده است. حدود نیمی از جمعیت دی.وی.دی‌های خارجی تماشا می‌کند، اما در عصری که مالکیت کامپیوتر به سرعت در حال افزایش است، مردمان کره‌شمالی به شدت در جست‌وجوی فایل‌های ویدئویی بر روی کارت حافظه‌های یو.اس.بی هستند. در واقع، برخی می‌گویند این روش جرقه جایگزینی یو.اس.بی‌ها را با دی.وی.دی‌ها زده است. بسیاری از شهروندان کره‌شمالی فایل‌های ویدئویی از فیلم‌ها و شوهای تلویزیونی خارجی را روی این یو.اس.بی‌ها می‌ریزند و گاهی فیلم‌های پورن هم روی این یو.اس.بی‌ها ریخته می‌شود. یو.اس.بی‌ها مزیت بیشتری بر دی.وی.دی‌ها دارند. اول از همه، محتویات این یو.اس.بی‌ها می‌تواند بارها و بارها کپی و پخش شود، آن‌ها ایمن‌تر هم هستند. روشی قدیمی که مقام‌های کره‌شمالی برای تعقیب و مجازات بینندگان فیلم‌ها و تلویزیون‌های خارجی دنبال می‌کنند قطع برق آن خانه و سپس انتقال سریع آن‌ها به ناکجاآباد است و روش دیگر هم ترغیب و البته ارزش قائل شدن بر دارندگان دی.وی.دی پلیرهاست، تا آنکه آشکارا فیلم را به نمایش درآورند نهادهای امنیتی مبادرت به شناسایی و بازداشت کسانی کنند که این فیلم‌ها را تماشا می‌کنند؛ البته وقتی پلیر روشن نیست خارج کردن دیسک از آن به راحتی میسر نیست، اما یک یو.اس.بی

کوچک را می‌تواند ظرف کسری از ثانیه بیرون کشید و به راحتی پنهان کرد. (۷) به دلیل کاهش وفاداری به رژیم، مشاهده فیلم‌ها و تلویزیون‌های خارجی دیگر مانند گذشته با مجازات‌های آنچنانی مواجه نمی‌شود؛ یعنی وقتی فلان مقام دولتی فردی را می‌بیند که از این ابزارها و رسانه‌های غیرقانونی استفاده می‌کند فقط به گرفتن رشوه از او بسنده کرده و سپس رهاش می‌کند. آن‌هایی که رسانه‌های خارجی تماشا می‌کنند با خطر اعزام به اردوگاه‌های کار اجباری مواجه می‌شوند، اما این هم دیگر مانند گذشته نیست و با مقداری رشوه قابل حل است. (۸) رشد سریع دی.وی.دی و یو.اس.بی بدین معناست که مقام‌ها حتی نمی‌توانند امیدوار به نظارت مؤثر بر بینندگان آن‌ها باشند.

این نیز به نوبه خود باعث جسور شدن مردم شده است. آن‌ها که ۳-۴ سال پیش از کشور فرار کردند شاید بگویند فیلم‌های خارجی را در تتهایی و خلوت می‌دیدند، اما این روزها مردمان کره شمالی این فیلم‌ها را با دوستان نزدیک و اعضای خانواده خود می‌بینند؛ البته با درهای قفل شده و پرده‌های کشیده. امروزه مردم کمتر در مورد یکدیگر جاسوسی می‌کنند. (۹) درحقیقت، این روزها شنیدن صحبت‌های مردم و بحث و جدل آن‌ها در مورد نمایش‌های کره جنوبی با دوستان و حتی همسایگان‌شان امری معمول است، حتی برخی اصطلاحات و عبارات از کره جنوبی وارد دایره لغات و واژگان مردم کره شمالی شده است، مانند دانگیون هاجی^۲ به معنای البته، (۱۰) و این موضوع زمانی موجب هیجان طرفین می‌شود که هر دو، یکدیگر را با درک متقابل از این عبارت کاملاً می‌فهمند. مردم از طریق هواداری از تلویزیون کره جنوبی دوستی‌هایی قوی شکل می‌دهند، یعنی محتوای فیلمی را که با دیگری به بحث می‌گذارند نشان‌دهنده اعتماد میان آن‌هاست؛ بنابراین پیوندهایی آنی شکل می‌گیرد.

فیلم گانگستری کره جنوبی به نام چینگو^۱ [دوستی] به صورت زیرزمینی در پیونگیانگ برای علاقه‌مندان نشان داده می‌شد، به‌ویژه برای بچه مدرسه‌ای‌های عضو خاندان‌های نخبه و حاکم. این فیلم که در شهر ساحلی کره جنوبی به نام «بوسان» ساخته شده مملو از گویش‌ها، اصطلاحات (۱۱)، عبارات و واژگانی -از جمله واژگان بسیار موهن و فحاشی‌گونه- است که به هیجانانگیزی شخصیّت یک زن اشاره می‌کند. این اصطلاحات، عبارات و واژگان در میان پسران نوجوان و جوان پیونگیانگی به‌شدت متداول شده و محبوبیت یافته است. درست مانند کره جنوبی، محبوب‌ترین نمایش‌ها سریال‌های درام است (۱۲) که معمولاً شامل داستان‌هایی حول مثلث عشق، نزاع خانوادگی و زنان زیباروی (اما فقیر) می‌گردد که با پسران پدران چانه بول ازدواج می‌کنند و ویژگی این درام‌ها تمایل به مرگ غم‌انگیز بازیگران اصلی است. برای مردم کره جنوبی، نمایش‌های درام یا تخلیه روان و پاکسازی روان^۲ است یا گریزگرایانه؛^۳ آن‌ها به خاطر اثرگذاری احساسی، چندان در مورد زندگی واقعی اغراق نمی‌کنند و آن را بازتاب نمی‌دهند، اما مردم کره‌شمالی درام‌های کره جنوبی را به دلیل واقع‌گرایی نسبی‌اش ارجح می‌نهند. تلویزیون کره‌شمالی روی این مسئله مانور می‌دهد که «بدی بدون مجازات نمی‌ماند» یا «خوبی در آخر شکست می‌خورد». تلویزیون این کشور حالتی خنثی دارد و خوبی و بدی را نه تنها به‌درستی به تصویر نمی‌کشد، بلکه آن را در راستای منافع خود توجیه و تفسیر می‌کند. قهرمان درام کره‌شمالی یک کارگر الگو^۴ است که در نهایت پاداش خود را می‌گیرد. این نه قابل باور است و نه جالب، اما از این مسائل چه استنباطی می‌توان کرد؟ اول از همه، رشد سریع بینندگان و مشاهده نمایش‌های کره جنوبی و دیگر فیلم‌ها و نمایش‌های خارجی ممکن است حکومت را وادار کند تا در نحوه بازی خود

1. Chingu
 2. cathartic
 3. escapist
 4. model worker

تغییراتی ایجاد کنند. اخبار تلویزیون کره شمالی در گرافیک و محیط نمایش قرن بیستمی است. افزون بر این، منابع می‌گویند انواع فیلم‌های خارجی امروزه بیشتر از قبل بر صفحه تلویزیون کره شمالی نقش می‌بندد. فیلم‌های کره‌ای و روسی همواره در جدول زمانی تلویزیون جایگاه ثابتی دارند، اما اکنون - برای مثال - با فیلم‌های بالیوودی در حال رقابت برای نمایش هستند، حتی فیلم بریتانیایی «مثل بکهام آن را برگردان»^۵ در سال ۲۰۱۰ در تلویزیون دولتی نمایش داده شد. مهم‌تر از همه، انقلاب نصفه نیمه فیلم‌های تلویزیونی خارجی در حال تضعیف کنترل دولتی است. تا نیمه دهه ۹۰، دولت تقریباً کنترلی انحصاری بر توزیع اطلاعات در کره شمالی داشت و شایعات تنها آترناتیو برای آن بود. (۱۳) در گذشته، به مردم کره شمالی گفته می‌شد مردمان کره جنوبی فقیرتر از آن‌هایند. (۱۴) از آنجا که امروزه تقریباً تمام مردم کره شمالی می‌دانند این مسائل کاملاً غیر واقعی و نادرست است (آن هم به خاطر تلویزیون کره جنوبی)، این گونه پیام‌ها و تبلیغات بی‌اعتبار شده‌اند. به جای آن امروزه در کره شمالی این مسئله باب شده است که جنوبی‌ها آلت دست و دست‌نشانده آمریکایی‌ها هستند. خصلت دست‌نشانده‌گی هم بازی کهنه است، اما در عصر اطلاعات دیجیتال عمری دوباره یافته و برخی را به خود جذب کرده است.

فیلم و تلویزیون خارجی نیز در حال تغییر نگرش مردم کره شمالی نسبت به امریکاست. تبلیغات به لحاظ تاریخی امریکایی‌ها را مردمانی شرور و شیطانی معرفی می‌کرد که تنها هدفشان به استعمار کشیدن جهان و نابودی کشورهایمانند کره شمالی - است که مقاومت می‌کنند. پوسترها، سربازان امریکایی را به مثابه روانی‌هایی به تصویر می‌کشید که سرنیزه اسلحه خود را به شکم کودکان فرو می‌برند و مادران وحشت‌زده این کودکان کاری جز مشاهده از روی ترس و وحشت نمی‌توانند انجام دهند، (۱۵) اما زمان در حال تغییر است؛

بسیاری از فراریان می‌گویند دیدگاهشان نسبت به «عمو سام» معتدل‌تر شده و فیلم‌های هالیوودی مانند تایتانیک را مشاهده می‌کنند آن هم زمانی که در کره‌شمالی هستند.

از نظر سنجی‌ها و گفت‌وگو با مردمان کره‌شمالی چنین به نظر می‌رسد تعداد کثیری از مردم به رسانه‌های خارجی بیش از رسانه‌های تبلیغاتی داخلی اعتماد دارند. این مسئله حتی برای پیونگیانگی‌هایی هم که نگرشی جدی در مورد فرار ندارند صادق است. در مورد فراریان، بسیاری می‌گویند فیلم‌ها و تلویزیون‌های خارجی به آسان‌تر کردن فرار آن‌ها به خارج کمک می‌کند و آن‌ها را به لحاظ عملی و احساسی آماده می‌سازد، حتی برخی می‌گویند فیلم‌ها و تلویزیون‌ها این کنج‌کاو را در دنیای خارج تا جایی برانگیخت که به مؤلفه‌ای تأثیرگذار در شکل دادن به خواسته آن‌ها برای فرار از کره‌شمالی تبدیل شد. رشد فناوری یو.اس.بی می‌تواند آهنگ تغییر را سرعت بخشد. این یو.اس.بی‌ها اجازه توزیع و گسترش سریع محتواهای رسانه‌ای را می‌دهند؛ این فایل‌ها و یو.اس.بی‌ها به راحتی قابل انتقال‌اند و بارها و بارها مورد استفاده قرار می‌گیرند و به راحتی پنهان می‌شوند (چنان‌که پیش از این ذکر شد). در کشوری که مردمش فاقد دسترسی به اینترنت‌اند، ذخیره داده‌های یو.اس.بی این پتانسیل را دارد که به منزله جایگزینی برای اینترنت عمل کند؛ یو.اس.بی‌هایی که در آن اطلاعات دیجیتالی دست‌به‌دست منتقل می‌شود. به همان اندازه که کامپیوتر به شکل باور نکردنی به سوی خانه‌های مردم کره‌شمالی راه خود را می‌یابد، به همان اندازه نیز توانایی تضعیف کنترل دولت را افزایش خواهد داد.

با این حال لازم به ذکر است که انقلاب اطلاعاتی نصفه نیمه پسا‌قحطی هنوز نفرت روزافزون از رژیم یا اشتیاق برای تغییر رژیم را برنینگخته است. بی‌تردید و سوسه حرکت به سوی چنین نتیجه‌گیری‌هایی وجود دارد، اما شواهد آن اندک است. دلیلی آشکار برای آن، این حقیقت است که دیدگاه‌های بیرونی از

کره شمالی محدود است؛ بنابراین نگرش‌های اندکی برای مخالفت با دیدگاه رسمی کره شمالی وجود دارد، حتی تلویزیون کره جنوبی به طور نسبی برنامه‌ها و محتواهای مرتبط با کره شمالی را کمتر نشان می‌دهد، زیرا مردم کره جنوبی چندان علاقه‌ای به وضعیت شمال منطقه غیرنظامی میان دو کره ندارند. آن چیزی هم که به تصویر کشیده می‌شود یا عقب‌تر از زمان است یا ارتباطی با فضای جامعه ندارد، کلاً بی‌ربط بوده و موجب لطمه به اعتبارشان می‌شود (مانند فیلم «روز دیگر بمیر» جیمز باند (۱۶)). اگر فرکانس، تناوب و البته کیفیت پوشش اخبار کره شمالی و تصاویر تخیلی بهبود یابد، شاید بتوان در مورد نتایج آن‌ها گمانه‌زنی کرد.

اگرچه ممکن است از منظر یک خارجی امری برخلافِ روال معمول به نظر رسد، مهم است خاطر نشان سازیم بیشتر مردم کره شمالی رژیم را مقصر مشکلاتی که کشورشان با آن دست‌به‌گریبان است نمی‌دانند. آن‌هایی که با تعداد فراوانی از فراریان کره شمالی کار می‌کنند گاهی مشاهده می‌کنند که فراریان تمایلی به ابراز نفرت از رهبری رژیم ندارند، مگر پس از فرارشان از کشور و حتی وقتی هم از کشور فرار می‌کنند، اگرچه احساساتی منفی در مورد دولت و رژیم از خود بروز می‌دهند، ضرورتاً این احساسات منفی نسبت به خود کشور ابراز نمی‌شود. چنان‌که انتظار می‌رود، بیشتر فراریان دلتنگ وطن، خانواده و دوستانی می‌شوند که به جا گذاشته‌اند و حتی دلتنگ چیزهایی مانند غذاهایی می‌شوند که با خوردن آن بزرگ شده‌اند. روش آشپزی کره‌ای‌ها منطقه به منطقه متفاوت است و گفته شده تجارت محدود قاجاق برخی اقلام و مواد غذایی وجود دارد که به فراریان ساکن در کره جنوبی رسانده می‌شود. برای اکثریت کره شمالی، مشاهده فیلم‌ها و تلویزیون کره جنوبی اقدامی سیاسی نیست. آن‌ها این کار را با هدف سرگرمی انجام می‌دهند، آن هم در سرزمینی که سرگرمی‌های انگشت‌شمار مختص خود دارد. (۱۷) این حقیقت که برنامه‌ها به یک زبان ارائه

می‌شود آن را جذاب‌تر می‌سازد. با آگاه‌تر شدن مردم، نگرش‌هایشان به جهان بیرون هم تغییر پیدا می‌کند و برخی حتی به این باور می‌رسند که آن برنامه‌ها را از خودشان بدانند؛ اما احتمال اینکه رسانه‌های خارجی مردم کره‌شمالی را ترغیب به نوعی طغیان مردمی علیه حکومت خاندان کیم سازند، امری است که باید منتظر ماند و دید.

خواندن و کتاب‌های کُمیک

در هر دو کشور، مردم خواندن را به‌منزلهٔ چیزی که با مطالعه مرتبط است می‌بینند. متداول‌ترین کتاب‌هایی که خوانده می‌شود کتاب‌های درسی است که قبولی در امتحان را تسهیل می‌سازد. جوانان هر دو کشور موضوعات سنتی مانند «علم» و «ریاضیات» را مطالعه می‌کنند، اما کودکان کره‌شمالی مجبورند بیوگرافی‌های تبلیغی کیم ایل سونگ و کیم جونگ ایل را هم بخوانند. هواداران جدی ادبیات نیز وجود دارد، اما دسترسی‌شان به محتوای ادبی به خاطر سانسور و کمبود پول بسیار محدود است. آن‌ها که به قدر کافی پول برای در اختیار داشتن مجموعه‌ای از کتاب‌ها را دارند و صبغه فکری هم دارند و احتمالاً با مجموعه‌ای از نویسندگان کلاسیک انگلیسی و روسی آشنایی دارند؛ تولستوی، داستایوفسکی، شکسپیر، اوستین و دیکنز در میان پرخواننده‌ترین‌ها هستند. رمان توماس هاردی با عنوان تس از خانواده دوربرویل^۱، با تم دهقانی که با صنعتی شدن سرمایه‌داری تهدید می‌شود، به رمان محبوبی برای بحث در میان دانشجویان تبدیل شده است.

خواندن کتاب‌های کم‌دی شکلی بسیار محبوب از مطالعه است. درست همان‌طور که مانگا^۲ در ژاپن است و هم‌ریشه‌اش مانهوا^۳ (۱۸) در کره جنوبی، کره

1. Tess of the D'Urbervilles
2. manga
3. manhwa

شمالی‌ها همچنین از کوریم چائک^۴ خوب (کتاب تصویری) برخوردارند. کوریم چائک در تمام شهرها، حومه شهرها و در دهکده‌های قابل حمل^۵ به نام چائک مای دای^۶ در دسترس است. این دهکده‌ها از نیمه تا اواخر دهه ۲۰۰۰ دیده می‌شدند و همچنان نمونه دیگری از کاپیتالیزم خصوصی - دولتی در حال ظهور در کره شمالی است. چائک مای دای‌ها از سوی کتابخانه‌ها و انتشاراتی‌های دولتی سازماندهی می‌شوند. آن‌ها داستان‌های عاشقانه زیادی دارند؛ اما تأکید عمده‌شان بر پروپاگانداست.

با این حال، برخلاف کتاب‌های جدی‌تری که نگرشی اغلب تحریف‌شده از تاریخ کره یا خاندان حاکم را نشان می‌دهند، تبلیغات کوریم چائک سرگرم‌کننده است و تفاوت در همین جاست. داستان‌ها معمولاً جنگ، جاسوسانی که به واشنگتن دی‌سی یا سئول رخنه می‌کنند یا نبردهایی از نوع داود و جالوت (۱۹) را به تصویر می‌کشند (که به‌منزله تمثیل‌هایی از موضع کره شمالی در برابر امریکا به کار برده می‌شود). داستان‌های دیگر مانند داستان‌های کلاسیک قدیمی سونیون جونگسو^۷ (فرمانده نوجوان^۸) با تلاش کره‌ای‌ها برای استقلال از ژاپن سروکار دارد. عموم مردم به‌راستی از این داستان‌ها لذت می‌برند و به این ترتیب، کوریم چائک در زمره ابزارهای کارا تر و ظریف‌تر تبلیغات در دسترس دولت کره شمالی است.

چائک مای دای کتاب‌های کمیک را برای فروش یا کرایه ارائه می‌دهد، اما فقدان پول، یعنی مردم معمولی ترجیح می‌دهند کرایه کنند. همچون هر فروشنده دوره‌گرد دیگر، آن‌هایی که چائک مای دای را اداره می‌کنند از حضور در مناطق شلوغ و ارائه محصولات کم‌هزینه نفعی کسب می‌کنند. به طور خاص مناطق مطلوب عبارت است از اطراف مدارس و دانشگاه‌ها یعنی جایی که نوجوانان

4. kurimchaek

5. portable bookstalls

6. chaekmaedae

7. Sonyon Jangsu

8. the boy commander

مهم‌ترین گروه هدف مصرف‌کننده) در رفت و آمدند. ایستگاه‌های قطار هم از مکان‌های محبوب است؛ زیرا قطارهای کره‌شمالی به خاطر دیر رسیدن‌ها، رسیدن بدون اطلاع یا اصلاً نرسیدن شهره‌آفاق است و جمعیت زیادی در آنجا تردد می‌کنند. مسافران خسته و کسل خط شلوغ و قدیمی قطار، چائک مای دای را به‌منزله نعمتی آسمانی می‌نگرند. در مناطق دانشگاهی پیونگ‌یانگ، دانشجویان در فاصله استراحت میان کلاس‌ها به چائک مای دای نزدیک درهای ورودی دانشگاه می‌روند تا بنشینند و لختی بیاسایند و اوقات فراغت محدود خود را صرف تورق داستان‌های جاسوس‌بازی و تاریخ نظامی کنند.

یک چائک مای دای معمولی پیشنهاد نسبتاً قابل‌توجهی از جدیدترین و محبوب‌ترین کتاب‌های کم‌دی (جیبی) را دارد که در کنار نیمکتی چوبی یا یک میز قرار داده شده است. جلد‌های رنگین و گرافیکی کوریم چائک چشم مشتریان را به خود جلب می‌کند همان‌طور که مجلات در دهه‌هایی در توکیو و هنگ‌کنگ چنین می‌کنند. برخی چائک مای دای‌ها کتاب‌های الکترونیکی هم برای فروش یا کرایه ارائه می‌دهند؛ این کتاب‌ها روی درایوهای کوچک یو.اس.بی حمل می‌شود و این نشانه دیگری است از زمان‌های در حال تغییر کره شمالی. خرید یک کوریم چائک بیش از ۱۰۰۰ وون قیمت دارد؛ بنابراین ترجیح بر این است که آن‌ها را با ۱۰۰ وون کرایه کنند (کمتر از دو سنت آمریکا در نرخ تسعیری بازار سیاه). بیشتر مشتریان در کنار قفسه کتاب‌های کمیک می‌ایستند و به‌سرعت تصاویر روی جلد را با چشم خود اسکن می‌کنند. برخی کتابخانه‌های عمومی هم این خدمات را ارائه می‌دهند. چائک مای دای‌ها پر از آجوماهای میانسال است که خواستار دریافت کارت شناسایی به عنوان بیعانه کرایه کتاب هستند. روی جلد کوریم چائک‌ها روشن و رنگین و داخلشان سیاه و سفید است و روی کاغذهای نامرغوب چاپ می‌شود؛ تقریباً به اندازه کاغذ A۶ هستند و از وسط تا می‌شوند تا اسکن یا مشاهده بخش‌های گرافیکی را پیش از اینکه کرایه داده شوند

آسان‌تر سازند. برخی شهروندان کره‌شمالی مغرورانه لاف می‌زنند که وقتی عجله دارند می‌توانند ظرف ۱۰-۱۵ دقیقه کل کتاب را اسکن کنند و از نظر بگذرانند. اگرچه تعداد زیادی کتاب‌فروشی متعارف در کره‌شمالی وجود دارد، مالکیت کتاب معمولاً امری لاکچری تلقی می‌شود؛ بنابراین ظهور چائک مای دای مهم است، بدین معنا که ادبیات داخلی در حال جذب گسترده‌تر مخاطبان است و یادآوری می‌کند که تمام تغییرات مربوط به سرمایه‌داری که در کره شمالی امروز رخ می‌دهد ضرورتاً تأثیراتی منفی برای رژیم ندارند. با این حال، شواهد روزافزون، اما ناقصی وجود دارد که می‌گوید برخی چائک مای دای‌ها ممکن است کتاب‌های غیرایدئولوژیک یا حتی کتاب‌های کمیک خارجی را انبار کنند. گزارشات شاهدان در چند سال اخیر از نسخه‌های گرافیکی داستان‌های معروف غربی مانند پینوکیو سخن به میان آورده‌اند که در برخی چائک مای دای‌های محلی قابل دسترس است.

کامپیوترها

کلیشه‌ای است اگر بگوییم کره جنوبی یکی از کشورهای است که بیشترین کابل‌کشی‌ها را در سیاره زمین دارد و کره‌شمالی یکی از کشورهای است که کمترین کابل‌کشی‌ها را دارد. همچنین درست است که تعداد بسیار معدودی از کره شمالی‌ها دسترسی به اینترنت دارند. آن‌هایی هم که به اینترنت دسترسی دارند خانواده‌هایی از نخبگان حکومتی‌اند، حتی آن‌ها هم تمایل به استفاده از آدرس‌های ایمیل یاهو دارند تا آدرس‌های رسمی دولتی. (۲۰) با در نظر گرفتن اینکه دولت کنترل اطلاعات را به‌منزله ابزاری اساسی برای انحصار قدرت می‌نگرد - و البته تلویزیون کره جنوبی و یو.اس.بی‌ها در حال شکستن این انحصارند - بعید است که محرومیت اینترنتی کره شمالی، با وجود شایعات دائم برخلاف آنچه در اوایل دهه ۲۰۱۰ شروع شد، به این زودی‌ها اصلاح شود. با

وجود این، تعداد اندکی از مردم کره‌شمالی دسترسی به کامپیوتر دارند و دولت با وجود ملاحظه محتاطانه در مورد اینترنت، به طور منظم در پروپاگاندهای خود از کامپیوتر و تبلت سخن می‌گوید و شهروندان را به آموختن فناوری اطلاعات ترغیب می‌کند. می‌توان این موضوع را با وضعیت کلی کشورهای ثروتمندتر در سال ۱۹۹۰ مقایسه کرد، هرچند هنوز تاحدودی تعداد اندکی آن را حفظ کرده‌اند، این احساس وجود دارد که کامپیوترها «آینده» را تشکیل می‌دهند و آینده وابسته به کامپیوتر خواهد بود. درست مانند سال ۱۹۹۰، اکثریت چشمگیری از کامپیوترها به شبکه متصل نبودند.

لپ‌تاپ‌ها ارزشمندترین وسایل نزد مردمان کره‌شمالی و به ویژه کسانی محسوب می‌شود که از مشاهده رسانه‌های خارجی بهره می‌برند. بدین دلیل لپ‌تاپ‌ها کوچک و قابل حمل و از این رو با سهولت بیشتری قابل پنهان شدن هستند. در جاهایی مانند بازار کانگ دونگ^۱ در پیونگ‌یانگ، یک لپ‌تاپ چینی ارزشی معادل ۳۰۰ دلار یا بیشتر خواهد داشت (بسته به نوع، کیفیت و ویژگی‌هایش). برای بسیاری از مردم کره‌شمالی این مبلغ زیاد است. لپ‌تاپ‌ها و کامپیوترهای دست دوم این ابزارها را برای شهروندان معمولی در دسترس‌تر قرار می‌دهد هرچند باید برای آن هم ۱۵۰ دلار پرداخت. یک برآورد منطقی تعداد کل لپ‌تاپ‌ها و کامپیوترها در این کشور را حدود ۴ میلیون دستگاه یا یکی به ازای هر ۶ نفر تخمین زده است. حدود نیمی از این کامپیوترها در مناطق ثروتمندتر پیونگ‌یانگ قرار دارد که به نوعی دور از دسترس مردم متوسط است. در خارج از پایتخت شاید یک کامپیوتر به ازای هر ۱۱ نفر وجود داشته باشد.

برخی کامپیوترها به شبکه‌های اینترنتی وصل‌اند. اینها تنها باغ‌های محصور^۲

1. Kangdong Market

۲. walled gardens؛ باغ محصور در فضای مجازی و اینترنت به محیطی اشاره دارد که دسترسی کاربران به محتوای وب و خدمات اینترنتی را کنترل می‌کند و در واقع به ISPها اجازه دسترسی به هر «گلی» را در «باغ اینترنت» نمی‌دهد. شاید بی‌راه نباشد اگر برای تقریب به ذهن بتوان از معادل‌های «اینترنت پاک» یا «فیلترینگ» استفاده کرد.

کره شمالی اند و به‌منزلهٔ نوعی اینترنت رسمی کره شمالی عمل می‌کنند. هکر جمعی ناشناس^۳ روزگاری مدعی رسوخ در یکی از این شبکه‌ها شد، اما از آنجا که لینک یا ارتباط با دنیای خارج وجود نداشت درک اینکه چگونه این امر میسر شده دشوار است. (۲۱) استفاده «از» و دسترسی «به» بزرگترین شبکه یعنی شبکهٔ کوانگ میونگ^۴ از دانشگاه‌ها و دفاتر دولتی آزاد بوده و برای استفادهٔ خصوصی یعنی برای کسانی که خط تلفن و کامپیوتر دارند هم آزاد است. بیشتر محتوای کوانگ میونگ از اینترنت معمول گرفته می‌شود و پس از عبور از برابر دیدگان سانسورچیان وارد این شبکهٔ داخلی می‌شود. کوانگ میونگ همچنین ایمیل، پیام‌رسان چت، کتابخانه الکترونیک [e-book]، اخبار و دسترسی به وبسایت‌های کره شمالی هم دارد.

این روزها بازدیدکنندگان از پیونگیانگ دوست دارند بازی «تبلت را پیدا کن» را انجام دهند. برای اعضای نخبه، یک تبلت چینی، هم ابزار سرگرمی و بازی است و هم نماد جایگاه و اعتبار افراد؛ بنابراین مشاهده جوانان و ساکنان «پیونگاتان» که در کافه‌ها می‌نشینند و با ابزارهای داخل موبایل یا خود موبایل بازی می‌کنند و جرعه جرعه قهوه می‌نوشند، در حال تبدیل شدن به امری متداول است. دولت کره شمالی وارد معرکه شده و تبلت‌های اندروید خاص خود را با عنوان سامجی یون^۵ تولید کرده است. با وجود این، سامجی یون محصول واقعاً شمالی نیست. سیستم عامل آن اندروید است و اجزاء داخلی اش از یکون^۶ - شرکت چینی تولیدکننده برق خانگی که در شهر شنژن^۷ مستقر است - می‌آید. این تبلت‌ها قیمتی معادل ۲۰۰ دلار دارند و به گفتهٔ منبعی که در نمایشگاه تجاری پیونگیانگ موفق به خرید یکی از آن‌ها شد، یک نسخه از بازی پرندگان

3. Hacker collective Anonymous
 4. Kwang Myong
 5. Samjyon
 6. Yecon
 7. Shenzhen

عصبانی،^۱ پی‌دی‌اف و برخی کتاب‌های الکترونیکی از قبل بارگذاری شده بر روی آن‌ها نصب شده است. قابلیت‌های آن با قابلیت تبلت‌های معروف بین‌المللی دیگر قابل مقایسه است؛ البته با یک استثنا. این سامجی یون‌ها کارکرد وای‌فای ندارند. در کره‌شمالی وای‌فای ویژگی کاملاً بی‌ارزش تلقی می‌شود. (۲۲) با توجه به قیمت آن و این حقیقت که آن دسته از شمالی‌هایی که پول دارند می‌توانند محصولات خارجی خریداری کنند، بعید است که سامجی یون «ضربه» یا «آسیب» تلقی شود. به گفته منابعی در تمام سطوح اجتماعی و مناطق جغرافیایی، محصولات کره‌شمالی عموماً غیرمحبوب تلقی شده و هر چیز ژاپنی و اروپایی مطلوب تلقی می‌گردد، درحالی‌که هر چیز چینی کم‌کیفیت و ارزان‌پنداشته می‌شود، همین جنس چینی بهتر از محصول مشابه شمالی تلقی می‌شود. برخی ممکن است سامجی یون را تلاش تبلیغاتی از سوی کره‌شمالی تلقی کنند که هدفش به رخ کشیدن [توانایی] کره‌شمالی (برای دنیای خارج) و البته این نکته که کره‌شمالی در حال پیوستن به انقلاب اطلاعاتی^۲ است.

مشاهدهٔ پیونگیانگی‌هایی که از تبلت استفاده می‌کنند جالب توجه است، اما توجه واقعی باید به کامپیوترهای شخصی معطوف شود که درایو یو.اس.بی دارند. براساس نظرسنجی سال ۲۰۱۰ از ۲۵۰ فراری، ۱۶ درصد به اینترنت دسترسی داشتند. با توجه به رشد انفجاری پیشینی که در دسترسی به تلویزیون و دی.وی.دی‌ها مشاهده شد، منطقی است تصور کنیم این رقم اکنون بسیار بیشتر است. اگر کامپیوتر ابزاری تصور شود که از طریق آن تعداد بالقوه بیشماری از مردم می‌توانند به رسانه‌های خارجی بر روی یو.اس.بی‌ها دسترسی یابند، پتانسیل این کامپیوترها برای تضعیف کنترل دولت بر اطلاعات بسیار زیاد است. ترکیب رسانه‌های خارجی در کنار کامپیوترهای شخصی پیامد کنجکاوانهٔ دیگری هم داشته است. کافه‌های اینترنتی^۳

1. Angry birds
2. information revolution
3. PC-bang

در همه جای کره جنوبی دیده می‌شوند و به‌منزلهٔ اتاق‌های بازی شبکه‌ای تلقی می‌شوند که در آن جوانان می‌توانند به رقابت با یکدیگر بپردازند؛ شمالی‌ها ظاهراً این کافه‌های اینترنتی را در تلویزیون کره جنوبی دیده‌اند و تصمیم به کپی‌برداری از آن‌ها گرفته‌اند؛ بنابراین تعداد معدودی از کافه‌های شبکه‌ای اینترنتی در کره شمالی دیده می‌شوند که پر از بازی‌های کامپیوتری‌اند. کسانی که با آن‌ها بازی می‌کنند باید تنها باشند. تنها امکان شمالی‌ها از اینترنت همانا به اشتراک گذاشتن فایل‌ها از طریق یو.اس.بی‌هاست. (۲۳)

یومی گامو

یومی گامو^۴ چیست؟ معنای تحت‌اللفظی آن یعنی نوشیدن، موسیقی و رقص. این سه با هم هستند؛ البته در هیچ کجا مانند کره، جایی که ترکیب هر سه هنوز وجود دارد، این قدر نمود عینی نداشته است. اگرچه ممکن است فرد در کتاب‌های جدی انگلیسی زبان مربوط به کره چیز اندکی در مورد آن خوانده باشد. اومجووگامو بخش مهمی از زندگی در کره است. کلیشه‌ای وجود دارد که کره‌ای‌ها را ایرلندی‌های شرق می‌نامد، اما برخلاف برخی کلیشه‌ها، این یکی به‌راستی واقعی است. هرکسی که مدتی را در کره جنوبی گذرانده باشد به شب‌های شادی و نوشیدنی‌های شبانه آبجو و سوجو^۵ شهادت می‌دهد که به مدت ۱ یا ۲ ساعت در اتاق نورای بنگ^۶ (کارائوکه^۷) ادامه می‌یابد؛ جایی که افراد می‌خوانند، می‌رقصند و تامبورین‌ها را با صدای خواننده مورد علاقه به صدا درمی‌آورند. وقتی به هفت دههٔ جدایی در کره می‌نگریم، روح اومجووگامو - که

4. eumjugamu

5. soju

6. noraebang

۷. karaoke: کارائوکه ابزاری سرگرم‌کننده است برای دوستداران آهنگ‌هایی که از طریق صفحه نمایش و میکروفون این امکان را برای افراد مبتدی فراهم می‌کند تا حین پخش موسیقی بی‌کلام آهنگ‌های مشهور و اشعار آن‌ها را بر صفحه نمایش ببینند و از طریق میکروفون به ضبط صدای خود بپردازند.

ریشه‌های آن را می‌توان به سنت شمن‌باوری^۱ و فستیوال‌های باستانی مانند دانو^۲ رساند. در فرهنگ کره‌ای ریشه دارد و آن‌هایی که در کره شمالی هستند هنوز عشق و علاقه‌ای تمام‌عیار به آن دارند.

رهبران کره شمالی هم بی‌تردید استثنا نیستند. معروف است که کیم جونگ ایل عاشق پارتنی^۳، مشروب‌خواری قهار، (۲۴) و مدافع کنیاک‌های هنسی^۴ گران‌قیمت بود. همچنین بسیاری از رهبران چانه بول کره جنوبی هم چنین بودند. محفل او به نوشیدن و مصرف الکل معروف بود و فرزندش کیم جونگ اون نیز همین مسیر را می‌رود، البته اگر دیدار دنیس رودمن^۵، بازیکن بسکتبال، از شهر پر تردد وونسان^۶ را بتوان نماد یا مثالی از آن گرفت. این دو [اون و رودمن] سه روز را صرف نوشیدن حجم زیادی از تکیلا^۷، ودکا و دیگر مشروبات کردند و در جت اسکی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند و در قایق ۶۰ متری (۲۰۰ فوتی) خاندان حاکم با هم سفر می‌کردند. «اون»، برخلاف پدرش، مدافع شراب سرخ فرانسوی بود و این شراب‌ها را به کنیاک ترجیح می‌داد.

اما عادات نوشیدن شهروندان معمولی کره شمالی چیست؟ برای این دسته از

۱. shamanic tradition: یک رشته باورهای سنتی در برخی اقوام بدوی است. شمن‌باوران معتقدند که به وسیله تماس با ارواح می‌توان بیماری و رنج افراد را تشخیص داد و درمان کرد یا در افراد ایجاد بیماری و رنج کرد. توان پیشگویی آینده یکی از باورها در شمن‌گرایان است.

شمن‌ها مدعی‌اند که می‌توانند با روح خود به جهان‌های دیگری سفر کنند و با دیگر ارواح تماس بگیرند. آن‌ها معتقدند با این کار قادرند میان جهان مادی و جهان روحانی توازن و ارتباط برقرار کنند.

۲. Dano: تعطیلات سنتی کره‌ای در پنجمین روز از پنجمین ماه کره‌ای است. در دوران باستان در این روز مراسمی معنوی برگزار می‌شد که با رقص، شراب و خواندن همراه بود. در این روز زنان موهای خود را با «سوسن صغیر» (وج، آگیر ترکی یا سوسن صغیر با نام علمی Acorus calmus یا Sweet Flag نوعی گیاه خودرو است که در کنار رودخانه‌ها و جریان‌های آب می‌روید و دارای ریزوم افقی و استوانه‌ای شکل، برگ‌های متنوب و غلاف‌دار، باریک و دراز به طول ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر و دارای ۲ لبه نسبتاً تیز است) جوشیده در آب می‌شستند و معتقد بودند مویشان درخشان می‌شود. مردم لباس‌های آبی و قرمز بر تن می‌کردند و موهای خود را با ریشه گیاه زنبق رنگ می‌کردند. مردان در اطراف کمر خود ریشه‌های زنبق می‌بستند تا از شر ارواح خبیثه رها شوند. این روز به «روز خدا» یا the day of god نیز معروف است؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Dano (Korean festival), accessed on 30 November 2018, [https://en.wikipedia.org/wiki/Dano_\(Korean_festival\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Dano_(Korean_festival))

3. partying

4. Hennessy cognac

5. Dennis Rodman

6. Wonsan

7. tequila

شهروندان سخت است که تکیلا بخرند. بیشتر آن‌ها از مشروبات دولتی مانند یانگدوک - سول^۸ یا آبجوی معروف کره‌شمالی به نام تائه دونگ گانگ^۹ در تعطیلات ملی خاص یا مراسم استفاده می‌کنند و احتمالاً هرگز نمی‌توانند از تخمیرهای گیاهی قدرتمند (مانند شراب بلوبری پائک توسان^{۱۰}) استفاده کنند که می‌تواند از سوی خارجی‌ان هنگام سفر به این کشور خریداری شود. (۲۵) برخی فراریان قدیمی حتی می‌گویند که نوشیدن یک مُسکر («خوب») (مثلاً خانگی) هم لاکچری است و عمدتاً در تعطیلات ملی استفاده می‌شود. به طور معمول، بطری‌های نوشیدنی‌های الکلی در روز تولد کیم ایل سونگ و کیم جونگ ایل و نیز در سال جدید و ۹ سپتامبر (روز تأسیس کره شمالی) توزیع می‌شود. این روزها، روزهای کاری نبوده؛ بنابراین مستی امری معمول بود. امروز اما چنین توزیع‌هایی چندان معقول نیست، اما از آنجا که دوره سرمایه‌داری متحول‌کننده در کره‌شمالی است، این روزها سوداگری خصوصی روزافزونی در زمینه نوشیدنی‌های الکلی وجود دارد.

آبجوهای انبوه در بازار، مانند تائه دونگ گانگ، در همه‌جا در دسترس است. همچنین ۹ کارخانه آبجوسازی دیگر در این کشور وجود دارد، به این معنا که در زمان نوشتن این مطالب، تعداد کارخانه‌های آبجوسازی در کره‌شمالی بیش از کره‌جنوبی بود. بهترین این کارخانه‌ها کیونگ هونگ^{۱۱} است که بارها و رستوران‌هایی را هم اداره می‌کند. سوجو مقرون به صرفه‌ترین و قانونی‌ترین راه تولید و ساخت این قبیل نوشیدنی‌ها در کره‌شمالی است، درست مانند کره جنوبی؛ بنابراین معمول است که کره شمالی‌هایی را ببینیم که آن را در پارک‌های عمومی می‌نوشند. معروف‌ترین برند سوجوی پیونگ‌یانگ است (که حتی در

8. Yangdok-Sul

9. Taedonggang

10. Paektusan Blueberry Wine

11. Kyeongheung

روزهای سیاست آفتاب تابان^۱ اوایل دهه ۲۰۰۰ در سئول هم یافت می‌شد؛ اما دیگر شهرها هم سوجوی خاص خود را دارند.

همچنین، شمالی‌ها همواره از شراب مونشاین^۲ خانگی هم بهره می‌برند. برای اکثر مردم - به ویژه کسانی که در حومه‌ها و حاشیه‌ها هستند و درآمد اندکی دارند یا هیچ ندارند - این تنها گزینه در دسترس است. به طور معمول، مشروبات خانگی در بدوی‌ترین شکل خود هستند. ذرت، میوه یا جنسینگ در یک بطری یا پارچ برای تخمیر گذاشته می‌شوند و برای گرم ماندن با مجموعه‌ای از لباس‌ها پوشانده می‌شود. محصول نهایی می‌تواند از سوی خانواده سازنده مصرف شود؛ حتی فروخته یا با همسایگان مبادله شود. این نوع مونشاین تقریباً از دوران سلسله چوسان در کره ساخته می‌شد. جنوبی‌ها نیز تا دهه ۶۰ از سازندگان خانگی شراب بودند؛ یعنی زمانی که دولت گایانگجو^۳ (مشروب تند خانگی) را پایان داد و مردم را تشویق کرد که سوجوی صنعتی - کارخانه‌ای بخرند که ایمن‌تر است، سوجوهای کارخانه‌ای یا صنعتی با تلاش‌های صنعتی‌سازی رئیس‌جمهور وقت پارک چونگ - هی^۴ مطرح و بکار گرفته شد.

در کره شمالی، این کار همچنان ادامه دارد. نوشیدنی‌های الکلی خانگی با نام نانگ تائه‌گی^۵ (یا گاهی نانگجو^۶) معروف‌اند. بیشتر زنان خانه‌دار می‌دانند چگونه آن را بسازند و آن‌هایی هم که چنین می‌کنند در روستای محل سکونت خود شهرتی کسب کرده‌اند. این زنان اگر بخواهند می‌توانند مونشاین‌های خانگی خود را وارد چرخه کسب‌وکار کوچک خود کنند و از آن پولی بدست آورند. به گفته یکی از فراریان، فرد می‌تواند درآمد خود را با خرید ذرت (۲۶) و تبدیل آن به نانگ تائه‌گی دو برابر کند و آن را در بازار بفروشد. ممکن است مقداری از آن

1. Sunshine Policy
 2. moonshine
 3. gayangju
 4. Park Chung-hee
 5. nongtaegi
 6. nungju

باقی بماند که خورده می‌شود (اما قطعاً خوشمزه نیست). با این حال، خماری ایجاد شده از سوی نانگ تائه‌گی تقریباً استثناً تلقی می‌شود. اگرچه نانگ تائه‌گی غیرقانونی است، هر تلاشی برای متوقف کردن تولید آن در نهایت محکوم به شکست است. آن‌هایی که کارشان از میان بردن این فعالیت بود، بیش از هرکس دیگری از آن لذت می‌بردند. به گفته یکی از فراریان، حدود ۸۰-۹۰ درصد از مردان کره شمالی روزانه مقداری می‌نوشند، حتی آهنگی محبوب هم وجود دارد با عنوان «دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه، شنبه و یکشنبه بنوش».^۷ مردان شمالی بیش از دیگر اعضای خانواده و برادران جنوبی خود می‌نوشند. زنان شمالی هم کمتر از زنان جنوبی می‌نوشند، اما این هم در حال تغییر است. از آنجا که زنان طبقه کارگران آور هستند، آزادی بیشتری دارند و در عین حال، استرس زیادتری هم در پایان روز دارند که باید مرتفع شود.

وجود نخبگان سرمایه‌دار روبه‌فزون در پیونگیانگ که با سرمایه‌داران در دیگر نقاط کاملاً متفاوت‌اند (و ثروت روزافزون نخبگان سنتی) بدین معناست که بارها و رستوران‌های جدید همواره در حال شکل‌گیری‌اند. (۲۷) چندین کارخانه آبجوسازی کوچک وجود دارد که آبجوهایی کم‌الکل و با الکل زیاد را تولید می‌کنند. بسیاری از مردان ثروتمندتر شهری هر شب پس از کار آبجو می‌نوشند، درست مانند کارگران سئول. شراب وارداتی و البته سوجوهای ملایم‌تر نیز در رستوران‌ها محبوب‌اند؛ بسیاری از این رستوران‌ها به صورت بیست و چهارساعته بازند و سرگرمی‌های موسیقایی هم ارائه می‌دهند. ویسکی متاعی با ارزش است، نه فقط برای نوشیدن بلکه نوعی اعتبار محسوب می‌شود. یک بطری ویسکی با کیفیت می‌تواند باعث شود پلیس نگاه دیگری به شما داشته باشد؛ استاد دانشگاه بتواند ارتقا بگیرد و توریست‌های خارجی رفتار خاصی با شما داشته باشند.

7. Weol, hwa, su, mok, geum, to, il Banju

گزینه دیگر شبگردی برای شهری‌هایی که درآمدی دارند، پوچانگ ماچا^۱ یا بارهای چادری^۲ است. این «بار»های سوجو که به رنگ نارنجی است و به صورت موقت در کنار خیابان‌ها عَلم می‌شود، در همه‌جای کره جنوبی دیده می‌شوند و در کره شمالی هم (لااقل در پیونگ‌یانگ) تا اواخر دهه ۸۰ چنین بود که از آن زمان مورد سرکوب دولتی قرار گرفتند، اما امروزه این بارهای خیابانی و کنار جاده‌ای در حال احیا شدن و بازگشتند. برخلاف کره جنوبی، پارتی‌های خانگی در کره شمالی بسیار متداول است. اعضای تمام طبقات اجتماعی مایلند که در خانه‌های یکدیگر جمع شوند و با خوردن و نوشیدن به صورت مشترک تولدها و مراسم‌های خاص را جشن بگیرند. در کشوری که رفتار عمومی به میزان نسبتاً بالایی تحت کنترل است، پارتی خانگی روشی طبیعی برای بریدن از دل‌نگرانی‌های بیرون است. آن‌هایی که در این پارتی‌های خانگی حضور پیدا کرده‌اند می‌گویند میزان خوش‌گذرانی در این مراسم‌ها به حدی زیاد است که موجب شرمساری جنوبی‌هاست، به گونه‌ای که حتی «یک سور هم به جنوبی‌ها زده است». یکی از فراریان شمالی می‌گوید لذتی را که در این میهمانی‌های خانگی برده، هرگز در سئول نداشته است. او و دوستانش با موسیقی پاپ غربی و کره جنوبی می‌رقصند در حالی که لیوان‌های نانگ تائه‌گی را بهم می‌زنند. آن‌ها یو.اس.بی.ها، دی.وی.دی‌ها و ام.بی.تری پلیرها را به اسپیکری بزرگ وصل کرده و فایل‌های یو.اس.بی را اجرا می‌کنند.

دانشجویان در پیونگ‌یانگ با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، درست مانند هم‌تایانشان در سئول. این مسئله برگزاری پارتی‌های خانگی را برایشان دشوار می‌سازد، اما راه‌حل آن‌ها برگزاری این پارتی‌ها در ساختمان‌های متروکه

1. pojang macha

۲. tent bar: بارهایی که به صورت چادرهای برزتی یا پلاستیکی در نقاط مختلف عَلم می‌شود تا عابران بتوانند بدون دغدغه لبی‌تر کنند و لختی بیاسایند؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Esther Oh & Frances Cha (23 March 2012), Guide to pojangmacha: Why Koreans love drinking in tents, <http://travel.cnn.com/seoul/drink/pojangmacha-guide039741-/>

است که تعداد زیادی از آن‌ها در شهر وجود دارد؛ حتی شایع است که برخی عاشقان جوان برای برقراری روابط جنسی به داخل این ساختمان‌های متروکه می‌روند. برخلاف عرف رایج و باور عمومی،^۳ بسیاری از دانشجویان از اینکه برای مشارکت در کار اجباری کشاورزی به حومه شهرها فرستاده شوند به‌راستی لذت می‌برند. اگرچه این اقدام موجب خشم خانواده‌ها می‌شود که چرا فرزندان‌شان از آن‌ها جدا و به جای حضور در دانشگاه به مشاغل پستِ دور از خانه گمارده می‌شوند، خود دانشجویان این را به‌مثابهٔ فرصت می‌نگرند تا هر شب پارتی برگزار کنند و با جنس مخالف حشر و نشری داشته باشند. در میان تمام طبقات اجتماعی در کره شمالی، این پارتی‌ها اغلب با مشارکت فردی که گیتار یا دیگر آلات موسیقی را می‌نوازد و به‌تنهایی می‌خواند روح می‌گیرد. همچون هر جای دیگر، کسی که می‌خواند و می‌نوازد از مزیت‌های اجتماعی برخوردار است، مانند توانایی تأثیرگذاری بر زنان. سوجو کمک می‌کند این لحظات خوب غلیان بیشتری داشته باشد، اگرچه ممکن است برق هم برود (و احتمالاً چنین نیز می‌شود)، صاحبان پارتی خانگی با افروختن شمع مراسم را ادامه می‌دهند و لذت را از خود دریغ نمی‌کنند.

دستگاه‌ها و ادوات کارائوکه (در کره جنوبی به نورای بنگ^۴ و در کره شمالی به هوامیونگ بانجو یوما^۵ معروف است) که کلکسیون آهنگ‌ها و قطعات را برای خواندن کارائوکه آماده می‌سازد و نیز گاهی می‌توانند در خانه‌های کسانی که درآمد قابل قبولی دارند یافت شود. این دستگاه‌ها نقطهٔ اتکاء اتاق‌های آهنگ‌خوانی در کره جنوبی هستند، اما برای بیشتر مردم سؤال ممکن است اسباب شگفتی باشد که تصور کنند پیونگیانگی‌ها این دستگاه‌ها را در آپارتمان‌های خود نگه می‌دارند. (۲۸) خوانندگان عددی را تایپ می‌کنند که

3. conventional wisdom

4. noraebang

5. Hwamyeon Banju Eumak

منطبق است با قطعه موسیقایی یا آهنگ مورد انتخابشان و نسخه‌ای که با ادوات موسیقی اجرا می‌شود، صدایش بلندتر از اسپیکر است. اشعار روی صفحه کامپیوتری دیده می‌شود و فرد می‌تواند با مشاهده آن اشعار آهنگ خود را بخواند، درحالی که دوستانش می‌رقصند و دست می‌زنند. در جایی که میکروفون نباشد، افرادی که مایل به خواندن هستند با گرفتن قاشقی در دست، در نقش میکروفون، تظاهر به تقلید می‌کنند.

این روزها، کره شمالی‌ها دسترسی روزافزونی به موسیقی‌های خارجی دارند. این امر با ام.پی.تری پلیرها میسر شده است. پلیرهای ارزان (و خود فایل‌های ام.پی.تری) از چین آورده و در جانگ مادانگ حدود ۸ دلار فروخته می‌شوند. این رقم برای افراد به‌راستی فقیر رقمی بسیار بالاست، اما برای خانواده‌های تجارت‌پیشه و هرکس دیگری که توانسته با واقعیت سرمایه‌داری جدید در کره شمالی سازگار شود، این مبلغ، پولی در دسترس است. والدین برای نوجوانان خود ام.پی.تری پلیرهایی با اهداف آموزشی می‌خرند؛ اما جوانان این ام.پی.تری پلیرها را بیش از هر چیز با موسیقی کره جنوبی پر می‌کنند. موسیقی پاپ کره شمالی را هرگز نمی‌توان به بی‌روح بودن متهم کرد؛ البته آهنگهای عاشقانه زیادی وجود دارد، اما ایاتش نسبتاً بدون الفاظ رکیک شده است. آهنگ‌هایی وجود دارد که هیچ جوانی اصلاً نمی‌خواهد به آن گوش کند. آهنگ‌هایی که از خانواده حاکم تمجید می‌کند، شنونده را ترغیب به کار صادقانه و سرسختانه می‌کند یا خاطراتی نوستالژیک از موطن و مادران را به یاد می‌آورد. (۲۹) گاهی، مردم از این آهنگها جُک‌هایی می‌سازند. یکی از مصاحبه‌شوندگان از دانشجویانی در پیونگ‌یانگ سخن می‌گفت که هر وقت از کلاس درس خارج می‌شدند یکی از آهنگ‌های تبلیغاتی قدیمی با عنوان ناگاجا ناگاجا (پیش به سوی جلو) را می‌خواندند؛ البته به شکلی طنزآمیز.

موسیقی کره جنوبی در مورد عشق، مسائل جنسی و جدایی و طلاق است؛ موضوعاتی که برای جوانان اعم از دختر و پسر جالب است. لازم به ذکر است که مردم کره شمالی روایت نیستند و به همین دلیل موسیقی پاپ محلی فضای زیادی روی ام.پی.تری پلیرهای جوانان اشغال نمی‌کند. با وجود غیرقانونی بودن موسیقی کره جنوبی، این موضوع رخ می‌دهد و در اختیار داشتن آن برابر است با مجازات. همچون تلویزیون و فیلم، آن‌هایی که فرزندان‌شان در حال گوش کردن به موسیقی کره جنوبی هستند بازداشت می‌شوند و باید آمادگی پرداخت رشوه را داشته باشند. اگر چنین نباشد، ممکن است شغل خود را از دست بدهند یا اتفاقی بدتر از آن سرشان بیاید؛ اما این تهدیدها جوانان را از شنیدن موسیقی دلخواه کره جنوبی باز نمی‌دارد.

این بدین معنا نیست که هیچ‌کس به موسیقی پاپ کره شمالی گوش ندهد. بسیاری از آهنگ‌های کره شمالی صدایی شبیه به صدای پای اسپِ یورتمه^۲ رو را دارد و این موسیقی تحت‌تأثیر اینکا^۳ی ژاپنی است که طی دوران استعمار ژاپن وارد کره شد. این سبکی است که هنوز در میان کره‌ای‌های کهنسال دو سوی منطقه غیرنظامی محبوب است. اگرچه در مورد کره شمالی تأثیر قاطع شوروی را هم باید ذکر کرد که صدای موسیقی‌اش پراگنده‌تر است؛ هرچند مانند کره جنوبی از ابزارهایی برای کاهش ضرب صدا استفاده می‌کنند. یکی از نویسندگان به یو.اس.بی متعلق به راننده اتوبوس کره شمالی دست یافت که شامل حدود ۲۰۰ مورد از این قطعات بود. بسیاری از این قطعات شامل اشارات بی‌پایان به چنگونیم^۴ یا (ژنرال محترم) بود و بقیه به نام کیم جونگ ایل معروف بودند. (۳۰) شاید بتوان اشعار را نادیده گرفت، اما می‌توان به راحتی تصور کرد بسیاری از این قطعات موسیقایی از باندهای ضبط راننده تاکسی‌های سنول شنیده شود. چندین

2. trot or bbongjjak sound

3. enka

4. Janggunnim

اقدام موسیقایی برجسته در کره شمالی شکل گرفته است که همگی مؤسسات ملی اند و از سوی دولت شکل گرفته اند. از جمله محبوبترین ها گروه موسیقی الکترونیکی پوکونبو^۱ است و گروه موسیقایی وانگ جائه سان^۲. هر دو در دهه ۸۰ تأسیس شدند و هر دو به نام نبردهایی^۳ هستند که کیم ایل سونگ در آن ها جنگیده بود. همچنین ارکستر اونهاسو^۴ هم وجود دارد که در آن ری سول جو^۵ همسر کیم جونگ اون، روزگاری در آن می خواند.

به نوشته مقاله ای که در روزنامه چوسون ایلبو^۶ کره جنوبی منتشر شد، اعضای این گروه ها از سوی جوخه های آتش در سال ۲۰۱۲ اعدام شدند. این مقاله در ادامه نوشت خواننده این گروه به نام هیون سونگ وول (۳۱) (از گروه الکترونیکی پوچونبو) معشوقه سابق کیم جونگ اون بود که پس از مرگ کیم جونگ ایل در دسامبر ۲۰۱۱ - که در مسیر پیوند آن ها قرار گرفته بود - روابط خود با «اون» را از سر گرفته بود. حضور ری سول جو بدین معناست که هیون سونگ وول باید برود و به همین دلیل، این خواننده به همراه چندین نفر دیگر به جرم قانون شکنی در زمینه پورنوگرافی دستگیر شد؛ حتی ادعاهایی وجود داشت که ری سول جو نیز درگیر پورنوگرافی بود و اینکه ادعای اعدام «وول» راهی برای پنهان کردن این مسئله بود. با این حال، حقیقت امر این است که چنین داستان هایی به نوعی غیر قابل اعتمادند. روزنامه چوسون ایلبو - که برخوردار از ارتباطات خوب با دولت کره جنوبی و سازمان اطلاعاتی این کشور است - مشتاق تفت دادن داستان هایی مبتنی بر منابع اطلاعاتی بی نام است که موجب می شود

1. Pochonbo Electronic Ensemble

2. Wangjaesan Light Music Band

۳. Battle of Pochonbo: نام نبردی در کره شمالی که در ۴ ژوئن ۱۹۳۷ به فرماندهی کیم ایل سونگ ۲۴ ساله علیه اشغالگران ژاپنی درگرفت. این جنگ جایگاه ویژه ای در تاریخ کره شمالی دارد. نبرد پوکونبو نبردی بود برای انتقام گرفتن از بی رحمی و قساوت «امپریالیست های ژاپنی علیه مردم کره». این نبرد با شلیک هوایی کیم ایل سونگ آغاز شد. با آغاز جنگ پاسگاه های پلیس، ادارات پست، دبستان، آتش نشانی های ژاپنی و دیگر اماکن متعلق به نیروهای ژاپنی در کره شمالی نابود شد؛ برای اطلاعات بیشتر رک.:

Battle of Pochonbo, accessed on 2 December 2018, https://en.wikipedia.org/wiki/Battle_of_Pochonbo

4. Unhasu Orchestra

5. Ri Sol Ju

6. Chosun Ilbo

کره شمالی کشوری اهریمنی، غیرعادی یا هر دو به نظر برسد. (۳۲) برعکس، این موضوع موضع سرویس اطلاعات کره جنوبی را در داخل تقویت می کند به ویژه در عصری که با درخواست‌های دائم برای اطلاع سیاسی کاری‌هایش دست‌به‌گریبان است. از آنجا که تأیید یا تکذیب این داستان‌سرایی‌ها بی‌نهایت دشوار است، گزارشگران بین‌المللی آن‌ها را به منزله حقیقت می‌نگرند و آن‌ها را بدون دخل و تصرفی بازنشر می‌کنند. در مورد هیون سونگ وول، نویسنده‌گان این کتاب به یقین می‌توانند اظهار دارند که او - به گفته منبعی بسیار موثق - زنده است. خانم هیون هم هنوز از چشم رژیم نیفتاده است.

صرف نظر از این، به نظر می‌رسد دولت به‌طور ضمنی اذعان کرده که پوکونبو، وانگ جائه‌سان و امثال آن اکنون قدیمی شده‌اند. شاید در پاسخ به هالیو یا موج^۶ غیرقابل توقفی که از جنوب می‌آید، شمالی‌ها اکنون نسخه خاص خود از گروه دختران^۸ را دارند که با دامن کوتاه و مدل موی پر زرق و برق کامل شده است. گروه مورانبونگ^۹، که ظاهراً از سوی شخص کیم جونگ اون پایه‌گذاری شد، به منزله نماد تلاش‌های دولت برای نشان دادن مدرنیته خوش‌رنگ و لعاب در عصر «کیم سوم» تلقی می‌شود. برخلاف گروه دختران کره جنوبی، مورانبونگ کره شمالی ابزارآلات موسیقایی خاص خود را می‌نوازد. همان‌طور که از فارغ‌التحصیلان ستاره سیستمی که فستیوال آیرانگ^{۱۰} را سامان می‌دهند انتظار می‌رود، اجرایشان بسیار جدی و خشک است. آن‌ها به‌طور چشمگیری نسخه‌های به روز از آهنگ‌های قدیمی انقلابی را اجرا می‌کنند و حتی گفته می‌شود مغازه‌هایی هم با فرهنگ امریکایی دارند؛ برای مثال آهنگ‌هایی با تم

۷. Hallyu: معادل انگلیسی آن The Korean Wave است که اشاره دارد به افزایش محبوبیت جهانی فرهنگ کره جنوبی از دهه ۹۰ به بعد. با شروع قرن ۲۱، کره جنوبی به صادرکننده مهمی در زمینه فرهنگ پاپ و توریسم تبدیل شده است و گستره فرهنگی این کشور به شرق، جنوب و جنوب شرق آسیا هم سرایت کرده است.

8. girl band

9. the Moranbong Band

۱۰. بازی‌های دسته‌جمعی آیرانگ یا جشنواره آیرانگ: هنرهای نمایشی متداول در کره شمالی است که هر ساله معمولاً در اوایل ماه اوت آغاز می‌شود و حدود ۱۰ سپتامبر به پایان می‌رسد.

راکی (رمبو) می‌سازند یا آهنگ‌های میکی موس^۱ را اجرا می‌کنند. هیچ‌یک از این‌ها در دوران کیم جونگ ایل رخ نداده است. با این تفصیل، سبک و سیاق آن‌ها بیشتر دهه هشتادی است؛ پاپ کره جنوبی قرن بیست و یکمی است و گروه مورانبونگ نمی‌تواند به‌درستی توجه جوانان شهری کره‌شمالی را به خود جلب کند، اگرچه موی کوتاهشان به نوعی برای جوانان طبقه متوسط در پیونگ‌یانگ محبوب است.

سفر و اوقات فراغت

برای عامه مردم کره شمالی، تصور ایده سفر خارجی دشوار است. سفر خارجی برای افراد خارج از حلقه نخبگان یا طبقه تجاری هم غیرقانونی و هم به‌شدت عجیب است. متأسفانه، سفر داخلی هم برای بسیاری از مردم امری نادر است، هرچند به تدریج در حال افزایش می‌باشد. برای شهروندان کره‌شمالی سفر به مکان‌های خارج از منطقه خودشان غیرقانونی و ممنوع است، مگر اینکه برای آن‌ها اجازه صادر شود. (۳۳) زمانی هم که اجازه صادر می‌شود، زیرساخت‌های فاجعه‌بار این سفر را طولانی و بس طاقت‌فرسا می‌سازد. اغراق نیست بگوییم که کره‌شمالی ۸۰ سال پیش دارای خط آهن بهتری بود؛ قطعی برق و خرابی‌های ممتد، یک سفر معمولی را تا یک هفته یا بیشتر به درازا می‌کشاند. تعجبی ندارد که مردم زیادی در کره‌شمالی هستند که هرگز زادگاه خود را ترک نکرده‌اند. در نظر چنین مردمانی، پایتخت، پیونگ‌یانگ، ممکن است بخشی از یک کشور متفاوت باشد. (۳۴)

سوار شدن بر اولین قطار کره‌شمالی تا مدت‌ها رویدادی خاطره‌انگیز تلقی می‌شد. مردان به‌طور اخص برای اولین بار آن را طی خدمت نظامی تجربه کردند، یعنی زمانی که برای خدمت در فلان واحد نظامی خاص به نقطه‌ای از کشور

1. Mickey Mouse

اعزام می‌شدند. اگر کسی سوار قطار در کره شمالی شود، تعداد بی‌شماری از اونیفورم‌های ارتشی را مشاهده خواهد کرد. احتمالاً دو یا سه واگن مختص نیروهای نظامی خواهد بود، اما شاید این هم کافی نباشد؛ کوپه‌های دیگر در واگن‌های دیگر هم ممکن است پر از سرباز باشد. با این حال، این روزها نوع جدیدی از مسافر در حال ظهور است. از زمان طلوع سرمایه‌داری توده‌ای،^۲ تعداد روزافزونی از مسافران سوداگر مبادرت به مسافرت به اقصی نقاط کشور کرده‌اند. از آنجا که پول نقش حلال مشکلات را دارد، از رشوه (۳۵) می‌توان جهت کسب اجازه برای سفر از جایی به جای دیگر استفاده کرد. ارزیابی‌های مربوط به رشوه که برای ورود به پیونگیانگ لازم است، از ۱۵ تا ۳۰ دلار (قابل پرداخت به ارز خارجی مانند یوان چین) متغیر است. (۳۶) همان‌طور که در فصل اول گفته شد، عذرهایی مانند موارد درمانی یا نیاز به دیدار با یکی از اقوام بیمار ممکن است از سوی مقامات فاسد پذیرفته شود. این به سوداگران اجازه می‌دهد واحدهای کاری خود را ترک و به مراکز تجاری سفر کنند (مثلاً به چونگجین) و کالاها را به صورت عمده بخرند. سپس ممکن است به شهرهایی بروند که مسیرهای ارتباطی در آنجا کم است و برای سود بیشتر کالاهای خود را در آنجا بفروشند.

رشد سفرهای تجاری بین شهری و ندرت خدمات سفر با قطار بدین معناست که قطارهای کره شمالی مملو از آدم است. مسافران شانه‌به‌شانه هم ایستاده و در هم می‌لولند و کیف‌ها یا چمدان‌های خود را در هر کجا که بتوانند نگه می‌دارند، حتی در توالت‌های کوچک قطار. پیامد جالب این مسئله این است که قطار اکنون بیش از گذشته به فرصتی گرانبها برای اجتماعی‌پذیری و کنش مشترک تبدیل شده است. این سخن بدین معناست که نشست‌های غیررسمی چهار نفر یا بیشتر به‌طور بالقوه در کره شمالی ممنوع و وجود هرگونه فعالیت گروهی دور از

نظر مقامات دشوار است، اما قطار استشنا قابل توجه است و این حقیقت که مسافران ممکن است هرگز یکدیگر را نبینند آن‌ها را جسورتر می‌کند که با یکدیگر شفاف‌تر و صریح‌تر باشند. کره جامعه‌ای است که در آن نمایش و داستان‌گویی‌های زنده را ارج می‌نهند و بدین ترتیب، کسانی هستند که ضمن سفرهای طولانی با راه‌آهن آهنگ گوش می‌دهند یا می‌خوانند، جُک می‌گویند یا داستان‌های زشت و آنچنانی تعریف می‌کنند. مهم‌تر اینکه، معروف است مسافران قطار اخبار و شایعات را با هم به اشتراک می‌گذارند و حتی از مقامات انتقاد می‌کنند. این دومی شاید در محیط‌های عمومی دیگر کاملاً غیرقابل تصور باشد.

اما در مورد تعطیلات چطور؟ به‌طور قراردادی، تعطیلات واقعی نادر است. واحدهای شغلی سفرهای دسته‌جمعی به دیگر نقاط کشور را به‌ویژه کوه‌هایی مانند چیلبوسان^۱، پائک توسان^۲ و کومگانگ سان^۳ سازمان می‌دهند، اما آحاد افراد قادر به انتخاب مقصد خود نیستند و فرصت اندکی برای استراحت دارند: برنامه‌های سفر پر از فعالیت‌های گروهی سیاسی است. تنها طبقه‌ای که قادر است به سواحل یا شهرهای ساحلی مانند وُنسان (البته غیر از بومی‌ها) برود اعضای گروه حاکم هستند. آن‌ها تنها افرادی با وقت باز هستند و آنقدر پول دارند؛ که از خرج و مخارج هتل و غیره برآیند، اما در عصر سرمایه‌داری جدید کره شمالی، فرصت‌های فراغت برای اعضای موفق‌تر طبقاتِ نوظهورِ سودا پیشه و تاجر پیشه در حال ظهور است. گروهی کوچک، اما روزافزون از مردمانی با درآمد در دسترس و وقت آزاد وجود دارد. برخی از آن‌ها حتی ماشین هم دارند. در آنچه نفع مستقیمی برای این گروه دارد، توریسم داخلی از سوی «کمیته خلق شهر

1. Chilbosan
2. Paektusan
3. Kumgangsan

پیونگ‌یانگ^۴» و از طریق آگهی‌های تبلیغاتی در رودونگ سینمون^۵ یا روزنامه کارگران^۶ (مهم‌ترین رسانه دولتی) در حال تبلیغ و ترویج است. در اوت ۲۰۱۳، کمیته خلق شهر پیونگ‌یانگ بلیتی برای سفری سه‌روزه به ساحل ریونگ سوپو^۷ ارائه داد که در جنوب غرب پیونگ‌یانگ و در جنوب استان هوانگای قرار دارد. این مکان‌ها نه فقط برای واحدهای کاری، بلکه برای خانواده‌ها نیز در دسترس است.

گزارش‌های خبری تلویزیونی نیز در حال توسعه و ترویج و ارتقای توریسم ساحلی در بهار و تابستان ۲۰۱۳ بودند. این گزارش‌ها تعداد زیادی از مردم را نشان می‌داد که در حال شنا و والیبال ساحلی در ساحل ماجون^۸ نزدیک هام‌هونگ بودند و این حس را منتقل می‌کرد که این‌ها فعالیت‌هایی‌اند که همه در آن دخیل‌اند، البته این درست نبود، مردم معمولی کره شمالی همچنان در فقر مطلق به سر می‌برند و از این رو، فاقد پول و زمان برای گذراندن سه روز در مناطق ساحلی هستند، اما این حقیقت که مقامات در حال بازگشایی مناطقی به روی عموم با پول نقد باشند که در زرو نخبگان و عوامل خودشان است و حتی آن را تبلیغ کنند، سخن‌های فراوانی در مورد تغییر نگرش‌ها در مورد مصرف‌گرایی حلقه‌های رسمی در دل دارد.

این اقدام تمرکز جدیدی از سوی دولت کیم جونگ اون است بر فراغت و فعالیت‌های ورزشی. از زمان درگذشت کیم جونگ ایل - حاکمی که به خاطر سیاست ابتدا ارتش یا سونگان شهره بود - پروپاگاندای دولتی به سوی ترویج تصویری مبتنی بر رفاه و موفقیت و حتی خوشی [در کره شمالی] چرخش کرده است. پروژه‌های نمایشی^۹ کیم جونگ اون بازتاب چنین چیزی است: تفریحگاه

4. Pyongyang City People's Committee (PCPC)

5. Rodong Shinmun

6. The Workers' Paper

7. Ryongsupo Beach

8. Majon Beach

9. pet projects

اسکی سواری ماسیک^۱ معروف‌ترین مورد است و تم پارک‌ها^۲، سینماهای سه‌بعدی و نمایش دلفین‌ها هم همین‌طور. بی‌تردید این مسائل با سبک فردی و سن و سال جوانی او جور درمی‌آید (به‌ویژه اگر با پدر پیرش مقایسه شود)، درعین حال این کارها کارکرد دیگری هم دارد: اینکه موجب خلق چهره‌ای تأثیرگذار از او در داخل می‌شود و اجرای این پروژه‌ها در قالب فیل سفید^۳ تعریف می‌شود که گران‌بدهست می‌آیند، ولی حاصل چندانی ندارند، اما هم‌زمان، تردیدی نیست که پروژه‌هایی مانند سینمای سه‌بعدی و تفریحگاه اسکی در کشوری که رفاه و حتی ابتدایی‌ترین زیرساخت‌ها رؤیاهایی دور از دسترس هستند به‌منزله کالاهایی فرقه‌گونه^۴ هستند.

اگرچه باید امید اندکی به رفاه و موفقیت دولتی [رفاهی که دولت آن را به ارمغان می‌آورد] داشت و عملکرد گذشته شاهی بر این امر است. کره‌شمالی طی ۱۵-۱۰ سال آینده «احتمالاً» جاده‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن بهتری خواهد داشت. با طنین انداز شدن فوران ساخت‌وساز در پیونگ‌یانگ، اندکی پول وارد راه‌آهنی شده است که روسیه را به کره‌شمالی وصل می‌کند (نام مستعار آن جاده ابریشم آهنین^۵

1. Masik

۲. theme parks: تم پارک مجموعه‌ای از جاذبه‌های تفریحی، رایدها (سرسره، ترن هوایی و...) و دیگر رویدادهای سرگرم‌کننده است. در واقع تم پارک نوعی مشخص و متمایز از پارک تفریحی است که معمولاً به شکلی بسیار پیچیده و با جزئیات فراوان حول یک موضوع، داستان یا افسانه اصطلاحاً تمینگ (Theming) شده است. تم پارک‌ها بازدیدکننده را وارد دنیای خیالی می‌کند که در آن واقعیت برای مدتی به حالت تعلیق در می‌آید. تم پارک دارای محوطه‌سازی (Landscaping)، سازه‌های مختلف و جاذبه‌هایی است که براساس یک یا چند داستان و افسانه مشخص و خاص تمینگ شده‌اند، مثلاً دیزنی لند (Disneyland) در آنهم کالیفرنیا، بر مبنای گنج‌آیند چند تم پارک در یک فضا بنا شده است. تم پارک سرزمین فردا (Tomorrowland) در دیزنی لند بر مبنای کهکشان و آینده ساخته شده است، سرزمین غرب وحشی (Frontierland) دیزنی لند بر مبنای غرب وحشی آمریکا و دوران گاوچران‌ها ساخته شده است، سرزمین ماجراجویی (Adventureland) دیزنی لند براساس جنگل‌های دور دست آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی خلق شده است. تاریخچه این پارک‌ها به تم پارک سرزمین بابونل سال ۱۹۴۶ در ایندیانا ایالات متحده آمریکا باز می‌گردد.

۳. white elephant: فیل سفید اصطلاحی است برای اشاره به دارایی‌هایی که مالک آن‌ها نمی‌تواند به‌سادگی از بند آن‌ها رها شود و درعین حال میزان استفاده و مفید بودنشان نسبت به هزینه نگهداری‌شان ناچیز است. این نام‌گذاری اشاره به داستان پادشاه کشور سیام دارد که گفته می‌شود یکی از فیل‌های مقدس سفیدمو را به یکی از درباریان که از چشم شاه افتاده بود هدیه داد و با اینکه این هدیه به‌ظاهر مایه افتخار بود، هزینه‌هایش به قدری زیاد بود که بیشتر موجب بدبختی و فلاکت صاحبش شد. در اقتصاد سیاسی، فیل سفید به پروژه‌های سرمایه‌گذاری گفته می‌شود که گران‌بدهست می‌آیند، ولی حاصل چندانی ندارند. پروژه‌های فیل سفید به‌مثابه ابزار مریدپروری توسط سیاستمداران استفاده می‌شود. این دسته از سیاستمداران با تعهدات مشکل‌سازی که در قبال گروه‌های خاص متقبل می‌شوند عملاً در جهت اجرای شیوه‌های ناکارآمد توزیع گام برمی‌دارند؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

White elephant, accessed on 5 December 2018, https://en.wikipedia.org/wiki/White_elephant

4. cargo cultish
5. iron silk road

است که هدفش پوشش دادن کل اوراسیاست)، و دو جاده اصلی که چین و کره شمالی را به هم متصل می‌سازد (جاده وونجون - راجین^۶ و پیل رودخانه یالو). (۳۷) پروژه مهم دیگر جاده وونسان - هامهونگ^۷ است که در زمان نگارش این کتاب هنوز در حال ساخت بود. بودجه این پروژه‌ها از چین و روسیه تأمین می‌شود و هدف آن ارتقای بده و بستان با کره شمالی و به‌ویژه تسهیل دسترسی روسیه به آب‌های گرم و نیاز چین به منابع طبیعی است. از آنجا که این دو کشور کره شمالی را به‌منزله^۸ سرزمین فرصت‌ها می‌بینند (با وجود مشکلات فراوان)، حجم و تعداد سرمایه‌گذاری‌هایی از این قبیل در حال افزایش است. (۳۸) احتمالاً روزی ماشین‌های بیشتر و بیشتری در این جاده‌های جدید تردد خواهند کرد. کسانی که به‌طور منظم از پیونگیانگ و دیگر شهرهای مهم بازدید می‌کنند می‌گویند به‌وضوح مالکیت خودرو در کره شمالی به‌آهستگی در حال افزایش است. این امر در نتیجه^۹ بازاری شدن و سرمایه‌داری در حال ظهور است، به‌ویژه نوع دولتی - خصوصی [یا همان «خصوصیتی» رایج در زبان فارسی] که نخبگان در حال مهارت یافتن در آن هستند. جالب خواهد بود که ببینیم آیا این فرایند تأثیری بر نمادین‌ترین جنبه^{۱۰} حمل‌ونقل جاده‌ای در پیونگیانگ دارد یا خیر، یعنی نماد معروف دختر ترافیک^{۱۱} که به‌منزله^{۱۲} نوعی سیگنال انسانی برای ترافیک عمل می‌کند. این روزها، حتی ترافیک‌های کوچک در پیونگیانگ دیده می‌شود، چیزی که به گفته^{۱۳} دیپلمات مستقر در پیونگیانگ، تا سال ۲۰۱۲ در این کشور امری تخیلی^{۱۴} بود. اگر این روند ادامه یابد، بی‌تردید چراغ‌های راهنمایی و رانندگی جایگزین آن خواهد شد.

نیکوتین و دیگر اقلام نشئه‌آور

سیگار کشیدن در میان مردان از تمام طبقات اجتماعی در کره شمالی امری

6. Wonjon-Rajin road

7. Wonsan - Hamhung Road

۸. traffic girl؛ به افسران زنی گفته می‌شود که در کره شمالی سرچهارراه‌ها هدایت و نظارت بر عبور و مرور خودروها را برعهده دارند.

9. science fiction

رایج است. (۳۹) برخی تنباکوی خود را با تکه کاغذهایی از روزنامه رودونگ سینمون بهم می‌پیچند (البته با احتیاط کاغذ را پاره می‌کنند تا مبادا عکس اعضای خاندان حاکم هم پاره شود) و برخی دیگر برندهایی را از سیگارهای محلی که در کره‌شمالی در دسترس است می‌کشند. کیم جونگ اون هم سیگاری است، درست مانند پدر و پدربزرگش. برای کمک به پیونگیانگ‌شناس‌های سرسخت، در اینجا می‌توان آشکارا گفت اولویت «اون» سیگار برند داخلی با نام ۷/۲۷ است، نام آن برگرفته از تاریخی است که جنگ کره پایان یافت. هر پاکت از این سیگارها در مغازه هتل‌های پیونگیانگ ۳۰۰ وون است؛ یعنی ۳ دلار به ازای هر پاکت، سه برابر گران‌تر از سیگارهای استاندارد برند. (۴۰) احتمالاً معروف‌ترین برند سیگار در خارج از این کشور «پیونگیانگ» نام دارد که نامش برگرفته از شرکت سرمایه‌گذاری مشترک تنباکوی پائک سان پیونگیانگ^۱ است؛ سرمایه‌گذاری مشترک میان چین و کره‌شمالی که با سرمایه ۴ میلیون یورویی در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد. با وجود این، این‌ها «بهترین» سیگارهای محلی نیستند. این روزها افتخار از آن ۷/۲۷ یا یک برند محلی دیگر با نام سائه بوم^۲ است. تا همین اواخر، یک برند بین‌المللی با نام کراون ای^۳ هم برندی بود که بسیاری به دنبالش بودند. تولید آن در کره‌شمالی با مشارکت غول جهانی تنباکوی بریتانیا - آمریکا^۴ (بات) و یک شرکت محلی با نام شرکت تجاری سوگ یونگ کره^۵ کلید خورد. غول جهانی بات در اصل ۷/۱ میلیارد دلار با سهمی ۶۰ درصدی در این مشارکت در سال ۲۰۰۱ سرمایه‌گذاری کرد (۴۱) که ابتدا سیگارهای ارزان گیوم‌گانگسان^۶ را تولید می‌کرد و سپس به سراغ کراون ای رفت.

1. Pyongyang Paeksan Tobacco Joint Venture Company
 2. Saebom
 3. Craven A Cat
 4. British American Tobacco (BAT)
 5. Korea Sogyong Trading Corporation
 6. Geumgangsant

برند کراون‌رای یا کت (به دلیل تصویر گربه‌ای که روی لوگوی آن بود) برندی است مطلوب نخبگان این کشور. یک کارتن از این برندها رشوه‌ای سطح پایین اما - در حد و اندازه خود - عالی است و می‌توان آن را نوعی پول دانست که ارزش ذخیره‌ای آن قطعاً بهتر از اسکناس‌های کره‌شمالی است. بی‌تردید همین مسئله است که باعث می‌شود اعضای نخبه حکومت از جایگاه پرامتیاز خود استفاده می‌کنند تا کراون‌رای‌های ساخت کره‌شمالی (و دیگر برندها) را به شکل غیرقانونی در چین بفروشند. درواقع سیگار یک قلم صادراتی برای قاچاقچیان کره‌شمالی است. اگرچه کسب‌وکاری غیرقانونی است، ارزش پایین و ارزان‌قیمت سیگارهای ساخت کره‌شمالی انگیزه‌ای بدست می‌دهد تا بسته‌های زیادی از آن‌ها را به مرز منتقل، دوباره به صورت برندهای محلی بسته‌بندی کره و قیمت متفاوتی روی آن نصب کنند. به نظر می‌رسد سیگاری‌های چینی چندان وقعی به این مسائل نمی‌نهند، زیرا برندهای بهتر سیگارهای ساخت کره‌شمالی هم به‌راستی کیفیت خوبی دارد. چرا چنین است؟ پاسخ در رقابت است. همچون تمام کسب‌وکارهای رسمی، تولید سیگار هم تحت کنترل دولت است. با این حال، تعدادی از کارخانه‌های رقیب هم وجود دارند که هریک برندهای متفاوتی دارند؛ افزون بر این، در عصر جدید سرمایه‌داری دولتی - خصوصی، مقامات مسئول هر کارخانه انگیزه مالی مستقیم برای برآورده کردن درخواست مشتریان دارند. همچنین مواردی از سازمان‌های قدرتمند دولتی مانند کمیسیون دفاع ملی^۷ بوده است که از وزن خود برای زورآزمایی با دیگر ادارات استفاده می‌کردند تا کارخانه‌های سودآور سیگار را از گردونه خارج سازند.

تقاضا همواره قوی است. از سال ۲۰۰۰ به این سو، دولت کره‌شمالی به صورت دوره‌ای درگیر عملیات ضد قاچاق بوده است و کیم جونگ ایل هم

قاچاقچیان را در زمره سه احمق بزرگ^۱ قرن ۲۱ توصیف می‌کرد، (۴۲) اما کیم جوان هم سیگاری بوده و سعی در ترک آن دارد؛ لااقل در یک چیز با اکثر هم‌وطنان نه‌چندان خوش‌شانس خود اشتراک دارد. برخی دوست دارند بگویند رواج سیگار در کره‌شمالی در نتیجه استرس‌های معمول زندگی است؛ اما تحلیل کاملاً ملودرام است. تا سال ۲۰۰۶، ۵۹ درصد از مردان چینی و ۵۳ درصد از مردان کره جنوبی در رده سیگاری طبقه‌بندی می‌شدند. در کره شمالی، ارزش‌های سنتی متأثر از کنفوسیوس همچنان قدرتمند است، بنابراین روشن کردن سیگار در برابر بزرگسالان به لحاظ اجتماعی غیرقابل پذیرش است. برای زنان نیز سیگار کشیدن تابو است. آجوماهای میانسال از این قاعده مستثنی هستند (اگرچه ممکن است آن‌ها پیپ بکشند، نه سیگار)؛ در ذهنیت کلاسیک کره‌ای، سن ارشدیت^۲ را تعیین و زنانگی^۳ را کم‌اهمیت می‌کند. ذکر این مسئله مهم است که هر دوی این قواعد اجتماعی هیچ ارتباطی با سیستم کره‌شمالی ندارد. تا این اواخر، کره جنوبی هم همین نگرش را داشت. با این حال، هرگز باعث نشد زنان کره جنوبی سیگار کشیدن را متوقف سازند. آن‌هایی که می‌خواستند سیگار بکشند در خفا چنین می‌کردند. همین مسئله برای زنان کره‌شمالی که عادت به سیگار دارند هم صادق است.

آیا مردم کره‌شمالی چیز قوی‌تری هم می‌کشند؟ در سال ۲۰۱۳، رسانه‌های بین‌المللی خود را برای وضعیت شگفتی‌آور جایگاه کره‌شمالی به‌عنوان بهشت سیگاری‌ها و ماری‌جوانایی‌ها آماده کردند؛ اما این اغراقی شدید بود. همچون بسیاری دیگر از کشورهای دنیا، شاهدانه^۴ در میان کره‌ای‌ها گیاهی سودمند تلقی می‌شد. تا دهه ۳۰ میلادی، گیاه شاهدانه در تمام استان‌های کره شمالی،

1. three greatest fools
2. seniority
3. femininity

۴. Hemp: شاهدانه گیاهی یک‌ساله با برگ‌های قطره‌ای است. میوه این گیاه ریز و روغنی است و خاصیت آرامش‌بخش دارد که از آن برای درمان نیز استفاده می‌شود. از بخش‌های مختلف این گیاه مشتقات فراوانی از جمله تخم شاهدانه، الیاف شاهدانه، مواد توهم‌زا و روانگردان مثل ماری‌جوانا و حشیش تهیه می‌شود.

به‌ویژه در استان‌های جنوبی کشت می‌شد، زیرا هوا در آنجا گرم‌تر است. شاهدانه، محصولی نقد^۵ بود. براساس تحقیق ری جونگ‌هائنگ،^۶ شاهدانه الیافی تولید می‌کرد که پوششی می‌شد بر تن حدود یک‌سوم جمعیت در ماه‌های تابستان. این محصول زودتر از برنج کاشته می‌شد و بدین معنا بود که مزارع می‌توانند در تمام طول سال برای هر دو محصول استفاده شوند، حتی در اواخر دهه^۷ ۵۰ در کره جنوبی، حدود ۹ هزار هکتار از زمین‌ها به کشت شاهدانه اختصاص داده شده بود.

طبیعتاً بدین معنا بود که مردم این کشور از لذت‌های سیگار هم آگاه شدند. پس از جدایی، هر دو کره از ماریجوانا بهره‌مند و برخوردار بودند، اما تا جایی که به صورت مسئله^۸ اجتماعی مطرح نشود. افزون بر این، نوع شاهدانه‌ای که به طور سنتی در شبه‌جزیره رشد می‌کرد چندان قوی نبود. بسیاری آن را جایگزینی برای تنباکو تلقی می‌کردند، چیزی که برای پیچیدن دور یک سیگار دستی مناسب بود. امروزه، مردم کره‌شمالی به آن تحت عنوان اییدام‌بائه^۹ یا برگ تنباکو^{۱۰} اشاره می‌کنند. انحصار تنباکوی دولتی کره جنوبی (که امروزه کی‌تی‌اند جی^{۱۱} نامیده می‌شود) به گونه‌ای بود که در دهه^{۱۲} ۶۰ و طی دوره^{۱۳} کمبود سراسری تنباکو، ماریجوانا هم قاطی سیگار می‌شد. فقط در دهه^{۱۴} ۷۰ بود که دولت پارک چونگ-هی^{۱۵} ماریجوانا را به دنبال فشار دولت امریکا در کره جنوبی ممنوع کرد. داوطلبان سابق سپاه صلح^{۱۶} دورانی را به یاد می‌آورند که به آن‌ها آموزش داده می‌شد به اطراف کشور بروند، زمین را حفر کنند و گیاه شاهدانه را بسوزانند. تعداد اندکی می‌پذیرفتند در بحبوحه کار از سیگار استفاده کنند، اما پرزیدنت

5. cash crop

6. Ree Jeung Haeng

7. ipdambae

8. leaf tobacco

9. Korea Tobacco & Ginseng Corporation (KT & GC)

10. Park Chung-hee

11. Peace Corps

پارک با شور و هیجان زیادی ماریجوانا را ممنوع کرد و حتی اکنون هم کسانی که از سر تفتن ماریجوانا می‌کشند، پیدا کنند، زندانی می‌شوند. با این حال، در کره‌شمالی هیچ سپاه صلحی نبود؛ بنابراین، کشت شاهدانه - و مصرف گاه‌به‌گاه ماریجوانا - بدون مانع ادامه یافت و امروزه کره‌شمالی به یکی از تولیدکنندگان عمده شاهدانه تبدیل شده است. با وجود این، باید تأکید شود کره‌شمالی بهشت مصرف‌کنندگان ماریجوانا نیست. این محصول بیشتر برای تولید الیاف کشت می‌شد تا نشئه کردن مردم. مصاحبه با فراریان کره‌شمالی هم نشان می‌دهد مردم این کشور از مصرف‌کنندگان جدی ماریجوانا نیستند. در عوض، آنچه استفاده می‌کنند بسیار مهلک‌تر است، متیل (مِت) آمفتامین، که در بازار سیاه به شیشه^۱ معروف است. مِت که معادل اتوریام^۲ یا بینگدو^۳ است (هر دو به معنای یخ است؛ نامی که در امریکا هم به آن معروف است؛ یخ کلمه‌ای است که در چین هم برای اشاره به مِت بکار می‌رود) مخدري است که متأسفانه با واقعیات زندگی در کره‌شمالی منطبق است. این ماده ارزان است، ساخت آن نیاز به هیچ نوع تجهیزات پیچیده یا دانش تخصصی ندارد و فرد خسته و گرسنه را سرپا نگه می‌دارد تا زمانی که به معتادی ناامید و از همه‌جا بریده تبدیل شود. فراریان اخیر به سؤالات ما در مورد شیشه در کره‌شمالی پاسخ‌هایی این‌گونه می‌دهند: «همه‌جا یافت می‌شود» یا «هنوز در کره‌شمالی مخدر محسوب نمی‌شود».

این مسئله چگونه رخ داد؟ بذره‌های معضل مِت یا شیشه در کره‌شمالی از سوی دولت کاشته شد. رژیم برای تضمین درآمد و منابع مالی خود و کمک به پر کردن خزانه «دفتر شماره ۳۹» - گروهی که هدفش تأمین پول برای خاندان

۱. crystal meth: این ماده در سال ۱۸۹۳ در ژاپن ساخته شد. در زمان جنگ جهانی دوم توسط سربازان ژاپنی، آمریکایی و آلمانی برای برطرف کردن خستگی و افزایش انرژی استفاده می‌شد. بعد از جنگ داروی باقی‌مانده وارد بازار ژاپن شد و به دلیل تبعات آن باعث شد که مصرف آن ممنوع شود.

2. eorum

3. bingdu

حاکم است^۴ - مدت‌ها به فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی اتکا داشت. تولید تریاک برای صادرات در دهه ۷۰ به‌مثابه ابزار برای تولید پول شروع شد، اما تولید متیل‌آمفتامین - که برای برخی کره‌ای‌ها در دهه ۴۰ نامی آشنا بود، آن‌هم به خاطر استفاده ارتش ژاپن از آن برای تقویت روحیه رزمی سربازان تا لحظه آخر آسان‌تر، سریع‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر بود. کارخانه‌های بزرگ دولتی در شهرهایی مانند پیونگ‌سونگ و هام‌هونگ شروع به تولید انبوه مت کردند و بیشتر آن به چین می‌رفت. ژاپن هم بازار هدف مهم بود که به دلیل تعامل تجاری کره‌شمالی با باند یا کوزاها به این کشور هم رسید. توقیف کشتی کره‌شمالی در بندر هوسوشیما^۵ در سال ۲۰۰۷ موجب کشف مقادیر زیادی مت شد، آن‌قدر کافی بود که موجب شد بزرگ‌ترین باند مواد مخدر ژاپن در آن زمان متلاشی شود.

همچنین می‌دانیم پرسنل سفارت‌ها به استفاده از مصنویت دیپلماتیک ترغیب می‌شوند تا مت‌های کره‌شمالی را در اقصی نقاط دنیا بفروشد و پول بدست‌آمده را به دست دولت (یا همان دفتر ۳۹) برسانند، اما به گفته این دو محقق، آندری لانکوف^۶ و کیم سئوک یانگ^۷ پیونگ‌یانگ تولید مت را در اوایل دهه ۲۰۰۰ قطع کرد. احتمالاً این کار با فشار چین صورت گرفت؛ همان جایی که مت‌های تولید کره‌شمالی موجب معضلات جدی اجتماعی شد؛ اما همچون بسیاری از مناطق

۴. دفتر ۳۹: صندوق یا خزانه رهبر حاکم پر کره‌شمالی است. یکی از فراریان در مصاحبه با ABC در مورد این دفتر چنین می‌گوید: «دفتر شماره ۳۹ سازمانی است که هدفش تأمین منابع مالی برای شخص رهبر است. در کره شمالی، ما به آن «صندوق انقلابی» می‌گوییم». بسیاری از سازمان‌های اطلاعاتی در دنیا می‌خواهند بدانند سازوکار این صندوق چیست، چگونه کار می‌کند و اعضایش کیستند. تخمین زده می‌شود این صندوق که شبکه‌ای از شرکت‌ها و تجارت‌های قانونی و غیرقانونی را در اقصی نقاط دنیا دارد سالانه چیزی حدود ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد دلار (و گاهی تا ۲/۵ میلیارد دلار) را وارد کره‌شمالی می‌کند. این صندوق یکی از ارکان قدرت «اون» و دلیل استحکام و ماندگاری او در قدرت است. این دفتر در دهه ۷۰ از سوی کیم ایل سونگ تأسیس شد. نام آن هم برگرفته از دفتری در درون حزب کارگران کره‌شمالی می‌باشد که مقر آن است. این دفتر دارای دو شاخه یا جناح قانونی و غیرقانونی است که بخش قانونی آن گروه دانه سونگ نام دارد و شرکی چترگونه است و بخش اعظم تجارت در کره‌شمالی را در دست دارد؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Matthew Carney (6 Jan 2018), Defector reveals secrets of North Korea's Office 39, raising cash for Kim Jong-un, <https://www.abc.net.au/news/06-01-2018/north-korea-defector-reveals-secrets-of-office9302308/39->; Tom Burgis, North Korea: The secrets of Office 24) 39 June 2015), <https://www.ft.com/content/4164dfe09-6d11-5e-5b6bd00144-feabdc0>

5. Hososhima

6. Andrei Lankov

7. Kim Seokhyang

و حوزه‌های اقتصادیِ پساخطی کره شمالی، صنعت خصوصی سازی وارد این کار شد و دیگر دولت به طور مستقیم دست به کار نمی‌شود. تا سال ۲۰۰۴، بنگاه‌ها [ی خصوصی] به شدت مشغول استخدام کسانی شدند که از سوی کارخانه‌های دولتی مت‌بیکار شده بودند و عملیات خود را در مکان‌های خالی از سکنه شروع کردند. آن‌ها قاچاقچیان چینی را یافتند که بسیار مایل بودند ماده افدرین^۱ را در اختیار کره شمالی قرار دهند؛ افدرین ماده‌ای است که مت بر آن مبتنی است. با این حال، این بار کاربرد هدف نزدیک خانه‌اش [کشورش] بود. در بازه زمانی کوتاه، مت در تمام جامعه کره شمالی گسترده شد و شهرنشین‌های (۴۳) تمام طبقات اجتماعی را معتاد کرد. نخبگان احتمالاً بیش از هر کس دیگری سیگار می‌کشند و این نیست مگر به این خاطر که آن‌ها پول بیشتری برای خرج کردن دارند. چندین منبع ادعا می‌کنند مورد انتقاد قرار گرفتن در برابر دیگران گویی همچون لکه تنگ بحساب می‌آید، حتی در میان آجوماهای محترم میانسال از مت به عنوان جایگزینی برای دارو استفاده می‌شود. بسیاری از مردم با بیماری‌های دوره‌ای که پول کافی برای مداوا ندارند، برای تسکین موقت درد به آن روی می‌آورند.

در مورد جغرافیا، این ماده مخدر به‌طور خاص در هام‌هونگ و پیونگ سونگ محبوبیت دارد، جایی که تجارت مت کره شمالی در آنجا ریشه دارد، اما پایتخت و نیز هر شهری نزدیک مرز چین با استفاده از مت مشکلاتی پیدا کرده‌اند. یک منبع رسانه‌ای (۴۴) مدعی است که حدود ۱۰ درصد از مردم در شهر مرزی هیسان در کار دادوستد مت هستند و این شامل مقامات فاسد و دلالانی می‌شود که در امتداد این مسیر وجود دارند. چنان‌که انتظار می‌رود، مت برای دلالان و سوداگران بسیار پرسود است. در سال ۲۰۱۱، مت در هام‌هونگ به ازای ۱۲ دلار در هر گرم فروخته شد. قیمت در پیونگ‌یانگ ۲۰ دلار بود، بدین معنا که جابه‌جایی

1. Ephedrine

یک کیلو از این مواد در پایتخت و فروش آن ۸ هزار دلار آب می خورد. این مبلغ پول کلانی برای اکثر مردم کره شمالی است. در نتیجه، سرکوب دولتی با ناکامی و شکست مواجه می شود، زیرا مقامات به راحتی وسوسه می شوند که با دلالان شریک شوند.

پی‌نوشت‌های فصل دوم

۱. با این توصیف، کره جنوبی‌ها به شکل خارق‌العاده‌ای ساعت‌های طولانی کار می‌کنند. کره شمالی‌ها هم به طور روزافزونی از حضور در این نشست‌های محلی طفره می‌روند یا تعدادشان آب می‌رود و این نتیجه تضعیف کنترل در سطح محلی است.

2. Intermedia, "A Quiet Opening: North Koreans in a Changing Media Environment" (report published 2012)

۳. درحقیقت، به احتمال زیاد، مقامات دولتی بیش از هرکس دیگری رسانه‌های خارجی را تماشا می‌کنند. آن‌ها هم پول بیشتری دارند، هم احتمال زیادتری هست که بتوانند از مجازات بگریزند و در مورد افسران وزارتخانه امنیت دولتی، به مدارک صادره شده دسترسی دارند.

۴. اختلال یا پارازیت در سیگنال مسئله‌ای است که توجه چندانی به آن نمی‌شود. این پارازیت‌ها نیاز به برق زیادی دارد که کره شمالی فاقد آن است. از این رو، پارازیت فقط در زمان‌های حساس به کار گرفته می‌شود، مثلاً در دوران پس از مرگ کیم ایل جونغ. پخش رادیویی - مثل شرایط جوی - نیز سیگنال‌های رادیویی موج کوتاه پارازیتی را دشوار می‌کند، بدین معنا که خود رادیوها به فقره‌ای غیرمجاز تبدیل می‌شوند. برنامه‌های رادیویی ضد کره شمالی از طریق برج‌های رادیویی موج کوتاه در غرب سئول فرستاده و پخش می‌شوند، هرچند دولت کره جنوبی رسماً وجود آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

۵. درحالی‌که تقریباً تمام مردم کره شمالی در برهه‌هایی مصرف‌کننده رسانه‌های دولتی بوده‌اند، بیشتر جوانان وقتی می‌بینند چیزی از تماشای تلویزیون عایدشان نمی‌شود، معمولاً آن را نمی‌بینند. مردم کره شمالی رسانه‌های دولتی را مبتذل یا بی‌خاصیت می‌نامند. این‌ها برچسب‌هایی هستند که بیشتر خارجیان معمولاً به نمایش‌های کره جنوبی نسبت می‌دهند که در خفا از سوی مردم کره شمالی تماشا می‌شود و جدایی برای مردم جهان ندارد. برای مردم کره شمالی از این جهت دیدنی است که برای آن‌ها نسبت به تلویزیون دولتی خودشان قابل فهم‌تر و مرتبط‌تر است.

۶. می‌توان چوسونجوک‌هایی (اقوام کره‌ای که شهروندی چین را دارند) را مشاهده کرد که در مناطقی مانند راسون به این کار مشغول‌اند. آن‌ها هم منبعی از رسانه‌های خارجی هستند.

۷. حتی پنهان کردن کارت‌های کوچک حافظه که تقریباً به اندازه ناخن هستند راحت‌تر است و به راحتی می‌توانند در دستگاه‌های مختلفی که از یک آداپتور یو.اس.بی استفاده می‌کنند اجرا شوند. دی.وی.دی پلیرهایی که از چین وارد می‌شوند پورت‌های یو.اس.بی دارند؛ بنابراین برای اجرا دیگر نیازی به کامپیوتر ندارند. دی.وی.دی پلیرهای قابل حمل

چینی نوتل^۱ نامیده می‌شوند که قیمتی حدود ۵۰ دلار دارند و بسیار محبوب هم هستند، آن هم به خاطر اندازه کوچکشان، باتری داخلی و پورت یو.اس.بی. تمام این‌ها یاری‌رسان مردم برای فائق آمدن بر مشکلات قطع برق و نظارت دولتی است. اگر شما آن قدر پولدار باشید که توان خرید تلویزیون صفحه‌تخت را داشته باشید، بسیاری از این تلویزیون‌ها پورت یو.اس.بی هم دارند. این بدین معناست که مقامات در حال از بین بردن دریافت‌کننده‌های مادون قرمز روی این تلویزیون‌ها هستند تا قابلیت کنترل از راه دور این یو.اس.بی‌ها غیرقابل دسترس شود.

۸. رشوه پرداختی بستگی به ثروت نسبی رشوه‌دهنده و جایگاه فرد رشوه‌گیرنده دارد. طبیعتاً، آن‌ها که پول بیشتری دارند رشوه‌های کلان‌تری هم می‌دهند؛ البته این رشوه به احتمال زیاد با ارزش خارجی پرداخت می‌شود.

۹. پس از تحکیم حاکمیت کیم ایل سونگ، جاسوسی از یکدیگر حتی از اعضای خانواده به امری معمول در کره شمالی تبدیل شد. این روزها اما احتمال کمتری هست که مردم چنین کنند.

۱۰. حتی برخی واژه‌های انگلیسی بیگانه، اما محبوب در کره جنوبی مانند استرس هم در حال رایج شدن است. یک شرکت دارویی در کره شمالی داروهایی برای استرس تجویز می‌کند. گاهی هم واژگان غیرمعمول هر دو کره را از یکدیگر جدا می‌سازد، مثلاً جنوبی‌ها بستنی را با همان اصطلاح انگلیسی آن آیس کریم می‌گویند، درحالی که شمالی‌ها به آن اسکیمو می‌گویند.

۱۱. گویش‌ها و اصطلاحات کره شمالی هم گاهی در تلویزیون کره جنوبی شنیده می‌شود. ایچه مانارثو گامنیدا^۲ یک تاک‌شو^۳ است که میهمانانش زنان فراری از کره شمالی‌اند. برخی بر این باورند که این تاک‌شو از طریق یو.اس.بی‌ها و دی.وی.دی‌ها راه خود را به سوی کره شمالی باز کرده است. اگر چنین باشد، یکی از بهترین تبلیغات برای فراریان خواهد بود.

۱۲. یک نمونه محبوب در کره شمالی جیول یونگا^۴ است که بازیگر برجسته فیلم موج کره‌ای به نام بانه یونگ جون آن را ایفا می‌کرد. یک فراری می‌گوید: «فکر می‌کردم فقط من آن را دیده‌ام، اما بعدها فهمیدم که همه آن را دیده‌اند».

۱۳. مردم پیونگیانگ تنها از طریق شایعات بود که به کشتار تیان آمن در سال ۱۹۸۹ پی بردند. تقریباً هیچ منبع قابل اعتمادی از اطلاعات در مورد این حادثه وجود نداشت و محتمل است که حتی آن‌هایی هم که خارج از پیونگیانگ زندگی می‌کردند هیچ باور، بینش یا ایده‌ای

1. notel

۱. je manareo gamnida, الان می‌خواهم ببینم.

۲. Talk show, برنامه گفت‌وگومحور.

۳. GyeoulYeonga, تک‌نواز زمستان.

از آنچه رخ داده بود نداشتند.

۱۴. در عوض، تبلیغات کره جنوبی در دوران دیکتاتوری نظامی هم مردمان کره شمالی را شیاطینی با «شاخ» و «دُم» ترسیم می‌کرد.

۱۵. جالب این است که تبلیغات کره شمالی به می‌یونگ جی‌گوک جویی^۱ اشاره می‌کند، اما پس از عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با بریتانیا، این کشور از این حلقه شیاطینی خارج شد.

۱۶. در واقع بسیاری از مردم کره شمالی هستند که فیلم‌های جیمز باند را دیده‌اند.

۱۷. کره جنوبی‌ها استاد سرگرمی‌اند. مجموعه نمایش‌های کره جنوبی و کی‌پاپ^۲ به عنوان بخشی از پدیده‌ای به نام هالیوو^۳ در سراسر آسیا پراکنده شده‌اند. شمالی‌ها عاشق محصولات فرهنگی از جنوب و نیز از تایلند، چین، ویتنام و بسیاری دیگر از کشورها هستند.

۱۸. به کتاب‌های طنز کره شمالی که به خارجیان فروخته می‌شود هم گاهی «مانهوا» گفته می‌شود به‌ویژه کتاب‌هایی که هدفش جنوبی‌ها هستند و سخت می‌کوشند تا نسخه‌ای شمالی از تاریخ کره را بدست دهند.

۱۹. اینکه زنبورهای عسل پرکار و جمع‌گرا، زنبورهای وحشی امپریالیست زشت‌خو را شکست دهند نمونه‌ای برجسته است.

۲۰. معمولاً یک سازمان دارای یک یا دو حساب ایمیل است و این ایمیل‌ها از سوی کسانی که در رأس هستند کنترل می‌شود. اگر شما با یک کارگر رده میانی دیدار کردید و تصمیم گرفتید به او ایمیل بفرستید، این ایمیل هرگز به او نخواهد رسید.

۲۱. تحقیقات بعدی از سوی نویسندگان بطلان این ادعا را نشان داد.

۲۲. با این حال، برخی سفارتخانه‌ها در کره شمالی رمز عبور را از اینترنت وای‌فای خود برداشته‌اند تا عابران بتوانند به راحتی و بدون محدودیت به فضای آنلاین اتصال پیدا کنند. مقامات کره شمالی به این اقدام تاخته‌اند و تهدید به «از میان بردن» تجهیزات وای‌فای کرده‌اند که بر مناطق همسایه «تأثیر می‌گذارد».

۲۳. همچون بخش‌های بسیاری از شرق آسیا، دو بازی محبوب عبارتند از: کانتر استرایک^۴ و وینینگ ۱۱.^۵

۲۴. او در دوران جوانی‌اش بود. بعدها او آب‌های رنگین^۶ می‌نوشید و ترجیح می‌داد اطرافیان‌ش مست شوند، اما خودش هوشیار بماند.

۴. Mi-Yeong Jegokjuui، امپریالیسم امریکا - بریتانیا.

2. K-pop
3. Hallyu
4. Counter Strike
5. Winning Eleven
6. Colored Water

۲۵. نوشیدنی‌های دیگر قابل فروش به توریست‌ها عبارت است از: شراب قوی سوگو که از قارچ بدست می‌آید و یک الکل خاص که ظاهراً از آلت فُکِ آبی^۷ ساخته می‌شود.

۲۶. ذرت و بلوط عناصر اصلی ساخت نانگ تانه‌گی هستند. برنج هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، اما گران‌تر است و لیکور حاصل از آن الکل کمتری دارد؛ بنابراین خواهان اندکی دارد.

۲۷. برای کسانی که توان بازدید از پیونگ‌یانگ را ندارند، رستوران‌هایی متعلق به کره شمالی در شانگهای، پکن و دیگر شهرهای چین وجود دارد که در آن فرد می‌تواند فرهنگ رستورانی شمالی‌ها را تجربه کند. باربیکیوی کره‌ای و سوگو از سوی گارسن‌های شمالی - که گاهی در قالب گروهی ظاهر می‌شوند - برای میهمانان آورده می‌شود.

۲۸. مسئول این دستگاه‌ها شرکتی است به نام هانا^۸ که از سوی یک تاجر بریتانیایی ساکن پیونگ‌یانگ اداره می‌شود.

۲۹. در اینجا می‌توان شباهت‌هایی با موسیقی کره جنوبی در دهه ۷۰ ترسیم کرد. موسیقی از سوی حکومت به شدت سانسور می‌شود و تمام آلبوم‌های موسیقی باید حداقل محتوی یک چون‌چن گایو^۹ باشد که زندگی سرسختانه، وطن پرستی و غیره را ترغیب کند.

۳۰. بسیاری از مردم کره شمالی می‌گویند خودشان این آوازها را کسل کننده می‌یابند.

۳۱. هیون سونگ وول^{۱۰} همان خواننده‌ای است که شهرت بین‌المللی عجیبی برای آوازی درباره زندگی‌اش به عنوان «کارگر مغرور» بدست آورد. با این حال، در گذشته شایعات زیادی در مورد ارتباط این خواننده با رهبر کره شمالی وجود داشت؛ حتی در سال ۲۰۱۳ خبرهایی درباره اعدام وی به دستور کیم جونگ اون منتشر شد، اما او برای اجرای برنامه در المپیک زمستانی پیونگ چانگ در سال ۲۰۱۸ حضور داشت و گفته شده است حضور وی از جمله پیشرفت‌هایی بود که در مذاکرات میان دو کره حاصل شد.

۳۲. نه اینکه دولت کره شمالی فراموش کند که به آن‌ها مواد خام فراوان برای مانور بدهد. گاهی هم، سرویس اطلاعات ملی^{۱۱} به قلب هدف ضربه می‌زند. همین سرویس بود که خبر حذف جانگ سونگ تانک را در دسامبر ۲۰۱۳، چند روز قبل از بیانیه رسمی دولت کره شمالی، منتشر کرد.

۳۳. با این حال باید گفته شود که اجازه هم اغلب صادر می‌شود. اگر فردی یکی از بستگانش بیمار باشد به او اجازه دیدار با بیمار داده می‌شود. روند بروکراتیک ممکن است حدود ۱ ماه

7. Seal penis

8. Hana

۹. geonjeon gayo: آهنگ سالم و شادی بخش

10. Hyun Song Wol

11. National Security Intrigence (NSI)

- زمان برد، مگر اینکه رشوه‌ای پرداخته شود تا در همان روز اجازه صادر شود.
۳۴. پیونگ‌یانگ شهر غیرمجاز است. زندگی و حتی دیدار از آنجا امتیاز محسوب می‌شود. دیپلمات‌های خارجی که در آنجا کار می‌کنند، اغلب می‌گویند اگر فرد از شنینانگ در چین سوار هواپیما شود، با قطار به یانجی برود و برای رفتن به سوی مرز کره‌شمالی سوار تاکسی شود زودتر به مقصد می‌رسد تا اینکه از پیونگ‌یانگ به راسون - منطقه ویژه اقتصادی در مرزهای شمالی - برود. جاده چهارباند از ونسان در شرق تا راسون سال‌هاست که در حال ساخت است، اما ظاهراً منابع مالی خشکیده است. کره‌شمالی هنوز موفق نشده است از پایان جنگ کره پایتخت را به تمام استان‌ها متصل کند و این چالش زیرساختی فوری است.
۳۵. آن‌هایی که توان پرداخت رشوه ندارند کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور را با پای پیاده از جایی به جای دیگری می‌کنند. به این صورت، از ایست بازرسی و سایر موانع هم در امان می‌مانند. این کاری خسته‌کننده، خطرناک، طاقت‌فرسا و بس وقت‌گیر است.
۳۶. شوربختانه، رشوه دادن اینجا خاتمه نمی‌یابد. آن‌ها که با قطار مسافرت می‌کنند باید در صورت حمل کالا با خود به بازرسان و نگهبانان هم مبالغی مضاعف بپردازند.
۳۷. درحالی‌که پل جدید رودخانه یالو بر روی آب معلق است و بلوک‌های آپارتمانی پر زرق و برق و شکوفای چینی در پشت آن نمایان است، اما در سوی کره شمالی، این پل و منطقه پیرامون آن یعنی «منطقه ویژه اقتصادی هوانگ گوم پیونگ» (در قیاس با منطقه ویژه اقتصادی راسون) خالی است و جاده‌های آن ناهموار و خاکی است و بسیار اسباب سرخوردگی مقامات چینی شده است.
۳۸. همان‌طور که این آرزو وجود دارد که روزی بتوانیم با قطار از پاریس به سئول برویم، در طرف کره جنوبی هم این آرزو وجود دارد که روزی دو کره ادغام شوند.
۳۹. به مردی که به شدت سیگاری است در تلفظ بومی یئومسو گولدوک^۱ می‌گویند و این براساس روایتی کارتونی از بزبی است که سیگار بر گوشه لب دارد. پسوند آجوسو^۲ نیز ممکن است به آن افزوده شود.
۴۰. ۲۷ جولای «روز پیروزی» در کره شمالی است و از این رو جایگاه قدرتمندی در باورهای عامیانه یا فولکلور کره‌شمالی دارد؛ چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، همچنین ۷۲۷ بر روی پلاک تعدادی از خودروهایی که نخبگان حاکم استفاده می‌کنند، حک شده است.
۴۱. شرکت بات به توافقی دست یافت که - احتمالاً در نتیجه فشارهای سیاسی - سهم خود را

۱. yeomso guldduk: بز دودکش (goat chimney)

۲. Ajeossi: مرد میانسال

به شرکت سنگاپوری اس.یو.تی.ال^۳ در سال ۲۰۰۷ بفروشد.

۴۲. آن دو تای دیگر عبارتند از: کسانی که موسیقی را نمی‌فهمند و کسانی که سوادى از کامپیوتر ندارند.

۴۳. معمولاً چنین است که استفاده از آن در میان کشاورزان و دیگر مردم کشور بسیار پایین‌تر است.

۴۴. منبع مورد نظر مجله ریمجین - گنگ^۴ است، ناشری منحصر به فرد که از گزارش‌های نوشته شده از سوی شمالی‌ها استفاده می‌کند و سپس به خارج از کشور قاچاق می‌شود. غیر از کسانی که برای این مجله می‌نویسند، روزنامه‌نگاران شجاع اندکی وجود دارند.

3. SUTL

4. Rimjin-gang

فصل سوم

مسئول کیست؟

با نگرستن به دولت کره شمالی از بیرون چنین به نظر می‌رسد که این دولت، دولتی یکپارچه است که در آن تمام قدرت در دستان کیم جونگ اون نهفته است؛ فردی با قدرتی مطلق که فرزند دیکتاتور است و دنیا را با تسلیحات هسته‌ای تهدید می‌کند، شوهر عمه خود را اعدام می‌کند و همچنان از تحقیر و تخفیف شهروندان شست‌وشوی مغزی شده‌ی خویش لذت می‌برد، اما به لحاظ داخلی آنچه در پس تصویر این دولت او نیفورپوش و یکدست قرار دارد مجموعه‌ای از جناح‌های رقیب و کارگزارانی است که به هر شکل و با توسل به هر روش و ابزاری به دنبال کنترل سیاسی، نفوذ و پول هستند. در حقیقت، امروز دشوار است بگوییم به‌راستی مسئول کیست؟ بی‌تردید، کیم جونگ اون قدرتمند است همان‌طور که دیگر اعضای خاندان کیم چنین هستند، اما تئوری مهم می‌گوید کیم - و حتی کل این خانواده - تمام قدرت را در اختیار ندارند. قدرت در سایه‌ای از سوی پدرش کیم جونگ ایل شکل گرفته که کیم جوان اقتدار محدودی بر آن را به ارث برده است. نام این ساختار قدرت جو جیک - جیدوبوو^۱ (وزارتخانه سازماندهی و ارشاد^۲ یا اوجی دی) است و آن‌هایی که اعدام جانگ سونگ تائک را کار کیم اعلام کردند به‌خوبی می‌دانند که اوجی دی نفع زیادی از آن بُرد. در عین حال، اوجی دی سازمانی معمولی نیست؛ سازمانی بی‌سراسر است و آنچه بر سردرگمی می‌افزاید این است که برخی اعضایش حتی از اعضای واقعی اوجی دی نیستند.^۳

برای درک ریشه‌های این سیستم در سایه باید نیم‌قرن به عقب بازگردیم و به طور خلاصه انتقال قدرت از کیم ایل سونگ (که از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ حاکم بود) به کیم جونگ ایل (که از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ حاکم بود) را بررسی کنیم. مون چونگ این، که روزگاری مشاور روه مو - هیون رئیس‌جمهور کره جنوبی در سیاست خورشید

1. Jojik-Jidobu

2. Organization & Guidance Department (OGD)

3. real OGD

تابان بود، به یکی از نویسندگان این کتاب می‌گفت کیم جونگ ایل زندانی سیستم پدرش بود، اما هنگام مرگش شایسته است که کیم ایل سونگ را زندانی سیستم کیم جونگ ایل بدانیم. امروز هم کیم جونگ ایل زندانی سیستم کیم جونگ ایل است، همچون کره شمالی.

از کیم ایل سونگ تا کیم جونگ ایل

معروف است که ظهور کیم ایل سونگ در مقام رهبر کره شمالی تا حد زیادی مدیون شانس بود. او رهبر چریکی نسبتاً معروفی بود که در منچوری در کنار کمونیست‌های چینی و سپس در ارتش شوروی، پیش از پایان جنگ جهانی دوم، خدمت می‌کرد. گفته شده است او بی‌سواد بود و تسلطی بر زبان کره‌ای نداشت، دلیلش این است که وی مدت زیادی در خارج زندگی می‌کرد. مقامات شوروی که او را به‌عنوان بخشی از آینده دولت دست‌نشانده کره شمالی رصد می‌کردند، از عملکرد کیم در آزمون تئوری مارکسیستی دچار ترس و واهمه شدند. با این حال، کیم ایل سونگ توجه لاورنتی بریا،^۴ رئیس پلیس مخفی انگشت‌نمای شوروی، را به خود جلب کرد تا اینکه بریا او را به‌عنوان رهبر بالقوه به جوزف استالین معرفی کرد. از آن زمان به بعد، او توانست از مزیت‌های کامل عطایا و نعماتی که به خاطر آن شهرت یافت بهره‌مند شود. تبلیغات، کاریزمای فردی و رفتار ماکیاویستی - تا رقبا را به حاشیه رانده و قدرت را در دستان خود جمع کند. او با درس آموختن از استالین و مشاوران شوروی اش شروع به ترغیب و تشویق کیش شخصیتی کرد که با گذشت سال‌ها بر شدت آن افزوده می‌شد. با آن‌ها که تهدید تلقی می‌شدند با قساوتی فوق‌العاده برخورد می‌شد، کمونیست قدیمی مورد احترام پاک هون یونگ - رهبر حزب کمونیست کره در زمان آزادسازی و فردی که روزگاری محتمل‌ترین کره‌ای برای حکومت بر هر دولت

4. Lavrentiy Beria

سوسیالیستی کره‌ای تلقی می‌شد - خائن و پیمان‌شکن^۱ شناخته شد و در سال ۱۹۵۶ با وجود مخالفت شوروی اعدام شد.

به جای امثال «پاک»، رفقای چریک قدیمی در زمرهٔ نزدیکان کیم در آمدند و او می‌توانست به آن‌ها اعتماد کند. او همچنین اعضای خانواده خود را در مشاغل کلیدی گماشت. با وجود تعهد ظاهری^۲ کیم ایل سونگ به مساوات‌طلبی^۳ - نوسازی و صنعتی‌سازی واقعاً موفقیت‌آمیز اقتصاد کره شمالی از سوی او - وی قلباً فئودالیست بود که رویکردی پدرسالارانه داشت. کره در آن زمان در حال بیرون آمدن از پادشاهی و حکومت آریستوکراتیک یانگبان^۴ بود (مصادف با دورانی ۳۵ ساله از حاکمیت استعماری ژاپنی‌ها)؛ بنابراین اگر از آن چشم‌انداز نگریده شده، شاید تعجبی نداشته باشد که رهبری با ویژگی‌هایی متضاد مانند کیم بتواند ظهور کند. اگر کسی در عجب باشد که چگونه کشوری ظاهراً کمونیستی می‌تواند جانشینی موروثی را بسط دهد، نیازی نیست به راه دور برود، بلکه نگاهی به کتاب تاریخ کره کافی است. (۱) از این رو یونگ جو، برادر کیم ایل سونگ، عضو کمیته مرکزی حزب کارگران شد، به دبیرکلی وزارتخانه سازماندهی و ارشاد در سال ۱۹۶۲ رسید و در سال ۱۹۷۰ هم عضو کامل پولیتبورو شد. دخترش کیم کیونگ هویی^۵ هم به کمیته مرکزی پیوست. فهرست بلندبالایی از پسر عموها و دیگر بستگان مشاغل قدرتمندی بدست آوردند. به وابستگان زن نیز سازمان‌هایی (عمدتاً کوچک) برای اداره کردن داده شد و همسرانشان هم به دولت آورده شدند. رفقای قدیمی چریک هم توانستند پایگاه قدرت خانوادگی^۶ تشکیل دهند؛ برای مثال چو هیون^۷ در کنار کیم ایل سونگ علیه ژاپنی‌ها

1. turncoat

2. outward commitment

3. egalitarianism

4. yangban

5. Kim Kyong Hui

۶. Nepotistic: تبارگماری یا گماشتن اقوام، بستگان و خویشاوندان نزدیک به مشاغل مهم اداری و حکومتی.

7. Choe Hyon

می‌جنگید و سپس وزیر دفاع کیم شد. فرزندش چو ریونگ هی^۸ در برهه‌ای، یکی از رده‌بالترین مقامات و اعیان‌ترین مقام حکومتی بود. (۲)

در چنین محیطی بود که کیم جونگ ایل - که در سال ۱۹۴۱ به عنوان فرزند کیم ایل سونگ تولد یافت - توانست به اوج قدرت برسد. طبیعتاً در سال‌های آموزش و مدرسه به کیم جوان توجه خاصی می‌شد و به محض پایان تحصیلات در سال ۱۹۶۴ از دانشگاهی که نام پدرش را داشت، او به بخش مرکزی وزارتخانه سازماندهی و ارشاد حزب کارگران گماشته شد. دو سال بعد، او به وزارتخانه تبلیغات و تحریکات^۹ منتقل شد و در سال ۱۹۶۸ به ریاست آن رسید. در این مرحله بود که کیم جونگ ایل برای اولین بار به سینما علاقه شدیدی یافت و تمام جنبه‌های فیلم‌سازی در بخش فیلم و هنر^{۱۰} این وزارتخانه به دغدغه او تبدیل شد؛ حوزه‌ای که او در آن به‌راستی عالی بود و به گفته برخی، وقتی فیلم‌ها را در اتاق تدوین می‌برید، اصلاح و ویرایش می‌کرد یا از لنز دوربین نگاه می‌کرد بسیار خوشحال می‌شد. (۳)

کیم جونگ ایل به خاطر تمام مزیت‌های آشکاری که از تولد کسب کرد، ضرورتاً مردی خوشحال نبود و نهایتاً تضمینی نبود که ردای پدرش را هم به میراث برد. مادرش کیم جونگ سوک - که اکنون و تا حدی به دلیل تلاش‌های شخص کیم جونگ ایل به عنوان مادر ملت شهره است و تقدیس می‌شود - زمانی درگذشت که کیم هنوز پسری جوان بود. بعدها او و خواهرش کیم کیونگ هویی به شکل منظم از سوی کیم سونگ آی،^{۱۱} همسر دوم کیم ایل سونگ، مورد سوءاستفاده کلامی قرار گرفتند. کیم سونگ آی سه فرزند دیگر هم برای رهبر

8. Choe Ryong Hae

9. Propaganda & Agitation Department

10. Movie & Arts Division

۱۱ Kim Song Ae: بانوی اول کره شمالی از ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۴. او سومین همسر کیم ایل سونگ، رهبر و پایه‌گذار کره شمالی، بود. او در سال ۱۹۵۲ با کیم ایل سونگ ازدواج کرد هرچند به دلیل جنگ کره هیچ مراسم رسمی برگزار نشد. برخی منابع می‌گویند وی پیش از ازدواج با کیم ایل سونگ - و پیش از درگذشت همسر اول وی - با او روابطی داشت. وی صاحب یک دختر به نام کیم کیونگ جین و دو پسر به نام‌های کیم پیونگ ایل و کیم یونگ ایل بود.

کشور به دنیا آورد و سخت می‌کوشید توجه رهبر را از کیم جونگ ایل و کیونگ هویی دور بدارد و در عوض توجه او را بر فرزندان خود معطوف سازد. او و بستگان خونی‌اش در دستگاه دولت فرزند وسطی‌اش پیونگ ایل را که در سال ۱۹۵۵ متولد شد به عنوان جانشین کیم ایل سونگ مطرح کردند.

با این حال، مانع سریع در برابر کیم جونگ ایل طی دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، عمومیش کیم یونگ جو^۱ بود. برای ناظران بیرونی، محتمل‌تر این بود که کیم یونگ جو با توجه به سن و تجربه‌اش در امور سیاسی جانشین برادرش شود، اما کیم جونگ ایل غیر از اینکه فرزند ارشد بود، مزیت مهم دیگری هم داشت، او در چاپلوسی کردن در برابر پدرش زبردست‌تر از عمومیش بود. براساس بسیاری از گزارش‌ها، کیم ایل سونگ همواره در برابر چاپلوسی و کاسه‌لیسی بسیار آسیب‌پذیر بود، بدین معنا که وقتی رقبایش یکی پس از دیگری حذف شدند و قدرتش در کشور افزایش یافت، میل به چاپلوسی از او هم فزونی گرفت. غذای او از مزارع خاص می‌آمد. مقامات در هدیه دادن به او، مانند خانه‌های آنچنانی و زن‌های جوان، از هم سبقت می‌گرفتند. کیم جونگ ایل - که احتمالاً به دلیل کمبود دریافت محبت از والدین در دوران کودکی دوستدار جذب عشق پدرش بود - در برابر کیم ایل سونگ زانو می‌زد تا کفش‌هایش را برق بیندازد. کیش شخصیت کیم ایل سونگ در اواخر دهه ۶۰ خیلی بدتر شد و همین انگیزه‌ای شد برای رقابت میان کیم جونگ ایل و کیم یونگ جو جهت چاپلوسی بیشتر از کیم ایل سونگ. کیم جونگ ایل در مقام متخصص تبلیغات برای بالا بردن شهرت و اعتبار پدرش از طریق فیلم‌ها، کتاب‌ها، نقاشی‌ها و اپراها در اغراق در مورد عظمت او جایگاه خوبی داشت؛ سازمان‌های خلاقانه

۱. Kim Yong-ju: برادر کوچک‌تر کیم ایل سونگ که در دوران زمامداری برادرش طی دهه‌های ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ پست‌های بالایی در حزب کارگران کره یافت، اما در سال ۱۹۷۴ و به دنبال کشمکش بر سر قدرت با برادرزاده‌اش کیم جونگ ایل از چشم افتاد؛ برای اطلاعات بیشتر رک.:

Kim Yong-ju, accessed on 12 December 2018, https://en.wikipedia.org/wiki/Kim_Yong-ju

جدیدی مانند استودیوی هنر مانسودای^۲ و تولیدات پائک توسان^۳ با مسئولیت صرف تولید کارهایی تأسیس شدند که تنها هدفشان تمجید و ستایش از کیم ایل سونگ بود. یک سال کامل هم برای برگزاری مراسم تولد شصتمین سالگرد رهبر بزرگ^۴ یا قائد اعظم اختصاص داده شد که در آن کیم جونگ ایل در رأس هر کاری بود و خودش شخصاً اشعار قطعات موسیقایی را می‌نوشت، نمایش‌های تردستی را مدیریت می‌کرد و همه کاری می‌کرد تا اعتبار لازم را دریافت کند.

کیم جونگ ایل که از افزایش شهرت کیم ایل سونگ چندان راضی نبود، دستور یادآوری خاطرات انقلابیون دیگر را هم صادر کرد، (۴) تا شاید یادآوری قهرمانی‌های آن‌ها اندکی از شهرت پدرش بکاهد. او همچنین در سال ۱۹۷۰ آغازگر عمل الصاق نشان^۵ کیم ایل سونگ بود که اعضای حزبی تا امروز به برگردان یقه‌هایشان^۶ وصل می‌کنند. این نشان در سمت چپ یقه‌ها نصب می‌شود تا همواره کیم ایل سونگ را نزدیک قلب‌ها نگه دارند. (۵) درحالی که کیش شخصیت استالین به گونه‌ای بود که بر جایگاه رهبر به‌عنوان خدمتگزار نهایی حزب تأکید می‌کرد، کیم فراتر رفت، کیم ایل سونگ فراتر از حزب بود، فراتر از سوسیالیسم بود و بی‌تردید ماورای هر انسان دیگری است. تنها کسی که بیش از هر فرد دیگری به ایجاد این حس کمک کرد فرزندش کیم جونگ ایل بود.

این نهایت چاپلوسی و بله‌قربان‌گویی مزایایی هم به دنبال داشت. در سال ۱۹۷۳ روشن بود که کیم جونگ ایل جانشین خواهد شد، نه کیم یونگ جو (که در آن زمان وضعیت سلامتی‌اش تعریف چندانی نداشت). سپتامبر همان سال، کیم جونگ ایل عضو پولیتبورو شد، در مقام مدیر به وزارتخانه سازماندهی و

2. Mansudae Art Studio
 3. Paektusan Productions
 4. Great Leader
 5. badge
 6. lapels

ارشاد بازگشت و جانشین عمویش شد. نقش کیم یونگ جو بعدها به نقش‌های تشریفاتی مختلف تنزل یافت. مادر کیم پیونگ ایل، یعنی کیم سونگ آی، با تحسین و تمجید عمومی از «مادر» کیم جونگ ایل (زنی که «آی» جایش را به عنوان همسر رهبر گرفت) مجبور به کرنش در برابر کیم جونگ ایل شد و خود را در برابر او بیش از حد کوچک کرد. همچنین فرماندهی جنبش سه انقلاب^۱ هم به کیم جونگ ایل داده شد. (۶) این جنبش گروهی از وفاداران جوان بودند که - همچون گارد سرخ چین^۲ - کار ویژه‌شان تضعیف و جارو کردن گاردهای قدیمی بود؛ اما برخلاف گاردهای سرخ، آن‌ها در کنترل کامل مرکز بودند. ده‌ها هزار نفر از داوطلبان جنبش سه انقلاب مشارکت داشتند و با بازدید از کارخانه‌ها، مدارس، مزارع و نهادهای دولتی تمام جوانب کار و رفتار را رصد می‌کردند. آن‌ها مردم را مجبور می‌کردند آشکارا از خود انتقاد کنند و دیگران را هم به پیوستن به آن‌ها تشویق می‌کردند. اعضای این تیم وظیفه جاسوسی از جاهایی را که بازدید می‌کردند هم داشتند و اطلاعات مربوط به آن‌ها را به مرکز منتقل می‌کردند، حتی کمیته دائمی حزب کارگران هم از رصد و نظارت سه انقلاب ایمن نبودند و نمی‌توانستند در برابر آن مقاومت کنند.

اعضای جنبش سه انقلاب که در خیانت به دیگران زبردست‌تر بودند از سوی کیم جونگ ایل به سرعت به جایگاه قدرت ارتقا می‌یافتند. (۷) آن‌ها به شدت انگیزه داشتند که در ایجاد فضای ترس و وحشت مشارکت کنند؛ فضایی که در آن حتی نمایش خفیف‌ترین بی‌وفایی‌ها می‌توانست به مجازات‌هایی نظیر تحقیر عمومی، از دست دادن جایگاه یا حتی اردوگاه‌های کار اجباری ختم شود. مورد آخر احتمالی واقعی‌تر است؛ حتی برای کسانی که در بالای نردبان قدرت

1. Three Revolutions

۲. China's Red Guards؛ گاردهای سرخ گروهی از نیروهای شبه‌نظامی متشکل از دانش‌آموزان و دانشجویان تدریج بودند که به عنوان بخشی از انقلاب فرهنگی در سال ۱۹۶۶ با حمایت مائو رسمیت یافتند. این‌ها اغلب ژاکت‌های سبز شبیه به اونیفورم‌های ارتش چین در آن زمان به تن می‌کردند که بازوبندی قرمز داشت و به یکی از آستین‌ها بسته می‌شد؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: Red Guards, accessed on 13 December 2018, <https://www.britannica.com/topic/Red-Guards>

ایستاده‌اند. در سال ۱۹۷۶، کیم دونگ جیو،^۳ معاون نخست‌وزیر، مجبور شد عمارت بزرگ و مجلل خود را با زندگی در اردوگاه زندانیان معاوضه کند. دلیل آن هم «جرم» انتقاد از کیم جونگ ایل بود. او در همانجا درگذشت. کیم جونگ ایل شبکه جاسوسی را برقرار و توسعه داده بود که به بالاترین ارکان و ساختار قدرت هم می‌رسید. کیم پیونگ ایل قربانی همین شبکه شد. گزارش‌هایی به کیم جونگ ایل رسید دال بر اینکه متملقانی که دور رقیب جوان‌تر او را گرفته‌اند از روی اشتیاق فریاد «زنده باد کیم پیونگ ایل» سر می‌دادند؛ این شعار همان شعاری بود که برای شخص کیم ایل سونگ استفاده می‌شد. کیم جونگ ایل این اطلاعات را به پدرش منتقل می‌کرد که او هم در آن زمان به خدعه‌های پیرامون خود کاملاً باور پیدا کرده بود. از این رو، کیم پیونگ ایل در سال ۱۹۷۹ به‌عنوان دیپلمات به خارج «تبعید» شد. وقتی کیم جونگ ایل در دسامبر ۲۰۱۱ درگذشت، برادر ناتنی‌اش بسیار دور از خانه بود؛ در لهستان که همچنان به عنوان سفیر در آنجا خدمت می‌کند.^۴

حتی از خود کیم ایل سونگ هم جاسوسی می‌شد و او نیز از قاعده جاسوسی مستثنی نبود. در حدود ۱۹۷۶، کیم جونگ ایل تمام خطوط تلفن پدرش را از طریق دفتر خود جواب می‌داد تا بتواند مذاکرات مردی را که او به مردم کشورش گفته بود همچون بت پیرستند کنترل کند. اینکه او چگونه توانست این کار را انجام دهد امری بی‌نهایت آموزنده است. از آن زمان به این سو، هرگاه رهبر تصمیماتی می‌گرفت که بر منافع کیم جونگ ایل تأثیر می‌گذاشت، او می‌توانست اقدامی مقتضی و متقابل را انجام دهد و به عبارتی دست به ضدحمله بزند. (۸) هرگاه رهبر علاقه‌ای به سیاستی بالقوه یا ابزاری جدید برای عظمت بخشیدن به خود ابراز می‌کرد، کیم جونگ ایل توانایی قابل توجهی برای پیش‌بینی هوس‌های

3. Kim Dong Gyu

۴. کیم پیونگ ایل در اوت ۱۹۵۴ به دنیا آمد. او برادر ناتنی کیم جونگ ایل، رهبر قبلی کره شمالی است که از یک پدر بودند. او تنها فرزند بازمانده از پایه‌گذار کره شمالی، یعنی کیم ایل سونگ است که براساس آخرین اخبار به عنوان سفیر در جمهوری چک خدمت می‌کند.

او و «زدن» آن‌ها نشان می‌داد.

افزون بر چاپلوسی و نظارت [جاسوسی]، کیم جونگ ایل با استفاده از قدرت پول جایگاه خود را از طریق ایجاد هواداران، پیروان و وفاداران تضمین و تحکیم کرد. دفتر شماره ۳۹ هم در سال ۱۹۷۴ از سوی شخص کیم جونگ ایل تأسیس شد. پول بدست آمده از سوی این دفتر نه تنها مدافع سبک زندگی اشرافی خاندان کیم است؛ بلکه از آن برای خرید هدایا (ماشین‌ها، قایق‌ها، خانه‌ها، ساعت‌های طلا و...) برای وفادار نگه داشتن زبردست‌ها هم استفاده می‌شود. رشد این سازمان به تیره و تار شدن خطوط میان خانواده و دولت کمک کرد و گذار کره شمالی «از» ملتی که در آن ایدئولوژی برای همه اهمیت دارد «به» ملتی که در آن همه چیز و همه کس را می‌توان با ارز خارجی خرید تسریع کرد. کیم جونگ ایل مسئولیت دفتر شماره ۳۹ را برعهده داشت؛ اما مغز متفکری که واقعاً در پس توسعه این دفتر قرار داشت کسی نبود جز جانگ سونگ تائک. جانگ در خانواده‌ای نسبتاً معمولی به دنیا آمد، اما جذبه و هوش طبیعی او ابتدا وی را در دانشگاه مورد توجه کیم کیونگ هویی قرار داد و سپس مورد توجه کیم جونگ ایل قرار گرفت. هویی با جانگ ازدواج کرد - با وجود اینکه هیچ کس مخالفت نکرد جز کیم ایل سونگ - و کیم جونگ ایل او را به حامی و پول‌ساز اصلی در تشکیلات خود تبدیل کرد.

جانگ به اهمیت فرصت‌های مالی بزرگ ارائه شده به واسطه حقه‌های دولتی مانند کیسه‌های دیپلماتیک بی‌برد. براساس کنوانسیون ۱۹۶۱ ژنو، کیسه‌های دیپلماتیک را نمی‌توان ضبط یا بازرسی کرد. به دلایل نه چندان غیراخلاقی، این می‌توانست منبعی مطمئن از کسب «پول آسان» باشد.

۱. نویسندگان از این پولی که در اقتصاد کره شمالی به گردش درمی‌آید به تاسی از برخی عبارات موسیقایی با عنوان سوپرانو اکونومی «Soprano economy» نام می‌برند.

ابتدا طلا از معادن کره شمالی در کیسه‌های دیپلماتیک قاچاق و فروخته می‌شد؛ سپس جانگ فهمید می‌تواند تریاک و مت را هم به همین شیوه جابه‌جا کند. این روش، در کنار فروش محصولات مشروع‌تری مانند محصولات دریایی از طریق کانال‌های معمول، درآمد کلانی نصیب دفتر شماره ۳۹ کیم جونگ ایل کرد؛ پول همچنان از همین راه منتقل می‌شود. گفته می‌شود دیپلمات‌های کره شمالی میلیون‌ها دلار پول نقد را به همین شیوه جابه‌جا می‌کنند.

اگرچه بخش زیادی از پول بدست‌آمده دفتر شماره ۳۹ خرج کالاهای لوکس برای خاندان کیم می‌شد؛ برای مثال عمارت‌هایی با سنگ مرمر سفید و با سقف‌هایی بسیار بلند که برای زدودن گرد و غبار از چراغ‌هایش نیاز به داربست است، اما بخشی از این پول هم برای خرید وفاداری خرج می‌شود. جانگ جین سونگ، فراری بلندپایه، به نویسندگان این کتاب می‌گفت یک ساعت مچی رولکس با قاب طلایی از کیم جونگ ایل دریافت کرده است. دیگران هم [بسته به جایگاه و نوع خدمتشان] خانه یا ماشین دریافت می‌کردند. متأسفانه، به نظر می‌رسد تاکتیک‌های رشوه‌ای کیم به سطحی از مادی‌گرایی و فساد دامن زده که بر کلیت جامعه کره شمالی اثر گذاشته است. یکی از ویژگی‌های معرف عصر کیم جونگ ایل تغییر از ایدئالیسم سیاسی به روحیه «هرکسی قیمتی دارد و هر چیزی را می‌توان خرید» بود.

صرف‌نظر از این موارد، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در سال ۱۹۷۶ به این نتیجه رسید که کیم ایل سونگ دیگر مسئولیتی ندارد. کیم جونگ ایل پس از استفاده از روش‌های چاپلوسانه برای جلب توجه و محبت پدر، با استراتژی هوشمندانه تکنیکی اشراف خود را بر قدرت سرعت بخشید و چنان‌که می‌دانیم، این کار شامل این موارد می‌شد: نظارت و جاسوسی (و ترس ناشی از آن)؛

جمع‌آوری ثروت با هر ابزار در دسترسی برای ایجاد وفاداری؛ غضب نهادهای مستقر و به زانو در آوردن آن‌ها با گماشتن افرادی که مطیع وفادار به خودش هستند (مثلاً، تیم سه انقلاب). کیش شخصیت شامل کیم جونگ ایل و پدرش نیز می‌شد. سبک کمونیستی استالینیستی کیم ایل سونگ زمینه را برای پادشاهی فراهم آورد. (۹)

وزارتخانه سازمان‌دهی و ارشاد (اودی‌جی)

رهبری کره شمالی چگونه کالاهای لوکس بدست می‌آورد؟ خانواده کیم دو قایق لوکس دارد که در ساحل شرقی بندر وُنسان پهلو گرفته است. کت و شلوارهای کیم جونگ ایل در سویل رو^۱ در لندن برش می‌خورد و دوخته می‌شود. ساعت مچی‌اش نیز از سوی شرکت سوئیس مووادو^۲ ساخته می‌شود. در بحبوحه تحریم‌های بین‌المللی بر تجارت کالاهای لوکس کره شمالی - چگونه این موارد برشمرده و بسیاری موارد و اقلام دیگر - موفق می‌شوند راه خود را به داخل کره شمالی بیابند؟ افراد مورد اعتماد و مستقر در ماکائو، ژاپن، هنگ‌کنگ و چین مادر سال‌هاست به صورت واسطه‌های رهبری کره شمالی در عملیات قاچاق بین‌المللی عمل کرده‌اند و این فعالیت‌ها از سوی دفتر شماره ۳۹ در پیونگ‌یانگ هماهنگ می‌شود. تاجری مستقر در ماکائو، که به خاطر تسهیل در نقل و انتقال قطعات نظامی از پیونگ‌یانگ به سوریه از سوی دادگاهی در هنگ‌کنگ جریمه شده بود، کار و کاسبی خود را تعطیل و کاری جدید با نامی جدید را (و در همان دفتر) راه انداخت. سال‌ها، شرکت‌های نقل و انتقال این تاجر از پس تأمین نیازهای فروشگاه‌ها و هتل‌های فراوان کره شمالی با ویسکی، شراب ناب و شامپاین به خوبی برآمده‌اند.

1. Savile Row
2. Movado

کیم جونگ نام،^۳ برادر ناتنی کیم جونگ اون و مردی که روزگاری جانشین بالقوه کیم جونگ ایل تصور می‌شد، بیشتر عمر خود را در تبعید گذرانده است و به عنوان یکی از چهره‌های حکومتی کره شمالی در خارج شناخته می‌شود که در نقل و انتقال کالاهای لوکسی که سخت پیدا می‌شوند و نیز صادرات تسلیحات کره شمالی نقش تسهیل‌کننده را داشت. از قایق‌های لوکس تا مرسدس‌ها، اگر بتوان آن‌ها را در کشتی‌های کانتینری جا داد، می‌توانند با گریز از ذره‌بین تیزبین تحریم‌های سازمان ملل راه خود را به کره شمالی بیابند. همین مسئله در مورد واردات سلاح هم مصداق دارد. سازمان ملل می‌گوید کره شمالی با استفاده از تکنیک‌های پیچیده‌ای که سازمان‌های قاچاق‌کننده مواد مخدر در آن پیشرو هستند مبادرت به پنهان کردن جابه‌جایی سلاح‌های کوچک، تسلیحات هسته‌ای یا اجزای موشکی می‌کند. این کشور همچنین روش‌های مالی پیچیده‌ای را برای پنهان کردن تراکنش‌های مالی‌اش از زیر نگاه بین‌المللی بسط داده است و از اکوسیستم نسبتاً پیچیده شرکتی متشکل از شرکت‌های مستقر در خارج و آحاد افراد استفاده می‌کند.

در مثالی اینچینی، کره شمالی تراکنش‌های به‌شدت غیر معمولی را شروع کرد که شامل قراردادی از سوی هوایمایی ملی کره^۴ می‌شد. برای خرید

۳. کیم جونگ نام، پسر ارشد کیم جونگ ایل رهبر سابق و برادر ناتنی کیم جونگ اون رهبر کنونی کره شمالی. او از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۱ به عنوان وارث پدر و رهبر بعدی کره شمالی شناخته می‌شد. او زبان ژاپنی را عالی صحبت می‌کرد و در سوئیس و روسیه درس خوانده بود. زمانی به او «ژنرال کوچک» می‌گفتند. در سال ۲۰۰۱ پس از تلاش برای ورود غیرقانونی به ژاپن جهت دیدار از دیزنی‌لند توکیو از چشم پدر افتاد و مقام خود را از دست داد و پس از آن در سنگاپور، چین و بیشتر از همه در ماکائو زندگی می‌کرد. او چندبار مورد سوء قصد قرار گرفت، اما در نهایت در ۱۳ فوریه ۲۰۱۷ (۲۵ بهمن ۱۳۹۵) در کشور مالزی و فرودگاه کوالالامپور توسط یک زن با دستمال آغشته به گاز اعصاب وی‌ایکس، مسموم شد و درگذشت. کیم جونگ نام فردی هوس‌باز و ولخرج بود و به خاطر قمار و صرف هزینه‌های گزاف در کانون توجه رسانه‌ها بوده است؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Jeremy, B. White (7 March 2018), North Korea: Pyongyang government <used chemical warfare agent VX> in Kim Jong-nam assassination, <https://www.independent.co.uk/news/world/north-korea-kim-jong-nam-assassination-vx-nerve-agent-pyongyang-a8243211.html>; Eileen Ng (4 March 2017), Malaysia expels North Korean ambassador in wake of Kim Jong-nam murder, <https://www.independent.co.uk/news/world/asia/kim-jong-nam-murder-suspect-police-threatened-family-north-korea-ambassador-expelled-ri-jong-choi-a7611436.html>; Niamh McIntyre, Kim Jong-un wanted assassination of half-brother Kim Jong Nam to be <gruesome>, expert says, 26 September 2017, <https://www.independent.co.uk/news/kim-jong-un-north-korea-half-brother-nam-assasination-murder-malaysia-airport-gruesome-a7967196.html>

4. Air Koryo

هوایماهای جدید در سال ۲۰۱۲. پرداخت پول این هوایماها هم با استفاده از پرداخت‌های متعددی از سوی اوجی دی انجام می‌گرفت که کیم جونگ اون به دلیل کیش شخصیت خانوادگی به میراث برده بود، اما «اون» همچنین وارث سیستمی بود که در آن تاحد زیادی، ترس جانشین وفاداری راستین شده بود و اقتصاد دلالی^۱ و رشوه مشوق نزاع و رانت جویی است. مهم‌تر از همه (لااقل، برای کیم جونگ اون)، وی سیستمی را به ارث برده که در آن سازمان در سایه ممکن است قدرت بیشتری نسبت به خودش داشته باشد، هرچند وی رهبر کشور و رئیس حزب کارگران حاکم باشد. آن سازمان همان اوجی دی است که نمایشگر افزایش و گسترش طبیعی چیزی است که کیم جونگ ایل طی مراحل اولیه ارتقای به قدرت به‌ویژه دوره سه انقلاب آموخت. از طریق نظارت و تغییر مسیر اطلاعات و گزارش‌دهی در مورد ساختارها، اوجی دی به تنها بخش دولت تبدیل شده است که همه چیز را می‌بیند و می‌داند. اگرچه بسیاری از چهره‌های معروف به دنبال مرگ کیم جونگ ایل سرنگون شده یا کنار گذاشته شده بودند - از جمله ژنرال ری یونگ هو^۲ و جانگ سونگ تائک - رهبری اوجی دی اساساً بدون تغییر باقی ماند. اوجی دی از سال ۱۹۶۴ وجود داشته است، اما نقش آن به دنبال دستیابی کیم جونگ ایل به رهبری این سازمان در سال ۱۹۷۳ به شدت دگرگون شد؛ آنگاه که از این وزارتخانه به عنوان ابزاری برای کنترل دولت بهره گرفت. (۱۰) سفارتخانه‌های کره شمالی در خارج هم نقشی کلیدی در کمک به شرکت‌های در سایه که با نام‌های مختلف در هنگ کنگ فعال بودند، ایفا می‌کردند. این شرکت‌ها کالاها را لوکس را تأمین یا معاملات پنهان تسلیحاتی را تسهیل می‌کردند.

1. court economy

۲. Ri Yong Ho: دیپلمات و سیاستمداری که از سال ۲۰۱۶ وزیر خارجه کره شمالی شد. وی مذاکره‌کننده‌ای حرفه‌ای و باتجربه در زمینه پرونده هسته‌ای کره شمالی با آمریکا بود. او تجربه‌ای سی‌ساله در امور دیپلماتیک و پست‌های سفارتی هم داشت و در فاصله ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ سفیر کشورش در بریتانیا بود.

وزارتخانه سازماندهی و ارشاد از آن زمان به قطب مرکزی قدرت در کره شمالی تبدیل شد. این سازمان از هرکسی که تصور شود پرونده یا اتو در دست دارد؛ این سازمان مجرای است که از طریق آن شاخه‌های مختلف حکومت با رهبر عالی یا قائد اعظم^۳ ارتباط می‌باند، دستورات را به پایین منتقل و اطلاعات را به بالا می‌رساند. این سازمان مسئول اجرای سیاست‌هاست؛ شبکه‌ای از جاسوسان را اداره می‌کند که از بالاترین ژنرال ارتش تا پایین‌ترین مدیر یک کارخانه استانی را شامل می‌شود. این سازمان بر هرگونه انتصاب دولتی یا نظامی («اشراف») دارد و اساساً مسئول امنیت فردی و رفاه خاندان حاکم است؛ بنابراین درحالی که ممکن است کسی فلان ژنرال یا وزیر عالی‌رتبه دولتی را قدرتمند تلقی کند - و درواقع، شاید در سازمان یا شبکه خاص خودش واقعاً دارای قدرت هم باشد - اما قدرت غایبی از اوجی دی سرچشمه می‌گیرد. از این رو، اگرچه جهان خارج نهادهای ناظری مانند پولیتبورو را می‌بیند، این سازمان («سنتی») که در عصر کیم ایل سونگ شکل گرفت قدرت خود را به اوجی دی باخت و در برابر آن عملاً رقمی بحساب نمی‌آید. این شاید هوشمندانه‌ترین حقه کیم جونگ ایل بوده است، تغییر و تحول در پایگاه قدرت بدون اینکه خارجی‌ها به آن پی ببرند. گزارش شده است که او دوست داشت بگوید: «ما باید محیط خود را تحت نظر داشته باشیم تا مانع کسب اطلاع دشمنانمان درباره خودمان شویم». بی‌تردید او می‌دانست چگونه به این هدف دست یابد؛ اما چگونه این سازمان سیصدنفره، کره شمالی امروز را اداره می‌کند؟ بگذارید قدرت این سازمان را به شکلی مفصل‌تر بررسی کنیم و با کنترل آن بر پرسنل شروع کنیم؛ برای مثال تصور کنید مدیر یک کارخانه در مجتمع فولاد کولیما^۴ هستید، یکی از مهم‌ترین بنگاه‌های دولتی در کره شمالی. بحث ترفیع پیش می‌آید (نقش اساسی نماینده حزب برای کارخانه^۵). ممکن است از شما

3. Supreme Leader

4. Chollima Steel Complex

۵. party secretary for the factory: در اینجا برای secretary معادل نماینده را گذاشته‌ام.

پرسیده شود آیا علاقه‌مندید یا می‌خواهید برای این نقش در طرح‌هایتان درخواست بدهید یا نه. شما پاسخ مثبت می‌دهید و اوجی دی مشغول کار می‌شود و با شبکه مخابراتش وارد مشورت می‌شود. همچون استاسی^۱ در آلمان شرقی. اوجی دی پرونده‌ای از شما دارد؛ پرونده‌ای که در مجتمع مرکزی حزب در پیونگ‌یانگ نگه داشته می‌شود. پرونده‌هایی مخفی از این دست تقریباً در مورد تمام اعضای حزبی یا کسانی که عضو حزب خواهند شد وجود دارد (یعنی حداقل ۳ تا ۴ میلیون نفر) و برخلاف پرونده‌های دولتی معمول که بیشتر شبیه به رزومه استاندارد است، پرونده‌های اوجی دی مشتمل بر جزئیاتی در مورد زندگی خصوصی شماست؛ ضعف در برابر الکل، قماربازی، مواد مخدر یا زنان، روابط خارج از ازدواج؛ اظهاراتی مربوط به ده سال گذشته که می‌توانست به طور بالقوه نشانی از خیانت یا عدم وفاداری شما باشد؛ اطلاعاتی در مورد دوستان مدرسه و غیره. این پرونده‌ها به مرور زمان از طریق گزارش‌هایی به اوجی دی از سوی تمام مخابراتی که شما در تمام طول زندگی‌تان با آن‌ها ارتباط داشته‌اید، اما نمی‌دانستید آن‌ها کیستند قطور می‌شود. وزارتخانه مخوف اوجی دی همچنین امتیازی تحت عنوان «زندگی حزبی» دارد که یا میزان مشارکت شما در رویدادهای مربوط به حزب کارگر و یا اینکه برای مثال، آیا شما مشتاقانه در پروژه‌های کاری داوطلب مشارکت می‌کنید یا خیر اندازه می‌گیرد. این سازمان با استفاده از این موارد و کنترل پیشینه شما تصمیم می‌گیرد آیا قابل پذیرش هستید یا خیر. اگر همه چیز روشن باشد، آن‌ها توصیه می‌کنند قائد اعظم شما را برگزیند و شما به عنوان نماینده حزب در آن کارخانه منصوب می‌شوید، اما در مورد چهره‌های ارشد مانند ژنرال‌های ارتش چطور؟ همین سیستم در مورد آن‌ها هم مصداق دارد. این وزارتخانه در حقیقت دو بخش دارد که به مسائل نظامی می‌پردازد. در سال ۱۹۹۱، کیم جونگ ایل حکم داد تمام ژنرال‌ها باید آزمون‌های حزبی را پشت سر بگذارند؛ این آزمون‌ها از سوی

1. Stasi

ناظرانی برگزار می‌شود که به بخش ۱۳ اوجی دی پاسخگویند (مسئولیت «ارشاد» نظامی). بدین معنا که آن‌ها دو هفته ناپدید می‌شوند و در خوابگاه‌هایی در کنار دیگر ژنرال‌ها نگه داشته می‌شوند. آن‌ها در معرض تبلیغات و جلسات انتقاد عمومی ای قرار می‌گیرند که اطاعت و ترس را القا می‌کند. پس از اینکه این فرایند تکمیل شد، اوجی دی تصمیم می‌گیرد کدامیک از آن‌ها شایسته ترفیع هستند و کدامیک باید از طریق بخش ۴ این وزارتخانه - که انتصابات نظامی را مدیریت می‌کند - تنزل مقام پیدا کنند. کره‌شمالی عموماً خود را دولت سونگان^۲ (دولتی که به اصل «ابتدا ارتش» و تقدم نظامیان بر همه امور معتقد است) جا می‌زند. در حالی که سهم زیادی از منابع کشور جذب ارتش می‌شود، انتصابات نظامی در نهایت تحت کنترل حزب یا به‌طور خاص اوجی دی است (که رسماً بخشی از حزب است). برای غیرنظامیان هم چندان غیر معمول نیست که در موقعیت‌های نظامی بسیار بالا گماشته شوند. هوانگ پیونگ سو^۳، یکی از چهره‌های قدیمی در اوجی دی - هم‌اکنون رئیس بخش نظارتی این سازمان بر امور نظامی و معاون رئیس و یک سانگ جانگ است (سپهد که فقط یک قدم تا ژنرال کلی یا همان ارتشبدی فاصله دارد. با وجود این، وی بی‌تردید قدرتمندتر از هر ژنرال دیگری با سابقه نظامی متعارف است). در می ۲۰۱۴، او مدیر دفتر سیاسی همگانی^۴ ارتش خلق کره بود؛ دومین عنوان نظامی عالی‌رتبه پس از کیم جونگ اون.

این کار فی‌نفسه باعث قدرتمندتر شدن هوانگ پیونگ سو نمی‌شود. سلف او چو ریونگ های^۵ مدتی کوتاه این عنوان را داشت و سپس اخراج شد. منابع می‌گویند «چو» آن قدر که تصور می‌شد مهم نبود. در عوض، عنوان جدید هوانگ مهر تأییدی است بر قدرتی که او از قبل داشت. نکته مهم در میان نیروهای نظامی در کره‌شمالی این است که واحدهای مختلف نظامی اجازه

2. songun (military first) state

3. Hwang Pyong So

4. General Political Bureau

5. Choe Ryong Hae

ندارند به طور مستقیم با یکدیگر تماس برقرار کنند. این به کیم جونگ ایل کمک می‌کند تا قدرت را متمرکز سازد و از خود در برابر کودتاهای احتمالی حمایت کند. خیالی خام است که یک ژنرال سرکش بتواند مخفیانه آن قدر نیرو و حامی جمع کند و رژیم را سرنگون سازد یا مواد هسته‌ای را به القاعده بفرشد؛ حتی صحبت از مقامات حزبی اصلاح‌طلب در برابر ژنرال‌های تندرو - چنان‌که در رسانه‌های غربی می‌بینیم و شایع است - نه کمک‌کننده است و نه دقیق، زیرا افراد زیادی وجود دارند که پایی در هر دو اردوگاه دارند. صرف‌نظر از این‌ها، انتصاب در هر دو اردوگاه با مشارکت و تعامل نزدیک و دوجانبه خاندان کیم، اوجی‌دی و برای خدمت به یک هدف انجام می‌گیرد؛ حفظ و بقای سیستم.

با این حال، کنترل بر انتصابات بخشی از قدرت اوجی‌دی است. این وزارتخانه کلیدی از حق صدور ارشاد و راهنمایی برای تمام شاخه‌های تشکیلات دولتی برخوردار است. اساساً بدین معنا که اوجی‌دی می‌تواند در امور هر سازمان یا اداره‌ای که بخواهد مداخله کند. همچنین از کنترل فراوانی بر جلسات خودانتقادی و تبلیغات در میان کارگران کارخانه‌ها، سربازان، اساتید دانشگاه و غیره برخوردار است.

نمایندگان این سازمان به تمام نهادها و ارگان‌ها اعزام می‌شوند تا ارشادات خود را منتقل کنند و به این ترتیب، ممکن است رئیس افتخاری کارخانه را کنار بزنند. اگر این روش مؤثر و کافی نباشد، یک مربی اطلاع‌رسانی^۱ پنهان در هر سازمان گمارده می‌شود تا از نماینده مربوط به آن جاسوسی و گزارشات مرتبط را به اوجی‌دی منتقل کند. این مربی ممکن است کارگری در بخش تولید^۲ باشد، اما درحقیقت، او بخش مهمی از سیستم کنترل متمرکز کیم جونگ ایل است. شخص جانگ سونگ تانک هم در حرفه خود یکی از همین دست‌مربی‌ها بود.

1. notification instructor
2. shop floor worker

ارشاد نظامی به طور رسمی از دفتر سیاسی همگانی انجام می‌گیرد؛ کمیسرهایی دارد که به‌عنوان سروان یا سرگرد در تمام واحدهای نظامی در کشور خدمت می‌کنند. این کمیسرها می‌توانند ژنرال‌ها را نادیده بگیرند و کنارشان بزنند. با این حال، ژنرال‌ها هم از حق دادخواست برخوردارند. دفتر سیاسی همگانی در نهایت به بخش ۱۳ اوجی دی پاسخگوست، چنان‌که کیم جونگ ایل در سال ۱۹۹۲ در سخنرانی برای افسران ارشد چنین فرمان داده بود. در نتیجه ژنرال‌ها هم از اوجی دی می‌ترسند.

احتمالاً تنها کاری که اوجی دی برای آن ساخته نشده یا در زمره دستور کارهایش تعریف نشده، همان ترسیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌هاست. این برعهده قائد اعظم است. کلمات و سخنان قائد اعظم نه در حکم قانون که خود قانون است. اگر کیم جونگ ایل به یکی از دستیارانش بگوید: «الزام است زنان باید لباس‌های سنتی کره را بر تن کنند». آن دستیار این سخن را یادداشت می‌کند و بلافاصله به سیاست و خط‌مشی دولت تبدیل می‌شود، (۱۲) اما این اوجی دی است که مسئول پردازش و مستندسازی آن یادداشت است و این قانون یا قاعده جدید را در تمام شعبات و شاخه‌های دولتی به اجرا درمی‌آورد. وقتی پیشنهادات سیاسی از پایین می‌آید، باید از فیلتر اوجی دی عبور کند و سپس به قائد اعظم برسد.

دبیرخانه فردی^۳

در نهایت، اعضای اوجی دی به‌شدت درگیر مدیریت امور خانه و حفاظت از خاندان کیم هستند. اعتقاد بر این است که ۹ معاون رئیس^۴ در اوجی دی

۳. Personal Secretariat: ظاهراً گروهی از افرادند که به‌عنوان منشی‌های شخصی کاغذ به دست قائد اعظم تلقی می‌شوند که همه‌جا و در همه حال همراه او هستند و سخنان او را کلمه به کلمه یادداشت می‌کنند. شاید بتوان در جاهایی معادل «منشی‌های شخصی» را برای این عبارت به کار برد.

4. deputy director

هستند (چرا که از زمان مرگ کیم جونگ ایل دیگر مدیری برای این سازمان گماشته نشد) و درحالی که چهار نفر از آنها نقش‌های راستین^۱ اوجی دی را دارند - احتمالاً دو نفر از قدرتمندترین معاونان عبارتند از: هوانگ پیونگ سو، مسئول امور نظامی و کیم کیونگ اوک^۲ مسئول امور نظارتی - اما این تصور وجود دارد که دیگر معاونان مسئول دبیرخانه شخصی^۳ رهبر هستند. هیچ‌کس نمی‌گوید من برای قائد اعظم کار می‌کنم. این در کره شمالی تابو است که به طور مستقیم در مورد قائد اعظم (۱۳) سخن گفته شود. فقط باید از او با عباراتی کلی تمجید شود؛ بنابراین نقش معاونت اوجی دی در این مورد نقشی پوششی است و توجیه‌کننده مزایای بالایی است که به افراد رده‌بالا در دبیرخانه فردی داده می‌شود. این مزیت‌ها عبارتند از: سفر به خارج از کشور؛ تحصیلات برای کودکان در کشورهای خارجی؛ دسترسی به مرکز درمانی بونگوا^۴ - یک بیمارستان در ایشل جهانی است و خدماتی ارائه می‌دهد که مردم معمولی کره شمالی نمی‌توانند، حتی آن را در خواب هم ببینند. (۱۴)

دبیرخانه فردی چندین کار ویژه دارد، به عنوان حائل^۵ میان خانواده کیم و دیگران عمل می‌کند؛ برنامه‌های کاری روزانه قائد اعظم را هماهنگ می‌کند و هر جا که رهبر سفر کند از تجهیزات امنیتی و لجستیکی مراقبت می‌کند. به گفته منبعی، این ترتیبات می‌توانند بی‌نهایت دشوار و حتی ناخوشایند باشند، در مواقع نادر. آنگاه که کیم جونگ ایل به خارج از کشور سفر می‌کرد، دبیرخانه مذکور مدفوع و ادرار رهبر را از توالت‌های مخصوصی که با خود حمل می‌کردند جمع‌آوری می‌کرد. این کار بدین دلیل بود تا عوامل خارجی نتوانند به پرونده

1. proper

2. Kim Kyong Ok

3. Personal Secretariat (PS)

4. Bonghwa Medical Center

5. Gatekeeper: معنای تحت‌اللفظی این کلمه «دربان» است، اما برای تقریب به ذهن از عبارت «حائل» استفاده شد.

دی‌ان‌ای کیم جونگ ایل دسترسی یابند. اعضای این دبیرخانه دسترسی مستقیم به قائد اعظم دارند. بدین معنا که آن‌ها می‌توانند تهدیدی برای او باشند؛ بنابراین کیم جونگ ایل مایل بود این افراد را از میان کسانی برگزیند که مدت‌ها در استخدامش بودند و دوستی دیرین با آن‌ها داشت؛ برای مثال ری جی گانگ^۶ در سال ۱۹۷۳ همراه با کیم جونگ ایل به اوجی‌دی پیوست و در سال ۱۹۷۵ به مقام معاون رئیس انتخاب شد؛ او به تأسیس دبیرخانه فردی هم کمک کرد و کارش استخدام پرسنل دولتی برای کیم جونگ ایل بود. او بقیهٔ عمر خود را در آنجا سپری کرد و از قدرتی برابر با هر خاندان دیگری غیر از اعضای خاندان کیم برخوردار بود. برخی نیروهای این دبیرخانه فردی، پیوندهای نسل اندر نسل با خانواده کیم دارند و پدران یا پدربزرگانشان برای کیم ایل سونگ کار می‌کردند.

بخشی از نقش ری جی گانگ شامل ادارهٔ بخش پنجم کادرهاست که مسئول کی‌پئوم‌چو^۷ یا جوخه عیش^۸ است و متشکل از زنانی است که می‌رقصند، می‌خوانند و حتی ممکن است خدمات جنسی هم به رهبر (۱۵) یا کسانی که رهبر مایل به شادمان کردن آن‌هاست ارائه دهند. «ری» به دلیل پست رسمی که دارد بر پرونده‌های مخفی اوجی‌دی هم اشراف دارد. با این حال، وی در سال ۲۰۱۰ در حادثهٔ رانندگی درگذشت. تئوری‌های متناقضی در مورد نحوه وقوع این تصادف وجود دارد، از آنجا که عصر روز تصادف، حسابی نوشیدنی‌های الکلی مصرف کرده بود ممکن است حین رانندگی کنترل خود را از دست داده باشد، از سوی دیگر، روایتی دیگر می‌گوید ترافیک در پیونگ‌یانگ بسیار سبک است؛ بنابراین از تصادفات رانندگی اغلب برای سر به نیست کردن دشمنان قدرتمند استفاده می‌شود.

6. Ri Je Gang

7. kippeumjo

8. pleasure squad

جانگ سونگ تائک

آن‌ها که معتقدند مرگ «ری» هدفمند بود، می‌گویند جانگ سونگ تائک انگیزه‌ای برای دخیل شدن در این مرگ داشت. به گفته چندین منبع، جانگ و «ری» - یا جانگ و هسته‌های اصلی او جی‌دی که «ری» هم جزو شان بود - درگیر رقابتی دیرپا بودند. این رقابت اغلب از طریق حذف کسانی که حضورشان به موضع او جی‌دی کمک می‌کرد ابراز می‌شد؛ مانند ریو کیونگ،^۱ معاون رئیس دایره امنیت دولتی^۲ (سازمانی که بی‌تردید در مدار اقتدار او جی‌دی قرار دارد). ریو در سال ۲۰۱۰ در حال کسب قدرت و اعتبار و در حال یافتن وجهه‌ای نزد افسران اعم از سرهنگان و بالاتر از آن‌ها بود. جانگ ظاهراً با مشاهده ارتقای او، وی را به منزله تهدیدی نوظهور می‌دید و کیم جونگ ایل در اوایل سال ۲۰۱۱ با اعدام او موافقت کرد.

رقابت جانگ با رؤسای او جی‌دی و مرتبطانشان تا حدودی به خاطر این حقیقت بود که جانگ تنها کانون چشمگیر قدرت در کره شمالی خارج از دایره خاندان کیم یا او جی‌دی بود. این قدرت از مفید بودن او برای کیم جونگ ایل برمی‌خیزد، زیرا این قدرت جانگ بود که باعث شد وی پول کلانی به جیب رهبر کره سرانجام کند؛ قدرتی که باعث محبوبیت فردی جانگ بود و باعث شده بود دیگران از وی حساب ببرند، قدرتی که از ازدواج با کیم کیونگ هویی نشئت می‌گرفت و به دلیل رابطه خونی که با رهبران کره داشت غیرقابل دسترس می‌نمود؛ حتی کیم جونگ ایل به‌عنوان گرداننده و متصدی زیرک، جانگ را تشویق می‌کرد او جی‌دی را متوازن سازد و به او اجازه داد گاهی شاخ و برگ‌ها را با تسویه و حذف هرس کند، مانند مورد ریو کیونگ.

کیم جونگ ایل قبلاً جانگ را - به عنوان رهبر وزارتخانه امنیت خلق^۳ -

1. Ryu Kyong

2. State Security Department

3. Ministry of People's Security

ترغیب کرده بود تا اعضای از دایره امنیت دولتی را در اواخر دهه ۹۰ به منظور کاهش برتری اوجی دی بر سیستم‌های نظارتی و جاسوسی تسویه کند. او حتی بخشی را در اوجی دی تأسیس کرد به نام دایره اداری^۴ و اداره آن را در سال ۲۰۰۷ به جانگ واگذار کرد. تردیدی نبود که این کار انزجار زیادی ایجاد کرد؛ اما کیم جونگ ایل گاهی لازم می‌دید زهرچشمی از جانگ بگیرد و او را از کاخ قدرت به زیر آورد، بنابراین در سال ۲۰۰۴ ری جی گانگ را (قبل از عزل وی در سال ۲۰۰۶) برانگیخت تا جانگ را تسویه و از شر او خلاص شود. وقتی در مورد نظام رهبری در کره شمالی تأمل می‌کنیم باید ملک و املاک، رقابت‌های فردی و ضرورت متوازن‌سازی آن‌ها و رای نگرانی‌هایی مانند ایدئولوژی و اینکه آیا فرد A تندرو است و فرد B اصلاح طلب در نظر بگیریم. تسویه و اعدام جانگ در دسامبر ۲۰۱۳ - در صورتی که در متن فرقه‌گرایی دیرپا ادراک شود - ناگهان معنی می‌یابد؛ بنابراین از سقوط جانگ سونگ تائک چه باید فهمید؟ چیزی را با قطعیت نمی‌توان گفت؛ اینکه آیا کودتای اوجی دی بود، یا تصمیمی از سوی کیم جونگ ایل، یا ترکیبی از هر دو، اما تاکنون نه تنها اوجی دی بیشترین بهره را از آن برده است، بلکه جانگ از نظر ربودن فرصت‌های اقتصادی (۱۶) که برای کره شمالی پیش می‌آمد «بیش از حد حریص» تصور می‌شد؛ بنابراین مردان قدرتمندی وجود داشتند که طبیعتاً از این روند انزجار داشتند. او همچنین کنترل دومین کمیته اقتصادی^۵ را هم به عهده گرفت؛ نهادی که فعالیت‌های تجاری - تسلیحاتی آن سوی دریاها و کره شمالی و سایت آزمایش هسته‌ای کیلجو^۶ را اداره می‌کرد. اگر جانگ نفوذ فراتر از تصویری بر برنامه هسته‌ای و تجاری کره شمالی داشت، این می‌توانست برای کیم جونگ اون و اوجی دی خطرناک باشد. علاوه بر انحصار فرصت‌های تجاری و اقتصادی در دست جانگ، می‌توانست

4. Administration Department
 5. Second Economic Committee
 6. Kilju

آن قدر کافی باشد که ائتلافی از نخبگانی را تشکیل دهد که خواهان سر به نیست کردن او باشند؛ حتی این احتمال هم وجود دارد که جانگ در کنار فرقه‌گرایی که در بیانیه‌های عمومی کره شمالی در مورد حذف او وجود دارد، در حال توطئه چینی برای کودتا (یا لاقول، کودتایی بر ضد اوجی‌دی) هم بود. می‌توانست انگیزه کافی را به کیم جونگ اون، معاون رئیس^۱ اوجی‌دی و دیگر چهره‌های قدرتمند برای متحد کردن و پاسخ بی‌رحمانه بدهد. (۱۷)

با این حال، حذف او بی‌تردید تأثیری بی‌ثبات‌کننده خواهد داشت، زیرا شبکه حمایتی‌اش وسیع بود و نه تنها به وزارتخانه امنیت خلق که شامل تمام دولت می‌شد. طی چهار دهه، او موفق به ساخت خطی^۲ عمیق و ریشه‌دار از هزاران نفر در کره شمالی شد. مفهوم خط، مفهومی قوی در شرکت‌ها و نهادهای دولتی کره جنوبی هم است. ستاره نوظهور در سازمان کسانی را ارتقا می‌دهد که با او ارتباطاتی نظامی داشته باشند یا پیوندهایی با زادگاه و ارتباطاتی مدرسه‌ای با آن ستاره داشته باشد، یا اینکه آن فرد ارتقایافته، روابط خوبی با آن ستاره داشته باشد. به مرور، این ستاره‌ها سریع‌تر از دیگران رشد می‌کنند و خویشان خود را هم وارد کار می‌کنند. در نهایت، این ستاره نوظهور به مقامی ارشد تبدیل می‌شود که صدها وفادار و حامی را زیر دست دارد. اگر او جایگاه خود را از دست بدهد، هرکسی که در خط حمایت از او قرار داشت باید حامی جدیدی برای خود بیابد یا اینکه مشاغل رده پایین‌تری برای خود دست‌وپا کند. همین مسئله در کره شمالی هم مصداق دارد، اما با تنزل مقام و روند شدیدتر؛ در هنگام سقوط جانگ، تمام کسانی که در خط او قرار داشتند تنزل مقام یافته، تسویه شده یا به تبعید در اقصی نقاط کشور رفتند و در بدترین حالت اعدام شدند.

خط حامی جانگ سونگ تائک تا حدودی به خاطر عطایای دست و دلبازانه

۱. همان‌طور که گفته شد این سازمان بعد از مرگ کیم جونگ ایل و به پاس احترام به او دیگر رئیس ندارد؛ حتی کیم جونگ اون نیز سمت «معاون رئیس» را دارد و رؤسای بخش‌ها همگی معاونان «اون» هستند.

2. line

او ساخته شد؛ روشی که رئیسش کیم جونگ ایل روزگاری برای کسب حمایت وفاداران از آن استفاده می‌کرد. اگرچه برخی او را حریص می‌پنداشتند (از جمله کیم جونگ ایل که چند دهه در مقابل او احتیاط به خرج می‌داد)، زیردست‌ها جانگ را پدری مهربان و بخشنده می‌دیدند. او فردی بود که وقتی نیاز به پول داشتند (به دیدنش می‌رفتند)؛ شاید ماشین یا خانه‌ای می‌خرید یا هزینه مراسم ازدواج را متقبل می‌شد. طی قحطی نیمه دهه ۹۰، برخی کسانی که در سلسله‌مراتب پایین خط جانگ بودند به واسطه بخشندگی و دست و دل‌بازی‌های او زنده ماندند و در زمره حامیان وفادار او باقی ماندند. برخی در دنیای انگلیسی‌زبان او را با ویلیام ام. تویید^۳ مقایسه می‌کنند که رئیس تامانی هال حزب دموکرات و بر شبکه‌ای عظیم از رشوه و نفوذ سیاسی در دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ فائق بود.

در نتیجه حذف جانگ، هزاران نفر هم باید خود را با چشم‌اندازی تقلیل‌یافته سازگار کنند و هم فقدان رهبری را که واقعاً دوستش داشتند تجربه کنند. (۱۸) روش شوکه‌کننده تسویه موجب ترس و وحشت واقعی در برخی از اعضای ارشد خط او شد. این امر احتمال بی‌ثباتی و نزاع و نیز فرار را افزایش می‌دهد. آن‌هایی که جانگ سونگ تانک را حذف کردند، قطعاً از این مسئله آگاه بودند. وقتی روند تسویه و حذف جانگ شروع شد، کیم جونگ اون در شهری در شمال این کشور به نام سامجی یون^۴ بود. این شهر در اسطوره‌های کره‌شمالی جایگاهی مهم داشت چرا که به کوه پانک توسان نزدیک بود؛ به گفته دولت، کیم جونگ ایل در آنجا متولد شده بود (خاندان کیم ظاهراً از دودمان پانکتو^۵ هستند و خون پانکتو در رگ‌هایشان جاری است). این شهر همچنین یکی از مراکز حفاظت

۳. William M. Tweed؛ به او رئیس تویید هم می‌گویند. او رئیس ماشین‌سیاسی تامانی هال حزب دموکرات بود که نقشی مهم در سیاست شهر و ایالت نیویورک در قرن ۱۹ ایفا می‌کرد. او در اوج قدرت و نفوذ خود سومین زمین‌دار بزرگ در شهر نیویورک، مدیر راه‌آهن اری (Erie Railroad)، دهمین بانک ملی، شرکت «نیویورک پرینتینگ» و مالک هتل متروپولیتن بود.

4. Samjiyon

5. Paektu Hyoltongor

شده است که اعضای خاندان کیم و نخبگان ارشد در مواقع بحران می‌توانند در آنجا جمع شوند. مرز چین نزدیک همین شهر است و در صورتی که وضعیت واقعاً به حد بحران برسد و غیرقابل تحمل شود، رهبر و خاندانش به راحتی می‌توانند پیاده از شهر سامجی یون وارد چین شوند. در میان کسانی که طی این تسویه در کنار کیم جونگ اون در سامجی یون بودند می‌توان به معاون اوجی دی یعنی هوانگ پیونگ سو و کیم وون هونگ (رهبر وزارتخانه امنیت دولت) اشاره کرد؛ اما در مورد کیم کیونگ هویی، دختر کیم ایل سونگ و بیوه جانگ سونگ تائک چطور؟ یکی از اسرارآمیزترین بخش‌های حماسه اعدام جانگ نقش «هویی» در آن بود (البته اگر قائل به نقشی برای او باشیم). او بخشی از دودمان پانکتو و مجری امیال کیم جونگ ایل بود و تا همین اواخر مسئول میلیاردها دلار پول این خاندان که در اقصی نقاط جهان پراکنده بود. او شبکه بزرگ خاص خود را داشت و (همراه با جانگ) نایب‌الحکومه کیم جونگ اون تلقی می‌شد؛ بنابراین می‌توان گفت یا او به مرگ همسرش رضایت داده بود یا اینکه نفوذ خود در این رویداد را تا حد چشمگیری از دست داده بود. در مورد این مسئله، هیچ شواهد قابل اعتمادی وجود ندارد، اما آنچه مسلم بود این است که کیم کیونگ هویی بیشتر اوقات خود را این روزها خارج از کره شمالی می‌گذراند. او منازلی در سنگاپور و فرانسه دارد و این باور وجود دارد که در زمان نگارش این کتاب در فرانسه زندگی می‌کرد. وضعیت سلامتی او تعریفی ندارد، (۱۹) حتی اگر قدرت می‌یافت که جانگ را در نوامبر/دسامبر ۲۰۱۳ داوطلبانه تسلیم کند (براساس برخی روایت‌ها، ازدواج آن‌ها دیگر حلاوت گذشته را نداشت)، به زودی زمانی می‌آمد که کیم جونگ اون هم دیگر از اقتدار و حمایت «هویی» نفعی نمی‌برد و آن را به هیچ می‌گرفت. می‌توانیم قطعاً مطمئن باشیم که از میان کیم‌های بازمانده، جونگ چول، برادر بزرگتر اون و یو جونگ (۲۰) خواهر جوان‌ترش در سمت و سوی اون هستند، اما میزان نفوذشان روشن نیست.

توازن

کیم کیونگ هوئی به نوعی جانشین هم دارد، کیم سول سونگ^۱، دومین دختر کیم جونگ ایل. او از همسر رسمی کیم جونگ ایل، یعنی کیم یونگ سوک^۲ به دنیا آمد (کیم جونگ ایل به این دلیل با وی ازدواج کرد تا باعث خوشحالی پدر خود شود، اما هم‌زمان و به‌طور مخفی با معشوقه‌ای دیگر ارتباط داشت؛ وی بازیگری بود به نام سونگ‌های ریم). کیم سول سونگ در اوایل دهه ۴۰ عمر خود است و علاوه بر اینکه درجه نظامی چانگ جوآ^۳ (سرهنگ دومی^۴) دارد، یکی از اعضای مرکزی دبیرخانه فردی هم هست. او مدیریت ترتیبات امنیتی و لجستیکی کیم جونگ ایل را برعهده داشت و همچنان همکاری نزدیکی با برادر ناتنی‌اش کیم جونگ اون دارد. پس از درگذشت کیم کیونگ هوئی، او احتمالاً نقش وکیل خانوادگی و حسابدار^۵ را دارد. کیم سول سونگ همچنین یکی از معاونان اوجی‌دی است و این سمت درحقیقت پوششی برای نقش ارشد او در دبیرخانه فردی است. با فرض اینکه کیم سول سونگ برحسب آرزوی پدرش در کنار برادر ناتنی‌اش ایستاده، این مسئله در نقطه مقابل این احتمال است که کیم جونگ اون را عروسکی از سوی بوروکرات‌های مخفی می‌داند که منافع خود را دنبال می‌کنند و او را به حرکت درمی‌آورند. (۲۱)

افزون بر این، ما شواهدی نداریم که نشان دهد معاونان اوجی‌دی در رسیدن به هدف با هم متحدند؛ برای مثال تمام آنچه می‌دانیم این است که اختلافات زیادی میان هسته مرکزی اوجی‌دی و اعضای دبیرخانه فردی اوجی‌دی می‌تواند وجود داشته باشد. در مجموع، برای بسیاری از اعضای ارشد اوجی‌دی، این شغل دقیقاً پوشش است. اوجی‌دی به عنوان یک گروه قدرتی عظیم دارد، اما رقابت‌های داخلی به کیم جونگ اون و خانواده‌اش اجازه می‌دهد تا با توازن‌سازی

1. Kim Sol Song
 2. Kim Yong Suk
 3. Chungjwa
 4. lieutenant-colonel
 5. bookkeeper

میان این رقابت‌ها میزانی از کنترل را برای خود حفظ کنند. افزون بر این، غیر قابل انکار است که با وجود قدرت زیاد اوجی‌دی، معاونانش همواره به یکی از اعضای دودمان پانکتو^۱ به عنوان جلودار^۲ نیاز خواهند داشت. پس از مرگ کیم جونگ ایل، اوجی‌دی بدون مدیر (رئیس) بوده است. این عملاً تنها نقش بالایی بود که کیم جونگ اون از پدرش به ارث نبرد که نشان می‌دهد، مانند پدرش تسلطی بر این ارگان ندارد. دلیل احتمالی برای این مسئله این است که کیم جونگ ایل پیش از اینکه واگذاری کامل قدرت به سرانجام برسد درگذشت. امروز، منابع بی‌شمار از پیونگیانگ بر اهمیت معاونان اوجی‌دی گواهی می‌دهند و برای اولین بار، جرأت گفتن این را دارند که یکی از کیم‌ها دارای کنترل کامل نیست؛ اما هم‌زمان، هیچ معاونی به جایگاه مدیریتی نرسیده و این ایده تقویت شده است که هیچ احدی واقعاً کره‌شمالی را اداره نمی‌کند.

اگر بخواهیم تعریفی از کره شمالی امروز داشته باشیم، می‌توانیم بگویم این کشور در بهترین حالت و به طور رسمی ائتلافی غیرساختارمند است متشکل از کیم جونگ اون، بستگان نزدیکش، اعضای ارشد اوجی‌دی مانند هوانگ پیونگ سو و کیم کیونگ اوک و هر عضو رده بالای نظامی یا حزبی که از اعتماد این خاندان برخوردار است. در این معنا، کره شمالی با کشورهای دیگر اشتراک دارد. این کشور دارای یک رأس قابل شناسایی است؛ اما در پس او، لایه‌ای از مردان قدرتمند با منافع و امیال فراوان قرار دارند که لزوماً با منافع کیم و خاندانش سازگار نیستند. اگر سیاست تندرو از سوی یک مصلح یا ستاره نوظهور دنبال اما ناگهان زمین‌گیر شود، بدین معنا نیست که دیکتاتور مطلق یعنی کیم جونگ اون مهربان و غیرقابل پیش‌بینی است؛ بدین معناست که نه او و نه هیچ فرد دیگری کنترل کامل بر قدرت ندارد.

1. Paektu Hyoltongor
2. front-man

پی‌نوشت‌های فصل سوم

۱. کره جنوبی هم تفاوت چندانی ندارد. قدرتمندترین مردانش فرزندان مردان بزرگ هستند، از رئیس‌جمهور تا رئیس‌جمهور گواهی بر این امر است.
۲. آن‌گونه که برخی تحلیلگران ادعا می‌کنند، چو هرگز به کیم نزدیک نبود و مرد شماره ۲ هم نبود. تنزل مقام او در می ۲۰۱۴ دلیلی است بر این امر. چو، ظاهراً سرپوشی مفید در تحولات پس از اعدام جانگ سونگ تائک بود.
۳. کیم جونگ ایل به طور خاص هوادار مارتین اسکورسیزی بود و می‌توانست زوایا و شات‌ها را در تمام فیلم‌های کارگردان‌های امریکایی مورد بحث قرار دهد. وسوسه‌انگیز است دنیایی شاد را تصور کنیم که در آن کیم جونگ ایل در شرایط خانواده‌ای نرمال پرورش می‌یافت و به فیلمسازی درخشان و وسواسی تبدیل می‌شد.
۴. با وجود این و در همان حال، کیم جونگ ایل دقت داشت تا در مورد رفقای چریک قدیمی پدرش هم که مشاغل بالایی در دولت داشتند چاپلوسی به خرج دهد. او با دادن هدایا و افتخاراتی به آن‌ها توانست حمایت (یا لاقول، رضایت) محافظان قدیمی را تضمین کند.
۵. این نشان هرگز بر لباس‌های بیرونی مانند اورکت نصب نمی‌شود، بلکه روی لباس‌های زیرین الصاق می‌شود.
۶. سه انقلاب عبارت است از: انقلاب فرهنگی، فنی و ایدئولوژیکی.
۷. موفق‌ترین فردی که از این جنبش سه انقلاب بیرون آمد و به جایگاهی بالا دست یافت، جانگ سونگ تائک بود.
۸. به گفته منبعی، کیم ایل سونگ تلاش می‌کرد کاری انجام دهد، درحالی‌که کیم جونگ ایل در مسیری مخالف می‌رفت. یکی از این موارد این بود: «منشأ بسیاری از بدکارکردی‌ها در کره شمالی کجاست».
۹. ویرایش فرهنگ اصطلاحات سیاسی کره شمالی در سال ۱۹۷۰ جانشینی موروثی را چنین تعریف کرده است: «سنت ارتجاعی بهره‌برداری از جوامع ... که به عنوان ابزاری برای دائمی ساختن حاکمیت دیکتاتوری از سوی اشراف فئودال پذیرفته می‌شود». در ویرایش ۱۹۷۲ این خط حذف شده است.
۱۰. تصادفی نبود که کیم جونگ ایل، اوجی‌دی را پر از کسانانی کرد که تجربه حضور در سه انقلاب را داشتند. جنبش سه انقلاب می‌تواند پیشگام اوجی‌دی تلقی شود، به این معنا که از آن برای مصادره قدرت مستقر و انتقال آن به کیم جونگ ایل استفاده شد.
۱۱. ژنرال ری یونگ هو پیش از تسویه شدن در سال ۲۰۱۲ چنین فردی بود. از سال ۲۰۰۳ تا

۲۰۰۹ او فرماندهی دفاعی پیونگ یانگ را اداره می کرد، بدین معنا که او می دانست تونل ها و خانه های امن رهبر کشور کجاست و در مواقع وقوع کودتا یا حمله چگونه مورد استفاده قرار می گیرند. اگر ژنرال ری و تانک به دنبال مرگ کیم جونگ ایل از توان کافی برای ترکیب و ادغام نیروها برخوردار بودند، شانسی قوی برای به زیر کشیدن سیستم داشتند.

۱۲. این درحقیقت اتفاق می افتد، اما به آرامی به بوته فراموشی سپرده می شود.

۱۳. گرفتن دو شست انگشت به طرف بالا یا «thumbs-up») در کره شمالی می تواند به مثابه ارجاع به رهبر این کشور تلقی شود.

۱۴. وقتی میل نیومان، تاجر بازنشسته امریکایی و از داوطلبان سابق جنگ کره، در سال ۲۰۱۳ در کره شمالی دستگیر شد، بسیاری خواهان دانستن این مسئله بودند که آیا کره شمالی به مرکز قلبی که نیومان به آن نیاز دارد دسترسی دارد یا خیر. مرکز درمانی بونگوا خدمات موردنیاز را به او ارائه داد.

۱۵. کیم ایل سونگ فردی زن باره و هوس باز بود که تعداد بی شماری فرزند نامشروع داشت. کیم جونگ ایل البته گزینشی تر عمل می کرد و ظاهراً از کی پوم چوها بیشتر برای ارضای نیازهای زیبایی شناختی اش استفاده می کرد. او به آن ها در مورد نحوه رقصشان، اینکه چه عطری باید بزنند و غیره توصیه هایی می کرد. از لحاظ سلیقه و اعتماد به نفس بالایش در ارائه این توضیحات، برخی منابع کیم جونگ ایل را نسخه ای کاریکاتوری از فریژر کرین^۱ می دانند. کیم جونگ اون در این مورد بیشتر «مرد خانواده» تلقی می شود و زمینی برای بازی به او داده نمی شود.

۱۶. بارها بیان شده است که برخی از مهم ترین مناقشات اقتصادی بر سر کنترل فروش زغال سنگ (که جانگ متهم به فروش ارزان آن ها برای ثروتمند شدن خود شده بود) و حلزون بوده است. آنچه در پس داستان زغال سنگ پنهان مانده، تجارت نادر خاک است که منبعی مهم (و البته روزافزون) از درآمد چین است.

۱۷. این حقیقت که جانگ سونگ تانک و تمام خویشان خونی و نزدیکش اعدام شدند می تواند مدافع این ادعا باشد که او باید کاری خاص و خارق العاده برای تهدید نظم موجود انجام داده باشد؛ معمولاً آن هایی که تسویه می شوند در حبس خانگی قرار می گیرند و به حومه شهرها یا نقاط دور افتاده فرستاده می شوند؛ اما این خشونت شوکه کننده ای که در مورد جانگ و خانواده اش به کار گرفته شد، شاید بازتاب ترس رقبایش باشد، شاید آن ها می خواستند تمام رد او را از میان بردارند و اطمینان یابند هیچ کس از خانواده او باقی نمانده است تا بعدها دست به انتقام بزند. در میان کشته شدگان شامل کودکان هم بودند.

۱۸. منبع اصلی اطلاعات در مورد جانگ، او را «آدمی به غایت خوب» توصیف می‌کند که وقتی وضعیت امور در کشورش را می‌دید گاهی زیر گریه می‌زد.

۱۹. این شاید به مصرف الکل - که چند دهه است به آن مبتلاست - و ناامیدی و سرخوردگی از سوی او مربوط باشد. از لحاظ مادی، او زندگی مرفه و عالی داشت؛ اما از نظر جسمی چنین نبود. وقتی جوان بود مادرش درگذشت و نامادری اش با او بدرفتاری می‌کرد. دخترش هم به دلیل خودکشی جان خود را از دست داد.

۲۰. برای اولین بار رسانه‌های کره شمالی در مارس ۲۰۱۴ و طی انتخابات پارلمانی نام کیم یو جونگ را مطرح کردند (انتخابات در این کشور فرایندی به شدت تشریفاتی و نمادین است که حرف دی را اول نام کره شمالی می‌گذارد تا نام این کشور را به جمهوری دموکراتیک خلق کره شمالی^۲ تغییر دهد؛ اما انتخابات در این کشور فقط یک نامزد دارد و مردم ملزم هستند که فقط به او رأی دهند).

۲۱. مسلماً این فرضی مهم است. خانواده کیم هم ثابت کرده که همچون سایر بخش‌های دولت، طی سال‌ها جناحی عمل کرده است. این هم با توجه به تعداد خواهران و برادران ناتنی پیرامون او چندان تعجبی ندارد.

فصل چهارم

جرم و مجازات در کره شمالی

معروف است که کره‌شمالی اردوگاه‌هایی^۱ را مدیریت می‌کند که به‌لحاظ قساوت تنها با قرن بیستم قابل مقایسه است. نظام کیفری کره‌شمالی به‌گونه‌ای طراحی شده و به اجرا درمی‌آید تا هزینه چالش‌تراشی برای رژیم را بی‌نهایت بالا ببرد. پیامد غیرمستقیم این چالش گسترده این است که بحث از حفظ نظم در سیستم کره‌شمالی را به شیوه‌ای توصیفی و شفاف برای هر ناظری دشوار می‌سازد. انکار وجود این اردوگاه‌ها، شکنجه‌ها و سوءاستفاده‌ها از سوی کره‌شمالی مسئله را پیچیده‌تر می‌کند. برای کنار هم گذاشتن قطعاتی از اینکه سیستم کیفری کره‌شمالی چگونه کار می‌کند، فرد به ناگزیر باید به شواهدی از سوی فراریان (ازجمله زندانیان سابق و زندانبانان سابق)، (۱) سخنان محرمانه و خصوصی برخی مقامات کره شمالی آن‌قدر شجاع که این‌ها را با خارجی‌ها به بحث بگذارند متکی باشد. کسی نمی‌تواند این اردوگاه‌ها را ببیند (مگر از فاصله‌ای دور و از طریق گوگل ارث) و کسی هم بی‌تردید نمی‌تواند به آمار قابل اعتماد در مورد این اردوگاه‌ها دسترسی داشته باشد.

اغلب گفته می‌شود دویست هزار نفر از مردم کره‌شمالی در این اردوگاه‌ها اسکان دارند. با این حال، بسیار بعید است این آمار شامل آن‌هایی شود که در نهادهای معمولی‌تر - به خاطر جرائمی که در همه دنیا وجود دارد مانند دزدی، قتل و غیره - زندانی‌اند. تخمین‌های منطقی‌تر نشان می‌دهد حدود ۷۰ هزار نفر به خاطر جرائم متعارف زندانی‌اند و حدود ۸۰ تا ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی هم هستند. با وجود این، تمام بزرگسالان کره‌شمالی از این اردوگاه‌ها مطلع‌اند و با این حال نمی‌دانند در درون آن‌ها چه می‌گذرد. مردم از این اردوگاه‌ها می‌ترسند؛ بنابراین در مورد نقش این اردوگاه‌ها در حفظ کنترل هم نمی‌توان اغراق کرد.

1. prison camps

جرم غیرسیاسی

چنان که در بالا اشاره شد، کره شمالی دارای جرائم «معمولی» است. در هر جامعه‌ای، جوانانی هستند که در دام اعتیاد به مواد مخدر یا بزه‌های کوچک می‌افتند؛ کسانی هستند که مرتکب تقلب می‌شوند؛ کسانی هستند که معشوقه‌هایشان را به جرم شور و عشق و اشتیاق می‌کشند؛ کسانی هستند که شعارهایی روی دیوارها می‌نویسند. در کره شمالی، مرتکبان چنین اقداماتی سروکارشان با سیستم جزایی است که فوق‌العاده خشن است، اما با معیارهای کشوری فقیر و غیردموکراتیک چندان هم استثنا نیست. حوادث مرتبط با جرائم استاندارد^۲ مانند سرقت، از قحطی دهه ۹۰ به این سو، به حد انفجار رسیده و هم‌راستا با ظهور فساد و افول کلی اعتماد اجتماعی به پیش رفته است؛ برای مثال سرقت دوچرخه آن قدر زیاد شده است که ساکنان آپارتمان‌ها دوچرخه‌های خود را شب هنگام به داخل می‌برند. افزون بر این، مصرف‌گرایی و کیفیت ضعیف کالاها جدید موجب شده تا سرقت گوشی موبایل نیز رونق بگیرد.

اگر به کسی ظن سرقت تلفن همراه برود، باید در برابر وزارت امنیت خلق^۳ حاضر شود. این وزارتخانه حدود ۲۰۰ هزار نیرو دارد و اساساً به عنوان نیروی پلیس کره شمالی عمل می‌کند و پاسگاه‌های پلیس را در هر شهر، ناحیه و روستایی اداره می‌کند. این وزارتخانه طیفی گسترده از مسئولیت‌ها را دارد. از حفظ نظم عمومی، کاهش ناآرامی‌ها، تحقیق و بررسی جرائم، بررسی کارت‌های شناسایی و نظام ثبت‌نام منطقه‌ای^۴ که مردم را به مناطق محل زادگاهشان پیوند می‌دهد (و آن‌ها را به خارج از پیونگیانگ می‌فرستد)، تا حفظ نظم و مدیریت جاده‌ها، راه‌ها و اداره زندان‌ها. این وزارتخانه همچنین مسئولیت توزیع غذا را هم دارد و چنان که می‌دانیم، این نقشی است که از نیمه دهه ۹۰ به این سو (۲) تا

2. standard crimes

3. Ministry of People's Security (MPS)

4. regional registration system

حدزیادی غیرقابل اجرا مانده است. تا زمان اعدام جانگ سونگ تائک در سال ۲۰۱۳، این وزارتخانه محل استقرار و پاتوق جانگ بود و سپس درگیر روابطی رقابتی با سایر شاخه‌های دولت شد.

شاید آن‌گونه که تصور می‌رود کسی از افسران وزارت امنیت خلق ترسی به دل راه نمی‌دهد. یک فیلم ویدئویی وجود دارد که مخفیانه گرفته شده و به خارج از کره شمالی قاچاق شده است و به دست سازمان رسانه‌ای آسیاپرس (۳) افتاده است. این فیلم زنی میان‌سال را نشان می‌دهد که دائم در حال قسم خوردن است و انگشت خود را به صورت افسر پلیس نشانه رفته است. این در واقع رویدادی غیرمعمول در جامعه سن‌محور مانند کره شمالی نیست. همچنین در این ویدئو شهروندان دیگر نشان داده می‌شوند که پا پیش گزارده و طرف آجوما را می‌گیرند. افسر پلیس در نهایت از جر و بحث کردن با او کوتاه می‌آید و راه خود را پیش می‌گیرد و می‌رود. چنین رویدادهایی استثنا نیستند و به‌طور کلی می‌توان گفت خارج از پیونگیانگ شهروندان معمولی ترس چندانی از افسران پلیس معمولی به دل راه نمی‌دهند. این به خاطر محیط اجتماعی دوران پساقحطی است که در آن رشوه به هنجار تبدیل شده است و رژیم دیگر اشتیاق و توانمندی لازم برای وضع و تحمیل نظم سفت و سخت‌تر در جایی خارج از پیونگیانگ را ندارد، مگر جایی که تهدیدات سیاسی اقتضا کند.

دلیلی که یک زن از دست پلیس خشمگین می‌شود هم مهم است. پلیس از وی تقاضای رشوه می‌کند. فساد در کل جامعه نفوذ کرده و پخش شده است و افزون بر این، وزارت امنیت خلق بخش بسیار بزرگی از یک دولت بسیار فقیر و درمانده است؛ بنابراین رشوه نه فقط راهی برای مقامات وزارت امنیت خلق برای کسب درآمدهای مضاعف، بلکه راهی است برای کل این سازمان برای تداوم بقا. مشکل برای بسیاری از جرائم قابل حل است، فقط فرد باید اندکی پول داشته باشد. بسته به ثروت فرد مظنون و شدت آن جرم، رشوه هم می‌تواند فرق داشته

باشد؛ جرمی کوچک شاید با رشوه‌ای به اندازه یک پاکت سیگار حل شود، اما جرمی بزرگ ممکن است صدها دلار آب بخورد؛ برای مثال سوداگرانی که با موبایل‌های چینی گرفتار شوند، هزینه‌شان بالاتر می‌رود و احتمالاً باید بیشترین رشوه را بدهند. قحطی نیمه دهه ۹۰ قرارداد اجتماعی میان دولت و شهروندان را گسست و جمعیتی میلیونی از مردم را ایجاد کرد که هر کاری برای بقایشان انجام می‌دادند. این امر انگیزه دزدی را فراهم آورد و اکنون فرهنگ رشوه‌دهی فرصتی برای فرار از آن [فقر و در نتیجه دزدی] را بدست می‌دهد.

افزون بر این، وزارتخانه امنیت خلق در موارد نسبتاً جزئی میانجی‌گری هم می‌کند؛ برای مثال جوانی که روی دیواری شعارنویسی می‌کند، ممکن است از سوی صاحب آن دیوار گرفتار شود. در اینجا ممکن است نماینده وزارت امنیت خلق مداخله و با دادن هشدار قاطع به آن جوان یا نوجوان او را رها کند. عضو جوان خانواده ممکن است درگیر رفتاری ضداجتماعی شده باشد که موجب شرمساری والدینش باشد؛ بنابراین محتمل است پدرش او را به گونه‌ای اصلاح کند که دیگر از خط بیرون نزند و به جاده خاکی نرود، اما وقتی فردی جرمی جدی‌تر مرتکب می‌شود یا در برابر افسری متعصب قرار می‌گیرد که هیچ احساسی از نرم بودن یا نرم‌خویی ندارد چه؟ در چنین وضعیتی، فرد ممکن است دادگاهی شود. همچون کشورهای دیگر، سطوحی مختلف از دادگاه در کره شمالی وجود دارد. در پایین‌ترین سطح، فرد ممکن است از سوی دادگاه خلق^۱ محاکمه شود که رئیس آن پیر معتمد روستا یا شهر است؛ سپس دادگاه‌های استانی^۲ است و در نهایت دادگاه ملی مرکزی^۳. رویه‌های رسمی برای نامزدی قضایی وجود دارد، اما در عمل قضات از سوی اوجی‌دی نامزد می‌شوند (البته اگر نگوییم که رسماً از سوی اوجی‌دی انتخاب می‌شوند).

1. people's court

2. provincial courts

3. national Central Court

دادگاه‌ها و محاکم رینگ و لعابی از انصاف و عدالت دارند. هم وکیل و هم مدعی العموم وجود دارد که هریک در برابر قاضی کار خود را انجام می‌دهند. قاضی گاهی متهم را بی‌گناه تشخیص می‌دهد؛ این شاید به خاطر رشوه باشد یا شاید ریشه در این باور داشته باشد که پلیس و مدعی العموم فرد را اشتباهی گرفته‌اند و حتی در جایی که محکومیتی وجود داشته باشد، درخواست استیناف هم میسر است. کره شمالی کشوری بسیار بوروکراتیک است و رگه‌هایی قوی از رویه‌های رسمی در آن وجود دارد (اگرچه مهم‌ترین تصمیمات کاملاً این رویه‌ها را دور می‌زند) و در این روند، پروسه طولانی دادخواهی و استیناف وجود دارد که ممکن است در مواقعی نادر به شکل موفقیت‌آمیزی مورد استفاده قرار گیرد. (۴)

زندان‌های متعارف

پنج نوع مکان در کره شمالی وجود دارد که می‌توان افراد را در آنجا نگه داشت. اولین مکان از سوی وزارت امنیت خلق اداره می‌شود و اصطلاحاً زندان‌های غیرسیاسی‌اند. این اولین مکان کوریوجانگ (۵) یا پاسگاه پلیس نام دارد که مضمونان پس از دستگیری به آنجا منتقل می‌شوند و مورد بازجویی قرار می‌گیرند. دومین مکان نوعی بازداشتگاه^۱ یا مکان نگهداری است که جی پیو سو^۲ نامیده می‌شود. فرد ممکن است در آنجا نگه داشته شود درحالی‌که تحقیق از او در حال انجام است یا پیش از اینکه حکم او قطعی شود؛ برای مثال آن‌هایی که به‌طور غیرقانونی وارد چین می‌شوند، پیش از اینکه به اجبار از این کشور به کشور خود برگشت داده شوند، معمولاً در جی پیو سو نگه داشته می‌شوند درحالی‌که هم‌زمان وزارت امنیت خلق تصمیم می‌گیرد با آن‌ها چه کند. اعضای وزارت امنیت خلق معتقدند گذر از مرز جرمی سیاسی است - شاید فردی در تماس و ارتباط با

1. remand
2. jipgyulso

میسوژن‌های مسیحی یا کره جنوبی است یا اینکه تمایل دارد به کره جنوبی برود - بنابراین، آن فرد به دایره امنیت دولتی سپرده می‌شود. آن‌هایی که گمان می‌رود فقط به خاطر تجارت یا کار به چین رفته‌اند، احتمالاً به سطح دیگری از نهادهای^۳ وزارت امنیت خلق فرستاده می‌شوند تا حکمشان از چند ماه تا یک سال به اجرا درآید.

آن نهاد نامش رودونگ تین یون دی^۴ است، مرکز آموزش کار. در اینجا کسانی که از مرز عبور می‌کنند درگیر جرائم نسبتاً سطح پایین می‌شوند مانند؛ دزدی‌های کوچک و قاچاق مواد مخدر. آن دسته که دارای سونگبون (۶) خوبی هستند [دارای جایگاه اجتماعی‌اند] و هنگام استفاده از موبایل‌های چینی گرفتار می‌شوند، احتمالاً به این نهاد فرستاده می‌شوند. به خاطر دغدغه دولت برای ترویج بهداشت اجتماعی،^۵ آن‌ها با زنانی ارتباط می‌گیرند که جرئت پوشیدن شلوارهای نازک و بدن‌نما را دارند یا مردانی که جرئت می‌کنند موی خود را بلند کنند. برخی منابع می‌گویند زندانیان «نیمی از وقت خود را به کار اجباری می‌گذرانند و نیمی دیگر را به دریافت آموزش‌های تبلیغی». تمایل دولت همانا شست‌وشوی مغزی دوباره این‌ها پیش از بازگرداندن آن‌ها به جامعه است. نظم و انضباط در رودونگ تین یون دی سفت و سخت است و خشونت هم رایج. با این حال، امنیت چندان بالا نیست و فرار هم گاه‌گاهی رخ می‌دهد.

آن‌هایی که به جرائم جدی‌تر متهم و محکوم می‌شوند سر و کارشان با جیواسو^۶ می‌افتد، جایی برای «بهبود و اصلاح از طریق آموزش» که فرد محکوم برای گذراندن دوران مشخص چندساله محکومیت به آنجا فرستاده می‌شود. جیواسو نیز نهادی غیرسیاسی است که از سوی وزارت امنیت خلق اداره می‌شود، اما درحقیقت بسیاری در آنجا نگاه داشته می‌شوند به خاطر آنچه در بسیاری از

3. institution

4. rodong danryondae

5. social hygiene

6. gyohwaso

کشورهای دیگر جرائم سیاسی تلقی می‌شود، برای مثال فردی که به خرید و فروش و یا تجارت دی.وی.دی‌های خارجی می‌پردازد، ممکن است به جیواسو فرستاده شود آن هم به خاطر این حقیقت اقلامی که می‌فروشد به تضعیف کنترل دولت بر فرایند اطلاعات و اطلاع‌رسانی کمک می‌کند. زندگی در جیواسو فوق‌العاده سخت است. شواهدی از زندانیان سابق زندان شماره ۱۲ جیواسو - در جونغوری^۱ در شمال استان هام‌گیونگ (نزدیک مرز چین) - نشان می‌دهد جیره غذایی در آنجا آن‌قدر ناچیز است که حتی کمتر از سطح بقا و معیشت است، به گونه‌ای که زندانیان مجبور می‌شوند هر حشره یا جونده‌ای را که می‌جنبد برای سیر کردن خود شکار کنند و بخورند. از دست دادن وزن حدود ۳۰ کیلوگرم برای مردان محبوس در جیواسو امری متداول است. برای بسیاری، آنجا آخر خط است و اسیر مرگ می‌شوند. زندان شماره ۱۲ جیواسو - که حدود ۳ تا ۴ هزار زندانی را در خود دارد (از جمله یک هزار زن) - در این مورد استثنایی را بر نمی‌تابد. در عین حال، زندانیان جیواسو باید کارهای سخت و اجباری را هم تحمل کنند. مردان زندان شماره ۱۲ به اردوگاه معدن مس فرستاده می‌شوند که شاید ۱۴ ساعت در روز کار می‌کنند. تجهیزات ایمنی وجود ندارد و از این رو، مرگ و آسیب‌های شدید بسیار متداول است. همچنین در آن محل کارخانه مبل‌سازی هست که سوانح و حوادث بسیار مکرر در آن رخ می‌دهد. زندانیان ۵ ساعت در شبانه‌روز می‌خوابند؛ بنابراین ترکیب خستگی و تجهیزات از رده خارج موجب می‌شود هرچند روز یک‌بار، یک نفر بمیرد. تنها تسلی برای زندانی‌های جیواسو همانا احتمال رهایی و آزادی اتفاقی‌شان است. برخلاف زندانیانی که در بندهای سیاسی‌اند، آن‌هایی که در جیواسو دوران محکومیت را سپری می‌کنند احکام ثابت و مشخص دارند و پس از گذراندن این دوران حقوق شهروندی‌شان دوباره به آن‌ها عودت داده می‌شود (هرچند به شکلی بسیار اندک)؛ حتی کسب عفو یا

1. Jonggori

آزادی زود هنگام با نوشتن نامه‌ای به قائد اعظم و درخواست بخشش میسر است. این نامه‌ها وارد کانال اوجی دی می‌شود و گاهی، فرد خوشبخت آزادی خود را به این شکل بدست می‌آورد. این اقدام هم ظاهراً از طریق برگه‌های خاصی از سوی مریبان تبلیغاتی^۲ در اردوگاه انجام می‌گیرد. (۷) کامل شدن دوران محکومیت زمانی تسریع می‌شود که خویشان فرد پولی به صورت رشوه بدهند یا نفوذی سیاسی داشته باشند.

زندانی سیاسی: فرق آن چیست؟

در تمام سطوح سیستم وزارت امنیت خلق، قساوت و بی‌رحمی امری شایع است. جیره‌هایی که کفاف بقا را نمی‌دهد، شکنجه و ضرب‌وشتم همگی اقداماتی استاندارد و معمول‌اند. اعدام علنی کسانی که بکوشند از جیواسو فرار کنند امری عادی تلقی می‌شود و ابزاری است مؤثر برای دلسرد کردن دیگران از تلاش برای فرار. بازجویان کوریوجانگ^۳ وقتی بخواهند از مظنونی اعتراف بگیرند هر کاری بتوانند و دوست داشته باشند انجام می‌دهند و هیچ محدودیتی ندارند و نگهبانان زندان هم وقتی می‌خواهند انضباط را پیاده کنند از همان مصونیت برخوردارند و سادیسیم خود را آشکار می‌سازند. می‌توان گفت کشورهای دیگری هم هستند که شرایط زندان سخت و خشن را به اجرا درمی‌آورند. تفاوت کره شمالی با آن کشورها در سیستم زندان‌های سیاسی‌اش است. زندان سیاسی یا گوالیسو^۴ شبیه به جیواسو است که در آن نهادی برای کار اجباری است و مشخصه‌اش قساوت است؛ اما این سیستم، آن خشونت را به حداعلا می‌رساند (چنان‌که خواهیم دید). افزون بر این، زندانیان گوالیسو شهروند نیستند^۵ و هیچ امیدی هم به آزادی ندارند. (۸)

شاید مهم‌تر از همه، زندانی شدن به دلایل سیاسی نه تنها فقط شامل خود فرد

2. propaganda instructor
3. Kuryujang
4. gwalliso
5. non-citizens

نمی‌شود، بلکه کل خانواده‌اش را هم دربر می‌گیرد. اصلی که یان جاچه^۱ یا جرم با مشارکت^۲ نامیده می‌شود؛ بدین معناست که سه نسل از یک خانواده را به خاطر جرم یک نفر به گوالیسو می‌فرستند. طبیعتاً، این امر به صورت بازدارندگی بزرگ در برابر به چالش طلبیدن رژیم عمل می‌کند؛ مثلاً اگر فردی اعلامیه‌های بی‌نام و نشان پخش کند که مشتمل بر انتقاد از خاندان کیم باشد، ممکن است فرزند یا فرزندان^۳ش، برادران و خواهران مجردش و والدینش همگی به اتفاق به گوالیسو فرستاده شوند؛ اما یک استثنا هم هست، اگر همسرش بلافاصله از او طلاق بگیرد ممکن است بخشیده شود؛ البته خواهران متأهل آن فرد نیز همراه او زندانی نمی‌شوند [و این دومین استثنا است]، زیرا مفهوم سنتی کره‌ای خانواده پدرسالارانه است و وقتی زن ازدواج می‌کند؛ یعنی از خانواده خود جدا شده است. در اینجا، یک بار دیگر می‌توانیم روحیهٔ فئودالی کره‌شمالی را ببینیم. ایدهٔ سه نسل اصولاً کمونیستی نیست، بلکه ریشه در گذشتهٔ پادشاهی کره دارد. در دوران سلسله چوسان، مردانی که در امتحانات ملی سخت قبول می‌شدند وارد خدمات دولتی می‌شدند و برای سه نسل به آن‌ها زمین داده می‌شد. به این ترتیب، فرزندان و نوادگان مجرمان و مخالفان سیاسی مورد تبعیض دولت قرار می‌گیرند. (۹)

سیستم زندان برای فعالیت‌های سیاسی کاملاً متفاوت و مجزا از سیستم کیفری است که از سوی وزارت امنیت خلق اداره می‌شود. سازمان دیگری به نام دایره امنیت دولت^۳ مسئول اداره آن است. این سازمان کوچک‌تر از وزارت امنیت خلق است و حدود ۵۰ هزار نیرو را در استخدام دارد. دایره امنیت دولت که به‌منزلهٔ پلیس مخفی کره‌شمالی است، فعالیت نظارت، رصد - از جمله رصد شبکه موبایل کوریولینک^۴ و مقامات کره‌شمالی مستقر در آن سوی آب‌ها - و بازجویی از مظنونان سیاسی را انجام می‌دهد. این زندان‌های سیاسی کاملاً در

1. yeonjwaje
 2. guilt by association
 3. State Security Department (SSD)
 4. Koryolink

حیطه اختیار و مسئولیت این‌هاست و درحقیقت خارج از حوزه سیستم حقوقی و دادگاه‌ها قرار دارد. دو سازمان وزارت امنیت خلق و دایره امنیت دولت در بالاترین سطوح خصم یکدیگرند. معمولاً وقتی یکی جایش روی چشم است، دیگری از چشم می‌افتد. (۱۰) جانگ سونگ تائک پیش از اعدامش، سال‌ها وزارت امنیت خلق را رهبری می‌کرد و یک گروه رقیب را در برابر گروه اصلی او جی‌دی علم کرد که دایره امنیت دولت هم زیرمجموعه آن بود. (۱۱) مقامات دایره امنیت دولت، جانگ را فردی اندکی نرم‌خو^۵ معرفی می‌کردند که مایل است تا جایی که سیستم اجازه می‌دهد رویکردی نرم در برابر تجاوزکاران اتخاذ کند. با این حال، تصور این است که وزارت امنیت خلق مظنونان سیاسی را به دایره امنیت دولت واگذار می‌کند. یک منبع ادعا می‌کند وزارت امنیت خلق در دوره رهبری جانگ (به احتمال زیاد در ازای رشوه) گاهی بی‌خیال مردم می‌شد و اجازه می‌داد آن‌ها به راه خود بروند و آزادانه بگردند. طبیعتاً بسیار دشوار است که این ادعاها را اثبات و تأیید کنیم؛ اما دو داستان در مورد جانگ - اینکه او به عنوان مقام ارشد کره شمالی نسبتاً مهربان‌تر و با مروت‌تر بود و دیگر اینکه در برابر جذبه پول بسیار آسیب‌پذیر بود - این ماجرا را منطقی‌تر می‌سازد.

چگونه دایره امنیت دولت افراد را دستگیر می‌کند.

تمام مردم کره شمالی بخشی از واحدهایی‌اند که به جایگاه اجتماعی‌شان در زندگی مرتبط است. واحدهای شغلی، واحدهای اتحادیه جوانان، واحدهای کشاورزی و غیره. این مردم همچنین اعضای واحدهای همسایه^۶ یا این مین بان^۷ هستند (تحت‌اللفظی یعنی گروه مردم^۸) که متشکل از ۲۰ تا ۴۰ خانواده است و در بخشی از یک بلوک آپارتمانی یا همسایگی زندگی می‌کنند. رهبر آن

5. a little soft

6. neighborhood units

7. inminban

8. people's group

معمولاً بانویی میان سال با سونگبان^۱ خوب است. او کسی است که مقامات وی را قابل اعتماد می‌دانند. این مین بان ظاهراً برای انتقال ایدئولوژی دولتی به مردم طی دیدارهای هفته‌ای یک یا دو بار (مانند چونگ‌هوا^۲ یا جلسات خودانتقادی) و نیز برای اینکه مسیری باشد که از طریق آن مردم در پروژه‌های کاری شریک شوند بکار می‌رود، مانند تمیز کردن خیابان‌ها، زیبا کردن مناطق عمومی، جمع کردن غذا برای ارتش و غیره. تمام این واحدها از جمله این مین بان کارکرد دیگری هم دارند: جاسوسی. در درون این مین بان دست کم یک خبرچین دایره امنیت دولت و یک خبرچین وزارت امنیت خلق وجود دارد. خبرچین دایره امنیت دولت معمولاً سونگبان سطح پایین است یا ضعف‌های دیگری دارد که مقامات دایره امنیت دولت می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. برخی از این خبرچینان با پرداخت پول به خدمت گرفته می‌شوند، اما بیشتر این‌ها خودشان قربانیانی‌اند که مجبور به همکاری‌اند. نمایندگان دایره امنیت دولت آن‌ها را می‌ربایند، به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و آن‌ها را مجبور به اعتراف به جرائمشان می‌کنند؛ این افراد در ازای تبدیل شدن به خبرچین می‌توانند عفو شوند.

این مین بان اهمیت زیادی پیش از قحطی داشت. گفته شده است که رهبرانش هم همه چیز را در مورد افراد می‌دانستند؛ حتی می‌دانستند چند قاشق چپستیک^۳ [چوبک غذاخوری] در خانه‌تان دارید. آن‌ها همچنین از توانایی ورود به هر خانه‌ای که اراده کنند برخوردارند و کلید زاپاس درهای اندرونی همسایگان را هم دارند. رشد رشوه در دوران پساقحطی، توانایی روزافزون مردم برای رفتن به اطراف کشور برای تجارت و افول باور به دولت توانایی و تمایل مخبران این مین بان را تضعیف کرد و باعث شد همسایگانشان دچار مشکل

1. songbun
2. chonghwa
3. chopsticks

شوند. صرف نظر از این، تهدید همچنان هست و می تواند بی نهایت خطرناک باشد. اگر کسی از شما خبرچینی کند - خواه از سوی این مین بان باشد، خواه واحد کاری یا هر جای دیگر - دایره امنیت دولت ممکن است تصمیم به بازجویی و تحقیق از شما بگیرد.

به گفتهٔ یک منبع که تماسی فردی با یک عضو بازنشسته دایره امنیت دولت داشت، مقامات دیدارهای هفتگی برگزار می کنند و تصمیم می گیرند براساس گزارش های دریافتی چه کسی را مورد پیگرد و تعقیب قرار دهند. هرچه تهدید برای حکومت خاندان کیم بزرگتر باشد، شانس اقدام آینده هم بیشتر می شود. گاهی، سهمیه ها اقدام را هم ضروری می سازد. اگر دایره امنیت دولت از بالا به خاطر انحراف از کار مورد نقد قرار گیرد یا رهبری دستور سرکوب صادر کند، در این صورت خطر دستگیری بالا می رود. اگر کسی از شما خبرچینی کند و به نقل از شما بگوید: «کیم جونگ اون جوان تر از آن است که بتواند کشور را اداره کند» یا «مادر کیم جونگ اون در ژاپن متولد شده است و پدرش هم برای وزارت جنگ ژاپن کار می کرد»، مقامات دایره امنیت دولت پیشینه شما را بررسی خواهند کرد. اگر سونگبان شما خوب باشد، در سوابق شما اظهاراتی مشابه دیده نشود، یا پستی مهم داشته باشید این اطلاعات از سوی دایره امنیت دولت در پرونده شما ضبط و حتی در پرونده مخفی شما در فایل های اوجی دی هم گذاشته می شود. اگر بقیه زندگی سیاسی تان بدون حادثه سپری شود، احتمالاً هرگز نخواهید دانست دایره امنیت دولت از شما تحقیق کرده است. شاید ۵ سال بعد، اگر یکی از بهترین دوستانتان تصمیم بگیرد که به کره جنوبی پناهنده شود، دایره امنیت دولت می تواند پرونده های شکایت از شما را بگشاید و از آن علیه شما استفاده کند، صرف نظر از اینکه اتهامات درست باشد یا غلط. اگر دایره امنیت دولت شما را دستگیر کند، زندگی تان برای همیشه تغییر خواهد کرد. شما در دادگاه نمایشی مختصر اعتراف می کنید و در این صورت به زندان سیاسی فرستاده می شوید که

احتمالاً هرگز بازگشتی از آن در کار نخواهد بود. مهم‌ترین سؤال باقی مانده این است که آیا خانواده شما به شما ملحق خواهند شد یا خیر. این تصمیم هم از سوی دایره امنیت دولت اتخاذ می‌شود؛ هیچ فرایند درست، شفاف، یا قانونی وجود ندارد.

مرحله عدم بازگشت

عوامل دایره امنیت دولت به راحتی می‌توانند در منزل شما حضور یابند و شما - و اگر بخواهند خانواده‌تان - را با خود برای بازجویی ببرند. یک منبع می‌گوید آن‌ها تمام متعلقات و هست و نیست شما را با خود می‌برند و آن‌ها را در جایی نگه می‌دارند (عجیب این است که این متعلقات دست نخورده باقی می‌ماند و در هنگام آزادی به شما پس داده می‌شود). گاهی اوقات از افراد خواسته می‌شود در ساعت و زمان مشخص خود را معرفی و تسلیم کنند. افراد مطمئن‌اند که اگر چنین نکنند و طفره بروند، اوضاع بدتر خواهد شد. غیر از برانگیختن ترس، درخواست از شما برای تسلیم خودتان نفعی مضاعف و ترسناک هم برای دایره امنیت دولت دارد. اگر شما پیش از معرفی خود یا دستگیری‌تان مرتکب خودکشی شوید، موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های مادی و تلاش‌های دایره امنیت دولت برای برخورد با خودتان خواهید شد. مراکز بازجویی دایره امنیت دولت معمولاً به شکل مستطیل سازماندهی می‌شوند و دو ردیف سلول در طرفین آن قرار دارد که با یک راهرو جدا می‌شود و در آخر راهرو هم اتاق بازجویی قرار دارد. زندانیان براساس جنسیت جدا می‌شوند و احتمالاً در هر سلول ۵ نفر نگه داشته می‌شوند. سهمیه غذایی در این مراکز فقط در حد زنده ماندن است. بسیاری می‌گویند در طول دوران بازجویی نه تنها اجازه شست‌وشو و استحمام داده نمی‌شود، بلکه گاهی اجازه دریافت نور خورشید هم داده نمی‌شود (سلول‌های زیرزمینی رایج است). یکی از روش‌های معمول شکنجه این است که فرد مجبور می‌شود در

وضعیتی خاص ساعت‌ها بنشینند بدون اینکه ذره‌ای به خود تکان دهد یا حتی صدایی تولید کند؛ ناتوانی در رعایت این اصول سفت و سخت، موجب ضرب و شتم شدید می‌شود.

خشونت و تهدید به خشونت بخش‌های مهم هرگونه جلسهٔ بازجویی است؛ برای مثال ممکن است به اتاق بازجویی تاریک و نموری برده شوید که در آن عامل دایره امنیت دولت روبه‌روی شما می‌نشینند و شروع به پرسیدن سؤال می‌کند. اگرچه شما او را نمی‌بینید، از حضور دو نفر در پشت سر خود آگاهید؛ یکی سمت چپ و دیگری سمت راست. اگر پاسخ شما به پرسش اقناع‌کننده باشد، بازجویی در دسر سراغ سؤال بعدی می‌رود، اما اگر او گمان دروغ به پاسخ شما ببرد، علامتی به یکی از آن مردانی که پشت سرتان ایستاده می‌دهد. او سپس از پشت سر با چوب شما را می‌زند. سؤال آن قدر تکرار شده و کتک آن قدر زده می‌شود تا پاسخ دلخواه داده شود. گاهی، زندانیان آن قدر شدید مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند که از شدت صدمات وارده می‌میرند. خانواده فرد در گذشته هیچ حقی برای شکایت از این مسئله ندارد (شاید حتی به آن خانواده اطلاع داده نشود که عزیزشان ربوده / کشته شده است). زندانی که تا سر حد مرگ کتک زده شده است، شاید به خانه فرستاده شود. نگرش غالب ظاهراً این است که بهتر آنست در جای دیگر بمیرند؛ اگر زنده بمانند یا ممکن است به قدر کافی مجازات شوند و یا به زندان محکوم شوند.

هدف از بازجویی شکستن متهم است و سپس اعزام او به دادگاه، که این دادگاه هم دقیقاً محل استماعی است که از سوی نیروهای دایره امنیت دولت اداره می‌شود. فهرستی از اتهامات قرائت و درنهایت متهم به زندان یا اردوگاه فرستاده می‌شود. اگر فرد متهم شناخته شود، به جایی که باید منتقل می‌شود و مورد بازجویی قرار می‌گیرد.

بازجویی آن قدر استرس‌آور است که در زمان محاکمه، زندانی ترجیح می‌دهد

که زمان به سرعت سپری شود و حکم برایش به اجرا درآید. پس از اینکه اتهام زندانی اعلام شد، به زندان یا اردوگاه سیاسی مرتبط فرستاده می‌شود. بالقوه، او ممکن است به دست سیستم وزارت امنیت خلق بیفتد و به عنوان فرد در بند وارد جیواسو شود. این شاید برای وی شانس تلقی شود. ظاهراً هیچ رویه یا منطقی در پس این تصمیمات نیست؛ تا جایی که به دایره امنیت دولت مربوط است، همه چیز دلخواهانه است. با این حال، زندانی ممکن است دادخواستی علیه حکم خود ارائه دهد یا درخواست عفو نماید. این گمانه وجود دارد که یکی از دلایلی که جانگ سونگ تائک به دادگاه ویژه نظامی معرفی شد این بود که به لحاظ رویه‌ای، این دادگاه هیچ حقی برای تجدیدنظر پس از اتهام ارائه نمی‌دهد. دشمنان جانگ می‌خواستند او هرچه زودتر از صفحه روزگار محو شود.

زندان‌های سیاسی

سیستم زندان‌های سیاسی^۱ در کره شمالی به اواخر دهه ۵۰ باز می‌گردد، زمانی که کیم ایل سونگ با الهام از استالین شروع به توقیف رقبای سیاسی کرد. در مجموع بیش از ۱۰ گوالیسو وجود داشت، اما بگیر و ببندها بدین معناست که امروز چهار تا از آن ۱۰ گوالیسوها (تا جایی که ما می‌دانیم) عملیاتی‌اند. نباید از این حقیقت چیزی استنباط کنیم: از طرفی، شاید به این معنا باشد که کمتر کسی به این زندان‌ها فرستاده می‌شود؛ از طرف دیگر، اعدام‌ها و مرگ‌ها به دلیل گرسنگی احتمالاً موجب نیاز کمتر به این زندان‌ها یا اردوگاه‌ها شده است. بی‌تردید، به‌طور منطقی می‌تواند گفته شود جمعیت کل زندان‌های سیاسی در سال‌های اخیر کاهش داشته است. با این حال، دریافت اطلاعات دقیق در مورد این اردوگاه‌ها - به‌ویژه اطلاعات آماری اش - و ارزیابی آن‌ها بسیار دشوار است. بزرگ‌ترین اردوگا - یودوک (گوالیسوی شماره ۱۵) - از اردوگاه‌های دیگر متمایز است و به

1. political prison camp system

دو بخش مجزا تقسیم می‌شود. اولین بخش منطقه انقلابی^۲ نام دارد و برای مردمی است که رژیم آن‌ها را به طور بالقوه قابل رهنمیدن می‌داند. آن‌هایی که آنجا فرستاده می‌شوند شایسته آزادی نهایی هستند، البته اگر آن‌ها بتوانند از شرایط اردوگاه یا زندان زنده بیرون آیند. آن‌ها در معرض تبلیغات و شست‌وشوی مغزی‌اند، مانند آن‌هایی که در سیستم وزارت امنیت خلق هستند. فرزندان زندانیان هم به مدرسه دسترسی دارند. زندانیان منطقه انقلابی یا خویشان دیگر زندانیان سیاسی‌اند یا آن‌هایی هستند که به خاطر اتهاماتی مانند رجوع به رادیوی کره جنوبی یا انتقاد از سیاست‌های دولت به آنجا فرستاده می‌شوند.

زندانیان دیگر در منطقه کنترل کامل^۳ هستند و شایسته‌رهایی هم نیستند. زندانیان منطقه کنترل کامل دیگر شهروندان کره شمالی تلقی نمی‌شوند و حتی امتیاز دوگانه در معرض تبلیغات قرار گرفتن هم به آن‌ها داده نمی‌شود. (۱۲) به آن‌ها هیچ اجازه‌ای برای ارتباط با دنیای خارج داده نمی‌شود و علناً به آن‌ها گفته می‌شود فقط شایسته مرگ‌اند؛ اما به خاطر محبت دولت به آن‌ها اجازه داده می‌شود به‌عنوان کارگران زندان روز را ببینند. سه اردوگاه یا زندان دیگر کاملاً از سوی منطقه کنترل کامل اداره می‌شود. فرد چه کاری باید کرده باشد که این‌گونه با او رفتار شود؟ غیر از جرمی که به فرد دیگری مربوط است که دولت از او واقعاً متنفر و عصبانی است، جرائم و اتهامات دیگری وجود دارد که احتمالاً موجب مجازات می‌شود. اولین مورد از این جرائم، مخدوش کردن مجسمه‌ها و تصاویر یادبود خاندان کیم است که به‌منزله طغیان بالقوه علیه رژیم تلقی می‌شود. همچنین در مورد توزیع ادبیات و جزوات ضد کیم است. اگرچه کیم جونگ ایل شخصاً دوست نداشت خدا^۴ پنداشته شود، هرگز باور صادقانه کسی را درباره خود نشنید و می‌دانست کل سیستم به الوهیت‌سازی از او وابسته است.

2. Revolutionizing Zone

3. Total Control Zone (TCZ)

4. god

طبیعتاً، زندان‌های منطقه کنترل کامل شامل افراد بسیاری بود، متهم به اینکه بخشی از جناح ضد کیم هستند. بسیاری از این‌ها کسانی‌اند که در زدوخوردها و رقابت‌های جناحی گرفتار می‌شوند؛ مثلاً اعضای خط قدیمی جانگ سونگ تائک. ضرورتاً مهم نیست که آیا فردی به‌راستی در حال توطئه علیه رژیم است یا خیر؛ مهم‌تر این حقیقت است که مورد آن‌ها دیگران را حتی از فکر کردن در آن رابطه بازدارد. گروه دیگری از جرائم، اقتصادی است، مثل ربودن منابع از دولت. رژیم این دزدی را اقدامی سیاسی می‌نگرد. دزدیدن منابع دولتی از زمان قحطی به این سو به‌شدت متداول‌شده و از خالی کردن شرکت‌های دولتی از لوله‌های مس گرفته تا فروش عمده زغال‌سنگ از معادن کره‌شمالی به چین. فراگیری گسترده مورد اول و انگیزه‌های مالی ایجادشده از سوی مورد دوم، تعقیب و پیگرد را در این موارد دشوار ساخته است، اما برای کسانی که مجرم شناخته شوند، مجازات بسیار شدید خواهد بود.

۳۰ تا ۴۰ زندانی در یک اتاق می‌خوابند، آن‌هم در فضایی کثیف به مساحت حدود ۵۰ مترمربع. اینجا هم سهمیه غذایی در حد زنده ماندن است (حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم حریره ذرت، سه‌بار در روز (۱۳)) و قطع غذا به‌منابۀ ابزاری برای مطیع ساختن آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش‌های شکنجه مانند غرق مصنوعی در آب و موقعیت استرس‌زا^۱ مجازات‌هایی معمول هستند، چنان‌که ضرب و شتم‌ها برای تخطی‌های سبک با مجازات شدید مواجه می‌شود. تجاوز و سوء استفاده جنسی از سوی نیروهای امنیتی ظاهراً ممنوع است، اما این به معنای رخ ندادن آن نیست. در هر صورت، قربانیان هیچ منبعی برای شکایت ندارند. آن‌ها که مظنون به دزدی یا تلاش برای فرارند، ممکن است در برابر چشمان دیگر زندانیان اعدام شوند. وقتی زندانی از

۱. pigeon stress position: که به آن موقعیت تسلیم هم گفته می‌شود. در این وضعیت جسم انسان را در وضعیت پرتش و پرفشار قرار می‌دهد و وزن زیادی را بر قسمت خاصی از بدن تحمیل می‌کند، مثلاً نشستن طولانی‌مدت به حالت کلاغ بر یا ایستادن طولانی‌مدت روی یک پا یا اسکوات رفتن به تعداد زیاد.

هیچ حقوقی برخوردار نباشد، این می‌شود که بخشش زندانیان گوالیسو در دست زندانبان قرار می‌گیرد. برخی نگهبانان گوالیسو گاهی حس‌ترحم برای زندانیانشان می‌یابند، اما برای به حداقل رساندن این حس، عوامل دایره امنیت دولت - به‌گفته‌ی یک منبع - به‌عمد بیماران روانی را برمی‌گزینند. طی آموزش نیروهای حفاظتی [گارد]، این نیروهای تازه‌نفس ترغیب می‌شوند که در اردوگاه زندانیان و از میان آن‌ها قربانیانی را به صورت رندوم و به میل خود انتخاب کنند و مورد ضرب و شتم قرار دهند. افزون بر این، مدیران برخی از این زندان‌ها اغلب مقامات دایره امنیت دولت‌اند که به‌نوعی دچار ناکامی شده‌اند (۱۴) و برای تنبیه‌شان آن‌ها را برای اداره‌ی زندان‌های گوالیسو می‌فرستند؛ این موضوع فرهنگی تلخ را نشان می‌دهد که از بالا به پایین را به مجازات و تنبیه می‌کشند.

تبعید

با وجود این حقیقت که زندانیان گوالیسو بیشتر اوقات بیداری خود را در کارهای معدنی، کار در کارخانه‌ها و مزارع زندان سپری می‌کنند، آن‌هم در ازای قوتی در حد نمردن و شرایط زیستی دهشتناک. کره‌شمالی ظاهراً حفظ این سیستم را بسیار پرهزینه می‌بیند. در نتیجه، روش قدیمی کره‌ای برخورد با دشمنان در حال بازگشت است. اگرچه کره‌شمالی مدت‌های مدید مجرمان سیاسی را به جاهای دورافتاده تبعید می‌کرد، تکرار چنین مجازاتی امروزه روندی صعودی گرفته است. این سیستم بسیار ابتدایی و بدوی است. دشمنان دولت به کوه‌ها برده می‌شوند و بدون هیچ آب و غذایی به حال خود رها می‌شوند. انتظار این است که آن‌ها همان‌جا بمیرند. با این حال، نویسندگان این کتاب هیچ شهادی دال بر این قضیه نیافته‌اند. احتمالاً کسانی که بتوانند به پایین کوه برسند و وارد شهر یا روستایی شوند، در صورتی که گرفتار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد؛ زیرا اجازه حضور در آنجا را ندارند. کره‌شمالی همچنین دارای چندین جزیره غیرقابل

سکونت است و گفته می‌شود گاهی برای مجازات، افراد به این جزایر دورافتاده و غیرقابل سکونت تبعید می‌شوند. گاهی ممکن است به مقامات عالی‌رتبه امتیازاتی مازاد بر دیگران داده شود، مثل قفسی طلایی.^۱ ری یونگ هو، که روزگاری چهره نظامی قدرتمند بود و فرماندهی دفاعی پیونگ‌یانگ^۲ را برعهده داشت، به دنبال روی کار آمدن کیم جونگ اون کنار زده شد. رسانه‌های دولتی بازنشستگی او را به دلیل بیماری اعلام کردند و او را به عنوان یکی از خادمان بزرگ کشور مورد تمجید و تجلیل قرار دادند. به او منزلی اشرافی در حومه شهر داده شد، اما خانه‌ای که او نمی‌توانست از آن خارج شود. با دور کردن او از شبکه قدیمی رفقاییش و از مرکز قدرت در پیونگ‌یانگ، نفوذ او اکنون محدود است. اگرچه همچنان از ری طی بازنشستگی‌اش به عنوان قهرمانی ملی یاد می‌شود (به‌جای اینکه مجازات شده یا به جای دوردستی فرستاده شود)، رژیم می‌تواند قدرت او را با محبوس نگه داشتنش در خانه خنثی کند.

1. golden cage

2. Pyongyang Defense Command

پی‌نوشت‌های فصل چهارم

۱. برای مطالعهٔ مجموعه کامل و به روز شده از چنین شواهدی به گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد جمهوری دموکراتیک خلق کره شمالی بنگرید که در فوریه ۲۰۱۴ منتشر شد.
۲. با این حال، یک منبع ادعا کرده است که جانگ سونگ تانگ به عنوان وزیر امنیت خلق پیش از مرگش در حال تمرکز بر تلاش‌هایی برای احیای تولید غذایی بود.
۳. آسیا پرس ناشر مجله ریمجینگ - گنگ است.
۴. با این حال، این امر می‌تواند به تنبیهات سخت‌تر هم منجر بشود.
۵. اگرچه می‌توان به امکانات بازجویی دایره امنیت دولت هم با عنوان کوریوجانگ اشاره کرد.
۶. سونگبون بسیار مهم است. داشتن جایگاه اجتماعی خوب می‌تواند حکمی سبک برای متهم به دنبال آورد. داستان‌هایی از افرادی با جایگاه اجتماعی عالی وجود دارد که به خاطر ارتکاب جرم با پرداخت مبالغی رها شدند، درحالی‌که افراد معمولی اعدام شدند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: به فصل هفتم).
۷. عجیب است که کیم جونگ اون برای زندانی که چنین نامه‌ای می‌نویسد یک ساعت مچی طلائی می‌فرستد، اما همچنان آن‌ها را در حبس نگاه می‌دارد.
۸. زندانیان در یودوک^۳ که کمپ ۱۵ هم نام دارد و در منطقه انقلابی^۴ نگه داشته می‌شوند، استثنا هستند. اگر زنده بمانند، ممکن است در نهایت آزاد شوند.
۹. با وجود تحقیر عصر چوسان به عنوان عصری فنودالی و عقب مانده، کره شمالی به‌راستی از واژه چوسان برای ارجاع به کره استفاده می‌کند. همچون سلسله چوسان، رژیم کنونی هم با پادشاهی تفاوتی ندارد.
۱۰. کنترل امنیت و نظم مرز چین - کره شمالی کانون دیرپای مناقشه میان این دو سازمان بوده است. این مرز هم‌اکنون در دست دایره امنیت دولت است و در دوران کیم جونگ اون با شدت بیشتری مورد نظارت قرار می‌گیرد. رشوه دادن برای عبور از مرز یا پریدن به آن سوی مرز اکنون بسیار دشوارتر شده است.
۱۱. با این حال، به نظر می‌رسد پس از مرگ ری جی گانگ در سال ۲۰۱۰، دایره امنیت دولت موقتاً زیر نفوذ دایره اداری جانگ قرار گرفت. دایره اداری بخشی از اوجی دی بود، اما از آن مجزا بود و در سال ۲۰۰۷ از سوی کیم جونگ ایل به‌منزلهٔ ابزاری برای کنترل قدرت اوجی دی به جانگ واگذار شد. اکنون که جانگ دیگر نیست، می‌توان تصور کرد همه چیز در حال

3. Yodok

4. Revolutionizing Zone

بازگشت به سوی اوجی دی است.

۱۲. شین دونگ هیوک از قسمت «فرار از اردوگاه ۱۴» می‌گوید که در شرایط زندان منطقه کنترل کامل متولد شده، پرورش یافته و بزرگ شده است. او می‌گوید تا قبل از آزادی از این زندان هیچ تصویری نداشت که کیم جونگ ایل یا کیم ایل سونگ کیستند.

۱۳. با این حال، به شکلی ترازیک، درست است که زندانیان گوالیسو بهتر از برخی شهروندان معمولی کره شمالی تغذیه می‌شوند.

۱۴. یک عامل دایره امنیت دولت که عملکرد بدی در مأموریت‌های خارجی برای نظارت بر فعالیت‌های تجاری دیپلمات‌های کره شمالی داشته است. پست بین‌المللی مانند این پستی بسیار جذاب تلقی خواهد شد، زیرا هم مشتمل بر سفر است و هم فرصت‌های پول‌سازی. انتقال به داخل کشور و مدیریت یک زندان - با این پیامد که به آن‌ها هرگز شغلی شرافتمند داده نخواهد شد - موجب تلخ‌کامی خواهد شد.

فصل پنجم

پوشش، هد و گرایشات

در یکی از دیالوگ‌های سریال تلویزیونی ۵ قسمتی که اکنون (لااقل از بعد بین‌المللی) بسیار مضحک به نظر می‌رسد و برای اولین بار هم در تلویزیون مرکزی کره^۱ در سال ۲۰۰۴ پخش شد، گفته می‌شد: «بیا موهای خودمان را به سبک و سیاق سوسیالیستی کوتاه کنیم.» این نمایش جر و بحث‌های الکی به راه انداختن دال بر اینکه چرا موی بلند از عملکرد فکری کاسته است و بنابراین از مردانی نام برد و شرمسارشان کرد که جرئت کرده بودند موهای خود را تا گوششان بلند کنند. به این ترتیب، کسانی که سبک پوشش نامتعارفی در کره شمالی داشتند محکوم به تنبیه یا شرمساری عمومی بودند. برای مثال، شلووارهای جین - که بیش از هر پوشش دیگری نمایانگر امریکایی شدن است - ممنوع است؛ بنابراین کسانی که پوششی این‌گونه دارند به زندان (اردوگاه کار) رودونگ تین یون دی فرستاده می‌شوند.

هم برای مردان و هم برای زنان، مدل‌های رسمی مو وجود دارد که باید از میان آن‌ها دست به انتخاب بزنند. همچنین پوشش باید محافظه‌کارانه باشد؛ زنانی که فرار کرده‌اند اغلب از رنگ بسیار روشن لباس‌ها و پوشش عجیبی که زنان در چین و کره جنوبی دارند ابراز تعجب می‌کنند. امروز با توجه به گسترش رسانه‌ها و نگرش‌هایشان به سرمایه‌داری، بسیاری هستند که علاقه‌اندکی به دنبال کردن سبک سوسیالیستی دارند. گرایش جالبی در نوع پوشش، مو، آرایش، معیارهای زیبایی و جراحی‌های زیبایی در کره شمالی در حال بسط و توسعه است. آن‌هایی که چنین چیزهایی را بی‌اهمیت می‌شمارند باید بار دیگر بیندیشند؛ این گرایش‌ها در حال تغییر احساس مردم در مورد مقامات کره شمالی و حتی الهام‌بخش برخی برای فرار است.

جرایم مربوط به پوشش و پلیس مد

اول از همه، دولت کره شمالی دوست دارد شهروندانش چگونه باشند یا چگونه

1. Korean Central Television

به نظر برسند؟ تعداد معدودی سبک پوششی در کره شمالی وجود دارد. بسیاری از مردان، به ویژه آن‌هایی که پست و مقامی دارند، پوششی به سبک مائو بر تن دارند که پوشش مائوئی^۲ نامیده می‌شود و در زبان محلی هم به آن یانگ بوک^۳ می‌گویند. در زبان کره‌ای، یانگ بوک به صورت تحت‌اللفظی یعنی پوشش غربی و معمولاً به کت و شلوار اشاره دارد. در کره شمالی، آنچه غربی پنداشته می‌شود دارای مشخصه‌ای بیشتر شوروی‌گونه است. از این رو، کت‌هایی که دارای یقه تا شده (یقه هفت) و بلند به رنگ خاکستری، مشکی یا آبی‌اند از سوی استالین باب شد و انواعی از آن هم از سوی رئیس مائو و کیم ایل سونگ به تن می‌شد. یک دست کامل یعنی کت و شلوارش در بازارهای رسمی ۲۰ دلار فروخته می‌شود و احتمالاً در جانگ مادانگ هم با قیمت کمتری پیدا می‌شوند.



این کت و شلوارها خوب برش داده شده و از پارچه‌های چینی بریده می‌شوند که اساساً برای هدف دیگری استفاده می‌شدند. غیرمعمول نیست که کتی از نوع کت کیم جونگ اون خریداری شود، اما در داخل آن لوگوی جعلی پرادای چین یا لویی ویتون یافت شود. همچون کت‌های غربی که تاجران در همه‌جا می‌پوشند

2. Mao suits
3. yangbok

و مَهْر غربی روی آن‌ها خورده است، یانگ بوک‌های کره‌شمالی هم اتیکت خاص خود را دارند. زیریقه‌های سفید به صورت مجزا فروخته می‌شود و طوری طراحی شده است تا یقه روی آن قرار بگیرد، به شکلی که چند میلی‌متر از آن دور گردن و بالاتر از یقه دیده شود. از نظر آن‌هایی که در جامعه سنتی‌ترند، کسانی که این امر را رعایت نکنند، گناهی اجتماعی مرتکب می‌شوند؛ حتی برای کسانی که یانگ بوک بر تن نمی‌کنند، ضروری است که پوشش محافظه‌کارتر و نامحسوس‌تری^۱ داشته باشند. این صرفاً مسئله‌ای مرتبط با متحدالشکلی کمونیستی نیست. ضرب‌المثل «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو^۲» اصطلاحی است که نگرش‌های سنتی کره به نبود یکنواختی را در شمال و جنوب منطقه غیرنظامی خلاصه می‌کند. درحالی‌که کره جنوبی امروز به سرعت در حال تغییر است و می‌توان پوشش‌هایی با یقه‌های روشن را در همه جا دید، اما این محدود جنوبی‌هایی‌اند که به‌راستی وضع موجود در زمینه مد یا به‌طور کلی زندگی را برهم می‌زنند. بسیاری از جوانان کره جنوبی امروز از سازگاری مداوم جامعه کره شکایت می‌کنند. (۱) در دور کردن عمدی مردم کره‌شمالی از آلترناتیوها و تشبیه مدل‌های خودستایانه (برخلاف کره جنوبی در عصر پسادیکتاتوری)، مقامات کره‌شمالی فقط بر این جهت‌گیری تاریخی سازگارانۀ افزوده‌اند.

عملاً، این به معنای پوشش‌های آبی و مشکی فراوان است و برای زنان، بی‌تردید یعنی پوشیدن به شیوه‌ای غیرتحریک‌آمیز. هانبوک^۳‌های سنتی کره، که برجستگی‌های زنانه را پنهان می‌سازد، به خاطر اصالت کره‌ای و حُجبی که در آن مستتر است محبوبیت زیادی در میان مقامات کره‌شمالی دارد؛ انتظار این است که زنان در تعطیلات ملی و دیگر موارد خاص هانبوک بر تن کنند. در عوض، دامن‌های کوتاه در کنار کفش‌های پاشنه‌بلند، لباس‌هایی که پایین آن برش خورده

1. inconspicuous

2. monan doli jeong majneunda ("the pointed stone meets with the chisel")

3. hanbok

و کوتاه شده است و هر نوع پوشش تنگ و چسبان مورد مخالفت قرار می‌گیرد. درحقیقت، لباس‌های روشن یا سبکی به‌منزلهٔ شکلی از مخالفت از سوی حکومت تعبیر و تفسیر می‌شود. براساس گزارش‌های برخی فراریان، حتی گوشواره‌های میخی هم تا سال ۲۰۱۰ ممنوع بود.



شکلی واقعی از پلیس مُد^۴ - که از سوی وزارتخانه امنیت خلق و دانشجویان متعصبِ اتحادیه جوانان سوسیالیستِ کیم ایل سونگ اجرایی شد - در کره‌شمالی وجود دارد و به دنبال اطمینان یافتن از این است که شهروندان با نوع پوشش خویش به مخالفت نپردازند یا مرتکب جرائم مرتبط با پوشش نشوند. یکی از نگرانی‌های پلیس مد در مورد موی سر است. مردان با هر نوع موی بلند (حتی به اندازه‌ای که روی گوش‌هایشان را بپوشاند) می‌توانند مجازات شوند. اگر جرمشان واقعاً سنگین باشد ممکن است به اردوگاه‌های کار فرستاده شوند؛ متخلفانی که جرم کمتری مرتکب می‌شوند، مجبور به حضور در جلسات خودانتقادی می‌شوند یا دست‌کم مجبور می‌شوند مویشان را کوتاه کنند. (۲) طیف گسترده‌تری از سبک‌های موردپذیرش برای زنان وجود دارد؛ فر^۵ و بافت^۶ مو هر دو رایج است. رنگ کردن مو هم غیرقابل‌پذیرش است. برخی موی خود را با رنگ قهوه‌ای رنگ می‌کنند و ادعا می‌کنند رنگ

4. fashion police

5. perming

6. braiding

طبیعی مویشان است، اما هر چیزی که رنگ شود آشکارا می‌تواند به زندانی چندماهه در رودونگ تین یون دی بینجامد.

دنیای جدید شجاعانه

امروزه بسیاری پیدا می‌شوند که قانون شکنند. در مورد تغییرات اجتماعی گسترده در کره شمالی، قحطی نیمه دهه ۹۰ را می‌توان نقطه عطف دانست. فروپاشی سیستم توزیع عمومی مردم را وابسته‌تر و آن‌ها را برای نادیده گرفتن قواعد دولتی آماده‌تر کرد. یک منبع می‌گوید شهر زادگاهش از لحاظ سبک پوششی در سال ۱۹۹۸ متفاوت^۱ شد. افزون بر این، تغییر مجدد واحد پول در سال ۲۰۰۹ این تغییر را سرعت بخشید و این بر بیگانگی مردم از قواعد و مقررات دولتی افزود. مرگ کیم جونگ ایل در سال ۲۰۱۱ هم تأثیری چشمگیر داشت. کت سبز رنگ جامبای^۲ کیم - که به بخش جدایی‌ناپذیری از وجود او (و موضوع مضحکه فراوان بین‌المللی) تبدیل شده بود - محبوبیت داشت، به‌ویژه در میان مردانی که می‌خواستند حسی از قدرتمند بودن را به طرف مقابل القا کنند. با این حال، امروز این کت قدیمی و منسوخ پنداشته می‌شود. سبک پوشش جانشین او یعنی کیم جونگ اون نیز از مدافتاده تلقی می‌شود، اما او هم دلایل دیگری برای پوشیدن یانگ بوک دارد؛ (۳) این پوشش، مردم را به یاد پدر بزرگش می‌اندازد. کت سبزرنگ جامبا که همواره بر تن کیم جونگ ایل دیده می‌شد، گویی به جزئی جدایی‌ناپذیر از وجود کیم پدر تبدیل شده بود.

ری سول جو، همسر کیم جونگ اون، هم به نوعی مُد دوست^۳ است. سبک پوششی او هم خاص زنان جدید و ثروتمند پیونگیانگی است که با این حال به شکلی افراطی هم نمایش داده نمی‌شود. جالب اینکه او گاهی سنجاق سینه‌ای به

1. diverse
2. jamba
3. trend-setter

جای نشان کیم ایل سونگ بر سینه نصب می‌کند که در رویدادهای رسمی امری متداول و استاندارد است. او همچنین کت و شلوار بر تن کرده و کفش‌های پاشنه‌بلند می‌پوشید که تا همین اواخر لا قیدی و لا ابالی‌گری^۴ تلقی می‌شد، اما اکنون نماد خصلت زنانگی است. از آنجا که خانم ری هم بانوی اول است و هم محبوب مردم، بنابراین در حال باب کردن معیار جدیدی از پوشش برای زنان جوان است.

گروه مورانبونگ^۵، گروهی که ظاهراً از سوی شخص کیم جونگ اون پایه‌گذاری شده است، دامن‌های کوتاه می‌پوشند و رنگ این دامن‌ها هم عمدتاً سفید یا سبز روشن است تا چندان سنتی هم جلوه نکنند.

بنابراین، اگرچه قواعد موجود رنگ‌های روشن، شلوار جین، رنگ کردن موها و دامن کوتاه را ممنوع ساخته است، چنین به نظر می‌رسد که قائد اعظم شخصاً چندان اهمیتی به این مسائل نمی‌دهد. در حالی که اتحادیه جوانان سوسیالیست همچنان به این موارد اهمیت می‌دهد، چنان نیست که ارتباطات و رشوه‌ها نتواند ذهنیت آن‌ها را تغییر دهد. زنی در دهه ۲۰ عمرش - که زادگاه خود در هوریون^۶ (نزدیک مرز چین) را در اکتبر ۲۰۰۸ ترک کرده بود - می‌گفت یک‌بار که شلوار جین مشکی در خیابان بر تن کرده بود از سوی اتحادیه جوانان سوسیالیست دستگیر شد. آن‌ها او را به ناکجاآباد بردند و به مدت ۹ ساعت مداوم برای او نطق کردند، اما پس از اینکه مادرش وارد میدان شد و درخواست داد، آزاد شد. مادرش بسیاری از مقامات ارشد را می‌شناخت؛ بنابراین مسئله حل شد. بسیاری می‌گویند پرداخت پول با ارز خارجی هم می‌تواند تأثیری مشابه داشته و راهگشا باشد؛ البته کسانی هستند که نمی‌توانند از موقعیت خود

4. wantonness

۵. The Moranbong Band: این گروه که به ارکستر کوه موران نیز شناخته شده، یک گروه کامل دخترانه کره‌شمالی است که اعضایش به وسیله رهبر کشورشان، یعنی کیم جونگ اون انتخاب شده است.

6. Hoeryong

سوء استفاده کنند یا برای خروج از مشکل رشوه بدهند. در چنین مواردی، آن مدلی که قانون شکنی می کند به اردوگاه کار اجباری فرستاده می شود که دوره اش از یک یا دو ماه تا یک سال متغیر است؛ بنابراین نباید تعجبی داشته باشد که تعداد فراوانی از پوشندگان شجاع^۱ - کسانی که پوشش خاصی بر تن می کنند - از خانواده های ثروتمند یا نخبه برمی خیزند. جامعه کره شمالی جامعه ای است که با پول و ارتباطات اداره می شود؛ البته تمام انگیزه های قانون شکنی از درون بر نمی خیزد. در عصر یو.اس.بی ها و دی.وی.دی ها، بسیاری از مردمان کره شمالی مدهای جنوبی را دیده و به این نتیجه رسیده اند که مد جنوبی ها بسیار بهتر از مد خودشان است. محرک بیشتر این مد سلبریتی هائیند؛ برای مثال نمونه های جعلی از کفش هایی که کیم تائه - هی^۲، بازیگر کره جنوبی، استفاده می کرد در مغازه های پیونگ یانگ به ۱۲۰ دلار حراج شد. کیم تائه - هی نزد هواداران کره شمالی اش هالیوو نامیده می شود و به منزله نماینده پیشگام زیبایی های کره جنوبی شناخته می شود؛ بنابراین کسانی که پول دارند هرچقدر نیاز باشد خرج می کنند تا از سبک او کپی برداری کنند. وون بین^۳ بازیگر کره جنوبی، در کره شمالی محبوب است؛ بنابراین قربانیان مرد مد توجه زیادی به موها و پوشش او معطوف می دارند.

چونگجین، پایتخت مد

شهر چونگجین - که تراژدی دوران قحطی اش در اثر باربارا دمیک^۴ با عنوان چیزی برای حسادت وجود ندارد^۵ به شکلی عجیب به تصویر کشیده شد - امروز هم در حال بسط شهرتی دیگرگون است. چونگجین شهر صنعتی بزرگ است و

1. bolder dressers
 2. Kim Tae-hee
 3. Won Bin
 4. Barbara Demick
 5. Nothing to Envy

از نفوذ قدرتمند ایدئولوژیک پیونگیانگ بسیار دور است. اگرچه همچنان تحت کنترل سفت و سخت دولت است، در میان شمالی‌ها، شهر مُد است. آدم‌های متوسط در آنجا همچنان فقیرند، اما در عصر سرمایه‌داری نوظهور، اهمیت این شهر بندری به‌عنوان پایگاه تجاری در حال افزایش است. چونگجین به اولین مکان برای حضور مدل‌های خارجی تبدیل شده است؛ حتی پیونگیانگ هم در زمینه سبک و مد به پای چونگجین نمی‌رسد. این شاید تعجب‌آمیز به نظر برسد، زیرا پیونگیانگ محل استقرار پول جدید و قدرت قدیم است؛ اما امنیت در پایتخت بسیار سفت و سخت‌تر است و انطباق هم با شدت بیشتری به اجرا درمی‌آید. بدین معنا که لباس‌هایی که زن جوان پیونگیانگی تنها می‌تواند در خانه بپوشد، شاید پوشیدن آن در خیابان‌های دیگر هم قابل‌پذیرش باشد. (۴) گفته می‌شود پیونگیانگ شهر وفاداران به رژیم است. معروف است که کیم جونگ ایل یک‌بار گفته بود دولت‌ش تا زمانی می‌تواند بقا و دوام یابد که کنترل سفت و سختی بر پیونگیانگ اعمال کند. او چندان علاقه‌ای به استان‌های دیگر نداشت و این در توزیع مطلوبیت‌ها و اجرای قوانین بیشتر نمایان می‌شود.

از این رو، پیونگیانگ تنها بخشی از کشور است که دولت در آنجا کنترل کامل نظم عمومی را بدست دارد. (۵) دولت همچنان هرگونه مخالفت جدی در هر نقطه‌ای که برخیزد را سرکوب می‌کند، اما به‌طورکلی فاقد منابع و احترام است. برای اجبار مردم در استان‌ها تا از طیفی از قوانین و مقررات تبعیت کامل کنند. تصور می‌شود مقامات چونگجین، به‌طور خاص، رویکرد سست‌تری به نظم عمومی دارند. افزون بر این، چونگجین هم شهری مرزی است و هم بندری تجاری. ترکیب این مؤلفه‌ها چونگجین را به نزدیک‌ترین مکان به غرب وحشی تبدیل کرده است. تاجران چونگجین به‌طور مکرر بسته‌های ۱۰۰ کیلوگرمی لباس را با قایق از ژاپن دریافت می‌کنند. باز هم مقامات از این کار رخ درهم می‌کشند، اما نه تاحدی که مقامات محلی چونگجین در آچمز بمانند. محتویات این بسته‌ها

را کسی نمی‌داند تا زمانی که باز شوند و محض احتیاط، تمام برچسب‌هایی که مشخص‌کنندهٔ کشور مبدأ برای هر قلم باشد برداشته می‌شود. با این حال، ژاکت‌ها، شلوار جین‌ها، دامن‌ها و دیگر اقلامی که در این بسته‌ها هست، همانا اجناس دورریختنی است که مصرف‌کنندگان ژاپنی دیگر مایل به استفاده از آن‌ها نیستند. آن‌ها کیفیت بالاتر، به‌روزتر و مدتری نسبت به کالاهایی دارند که در کره‌شمالی (یا چین) ساخته می‌شوند.

برای زنان جوان چونگجین، حتی سبک ری سول جو هم چندان تأثیرگذار نیست. زن جوان فراری از این شهر اظهار می‌دارد سازوبرگ قرمز - مشکی خانم ری واقعاً چیز خاصی نیست، اگرچه این زن جوان فراری لباس سبزرنگی را که گاهی بانوی اول در محیط بیرون و همراه با کیم جونگ اون می‌پوشد مورد تمجید قرار می‌دهد.

این زن فراری ادعا می‌کند مدل موی بانوی اول جوم چون سئورو پدا^۱ نام دارد (شاید بتوان آن را «اندکی کهنه و فاقد مُد» ترجمه کرد) و او هرگز چیزی را نمی‌پوشد که زنان دیگر کره‌شمالی توان خرید آن را ندارند. با وجود این، برخی منابع پیونگیانگی خانم ری را سنت‌شکن می‌نامند؛ بنابراین تفاوت‌های میان این دو شهر را برجسته می‌کنند. کره‌شمالی همچنین پارچه خاص خود را دارد که وینیلون^۲ می‌نامد و تبلیغات دولتی چنین وانمود می‌کند که این پارچه نمونه‌ای از ابداعات و ابتکارات و خلاقیت در این کشور است. متأسفانه، وینیلون محصولی است که احساس راحتی با آن ندارید (البته نمی‌گویم جنسی بی‌خاصیت است). برای جوانان کره شمالی، تقریباً هر آنچه در این کشور تولید شده باشد نامطلوب است؛ اما محصولات ژاپن و امریکا - که به عنوان دشمنان مهم دولت کره‌شمالی تلقی می‌شوند - محصولاتی مورد استقبال مردم هستند. وقتی این

1. jom chonseuropda
2. vinylon

بسته‌های ۱۰۰ کیلوگرمی باز می‌شوند، مردم تمایل زیادی دارند که بسیاری از اقلامش را برای خود یا دوستانشان نگاه دارند؛ بنابراین وقتی لباس‌های ژاپنی از طریق چونگجین در کل کشور پخش می‌شود، محلی‌ها اولین بسته‌ها را دریافت می‌دارند، اما امروز مردم چونگجین چه می‌پوشند؟ برای کسانی که علاقه‌مند به چنین رویه‌هایی هستند، چونگجین جایی در کره شمالی است که شلواری‌های جین چسبان و بدن‌نما ابتدا در آنجا مد شد. یک فراری، که سال ۲۰۱۰ کشورش را ترک کرد، بیان می‌دارد شلواری‌های جین و هر نوع پوشش دیگری که بدن را نشان دهد ممنوع شدند، اما این فراری و بسیاری دیگر شلواری‌های جین چسبان را به این دلیل می‌پوشیدند که «پاهایشان ظریف‌تر و بهتر از آنچه می‌توان دید جلوه کند.» (۶) برای زنان جوان، جلوه کردن این چنینی تجربه‌ای جدید و رهایی‌بخش است، حتی در چونگجین شلواری‌های جین آبی خارج از مرزها رفتاری است، پذیرفته شده. جوانان فیلم‌های خارجی می‌بینند و مشاهده می‌کنند که بازیگران (زن یا مرد) مورد علاقه‌شان این شلواری‌ها را می‌پوشند، اما از آنجا که «آن‌ها بیش از حد خارجی به نظر می‌رسند» مقامات اتحادیه جوانان به احتمال زیاد استثنا قائل می‌شوند؛ بنابراین مردم تمایل دارند شلواری‌های جین مشکی بپوشند که کمتر روشن است یا کمتر دم‌پا گشاد است. برای پوشیدن شلواری‌های جین مشکی در کره شمالی، فرد باید کت بلندی بپوشد تا کار پلیس را برای شناختن آن دشوار سازد. همچنین عاقلانه است شلواری جین را شب هنگام بپوشند. با این حال، کسانی هستند که آن قدر شجاعت دارند که روز هم دست به ریسک بزنند. در پوشش تاریکی هوا، مدهای دیگری وجود دارند که رخ می‌نمایند. دامن‌های کوتاهی که با ساق شلواری‌های مشکی پوشیده می‌شوند، در چونگجین و دیگر شهرها محبوبیت دارند، به‌ویژه در میان زنان جوانی که می‌خواهند در موقع غروب دوستان خود را ملاقات کنند.

محصولات کپی برداری شده داخلی

البته همه لباس‌های مد در کره شمالی وارداتی نیستند. بسیاری هم ساخت داخل است، آن هم از سوی خیاطان و کفاشانی که به درخواست‌های بازار پاسخ می‌دهند. بیشتر آنچه تولید می‌کنند ارزان است، اما تعداد معدودی صنعتگر بسیار ماهر هم هستند که می‌توانند، کپی‌های تقریباً مشابهی از پالتوهای معروف بربری^۱ بدوزند. این محصولات در نهایت به اعضای نخبگان مالی جدید با قیمت ۳۰۰ دلار فروخته می‌شود.

مردمان کره جنوبی دوست دارند بگویند اگرچه چین عظیم‌ترین حجم از محصولات و طرح‌های تقلبی را تولید می‌کند، هیچ‌کس نمی‌تواند کپی‌های داخلی را در زمینه کیفیت شکست دهد. از این رو، توریست‌های چینی در منطقه میونگ دانگ^۲ سئول دوست دارند که کیف‌های کپی (فیک) لویی ویتون، کمربندهای کوچی و هر فقره تقلبی^۳ دیگر را بار کنند و ببرند. کره شمالی هم به نوعی همین‌طور است؛ تاجران چینی هم مکرراً از کیفیت عالی اقلام تقلبی تولیدشده در منطقه کانگسون^۴ در نامفو^۵ - شهری که در دهانه رودخانه تائه دونگ گانگ،^۵ پایین‌دست پیونگ‌یانگ - واقع شده است. ابراز شگفتی می‌کنند. کانگسون، پایتخت اجناس تقلبی در کره شمالی است. در این شهر پیراهن‌هایی براساس مدل برندهای خارجی با قیمت ۱۰ دلار دوخته می‌شود و شلواری هم که دوخته می‌شوند اندکی بیش از آن پیراهن‌ها قیمت دارد. خیاطان آنجا اقلامی از پارچه‌ها را از چین و ژاپن بدست می‌آورند و روی آن‌ها کار می‌کنند تا ببینند چگونه می‌توانند از آن کپی برداری کنند. محصول نهایی‌شان، در میان جوانان نوکیسه و دانشجویان در مؤسسات مهم

1. Burberry
 2. fake items
 3. Kangsun
 4. Nampho
 5. taedong-gang river

مانند دانشگاه کیم ایل سونگ خریدار دارد.

ظاهراً، برخی خیاطان کانگسون بنا به درخواست‌های زنان ثروتمند پیونگ‌یانگی، کپی‌هایی را از لباس‌هایی که ری سول جو می‌پوشد می‌دوزند؛ اما کل این داستان به نوعی بین‌المللی شدن هالیوو یا موج کره‌ای را نشان می‌دهد. آن‌ها پارچه‌های چینی را می‌گیرند و از آن برای کپی کردن لباس‌های طراحان مشهور کره جنوبی و حتی لباس‌های زیر در فیلم‌های کره جنوبی و امریکایی استفاده می‌کنند. اگر سریال‌های درام کره جنوبی یا فیلم‌های این کشور در کره شمالی به شکل زیرزمینی - از طریق یو.اس.بی یا دی.وی.دی - نمایش داده شوند، خیاطان می‌کوشند بفهمند چگونه لباس‌هایی را که ستارگان این فیلم‌ها می‌پوشند کپی کنند. آن‌هایی که بتوانند چنین کنند به سرعت به زندگی مرفهی می‌رسند.

این مسئله با این باور متعارف جور در نمی‌آید که بگوئیم مردم کره شمالی، جنوبی‌ها را مردمی سردمزاج تلقی می‌کنند که ارزش تقلید ندارند، اما به خاطر آشنایی‌شان با فیلم‌های تلویزیونی کره جنوبی از طریق یو.اس.بی‌ها و دی.وی.دی‌ها، اکنون مردم کره شمالی همتایان جنوبی خود را مردمی بلندقد، خوش‌سیما و با استانداردهای بسیار بهتری از زندگی نسبت به خودشان می‌بینند. برخی پُرگویان^۶ و حرّافان استدلال می‌کنند که کره شمالی هرگز نمی‌تواند اصلاح اقتصادی را تعقیب و دنبال کند، زیرا هرگونه بازگشایی، مردم این کشور را قادر خواهد کرد تا در مورد کیفیت برتر زندگی که در جنوب بخش منقطع غیرنظامی جریان دارد («بیشتر بدانند»)، اما حقیقت این است، مردم کره شمالی پیش از این، در این مورد چیزهایی می‌دانستند؛ البته بدین معنا نیست که آن‌ها خواهان سرنگونی رژیم باشند - این البته چیزی است که برای بسیاری از مردم کره شمالی رخ نخواهد داد - اما آن‌ها می‌خواهند رژیم اصلاح

شود و بازگشایی اقتصادی را دنبال کند تا همه بتوانند از کیفیت بهتر زندگی برخوردار شوند.

محصولات آرایشی، زیبایی، و درمانی

مردم کره شمالی مشتاق این هستند که بگویند در جانگ مادانگ همه چیز هست جز شاخ گربه.^۱ این اصطلاح عجیب به این معناست که تنها چیزهایی که در جانگ مادانگ نمی‌توان یافت چیزهایی است که اصلاً وجود ندارد. همان‌طور که ذکر شد، قوطی‌های کوکاکولا، فیلم‌ها و دی.وی.دی‌های کره جنوبی و امریکایی و الکل‌های خانگی در دسترس‌اند. آرایش زنان هم محبوبیت دارد. برای زنان ثروتمند، خرید در بازارهای کره شمالی یعنی سایه چشم، ریمل و هر چیزی که یک زن مدرن خواهان آن برای زیبا کردن خود است. برای زنانی که درآمد متوسطی دارند، محصولی خاص کافی است تا کارشان را راه اندازد. کرم‌های زیبایی^۲ یا بی‌بی. این کرم‌ها در آلمان ابداع و ساخته شدند، اما در کره جنوبی محبوبیت یافت. زنان کره جنوبی از دهه ۸۰ برای پوشاندن لک و پیس صورتشان و نرم و لطیف‌تر کردن آن شروع به استفاده از این کرم‌ها کردند. از آن پس، این کرم‌ها در جهان به نوعی محصول معجزه‌گر تبدیل شدند که می‌توانند تأثیری مانند یک آرایش درست [بر صورت] برجا بگذارد آن هم با هزینه و تلاشی اندک. برای زنان سخت‌کوش شهری کره شمالی که درآمد اندکی دارند، کرم‌های زیبایی نعمتی خداداد است. این کرم‌ها در حال جایگزین شدن به جای ترکیبات بیخود روغن موه‌های داخلی و پودرهایی است که زنان زیبایی‌دوست کره شمالی قبلاً مدافع آن‌ها بودند.

همچون بسیاری از محصولات دیگر جانگ مادانگ، کرم‌های زیبایی از

۱. horn one can buy anything in a jangmadang other than a cat's. اما شاید بد نباشد از ضرب‌المثل فارسی «از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» برای آن استفاده کنیم.

2. Blemish Balm cream (BB)

چین وارد می‌شوند. برخی کرم‌ها در چین ساخته می‌شوند، اما بهترین کرم‌ها در کره جنوبی تولید می‌شوند و با وجود قیمت‌های بالا، ایشان محبوبیت بسیاری دارند. کرم‌های زیبایی اکنون کالای استاندارد خانگی در پیونگ‌یانگ است و در حال تبدیل شدن به محصولی شایع و استاندارد در دیگر شهرهاست. با این حال، چنان‌که انتظار می‌رود، تعداد معدودی در حومه شهر از آن‌ها استفاده می‌کنند. برای زنان روستایی متوسط‌الحال، زندگی هنوز حول کشاورزی و تأمین و تدارک معاش برای خانواده می‌گردد؛ چنان‌که در کشورهای فقیر در اقصی نقاط دنیا چنین است. غیر از کرم‌های زیبایی، کره جنوبی به خاطر شکل دیگری از مسائل مرتبط با زیبایی هم شهرت دارد. جراحی پلاستیک با کیفیت بالا و قیمت مناسب و رقابتی یکی از صنایع در حال رشد این کشور در قرن ۲۱ است که هم مشتریان داخلی به خود جذب کرده است و هم خارجی. زنانی از چین، ژاپن و مناطق دوردست به سئول می‌آیند تا بازسازی‌های دردناک گونه، بزرگ‌سازی پستان، لیپوساکشن، جراحی ایجاد^۳ یا درشت کردن پلک و تزریق‌های بوتاکس را انجام دهند. جراحی پلاستیک اکنون پدیده‌ای زیبا ساز در میان زنان جوان کره جنوبی است. محرک این گرایش نه بیهودگی که رقابت است. کره جنوبی احتمالاً یکی از رقابتی‌ترین جوامع در دنیاست؛ مردم آنجا بر سردستاوردهای دانشگاهی، شغلی، نمادهای منزلت و ظاهر و فیزیکشان بسیار بیش از متوسط جوامع غربی (بیش از آنچه تصور می‌شود) رقابت می‌کنند. فضای رقابتی کره جنوبی فراریان شمالی را هم (که به این کشور می‌رسند) بسیار متعجب ساخته است؛ اما جنون جراحی پلاستیک اکنون در حال توسعه به سوی مناطق شمالی [منظور کره شمالی] است.

۳. double-eyelid operation: اینگونه عمل‌ها در کشورهایی مانند چین، ژاپن و دو کره بسیار متداول شده و باعث می‌شود چشم از آن حالت بادامی شکل کوچک خارج شود و حالتی درشت‌تر به خود بگیرد. این نوع جراحی باعث می‌شود فرم چشمان مردمان این نواحی شبیه به نژادهای غربی شود؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Viola Zhou (12 June 2017), why double eyelid surgery is on the rise in Asia: rising incomes and acceptance, and star power of Fan Bingbing, Angelababy, <https://www.scmp.com/lifestyle/health-beauty/article/2093921/why-double-eyelid-surgery-rise-asia-rising-incomes-and>

فیلم‌ها و تلویزیون کره جنوبی، همچون مد، محرک و نیروی پیشران درخصوص مسائل زیبایی بانوان کره‌شمالی است. بازیگران (زن و مرد) کره جنوبی به لحاظ فیزیکی جذاب تلقی می‌شوند و بخش بزرگی از دلیل این کار هم جراحی پلاستیک و بوتاکس است که بیشترشان چنین می‌کنند. با این حال، به دلیل فقدان پول و کمبود پزشکانی که بدانند چگونه چنین عمل‌هایی را انجام دهند، رویه‌ای شایع در کره‌شمالی وجود دارد: جراحی ایجاد پلک. باوری رایج در شرق آسیا وجود دارد که چشمان بزرگ با خطوط آشکار در پلک‌ها جذاب است.

برخی افراد از بدو تولد با آن زاده می‌شوند؛ اما اکثریت چنین نیستند. این به راحتی با روند ساده جراحی بلفاروپلاستی^۱ اصلاح می‌شود. این امر مستلزم جراحی سرپایی است و حدود ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. (۷) در کره شمالی، ثروتمندان این جراحی را با پرداخت پولی خوب به جراح واقعی انجام می‌دهند. با وجود این، برای بسیاری این جراحی به شکل غیرقانونی و مخفیانه انجام می‌گیرد. در چنین مواردی، هزینه این کار کمتر از ۲ دلار می‌شود و در منزل بیمار هم انجام می‌شود، بدون کمک داروی بیهوشی. بسیاری از کسانی که این عمل‌ها را انجام می‌دهند، حتی پزشک هم نیستند. درحقیقت برای هرکسی میسر است که بیاموزد چگونه چین پلک^۲ درست کند. آن‌ها که این کار را انجام می‌دهند از مزایای تمجید زبانی برخوردار می‌شوند و زندگی خوبی هم می‌سازند. در مورد انواع جراحی‌های پلاستیک، این نوع جراحی پلک هم در کره‌شمالی غیرقانونی است. با این حال، در میان زنان جوان شهری از تمام طبقات اجتماعی این جراحی آن قدر شایع شده است که مقامات نمی‌توانند در این مورد کاری کنند. اثبات اینکه کسی این جراحی را انجام داده دشوار است، زیرا کسانی هستند که

1. Blepharoplasty
2. eyelid fold

پلکشان مادرزادی بزرگ است و نیازی به این دست جراحی‌ها ندارند. کسانی هم که گرفتار می‌شوند می‌توانند دوستان و اقوامی بیابند که شهادت دهند پلک‌هایشان طبیعی است، حتی اگر اتهام هم ثابت شود، رشوه حلال مشکلات است. همچنین بسیاری از زنان هستند که ابروها یا لب‌های خود را تتو می‌کنند. چنین کارهایی هزینه‌ای کمتر از جراحی ایجاد یا درشت کردن پلک دارد. همچنین تعداد اندکی از زنان وجود دارند - عمدتاً در پیونگیانگ و از میان طبقات بسیار ثروتمند - که جراحی بینی انجام می‌دهند. ظاهراً این نوع جراحی در میان زنان جوانی متداول است که در آرزوی بازیگر شدن یا نوازندگی آلات موسیقی هستند. روند جراحی زیبایی در کره جنوبی در میان قشر پولدار شروع شد، اما با در نظر گرفتن اینکه اقتصاد کره شمالی در حال از سر گذراندن تغییرات جدی است، بسیار محتمل به نظر می‌رسد که هر دو گزینه و در دسترس بودن جراحی پلاستیک در کره شمالی در سال‌های آینده افزایش یابد.

از غیر طبیعی‌ها تا طبیعی‌ترین‌ها

نماینده‌گی بین‌المللی رسانه‌ها در کره شمالی امری بی‌مفهوم است. شهروندان کره شمالی یا پیروان کور تبلیغات دولتی نمایش داده می‌شوند یا قربانیان بی‌یار و یاور آن؛ اما این حقیقت که جوانانی در میان مردم کره شمالی هستند که مجازات‌های سخت - و نیز طرد والدین (۸) - را به جان می‌خرند تا زیبا جلوه کنند، باید خواننده را از این اشتباه یا مفهوم کاریکاتوری و ساده‌سازی شده درآورد. آن‌ها که از این دیدگاه کلیشه‌ای تبعیت می‌کنند، باید مسئله افزایش روبه‌رشد صنعت کلبه‌ای اتاق‌های ساعتی^۳ را که در تمام شهرهای کره شمالی وجود دارد در نظر بگیرند. همچون مردمان سراسر دنیا، مردمان کره شمالی هم آرزوها و تمایلاتی دارند و هیچ نوع محدودیت یا ممنوعیتی نمی‌تواند جلوی ابراز

۳. کلبه‌هایی که شامل اتاقی کوچک می‌شود و در سراسر کره شمالی به صورت ساعتی اجاره داده می‌شود.

این تمایلات را بگیرد. در کشوری که روابط جنسی پیش از ازدواج ممنوع است، حتی دست در دست داشتن دختر و پسر در انظار عموم می‌تواند منجر به بیان عباراتی موهن از سوی اوباش اتحادیه جوانان شود. با این حال، جوانانی هستند که خطر را به جان می‌خرند و واحدهایی را فقط برای داشتن روابط جنسی اجاره می‌کنند. زوج‌های جوان کره جنوبی از گزینه مُتل‌های عشاق^۱ برخوردارند که صنعتی عظیم در این کشور است، اما جوانان کره شمالی فاقد چنین گزینه‌هایی‌اند و این امر موجب بروز راه‌حل‌های مردمی در بازار آزاد شده است. در محله‌های شهرهای بزرگ، آجوماهایی - بانوان میان‌سال - هستند که آپارتمان خود را به صورت ساعتی اجاره می‌دهند. زمان مورد علاقه این آجوماها بعد از ظهرهاست؛ یعنی زمانی که فرزندان‌شان در مدرسه و همسرانشان سرکار هستند. زوج‌های عاشق در خانه او را زده و مبلغی پول به او می‌پردازند. آجوما سپس خانه را تحویل داده و آن‌ها را به مدت یک یا دو ساعت تنها می‌گذارد. آجوما مدتی را در پارکی در همان حوالی قدم می‌زند یا از آن پول برای خرید در جانگ مادانگی که در همان حوالی است استفاده می‌کند. این فرایند بسیار ساده است، اما این روشی برای سازگاری مردم با دوران پساقحطی در کره شمالی است. این کار غیرقانونی و غیررسمی است؛ اما با نیازهای اساسی بشر منطبق است و ۱۰۰ درصد کاپیتالیستی است.

1. love motels

پی‌نوشت‌های فصل پنجم

۱. برای نمونه‌ای از این بنگرید به کارتون اینترنتی هجوآمیز به نام جی‌ونگ‌داپ ساهویی^۲ («جامعه درست پاسخ») که ضرورت ورود به دانشگاه («درست») و اخذ معدود مشاغلی را که «خوب» تصور می‌شوند مسخره می‌کند، همان لباس‌های مُدی را می‌پوشد که مردم در جاهای دیگر می‌پوشند.
۲. در دورهٔ پارک چونگ‌هی، کره جنوبی نیز پلیس مُد داشت که به گردش می‌پرداخت و موی مردان را کوتاه می‌کرد؛ حتی آن‌ها خط‌کش هم داشتند تا ارتفاع موها را اندازه بگیرند.
۳. یانگ بوک کیم چونگ اون از خطوط راه‌راه سیاه تیره بافته می‌شود و ظاهراً از پارچه‌های گران‌قیمت وارد شده از سویل روی^۳ لندن بافته می‌شود.
۴. می‌توان دید که زنان در هر شهر و روستایی می‌توانند سوار دوچرخه شوند مگر در پیونگ‌یانگ. کیم چونگ ایل روزگاری دوچرخه‌سواری را ممنوع کرده بود، اما این قاعده امروز فقط در پیونگ‌یانگ اجرا می‌شود. این ممنوعیت بعدها برداشته شد، اما ناسازگاری با آن همچنان باقی است.
۵. نزدیک پیونگ سونگ - که با ماشین یک ساعت از پیونگ‌یانگ فاصله دارد - هارتلند سرمایه‌داری جدید کره شمالی واقع است. این منطقه آن‌قدر به پایتخت نزدیک است که یک خانوادهٔ طبقهٔ متوسط می‌تواند در آنجا استقرار یابد، اما آن‌قدر دور است که بتواند دور از کنترل کامل دولتی باشد. برخی تحلیلگران می‌گویند در اینجا است که برخی اشکال طغیان طبقه متوسط علیه دولت می‌توان شروع شود، البته اگر این طغیان احتمال دور از دسترس باشد. ساکنان پیونگ سونگ دلیل خاصی دارند که این روزها عصبانی باشند، شهرشان به طور رسمی روزگاری بخشی از پیونگ‌یانگ بزرگ بود، اما کنون چنین نیست؛ بنابراین روزهای بخشنندگی نسبی از سوی دولت هم به پایان رسیده است.
۶. قسمت دمپا گشاد نیز به این معناست که از چشم‌اندازی سریع، نمی‌توان به سرعت دریافت این شلوارهای جین از نوع بدن‌نما و چسبان هستند، به ویژه اگر پوشنده آن کت بلندی هم بر تن داشته باشد.
۷. البته در یوتیوب ویدئوهایی وجود دارد که گام‌به‌گام به شما می‌گوید چه کار باید انجام دهید.
۸. آن‌هایی که موهای خود را رنگ می‌کنند قانون‌شکن نیستند؛ به گفتهٔ برخی فراریان، آن‌ها از سوی پیران افرادی دیوانه خطاب می‌شوند. از آنجا که فرهنگ کره شمالی دارای سنت قدرتمند سلسله‌مراتب سِنّی است، این موضوع کوچکی نیست.

2. jeongdap sahoi

3. Savile Row

فصل ششم

ارتباطات

یکی از چشمگیرترین تغییراتی که در ۵ سال گذشته در کره‌شمالی رخ داده، ظهور تلفن‌های همراه است. از آغاز به کار شبکه اپراتور کوریولینک در سال ۲۰۰۸ به این سو، بیش از دو و نیم میلیون شهروند این کشور تلفن‌های همراه خریداری و گوشی‌های خود را رجیستر کرده‌اند. همان‌طور که موبایل در اوایل دهه ۹۰ برای کشورهای توسعه‌یافته نماد منزلت بود، در کره‌شمالی نیز هم منزلت و جایگاه و هم ابزاری فردی برای کسب‌وکار تلقی می‌شود. همچون بسیاری از کشورهای فقیر، مردم کره‌شمالی به شکلی گسترده در حال ترک تلفن‌های ثابت و رو آوردن به تلفن‌های همراه هستند. درحقیقت، این تلفن‌های همراه همچون اتاقی خصوصی است که در آن تلفن ثابت هم هست؛ این نبود مگر تا سال ۱۹۹۷ که کره‌شمالی شروع به جایگزینی تکنولوژی تلفن‌های خودکار به جای تلفن‌های قدیمی کرد. درحالی‌که مقامات عموماً در برابر تغییر مقاوم هستند، کوریولینک به راحتی مورد رصد قرار می‌گیرد همچنین منبع پول خوبی برای دولت است. جنبه شگفتی‌آور دیگری هم از این انقلاب موبایل در کره‌شمالی وجود دارد، کسانی هستند که به شبکه‌های موبایل چین وصل‌اند و امکان ارتباط و انجام دادن دادوستد و معاملات را دور از چشمان شکارگر دولت می‌یابند.

تاریخچه مختصری از تلفن‌های همراه در کره شمالی

دو شبکه اول موبایل در کره‌شمالی عمر کوتاهی داشتند. در سال ۱۹۹۸، شرکت هنگ‌کنگ کنکی لنسلوت هلدینگز^۱ و در سال ۲۰۰۲ هم شرکت تایلندی لاکسلی پاسیفیک بیلت سانت^۲ شبکه‌ای کوچک در پیونگیانگ و نامفو دایر کردند؛ این شرکت تایلندی یک سال بعد توانست ۲۰ هزار مشترک بدست آورد؛ به خاطر این حقیقت که این اشتراک محدود به نخبگان بود. ظاهراً باید آن فرد

1. Lancelot Holdings

2. Loxley Pacific Built Sunnet

معاون کمیته خلق استان یا مقامی در این حد می‌بود تا این اشتراک را بدست آورد. این سرویس هم به لحاظ جغرافیایی محدود بود و فقط در منطقه آزاد اقتصادی راجین - سونبونگ،^۳ تفرجگاه کوهستانی کومگانگ و پیونگ یانگ، در دسترس بود. با این حال، در ۲۴ می ۲۰۰۴ تلفن‌های همراه ناگهان از سوی دولت ممنوع شدند. شایعه این بود که انفجار مهیب در ریونگچون^۴، در ۲۲ آوریل بمب‌گذاری عمدی بوده و علت انفجار هم تلفن همراه بود. کیم جونگ ایل درست چند ساعت قبل از آن، از این مسیر عبور کرده بود و طبیعتاً این تئوری تقویت می‌شد که شاید برنامه ترور قرار بوده اتفاق بیفتد. تقریباً ۲ هزار خانه در همان حوالی به واسطه این انفجار نابود شدند و در اقدامی بی‌سابقه دولت دست به دامان کمک‌های خارجی برای حل و فصل این فاجعه شد. برای بسیاری از ناظران کره‌ای، زمان‌بندی این محدودیت تأییدکننده ارتباط میان تکنولوژی موبایل و انفجار ریونگچون بود. با این حال، در مورد داستان‌های تأیید نشده در خصوص کره شمالی، مهم است که جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نگذاریم.

صرف‌نظر از این، چهار سال و نیم قبل از آن بود که کیم جونگ ایل اجازه تأسیس شبکه تلفن همراه دیگری در کره شمالی را داد. در دسامبر ۲۰۰۸، شرکت مصری اوراسکام تلکام^۵ شروع به اداره کوریولینک با سرمایه‌گذاری مشترک میان خود و کره شمالی کرد؛ ۷۵ درصد سهم متعلق به این شرکت مصری بود. این بار، نتایج موفقیت‌آمیزتر بود؛ از آن آونمان اولیه کمتر از ۱۰ هزار نفر، تعداد کاربران فزونی چشمگیر یافت و در دسامبر ۲۰۱۰، دومین سالگرد بازگشایی آن، به ۴۳۲ هزار نفر، در فوریه ۲۰۱۲ به ۱ میلیون نفر و در اواخر می ۲۰۱۳ به دو میلیون نفر رسید. اکثریت سهام اوراسکام تلکام در سال ۲۰۱۰ از سوی شرکت تلکام روسی^۶ خریداری شد. کوریولینک بخشی از این معامله نبود، اما در کنار

3. Rajin-Sonbong

4. Ryongchon

5. Orascom Telecom

6 Vimpelcom

منافع لبنانی و مصری این شرکت، کوریولینک به صورت بخشی از یک شرکت جدید به نام اوتی اوتی^۱ حضور یافت. فهرست اصلی این شرکت در بورس قاهره است. آن‌هایی که با سرمایه‌گذاری در بازارهای مرزی - و نیز در مورد میزان محدودیت‌های واقعی در دادوستدهای کره شمالی در عصر تحریم‌ها کنجکاوند - شاید علاقه‌مند باشند بدانند که اوتی اوتی فهرست دومی هم در بورس لندن دارد. کره شمالی ۲۵ درصد سهم در کوریولینک دارد؛ بنابراین کسانی که سهام اوتی اوتی را می‌خرند (از لندن یا قاهره) به شرکای تجاری کیم جونگ اون تبدیل می‌شوند.

استفاده از تلفن‌های کوریولینک

این روزها می‌توان بیلبوردهای تبلیغاتی کوریولینک و تصاویر مردمی را که از موبایل در رسانه‌های دولتی استفاده می‌کنند در پیونگ‌یانگ دید. این شبکه تمام شهرها و حومه‌ها و نیز خطوط بزرگ‌راهی و ریل‌های آهن را پوشش می‌دهد و با داشتن دو و نیم میلیون مشترک، دیگر در فُرُقِ نخبگان سنتی نیست، بلکه برای طبقات در حال ظهورِ تاجر و سوداگر هم قابل دسترس است. تماس‌های بین‌المللی و دسترسی به اینترنت همچنان مسدود است - و احتمالاً تا مدت‌های مدید هم مسدود خواهد ماند - اما حداقل این است که اکنون مشاهده این مسئله که مردم کره شمالی تماس تلفنی برقرار و پیام‌های متنی ارسال می‌کنند، به امری معمول تبدیل شده است. اکثر پیونگ‌یانگی‌های میان ۲۰ تا ۵۰ سال تلفن همراه دارند و برخی حتی تلفن‌های هوشمند دارند، هرچند فقدان دسترسی به اینترنت از ارزش آن‌ها می‌کاهد. اگر کسی بخواهد اپلیکیشن‌های کره شمالی دانلود کند، باید به فروشگاه کوریولینک برود، پولی به یکی از کارکنان پردازد تا آن کارمند برنامه مدنظر را بر روی تلفن وی نصب کند؛ اما خرید و رجیستری کردن موبایل‌ها در کره شمالی چگونه است؟ همچون هر چیز دیگری در کره شمالی

1. OTMT

امروز، تنها الزام واقعی پول است. با پرداخت یک ۲۰۰ دلاری در فروشگاه‌های کوریولینک، یک گوشی خریداری می‌شود و رجیستری انجام می‌گیرد. این مبلغ هم با ارزهای خارجی قابل پرداخت است، نه وُن کره شمالی. لازم به ذکر است این نمونه دیگری از همدستی دولت در فرایند بازار و پذیرش آن است. هیچ سیستم صدور صورتحساب یا عقد قراردادی برای تماس‌های دقیقه‌ای وجود ندارد، مگر هزینه ماهانه ۳ هزار وُنی. تنها گزینه برای تماس‌های مضاعف پرداخت‌های مضاعف است؛ بنابراین وقتی مدت زمان یا اعتبار تماس ماهانه فرد به ۲۰۰ دقیقه (و ۲۰ پیام متنی) می‌رسد، باید به فروشگاه برود و اعتبار اضافی خریداری کند. این هم با ارز خارجی انجام می‌گیرد. تا اوایل ۲۰۱۳ هزینه تماس مضاعف ۲۰۰ دقیقه‌ای چیزی حدود ۸/۴۰ دلار می‌شد.

در چین کشور فقیری، این هزینه‌ها - به‌ویژه هزینه‌های تنظیمات و نصب ۲۰۰ دلاری - برای مردم خارج از پیونگیانگ فوق‌العاده گران است؛ اما این حقیقت که بیش از ۱۰ درصد از جمعیت مشترک شده‌اند بسیار مفید و آموزنده است. به دلیل فرایند بازاری شدنِ پسا قحطی، اکنون بسیاری از مردم توان خرید دارند. درحقیقت، آن‌هایی که در کره شمالی مشغول سوداگری و معامله‌گری هستند، این تلفن‌ها را نه تنها لوکس نمی‌دانند؛ بلکه آن را در امر تجارت لازم می‌شمرند. در گذشته، کسب اطلاعات در مورد قیمت‌ها در دیگر مناطق کشور دشوار بود. همین مسئله در مورد اطلاعات عرضه‌کنندگان و مشتریان بالقوه درست بود، اما اکنون، با یک تماس تلفنی یا ارسال یک پیام متنی می‌توان به راحتی به این اطلاعات دسترسی یافت. جالب اینکه، این موضوع تأثیری بجا بر قیمت کالاها در بازار خواهد داشت. تلفن‌های همراه فرصت‌هایی به اصطلاح آریبتراز^۲ در بازار را کاهش می‌دهد و معامله‌گری را کم‌سودتر می‌سازد (اما

۲. Arbitrage opportunities: کسب درآمد با خرید هم‌زمان کالایی مخصوص به پایین‌ترین قیمت بازار و فروش آن با بالاترین قیمت در بازار دیگری.

قیمت‌ها برای مشتری نهایی معقول‌تر می‌شود. (۱) بزرگترین بازنده در این فرایند طبیعتاً معامله‌گری است که تلفن همراه ندارد. برای آجوماهای معامله‌گر هم این گوشی‌ها ابزاری مهم برای بده و بستان است، اما برای جوانان، نمادی برای منزلت و جایگاه است. چیزی که به والدین برای خرید آن‌ها فشار می‌آورد؛ بنابراین شما ثروتمند و جهان‌وطنی جلوه خواهید کرد. (۲) به همین دلیل، شمالی‌هایی هستند که دارای گوشی دارند و نمی‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. (۳) منبعی بیان می‌دارد برای بسیاری، گوشی‌های موبایل یک چراغ‌قوه گران‌قیمت است. به عبارت دیگر، یک فقره‌نمایشی که تنها کاربردش استفاده از چراغ‌قوه پشت آن است. در کشوری که قطعی برق بسیار متداول است، این شاید امری قابل انتظار باشد (تقریباً به امری بسیار شایع تبدیل شده است که از گوشی‌های موبایل به عنوان چراغ‌قوه یا نوعی مشعل در هنگام تاریکی و قطع برق استفاده شود). در کره شمالی، شماره تلفن‌تان اطلاعاتی در مورد جایگاهتان می‌دهد. درحالی‌که شماره‌هایی که با ۱۹۱ یا ۱۹۳ شروع می‌شود (و بعد از آن ۷ رقم دیگر می‌آید) برای مردم معمولی است. رجیسترکننده‌های خاص (یا سرشماره‌های خاص) برای نخبگان شماره‌هایی را در نظر می‌گیرند که با ۱۹۵ شروع می‌شود. حدود ۳۰۰ هزار از این شماره‌ها هست که به کادرهای حزبی، افسران نظامی یا مقامات دولتی تعلق دارد. این شماره‌های ۱۹۵، شبکه‌ای کاملاً مجزا با کوریولینک دارند. این شبکه از سوی اوراسکام به این شرط نصب شد که اجازه اجرایی شدن در این کشور داده شود، اما برخلاف کوریولینک، مالک ۱۰۰ درصدی اوراسکام، کره شمالی است. آن معدود افراد خوش‌شانسی که از آن استفاده می‌کنند، ۱۰۰ دقیقه تماس تلفنی مضاعف و ۱۰ پیام متنی مضاعف در ماه دریافت می‌کنند. هزینه آن‌ها ۸۴۰ وُن کره می‌شود، مبلغی معادل حدود ۱۰ سنت امریکایی در بازار آزاد؛ البته هنگام نوشتن این بخش از کتاب. روشن

است این رقم سودی نیست که اوراسکام یا دولت بخواهد آن را به شهروندان عادی هم تسری دهند.

وضعیت در مرزها چگونه است؟

اگرچه کوریولینک افراد را از نظر کاری که می‌توانند انجام دهند توانمند می‌سازد و برای آن‌ها آسایشی را در سبک زندگی به ارمغان می‌آورد که ابتدا در دهه ۸۰ دنیای ثروتمند از آن برخوردار شده بود، نباید به این نتیجه برسیم که این شبکه قدرت تضعیف کنترل دولت را دارد. کوریولینک به شدت رصد می‌شود؛ برای مثال پیام‌های متنی‌اش همواره زیر ذره‌بین قرار دارد و به همین دلیل حتی می‌تواند به حفظ کنترل دولت هم کمک کند. این شبکه البته منبعی مطمئن و روزافزون از درآمدزایی برای دولت است. شرکت اوتی‌ام‌تی^۱ هرگز داده‌هایی در مورد کوریولینک منتشر نکرده است، غیر از شماره مشتریانش، اما پیش از ساماندهی دوباره این شرکت، حاشیه سود ناخالص^۲ براساس متوسط درآمد هر کاربر که تقریباً ۱۵ دلار در هر سهم بود، حدود ۸۰ درصد می‌شد. با پایگاه کاربری بیش از ۲ میلیونی رجیسترکنندگان معمولی، سهم سود به دست آمده برای دولت کمتر از ۱۰ میلیون دلار در سال است. آنچه بر این افزوده می‌شود، حاشیه فراوان به دست آمده از گوشی‌هایی است که با دو یا سه برابر ارزش واقعی‌شان فروخته می‌شوند. (۴) به گفته حسابرسان مؤسسه دیلویت،^۳ کوریولینک ۴۲۲ میلیون دلار

1. OTMT

۲. gross profit margins؛ حاشیه سود ناخالص هر شرکتی از اختلاف فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته بدست می‌آید؛ یعنی قیمت تمام شده کالا - درآمد = حاشیه سود ناخالص.

۳. Deloitte؛ یکی از چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی در جهان که به «چهار بزرگ» معروف اند. این مؤسسات عبارتند از: پرایس ووتر هاوس کوپرز، دیلویت، ارنست اند یانگ و کی‌پی‌ام‌جی. این چهار مؤسسه، بزرگترین شبکه‌های خدمات حرفه‌ای بین‌المللی در حسابداری‌اند؛ و خدماتی از جمله حسابرسی، اطمینان‌دهی، مالیات، مشاوره، ریاضیات بیمه‌سنجی (اکچوئری)، تأمین مالی شرکتی و حقوقی عرضه می‌کنند. این چهار مؤسسه اکثر قریب به اتفاق حسابرسی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌ها و همچنین بسیاری از حسابرسی‌های شرکت‌های خصوصی را انجام می‌دهند و عملاً انحصار در حسابرسی شرکت‌های بزرگ پدید آورده‌اند. برگرفته از ویکی‌پدیای فارسی. برای اطلاعات بیشتر در مورد دیلویت ر.ک.:

<https://www2.deloitte.com/us/en.html>

(ظاهراً از عملیات سوداگرانه‌اش) در کره شمالی پول به جیب زده است. اینکه چقدر از این مبلغ را قرار است اوتی‌ام‌تی از کره شمالی خارج کند نگرانی بزرگ مدیریت اوتی‌ام‌تی است. تاکنون پاسخ صفر بوده است.

این سودآوری تاکنون برای رژیم خوب بوده است؛ اما همه موبایل‌ها به‌طور رسمی با استقبال مواجه نمی‌شوند. طی ۱۵ سال گذشته، تلفن‌هایی که به شبکه‌های موبایل چین در شهرهای مرزی مانند سینویجو، هایسان و هوریونگ^۱ دسترسی دارند به تغییر وضعیت درآمدی کسانی که نزدیک این ابرقدرت در شمال زندگی می‌کنند کمک کرده است. از تلفن‌های چینی برای صحبت با اعضای خانواده که در چین و کره جنوبی زندگی می‌کنند استفاده می‌شود و نیز برای ترتیب دادن کارهای سوداگرانه و تجاری، ردوبدل کردن اطلاعات و حتی از آن‌ها برای تسهیل فرایند فرار هم استفاده می‌شود. به چین دلایلی، در کره شمالی اتصال به شبکه موبایل چین به‌شدت غیرقانونی است. یورش‌ها و برخوردهای گاه و بیگاه، مجازات‌ها و تنبیهات می‌تواند بی‌نهایت سخت باشد، اما چیزی از اعدام شنیده نشده است. مقامات هرگز نمی‌توانند به دلیل وجود انگیزه‌های مالی امیدوار به از میان رفتن چنین اقدامی باشند. سوداگران چینی گوشی‌ها را به شکل انبوه وارد این کشور می‌کنند و به‌نوعی با مقامات کره شمالی هم معامله می‌کنند، اما کسانی که به دلیل استفاده از تلفن‌های چینی گرفتار شوند، بیشتر مواقع می‌توانند با پرداخت رشوه از مجازات بگریزند.

مقامات هم به‌طور مستقیم در این کار و کاسبی دخیل‌اند. یکی از منابع ما که از فراریان بود و نزدیک مرز چین زندگی می‌کرد می‌گوید: هنگام استفاده از تلفن چینی، از سوی افسر وزارت امنیت خلق دستگیر شده و برای آزادی مجبور شد ۳ هزار یوان رشوه بپردازد. گوشی او هم مصادره شد، اما از آنجا که نمی‌توانست

1. Hoeryeong

کاسپی مرزی خود را بدون این گوشی انجام دهد، پس از مدتی نزد همان مقام رفت و با پرداخت ۱۸۰۰ یوان گوشی خود را پس گرفت. به عنوان اقدام احتیاطی در برابر دستگیری دوباره، او یک گوشی دیگر برای همان مقام وزارت امنیت خلق خرید؛ البته به قیمتی پایین‌تر تا پشتیبانی او را جلب کند.

تضعیف بیشتر کنترل دولتی - لاقابل به معنای روان‌شناختی آن - استفاده بیشتر از تلفن‌های ساخت کره جنوبی در میان کاربران شبکه‌های چینی است. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد، اما مهم‌ترین دلایل عبارتند از: محصولات کره جنوبی به خاطر آثار هالیوو یا همان موج کره‌ای، مُدتر هستند. آن‌ها کیفیت بالاتری دارند و تصور بر این است که مقبولیت بهتری داشته باشند؛ همواره فهرستی به زبان کره‌ای نیز دارند. ثروتمندان و کسانی که به دلیل نیازهای کاری‌شان نیازمند کیفیت بالای تماس‌اند، به طور روزافزونی از گوشی‌های ال جی یا سامسونگ استفاده می‌کنند. در کره دادن گوشی‌های موبایل متصل به شبکه‌های چینی هم برای برخی افراد پول وجود دارد. بیش از نیمی از تماس‌هایی که با گوشی‌های چینی با خارج از کره‌شمالی گرفته می‌شود متعلق به خود تماس‌گیرنده نیست. به چه معنا؟ به این معنا که اکثر دارندگان موبایل در ازای وجهی به دیگران اجازه می‌دهند از گوشی‌های‌شان استفاده نمایند و تماس برقرار کنند و به دوستان و اعضای خانواده خود هم اجازه می‌دهند به رایگان از این گوشی‌ها استفاده کنند. این حقیقت که مردم اطمینان بیشتری دارند که به دیگران اجازه استفاده از گوشی‌های غیرقانونی‌شان را بدهند، نشانه روشنی بدست می‌دهد دال بر اینکه آن دسته از مردم کره‌شمالی که در مناطق مرزی زندگی می‌کنند ترس کمتری از مراجع قدرت و نگرانی کمتری هم درخصوص احتمال جاسوسی از خود دارند. پیش از قحطی، حتی اعضای خانواده از یکدیگر جاسوسی می‌کردند؛ حال یا به خاطر ترس یا باوری که این کار را درست می‌انگاشت. امروز دیگر این مسئله مطرح نیست. (۵)

گفته می‌شود مردم چین برقراری تماس اقدامات احتیاطی اتخاذ می‌کنند. برای جلوگیری از ردیابی سیگنال، دارندگان تلفن همراه گوشی‌های خود را خاموش می‌کنند تا زمانی که واقعاً نیازی داشته باشند و بخواهند از آن‌ها استفاده کنند. به همین دلیل، مدت زمان تماس کوتاه می‌شود؛ مدت زمان بیش از ۵ دقیقه «طولانی» تلقی می‌شود. برخی هم وقتی پشت تلفن از برخی موضوعات حساس مانند فرار یا پناهندگی سخن به میان می‌آورند از کدهای مخفی یا از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند. برخی هم به شیوه‌های غیر معمول احتیاط به خرج می‌دهند. یک فراری (که در نوامبر ۲۰۱۰ کره شمالی را ترک کرد) می‌گفت هر بار که با گوشی غیر قانونی چینی‌اش صحبت می‌کند، مجبور است سینک ظرفشویی را پر از آب کند و در قابلمه برنج را روی سرش بگذارد تا بتواند به واسطه سر و صدای ناشی از شیر آبی که داخل سینک می‌ریزد یا در قابلمه‌ای که او را پنهان کرده سخن بگوید. دلیل این کار چه بود؟ ظاهراً باور داشتند این کار باعث می‌شود ردیابی سیگنال‌های موبایل از سوی دولت غیرممکن یا دشوار شود. این نشان می‌دهد که با وجود تغییرات اخیر، جامعه کره شمالی همچنان جامعه‌ای بسیار بسته است و در غیاب اطلاعات صحیح، تمام انواع ایده‌های عجیب و نظریه‌های توطئه به راحتی پخش می‌شود.

مسدود کردن، پرازیت فرستادن و پخش رادیویی از خارج

دولت این قابلیت را ندارد که بر روی سیگنال‌های خارجی به طور کامل پرازیت بفرستد و آن‌ها را مثلاً مسدود کند، زیرا این کار مستلزم امواج ثابت با قدرت بالاست. با وجود این، مقام‌های کره شمالی به شدت می‌کوشند کاربران را از شبکه‌های موبایل چینی سرخورده و منصرف سازند. نتیجه ارسال پرازیت تماس‌هایی است که قطع و وصل می‌شود و کاربر مجبور می‌شود برای برقراری تماس بهتر روی تپه‌ها یا جاهای بلند برود، یعنی همان جاهایی که دستگاه‌های

شناسایی سیگنال نصب شده است تا افراد را ردیابی و دستگیر کنند. به طور خاص در عصر کیم جونگ اون، عصری که در آن دولت به دنبال سفت و سخت کردن کنترل‌های امنیتی و جلوگیری از فرار است، ارسال پارازیت به منبع روزافزونی از ناراحتی برای کسانی تبدیل شده است که در مناطق مرزی هستند، اما مردم کره شمالی بیش از یک دهه است که از تلفن‌های چینی استفاده می‌کنند و حاضر به کنار گذاشتن این مهم‌ترین ابزار ارتباطی خود با دنیای خارج نیستند؛ البته کاربری که دستگیر و گرفتار می‌شود باید رشوه بدهد در غیر این صورت، یا مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد یا به دست پلیس‌های بی‌رحم و متعصب می‌افتد.

امواج رادیویی خارج از کره شمالی نیز در معرض پارازیت هستند، هرچند باز هم، کسانی که می‌خواهند به آن‌ها گوش سپارند قادر خواهند بود راهی برای گوش دادن به آن‌ها بیابند. منطقه پیرامون منطقه غیرنظامی یکی از شلوغ‌ترین مناطق در خصوص ترافیک رادیویی در جهان است. شاید جالب‌ترین مورد - که البته سخن کمی هم در مورد آن گفته شده است - از پخش رادیویی از خارج به داخل کره شمالی همانا ایستگاه‌های شماره‌ای^۱ کره جنوبی است؛ ایستگاهی که با وجود تلاش‌های کره شمالی برای انسداد آن، بخشی منظم برای چند دهه داشته است. این ایستگاه‌های شماره‌ای پیام‌های کدگذاری شده را به نفع عوامل مخفی^۲ انتقال می‌دهد. معروف است که عوامل کره شمالی در کره جنوبی حضور دارند. عکس آن نیز درست است و یکی از روش‌هایی که کره جنوبی با عوامل خود ارتباط برقرار می‌سازد (۶) همانا ارسال مجموعه‌ای از شماره‌هاست که از سوی یک مجری در مجموعه‌ای از فرکانس‌های ای‌ام خوانده می‌شود. برخی از خبرپراکنی‌ها با آواز بانگاپ سیومید^۳ شروع می‌شود، یعنی «از دیدارت

1. numbers station
 2. secret agents
 3. Bangapseumnida

خوشحالم^۱))، هرچند اکنون معمول نیست که آهنگ شماره هشتم پیانو سوناتا^۲ را بشنویم. وقتی آواز تمام می‌شود، صدای یک زن شنیده می‌شود که شماره‌ها را می‌خواند: ((۵۶-۳۱-۷۳)) و غیره و از الگوی نظامی خوانش شماره‌ها به کره‌ای استفاده می‌کند که از ابهام احتراز جوید. برای شنوندگان معمولی، این صدا چیزی نیست جز بازی مشکوک بینگو؛ اما برای عاملی که دفترچه راهنما یا کتابچه کد را دارد، این شماره‌ها نوعی دستورالعمل است.

کره شمالی روزگاری ایستگاه‌های شماره‌ای خاص خود را داشت (و در اواخر دهه ۹۰ جاسوسان کره شمالی در حالی در کره جنوبی دستگیر می‌شدند که کتابچه‌های کدشناسی در اختیار داشتند)، اما تصور عمومی این است که این کار در حدود سال ۲۰۰۰ ادامه نیافت. (۷) این البته شاهدهی بر علاقه روبره کاهش کره شمالی به جاسوسی نیست. کره جنوبی کشوری بسیار باز است و از این رو برای عوامل کره شمالی کاملاً میسر است که برای دریافت فرمان‌ها و دستورالعمل‌ها از طریق تلفن، ایمیل و اینترنت در آنجا استقرار یابند؛ اما هم کره شمالی و هم کره جنوبی در خبرپراکنی‌های تبلیغاتی^۳ علیه یکدیگر فعال‌اند. هر دو طرف یکدیگر را با پخش اخبار با موج‌های کوتاه و متوسط هدف قرار می‌دهند و هر دو از خود در برابر دیگری با ارسال پارازیت دفاع می‌کنند، هرچند با میزان محدودی از موفقیت. اقدامات کره شمالی در تبلیغات رادیویی صدای

1. Nice to Meet You

2. Piano Sonata

۳. به دنبال دیدار رهبران دو کره در روستای پانمونجوم در ۷ اردیبهشت ماه ۹۷ برابر با جمعه ۲۷ آوریل ۲۰۱۸، دولت کره جنوبی بلندگوهای تبلیغاتی خصمانه علیه پیونگ‌یانگ در مرزهای مشترک با کره شمالی را برداشت تا روند آشتی میان دو کره سرعت بیشتری بگیرد. رسانه‌ها از این کار به‌منزله «حسن نیتی دیگر میان دو کره در روزهای منتهی به مذاکرات رهبران دو کشور» نام بردند. صدای این بلندگوهای تبلیغاتی را مایل‌ها دورتر می‌توان شنید. این‌ها ابزار تبلیغاتی جنوبی‌ها در برابر آزمایش‌های موشکی - هسته‌ای شمالی‌ها بود. اگرچه کره شمالی هم روش‌های سخن‌پراکنی و تبلیغاتی خود را داشت، در گذشته در مقابل این رفتار کره جنوبی در تبلیغات از طریق بلندگوها، با زبان گلوله و آتش پاسخ می‌داد. در فوریه ۲۰۱۸ نیز کره شمالی صدای بلندگوهایش را در مرز و پس از بازی‌های المپیک زمستانی در کره جنوبی که ورزشکارانش نیز در آن حضور داشتند، پابین آورد؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Joshua Berlinger and Yoonjung Seo (23 April 2018), South Korea stops blasting propaganda as summit looms, <https://edition.cnn.com/2018/04/23/asia/north-korea-south-korea-upcoming-summit-intl/index.html>

کره^۴ نامیده می‌شود و به زبان‌های کره‌ای، انگلیسی، ژاپنی، چینی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیایی و عربی پخش می‌شود. صدای کره موسیقی و اخبار را هم پخش می‌کند و در این خبرپراکنی‌ها رهبران کره جنوبی را پادو^۵ و نوکر و رهبران امریکا را امپریالیست می‌خواند. سؤال تلاش می‌کند با ایجاد صداهای مکرر گروم‌گروم، خش خش یا صدایی مشابه با صدای پرواز هواپیما از روی باند^۶ بر روی همان فرکانس ایجاد اختلال کند؛ اما به‌طور کلی امکان دریافت سیگنال‌ها به صورت واضح در نقاط مرتفع کره جنوبی به قدر کافی هست. (۸) همین مسئله در مورد اقدام کره جنوبی بر روی ایستگاه رادیویی اصلی کره شمالی، با نام خبرپراکنی مرکزی کره^۷، هم مصداق دارد.

کره جنوبی هم موردی مشابه برای صدای کره دارد که ندای امید^۸ و خبرپراکنی قومی کره^۹ (کا.بی.اس) نامیده می‌شود؛ گروه هدف آن اقوام کره‌ای است که در خارج از کره جنوبی زندگی می‌کنند (البته شامل مردم کره شمالی هم می‌شود). کره شمالی می‌کوشد این ایستگاه‌ها و نیز دیگر خبرپراکنی‌های رادیویی کا.بی.اس را مسدود سازد، آن هم با ایجاد اصواتی مشابه با صدای بلند شدن جنگنده از روی باند فرودگاه. همچنین تلاش‌هایی با حمایت مالی امریکا برای هدف قرار دادن شنوندگان رادیویی کره شمالی وجود دارد، مانند صدای امریکا و رادیو آسیای آزاد^{۱۰} که به زبان کره‌ای پخش می‌شود. افزون بر این، و مهم‌تر از همه، بنگاه‌های خبرپراکن مستقل (۹) مانند رادیوی آزاد برای کره شمالی^{۱۱}، صدای آزاد رادیو^{۱۲}، رادیو اصلاح کره شمالی^{۱۳} و رادیوی آزاد کره شمالی^{۱۴} وجود

4. Choson-ui Sori (Voice of Korea)

5. lackey

6. chugging

7. Choson Joongang Bangsong (Korea Central Broadcasting)

8. Heuimangeui Meari (Echo of Hope)

9. Korean Broadcasting System, KBS's Hanminjok Bangsong (Korean Ethnic Broadcasting)

10. Radio Free Asia

11. Open Radio for North Korea

12. Radio Free Chosun

13. North Korea Reform Radio

14. Free North Korea Radio

دارد که از کره جنوبی اداره می‌شوند و اغلب نیروهایش فراریان کره شمالی‌اند. همچنین سازمان‌های مشابه ژاپنی هم هستند که شنوندگان کره شمالی را هدف قرار می‌دهند و دست کم دو ایستگاه مسیحی هم هستند که چنین کارهایی انجام می‌دهند. (۱۰)

تأثیرات رادیو

همچون تلویزیون، رادیوهایی که در کره شمالی به صورت قانونی فروخته می‌شوند با دسترسی‌های از پیش تعیین‌شده به کانال‌های کره شمالی فروخته می‌شوند. مالکیت رادیوی از پیش تنظیم‌شده یا رادیوی خارجی که باند‌هایش از پیش تنظیم شده است به واسطه قوانین این کشور امری است قابل مجازات؛ اما چنان‌که انتظار می‌رود، این امر سوداگران جانگ‌مادانگ و تاجران چینی را از فروش این رادیوها باز نمی‌دارد. راه‌حل گرفتار شدن هم همان پرداخت رشوه است. مقامات مالکان و دارندگان رادیوها و خود این رادیوها را به منزله طعمه‌ای می‌بینند که ارزش چند دلار به جیب زدن را دارد. این رادیوها در صورت توقیف، مصادره و دوباره فروخته می‌شوند و این البته در راستای منافع آن مقام مربوط است. تحت پیگرد قرار دادن مالک رادیو باعث می‌شود فرصت چنین سودی از میان برود؛ بنابراین گوش دادن غیرقانونی به رادیو می‌تواند با رادیوهای خریداری‌شده از چین و تغییرات غیرقانونی در تنظیمات رادیویی کره شمالی گسترش یابد.

گفته می‌شود رادیوی خارجی به اندازه تلویزیون و فیلم‌های خارجی در کره شمالی محبوبیت ندارد. دلیل آن واقعاً بسیار ساده است، درست مانند مردم در دیگر نقاط جهان، مردم کره شمالی تلویزیون را سرگرم‌کننده‌تر می‌دانند. (۱۱) مسئله دیگر مسئله دریافت است، یعنی نیازی نیست فرد سیگنال‌های الکترونیکی قابل اعتماد برای مشاهده دی.وی.دی. نمایشنامه وینتر سوناتا کره جنوبی را

دریافت کند. از این رو حدود نیمی از فراریان بررسی شده تلویزیون خارجی می‌دیدند، در حالی که فقط ۲۷ درصد به رادیوی خارجی گوش می‌دادند، زیرا رادیوها ارزان‌ترند و به دلیل قابل اطمینان نبودن ولتاژ برق در کره شمالی می‌توانند با باتری کار کنند و از زمان قحطی در نیمه دهه ۹۰ به این سو بسیار در دسترس‌تر شده‌اند. با وجود این، رادیو قدرت زیادی دارد. اگرچه مردم آن را نسبت به تلویزیون چندان سرگرم‌کننده نمی‌یابند، رادیو را ابزاری ارزشمند و اطلاع‌رسان‌تر می‌دانند. این فقط در مورد شنوندگان دائمی مصداق ندارد، بلکه در مورد مردم کره شمالی به‌طور کلی مصداق دارد. بدین خاطر که رادیو خبری‌تر است از مجموعه‌ها و زنجیره‌های درام و از آنجا که بیشتر محتویات رادیویی به‌طور خاص مختص مردم کره شمالی است، به موضوعاتی می‌پردازد که برای آن‌ها اهمیت دارد و شکاف اطلاعاتی ناشی از نبود جزئیات واقعی از سوی رسانه‌های دولتی را پر می‌کند. به همین دلیل، فقدان نسبی شنونده رادیو با تأثیر چندگانه گفتاری جبران می‌شود. برخی اخبار خاص و جالب رادیویی سریع‌تر از اخبار تلویزیون کره جنوبی منتقل می‌شود.

برای مردم متوسط و میانه‌حال کره شمالی، رادیو تنها منبع واقعی مرتبط با اخبار و اطلاعات در دسترس است. این حقیقت که فرد می‌تواند اخباری در مورد رویدادهای آینده را در رادیو بشنود، مثلاً محموله‌های کمکی و سپس انتظار آن رویدادها را برای خود بکشد، تأییدکننده قابلیت‌ها و وثاقت رسانه‌هاست. اغلب، رسانه‌های دولتی کره شمالی ذکری از اخبار مهم به میان نمی‌آورند یا گزارش در مورد آن‌ها را با تأخیر و تعویق مواجه می‌سازند. رادیوی کره جنوبی موثق‌تر از کشورهای دیگر تلقی می‌شود. چرا؟ اول، هنوز همپوشانی‌های فرهنگی زیادی میان دو کره هست. دوم، سال‌هاست به مردم کره شمالی گفته شده است، با وجود اینکه کره جنوبی از سوی گروهی دست‌نشانده اداره می‌شود؛ اما جنوبی‌ها همچنان خواهران و برادران شمالی‌هایند. (۱۲) از سوی دیگر، صدای امریکا هم

از سوی دشمنی بیگانه تولید می‌شود. (۱۳) اگرچه، فیلم‌های هالیوود، دی.وی.دی‌ها و یو.اس.بی‌ها در حال دگرگون ساختن این مفاهیم‌اند، مردم کره‌شمالی بیشتر با هم‌تایان جنوبی خود جفت‌وجور درمی‌آیند تا با امریکایی‌ها. رادیوهای ساخته‌شده و محتواهای تولیدشده از سوی فراریان هم واقعاً قدرتمند است. شنیدن این مسئله که کسی با لهجه شمالی از کیم انتقاد و از زندگی خود در سؤال تعریف می‌کند - جایی که زندگی کامل نیست؛ اما به لحاظ مادی بسیار بهتر از کره‌شمالی است - هم شگفت‌آور است هم الهام‌بخش. خبرگزاری‌ها چنین وانمود می‌کنند که فراریان حمایت روانی و امید به کسانی می‌دهند که به فکر فرار از کره‌شمالی هستند.

چه کسی؟ چه چیزی؟ چه زمانی؟

به نظر می‌رسد رادیوی خارجی در کره‌شمالی جنبه‌ای مخفی‌تر و زیرپوستی‌تر از تلویزیون خارجی دارد. این به خاطر محتوایش است که بیشتر متمرکز بر کره‌شمالی است، تهاجمی‌تر است و به طور بالقوه تهدیدی برای رژیم محسوب می‌شود. آن‌ها که به رادیوی خارجی گوش می‌دهند مایل‌اند به فراسوی خبر بروند. بهترین زمان خبری برای مردم این کشور از ۱۰ شب تا ۱ بامداد است. به همین دلیل، بیشتر خبرگزاری‌های خارجی که اخبار کره‌شمالی را پوشش می‌دهند، شبکه‌های شبانگاهی هستند؛ یعنی بیشتر شب‌ها خبر پخش می‌کنند تا روزها. بیشتر این اخبار بر روی فرکانس‌های موج کوتاه‌اند. بدین خاطر که سیگنال‌های موج کوتاه (برخلاف سیگنال‌های رادیویی پخش عمومی استاندارد افام) حالت رفت و برگشتی دارند و می‌توانند فواصل دور را پیمایند. نه کره‌شمالی و نه چین خبرگزاری مستقل کره‌شمالی را در خاک خود راه نمی‌دهند، اما امواج کوتاه این مسئله را بی‌ربط می‌سازد. با این حال، پخش خبری موج کوتاه پیامد مضاعف دیگری هم دارد؛ دستگاه‌های موج کوتاه به طور قانونی در

کره‌شمالی فروخته نمی‌شوند. سوداگران چینی آن‌ها را وارد کره‌شمالی می‌کنند و تکنسین‌ها ممکن است رادیوهای موجود را تغییر دهند، اما اقلیت چشمگیری از مالکان رادیو هنوز دسترسی به موج کوتاه ندارند. از این رو، تلاش‌های روزافزونی از سوی فعالان حقوق بشر کره‌شمالی شروع شده است تا این کشور را مملو از جریان دریافت‌کننده‌های [ریسیورهای] موج کوتاه سازند، ولی هنوز هستند میلیون‌ها نفر که به رادیو گوش می‌دهند. درحقیقت امکان‌پذیر است که شنوندگان رادیویی کره‌شمالی را برحسب سن و سال، پیشینه و جایگاه اجتماعی تقسیم‌بندی کنیم، درست همان‌طور که محققان در دیگر کشورها چنین می‌کنند. به‌طور کلی مردان بیش از زنان علاقه‌مند به رادیو هستند و کهنسالان علاقه‌مندتر از جوانان. تصور بر این است که نخبگان - به‌ویژه دنیادیده‌ترها و تحصیل‌کرده‌ها - اخبار سخت^۱ به ویژه اخبار مربوط به روابط دو کره را ترجیح می‌دهند. طبقه تجاری جدید و در حال ظهور که جاه‌طلب‌تر و موفق‌تر بوده‌اند، اغلب به دلایل تجاری ذائقه‌ای مشابه دارند. یک محموله بزرگ امدادی برنج باعث می‌شود قیمت این محصول در جانگ مادانگ پایین آید. تحریم‌های روزافزون سازمان ملل بر قیمت‌ها و بر دسترس‌پذیر بودن برخی کالاهای خاص تأثیرگذارند. تغییر در سطح امنیت مرزی چین - کره‌شمالی هم تأثیری مشابه دارد و احتمالاً بر نرخ تغییر قیمت هم تأثیر می‌گذارد. سرکوب‌ها هم تجارت برخی اقلام خاص را خطرناک می‌سازد. هیچ‌کس در کره‌شمالی نمی‌تواند چنین اطلاعاتی را به شکلی روشن، به‌روز و به موقع از رسانه‌های کره‌شمالی بشنود؛ بنابراین اخبار رادیویی خارجی «باید» و «الزام» برای تاجری است که ممر درآمدش در کره‌شمالی تجارت است. آنانی که تحصیلات کمی دارند ترجیح می‌دهند اخبار «نرم‌تر» را گوش دهند، مانند اخباری که مشتمل برنامه‌هایی از فراریان به خانواده‌هایشان در کره‌شمالی است. اگرچه اخباری از این دست کمتر ارزش خبری دارند و چندان

1. hard news

پرخبر نیستند، چنین محتواهایی فوق‌العاده قوی است؛ زیرا شامل اطلاعاتی درباره تفاوت‌های میان دو کره است و به‌لحاظ احساسی مهیج است. این اخبار می‌تواند کاری کند که مسئله فرار چندان دلهره‌آور نباشد، حتی کسانی هستند که گفته‌اند این نوع خبر پراکنی الهام‌بخش آنان برای فرار بود.

اهداف مقطعی که چنین تفاوت‌هایی را بازتاب می‌دهد اکنون میسر شده است. شنوندگان گزینه‌های بسیار متنوعی دارند. تعداد ایستگاه‌های متمرکز بر کره شمالی اکنون دورقمی شده است. همین امر شنوندگان را قادر ساخته است آگاه‌تر شوند، بنگاه‌های خبری را که برایشان غیرجذاب است قطع کنند و در جست‌وجوی بنگاه‌های خبری دیگر برآیند. نظرسنجی‌ها و بحث‌ها نشان می‌دهد مالکان رادیو بر بنگاه‌های خبری خارجی پافشاری می‌ورزند، حتی اگر آن را کسل‌کننده بیابند یا نتوانند سیگنال را به خوبی دریافت کنند. این روزها آن‌ها هم مانند بسیاری از ما [اما آهسته] به پیش می‌روند و بنگاه‌های خبری خارجی را به رسانه‌های داخلی ترجیح می‌دهند.

پی‌نوشت‌های فصل ششم

۱. همچنین از تأثیر افزایش کارایی بازار و افزایش رقابت میان تاجران برخوردار است.
۲. چندین منبع ادعا کرده‌اند مردان جوان از این گوشی‌ها برای تأثیرگذاری بر زنان استفاده می‌کنند. آن‌هایی که پول دارند اکنون می‌خواهند با گوشی‌های هوشمند خودنمایی کنند هرچند که نمی‌توان در کره‌شمالی به اینترنت وصل شد. کره‌شمالی هم اکنون گوشی‌های هوشمند خاص خود را دارد با نام آری‌رنگ.^۱ این گوشی‌ها که بسیار شبیه به تبلت‌های سامچی یون است، قطعاً ساخت کره‌شمالی نیست و غیر از این، آن‌هایی که پول دارند ترجیح می‌دهند برند خارجی بخرند. گوشی‌های آری‌رنگ مظهر غرور ملی کره‌شمالی تلقی می‌شود.
۳. حتی گوشی‌های بدلی و اسباب‌بازی هم در جانگ مادانگ برای فروش وجود دارد. بچه‌ها هم از گوشی‌های تلفنی اسباب‌بازی برای بازی کردن استفاده می‌کنند.
۴. خرید گوشی‌ها با ارز خارجی انجام می‌گیرد؛ بنابراین دولت - که در کنترل استفاده از ارز خارجی ناتوان است - ضرورتاً می‌پذیرد که برای پول در آوردن به آن‌ها ملحق شود و از چنین سیستمی جیب خود را پر کند.
۵. این اتفاقی مهم است. به خاطر قدرت کنترل دولت در گذشته بود که بسیاری از کودکان جاسوسی از والدین خود را امری به لحاظ اخلاقی درست تلقی می‌کردند. بهم خوردن قرارداد اجتماعی به دلیل قحطی و رشد بدبینی به رژیم در دوران پساقحطی علت اصلی این تغییر خوشایند است.
۶. البته هیچ‌کس آشکارا مدعی مالکیت این ایستگاه‌های شماره‌ای نیست، اما با میزانی منطقی از قطعیت می‌توان تصور کرد که این ایستگاه شماره‌ای خاص متعلق به کره جنوبی است.
۷. هواداران غیرحرفه‌ای رادیو که سال‌های گذشته این ایستگاه‌های شماره‌ای کره‌شمالی را مورد رصد قرار داده بودند، در سال ۲۰۰۰ خبری را شنیدند. ایستگاه کره جنوبی که نزد شنوندگانش به ۷۲۴ معروف بود همچنان خبر پخش می‌کرد.
۸. اما به هوش باشید که انجام دادن این کار برخلاف قانون امنیت ملی در کره جنوبی است.
۹. با وجود این، برخی هم از سوی موقوفه ملی برای دموکراسی^۲ تأمین مالی می‌شوند که خود این موقوفه هم از سوی دولت امریکا تأمین مالی می‌شود.
۱۰. همچنین یک ایستگاه مخفی مستقر در غرب سنئول قرار دارد که برای شمالی‌ها خبر پخش می‌کند و به عنوان ایستگاه رادیویی زیرزمینی دزدان دریایی جلوه می‌کند. این ایستگاه قطعات قدیمی موسیقی کره جنوبی و گزارش‌های خبری در مورد فعالیت‌های رئیس‌جمهور

1. Arirang

2. National Endowment for Democracy (NED)

کره جنوبی را پخش می‌کند. دولت کره جنوبی منکر وجود آن است و موقعیت آن هم در حوزه برج‌های فرستنده رادیویی از تصاویر ماهواره‌ای در وبسایت‌های نقشه‌برداری کره جنوبی سانسور می‌شود.

۱۱. گفته شده است رشد تلویزیون خارجی در کره شمالی موجب تغییر ذائقه شنوندگان رادیویی موجود و وداع با رادیو نشده است. بسیاری از هر دو استفاده می‌کنند. تخمین‌ها نشان می‌دهد که شنوندگان رادیویی با رشد دی.وی.دی‌ها و تلویزیون‌های یو.اس.بی‌دار تقریباً ثابت مانده است.

۱۲. فراریانی که به کره جنوبی می‌رسند اغلب دچار سرخوردگی می‌شوند وقتی می‌بینند عکس آن چیزی که به آن‌ها گفته شده درست است. معدودی از جنوبی‌ها این روزها فعالانه به دنبال اتحادند و شمالی‌ها به‌طور کلی و به شکلی کمتر به فراریان کمک می‌کنند.

۱۳. بی‌بی‌سی سرویس زبان‌های خارجی خود را تا جایی گسترش داده است که شامل شبه جزیره کره هم بشود، اما ظاهراً به دلیل کمبود بودجه از سوی دولت بریتانیا متوقف شده است.

فصل هفتم

شکاف اجتماعی

درست همان‌طور که دولت کره‌شمالی دارای جناح‌های مختلف با دستور کارهای مختلف است، مردم کره‌شمالی هم تودهٔ ژبات‌گونه و مصمم که از سوی رسانه‌های دولتی کره‌شمالی و رسانه‌های بین‌المللی ترسیم می‌شود، نیستند. مردم کره‌شمالی که با بیان آشکار حقایق در خطرند، نه تنها با یکدیگر بلکه با جنوبی‌ها هم تفاوت دارند. در کره شمالی امروز، سه حوزهٔ خاص شکاف اجتماعی می‌تواند اطلاعات زیادی در مورد ماهیت این کشور در اختیار ما قرار دهد: طبقه اجتماعی، منشأ قومی و پیشینهٔ منطقه‌ای. دوتای اول شاید شگفت‌آمیز به نظر برسند زیرا کره‌شمالی به عنوان کشوری کمونیست (یعنی کشوری بی‌طبقه) (۱) و به لحاظ قومی یکدست تلقی می‌شود. با وجود این، کره‌شمالی دارای سیستم سلسله‌مراتب اجتماعی است که از سوی دولت ایجاد شده است و نیز جامعه‌ای به‌شدت تأثیرگذار چینی دارد که پیشگام تجارت غیررسمی روزافزون کره‌شمالی و تبادل اطلاعات با دنیای خارج است. مورد سوم آشکارتر است؛ برای مثال پدیده ساکنان پایتخت که نگاهی تحقیرآمیز و از بالا به پایین به سایر بخش‌های کشور دارند، قطعاً محدود به کره‌شمالی نیست، اما تفاوت‌های منطقه‌ای می‌تواند به ما ایده‌ای بدهد در مورد اینکه تغییرات سیاسی یا اجتماعی - اقتصادی در آینده در کجا ممکن است رخ بدهد. روستائیان کره‌شمالی مثل قبل هستند، اما بسیاری از مردمی که در شمال شرق زندگی می‌کنند اکنون از رویدادهای جهان خارج مطلع‌اند و از رژیم کیم سرخورده. ساکنان پیونگیانگ نیز به‌شدت آگاه و روشن هستند، اما منافعشان بیشتر به رژیم نزدیک است، شاید به این دلیل که بسیاری از آن‌ها زندگی نسبتاً راحتی دارند. به همین دلیل، استان‌های شمال شرقی ریانگ گانگ^۱ و هامگیونگ شمالی^۲ است که باید از نزدیک آن را مورد مشاهده قرار دهیم.

1. Ryanggang

2. North Hamgyong

طبقه اجتماعی

ممکن است کسی انتظار داشته باشد کشور سوسیالیستی جامعه بی طبقه را به عنوان هدف اصلی و نهایی دنبال کند. کره شمالی بیشتر به جامعه سنتی کره‌ای می ماند تا جامعه سوسیالیستی. تا زمان اصلاحات گابو^۳ در سال ۱۸۹۴ (که به طور رسمی تمایزات طبقاتی رسمی کره را پایان داد)، کره در طی قرون به جامعه فتودالی تبدیل شد که مشخصه اش تمایزات طبقاتی قدرتمند بود. زمانی که دوران استعمار ژاپن (۱۹۱۰-۱۹۴۵)، جنگ کره در سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۳ و اصلاحات ارضی کیم ایل سونگ (۲) شاهد نابودی نظم اجتماعی کهن بود، کیم اوضاع را برای برقرار کردن سیستم طبقاتی جدید براساس وفاداری به دولتش مناسب دید. قطعنامه پولیتبورو ی حزب کارگر در ۳۰ می ۱۹۵۷ مفهوم تقسیم جامعه کره شمالی به گروه های وفادار، خنثی و دشمن را مطرح کرد.

وفاداران از میان کسانی جذب می شدند که در کنار کیم ایل سونگ می جنگیدند یا از نیروهایی بودند که سوگند وفاداری به او یاد کرده بودند یا اندیشمندان سوسیالیست و انقلابیون بودند یا از کسانی بودند که طی جنگ کره به نفع کره شمالی می جنگیدند. دشمنان کسانی بودند که زمین دار و سرمایه دار بودند یا کسانی که خویشان یا پیوندهایی قدرتمند با کره جنوبی داشتند یا گروه های مذهبی بودند (مانند مسیحیان و شمنیست ها) یا توطئه گرانی که با رژیم استعماری قدیم ژاپن همکاری داشتند. خنثی کسانی بودند که در میان این دو دسته مذکور قرار می گرفتند. مجموعه ای از تحقیقات مفصل در مورد عصر استعمار و فعالیت های نظامی تمام خویشان مذکر مردم کره شمالی کره شمالی کشوری پدرسالار است با ذهنیتی متأثر از فتودالیسم - انجام گرفت. این کار نقطه

۳. Gabo Reforms؛ مجموعه ای از اصلاحات اساسی پیشنهاد شده برای دولت کره است که از ۱۸۹۴ شروع و در ۱۸۹۶ طی حاکمیت گوجونگ در پاسخ به انقلاب دهقانی دونگ هاگ پایان یافت.

عطفی مؤثر از سیستم سونگبون طبقه‌بندی اجتماعی بود که تا امروز هم وجود دارد و بر سرنوشت آحاد افراد در کره‌شمالی اعمال نفوذ می‌کند. متداول‌ترین و دیرپاترین آمارها بیان می‌کند ۲۸ درصد از مردم کره‌شمالی در طبقه وفاداران قرار دارند، ۴۵ درصد در طبقه خنثیها و ۲۷ درصد در طبقه دشمن. با وجود این، بسیار آسان است که منزلت یا جایگاه اجتماعی فرد به جای ارتقا تنزل یابد؛ یک اشتباه سیاسی ساده می‌تواند کل خانواده آن فرد را به طبقه پایین بکشاند. به همین دلیل، برآورد گروه دشمن ممکن است سطح پایین باشد. (۳)

اگرچه سونگبون یا همان جایگاه و منزلت اجتماعی اکنون سیستمی کاملاً مستقر است که کل جامعه کره‌شمالی را پوشش می‌دهد، ضرورتاً چیزی نیست که مردم به صورت روزمره از آن آگاه باشند. دولت به شهروندانش نمی‌گوید: «آقای کیم، شما فردی دشمن تصور می‌شوید و بنابراین دیگر کار خوبی به شما داده نخواهد شد». درحقیقت، بسیاری از مردم از جایگاه اجتماعی [سونگبون] رسمی‌شان آگاه نیستند. اینکه با برخی از مردم نسبت به برخی دیگر فقط بر مبنای نسبشان رفتار می‌شود می‌تواند در پرتو این مسئله طبیعی جلوه کند که کارکرد جامعه کره همواره چگونه بوده است؛ البته نمی‌توان گفت مردم آن را می‌پذیرند. با این حال، سونگبون سیستمی کاملاً سازمان‌یافته است. جایگاه شما در پرونده دولتی‌تان نمایان است و هرگاه درخواست ارتقا می‌دهید، درخواست ورود به دانشگاه می‌دهید یا برای مثال گواهی می‌دهید، تصمیم‌گیران مربوط به آن رتبه سونگبون شما را در نظر می‌گیرند. با وجود اینکه امروز در کره‌شمالی همه چیز تقریباً فروشی است (بهتر است بگوییم که سونگبون استثنائی نادر است)، تحقیقات سونگبون بسیار جامع است و شامل لایه‌هایی از بوروکراسی می‌شود: رؤسای پلیس محلی، مسئولان ثبت‌نام اقامتی و رؤسای بخش‌های وزارتخانه امنیت خلق همگی باید بر این طبقه‌بندی توافق کنند و هرچه فرد بیشتر از نردبان اجتماعی

بالا تر رود، مشارکت و مداخله دایره امنیت خلق هم بیشتر خواهد شد. منزلت اجتماعی بد می‌تواند به شیوه‌های بسیار متفاوتی زندگی فرد را متأثر سازد. یک فراری در مصاحبه با ما می‌گفت به دلیل سابقه نامطلوبش، در تیم ورزشی ملی انتخاب نشد. ارتش هم اجازه نمی‌دهد افرادی با منزلت اجتماعی بسیار پایین در آن خدمت کنند. بسیاری می‌گویند رقبایی که با منزلت بهتری متولد می‌شوند، آنانی را که واجد شرایط کمتری هستند دور می‌زنند. در واقع، آنانی که واجد شرایط کمتری هستند قربانی کسانی می‌شوند که در خانواده‌های با منزلت تری متولد می‌شوند. به همین ترتیب، فردی که دارای منزلت اجتماعی خوبی است اگر دچار جرم شود، قاضی با لطافت بیشتری با او برخورد می‌کند تا کسی که دارای چنین منزلتی نیست. بهترین مدارس مملو از دانش‌آموزانی است که دارای منزلت اجتماعی - خانوادگی خوبی هستند. به دلیل تأثیر اجتماعی‌پذیری طی دو یا سه نسل، سونگبون از ریشه‌های سیاسی‌اش فراتر رفته است. اگر منزلت اجتماعی خوبی داشته باشید می‌توانید با دیگرانی که منزلت اجتماعی خوبی دارند در مدارس و مراکز کاری عالی کار کنید و درس بخوانید. احتمالاً می‌توانید در آپارتمانی نسبتاً باکلاس و همراه با دیگرانی که منزلت اجتماعی خوبی دارند، زندگی کنید. اقوام و خویشانتان مشاغل خوبی خواهند داشت؛ بنابراین می‌توانند نخ‌های شما را به حرکت در آورده و به شما در صورت وقوع هر مشکلی کمک کنند. تمام این‌ها برای شما امری طبیعی جلوه خواهد کرد.

احتمالاً هم با فردی دارای منزلتی مشابه با خودتان ازدواج خواهید کرد. اگر اتفاق بیفتد که عاشق فردی دارای منزلت اجتماعی بد شوید؛ یعنی آن فرد احتمالاً فقیرتر از شما و دارای ارزش اجتماعی پایین‌تر از شما باشد، قطعاً موجب مخالفت خانواده‌تان خواهد شد. در فرهنگ کره‌ای، در اکثر موارد مخالفت والدین مانعی بس بزرگ در برابر ازدواج است؛ (۴) این مسئله حتی هنوز هم در کره جنوبی وجود دارد جایی که بیشتر پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی

می‌گویند آن‌ها به حرف والدینشان برای ازدواج با کسی که او را نخواهند گوش نمی‌کنند. در هر صورت، بیشتر همسالان تن منزلت اجتماعی مشابه با شما خواهند داشت؛ بنابراین فرصت واقعی دیدار و عاشق فردی با منزلت اجتماعی متفاوت شدن کاملاً پایین است.

در نهایت سونگبون به صورت نیرویی ضد شایسته‌سالار عمل می‌کند و سود و زیان‌هایی غیر ضروری به مردم بر مبنای تولد اختصاص می‌دهد. در این رابطه، موضوع کمی متفاوت‌تر از سیستم طبقاتی در بریتانیاست یا می‌توان استدلال کرد متفاوت‌تر از مفهوم ثروت به میراث برده‌شده در هر جامعه سرمایه‌داری دیگر است. تفاوت این است که سونگبون به عمد از سوی دولتی مشتاق طراحی شده است و به اجرا درآمد. از این رو می‌گویند تمایزات طبقاتی به سرعت و پس از ویرانی سلسله‌مراتب اجتماعی ناشی از جنگ کره مستحکم‌تر شد. (۵)

خوشبختانه، نفوذ سونگبون به نوعی در دوران پساقحطی دچار فرسایش شده است. غیر از ترس از مجازات، پول نیروی محرک فوری در کره شمالی امروز است. اگر کسی در کسب و کار موفق باشد، نمی‌تواند خودش سونگبون بهتری خریداری کند. با این حال، می‌توان تأثیرات بهتر سونگبون را خریداری کرد، مانند اماکن دانشگاهی، مشاغلی که آرزوی آن را دارید، آپارتمان‌های با کیفیت بالا، مراقبت‌های پزشکی، آزادی بیشتر تحرک و جابه‌جایی و در بیشتر موارد مصونیت از تعقیب یا مجازات شدید؛ پدیده‌ای که در بسیاری از کشورهایی که دست به تغییر و گذار از فئودالیسم به سیستم بازار محور می‌زنند، ملاحظه شده است. بسیاری از طبقات کارآفرین در حال رشد سونگبون ضعیفی دارند، اما این امر به ندرت موجب تغییر در زندگی‌شان می‌شود. اگر فرد پول زیادی داشته باشد، می‌تواند همواره با خانواده‌ای سطح بالا ازدواج کند.

یک منبع از دوستی در کره شمالی که به کارهای دولتی مشغول بود نقل

می‌کرد به دلیل سونگبون ضعیف چشم‌انداز محدودی برای ارتقا داشت. مرد موردنظر ما تصمیم گرفت برای ارتقا به مقام مافوق خود رشوه بدهد و به این ترتیب، به موقعیت بهتری دست یافت. او از این موقعیت جدید برای جمع کردن رشوه‌های بیشتر برای خود و بهبود جایگاه خود استفاده کرد. او این رشوه‌ها را به منزله نوعی سرمایه می‌دانست. رشوه دادن برای رسیدن به مشاغل بهتر در کره شمالی امری بسیار شایع است؛ با وجود این محدودیت‌هایی در این مورد هست که وی تا کجا یا تا چه حد می‌تواند بالا برود. سیستم اداری پر است از آدم‌های سطح پایینی که به مقام‌های بالاتر رشوه می‌دهند، به این امید که سلسله‌مراتب را به سرعت طی کنند. در دولت نرمال، بالاتری‌ها پول جمع‌شده را میان رده‌پایینی‌ها توزیع می‌کنند؛ در دولت پسا قحطی کره شمالی، این شکل دیگری دارد.

با وجود این، نباید به دام این تصور رایج افتاد که سونگبون به طور کامل در محاصره قرار گرفته است. درحالی‌که فساد و سرمایه‌داری فرصت‌هایی را برای گرداندگان زیرک و حاشیه‌نشینان با استعداد برای ظهور به دست می‌دهد که در دوران رهبری کیم ایل سونگ هرگز نمی‌توانستند به آن دست یابند. سونگبون همچنان مزیت‌های فراوانی در اختیار برخی می‌گذارد و دیگران را عقب می‌راند. سونگبون دیگر تنها عامل تصمیم‌گیر نیست، بلکه امتیازی غول‌آساست. اگر کسی به مقام ارشد و خاص کره شمالی بنگرد، فردی با سونگبون بالا را خواهد دید که مثلاً پسرعموی رده‌بالا در ارتش دارد و برادر دارای موقعیت خوب در دایره امنیت دولتی. (۶) این مقام مدنظر شاید به طور اخص باهوش یا سختکوش نباشد؛ درحقیقت، موقعیت به میراث‌برده‌اش (به دلیل سونگبون خوب و پیوندهای خانوادگی) احتمالاً انگیزه‌ای برای تبلی اوست. فعالیت اصلی او جمع‌آوری رشوه‌هاست. درعین حال، یک سوداگر سطح پایین سونگبون که باید به این مقام مذکور رشوه دهد تا کاروکاسبی کوچکش همچنان ادامه یابد - به تعبیر

شایسته سالارانه - به دلیل سخت‌کوشی‌اش مستحق‌تر است. استاندارد زندگی این سوداگر سطح پایین بسیار بهتر از دوران پیش از فاسد شدن جامعه کره شمالی است، اما یک مقام دارای سونگون بالا که رشوه را از این سوداگر می‌گیرد کسی است که به‌راستی می‌توان به زندگی‌اش حسرت خورد.

به همین ترتیب، مقامات جاه‌طلب و سخت‌کوش (که البته موقعیت خود را به سونگون بالا مدیون‌اند) کسانی هستند که در جایگاه بسیار بهتری برای بهره بردن از فرصت‌های مهم کاسبی قرار دارند، مانند فوران ساخت‌وساز در پیونگیانگ یا استخراج منابع. به‌گفتهٔ برخی منابع، آن‌هایی که از چنین فرصت‌هایی منع شدند به‌شدت خشمگین‌اند. وقتی فرار از کره شمالی در بحبوحهٔ قحطی به امری شایع تبدیل شد، انگیزه پشت این روند گسترده فرار، تنها نیاز به خوردن بود. با وجود این امروز فراریان بیشتر و بیشتری توانسته‌اند زندگی نسبتاً خوبی در کره شمالی داشته باشند، اما احساس آزرده‌گی می‌کنند که به خاطر جایگاه اجتماعی‌شان به این سطح از خشم رسیده‌اند: «نمی‌توانم در کره شمالی به پیشرفتی نائل شوم»^۱ اکنون یکی از دلایلی است که برای فرار ذکر می‌شود.

خلاصه‌ای از یک انحراف تاریخی

طی دههٔ ۱۵۹۰ میلادی، ژاپن مجموعه‌ای از یورش‌ها را به کره آغاز کرد که این مجموعه یورش‌ها را ایمجین واران^۲ می‌نامند. اوایل قرن هفدهم هم شاهد یورش‌هایی از منچوری بودیم و موجب شد سلسله چوسان به خراج‌گزار سلسلهٔ چینی کینگ در ۱۶۳۷ تبدیل شود. صدها هزار نفر تلف و بسیاری دیگر هم در نتیجهٔ این حوادث آواره شدند. به ناگزیر، بازتنظیم دوباره نظم اجتماعی هم رخ داد.

1. baljeon mothaetta
2. Imjin Waeran

آریستوکراسی حاکم یانگبان^۳ بخشی از قدرت خود را از دست داد و اجازه داد طبقه جدید در حال ظهور از بازرگانان به درجه‌ای از ثروت و منزلت دست یابند، درست مانند امروز که چنین امری در حال رخ دادن در کره شمالی است. آن‌هایی که در طبقه تاجر بودند از وضعیت تغییر یافته برای پیوند با خانواده‌های درون و بیرون از یانگبان بهره بردند یا رشوه می‌دادند تا نامشان در کتاب سوابق خانوادگی یانگبان گنجانده شود تا به این طریق جایگاه خود را تحکیم بخشند. این تحولات به معنای پایان سلسله چوسان یا یانگبان نبود. نتیجه نهایی همانا دمیدن ایده‌های و خون جدید در کالبد نخبگان کره‌ای بود. مقامات و محققان آن زمان به آهستگی زیر نفوذ سیلهاک^۴ (آموزش عملی) قرار گرفتند که بر بهبود اوضاع از طریق علم و تکنولوژی و اصلاحات ارضی - در میان دیگر ابداعات - تأکید می‌کرد. در چنین محیطی، پادشاه یه اونجو^۵ (حکومت از ۱۷۲۴-۱۷۷۶) هدایت کره به سوی دوره‌ای جدید از روشنگری و کامیابی را برعهده گرفت. قحطی نیمه دهه ۹۰ به‌منزله علت فلاکت انسانی و سامان‌یابی اجتماعی دوباره^۶ می‌تواند با غوغای اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ مقایسه شود. یانگبان امروز کره شمالی مقام بالایی دولتی سونگبون - در حال تطبیق با واقعیتی جدید است که در آن ارزشمندترین مقام آنی است که می‌آموزد چگونه کارهای سودآور انجام دهد. با وجود این، یکی از مطلوب‌ترین ازدواج‌ها برای پسر چنین مقامی، دختری از یک خانواده موفق تجارت‌پیشه است. یک طبقه جایگزین طبقه دیگر نمی‌شود؛ بسیار شبیه به اواسط تا اواخر عصر چوسان، آن‌ها در حال ترکیب و ادغام به عنوان بخشی از نظم اجتماعی موجود هستند. افزون بر این، مقام دولتی جوان‌تر و امروزین کره شمالی یک عملگراست که - در قیاس با همتایان کهنسال ترش - در برابر ایده‌های جدید رویکرد بازی دارد.

3. yangban

4. silhak (practical learning)

5. King Yeongjo

6. social re-ordering

این برای آینده چه معنایی دارد؟ البته وضعیت‌ها و شرایط خارجی متفاوت است و تغییر اجتماعی با آهنگ سریع‌تر و غیرقابل مقایسه‌تری نسبت به ۳۰۰-۴۰۰ سال پیش در حال حرکت است. هیچ‌کس انتظار ندارد کره شمالی ۶ قرن دوام بیاورد، مانند سلسله چوسان. با این حال، مقایسه با کره دوران چوسان دست‌کم به این معناست که ما باید اندکی در مقابل ادعاهایی که می‌گویند تغییر اجتماعی در کره شمالی به ناگزیر موجب سقوط رژیم در کوتاه یا میان‌مدت می‌شود، بدبین باشیم. فروپاشی یکی از چندین احتمال است؛ آنچه محتمل‌تر به نظر می‌رسد بازگشایی تدریجی و اصلاح از درون است. در زمینه به حداقل رساندن آلام انسانی، این حتی ممکن است مطلوب‌ترین پیامد باشد.

پیونگ‌یانگ در برابر بقیه

ترکیب اجتماعی پیونگ‌یانگ اشتیاق دولت را به پر کردن پایتخت با وفاداران خود نشان می‌دهد. طی سال‌ها، افراد با سونگبون پایین به مناطق دورافتاده تبعید می‌شدند و این باعث شد پیونگ‌یانگ به پاتوق طبقات بالا تبدیل شود؛ برای مثال در سال ۱۹۷۳، پس از اینکه کیم جونگ ایل مدیر اوجی دی شد، دستور تحقیقاتی سونگبون‌محور را از تمام اعضای حزب کارگران کره صادر کرد. نتیجه نهایی پس از سه سال تحقیق و تلاش، تبعید ۵۰۰ هزار نفر بود. کیم جونگ ایل ۶۰۰ هزار عضو جدید و جوان را که در دهه ۲۰ و ۳۰ عمرشان بودند جایگزین آن ۵۰۰ هزار نفر کرد تا نسلی جدید از نخبگان وفادار به خود را به وجود آورد. این پروژه‌ای ملی و سراسری بود، اما پیونگ‌یانگ آثار آن را بی‌پروا احساس کرد. با این حال، اغراق‌آمیز است ادعا کنیم پیونگ‌یانگ فاقد ساکنانی با پیشینه و منزلت اجتماعی پایین است. در مجموع، فقر فراوان و حتی سوء تغذیه در پیونگ‌یانگ عیان است و این روزها رشوه راه‌حلی خوب برای گریز از فلاکت‌هاست؛ با رشوه می‌توانید به خیلی از خواسته‌های خود برسید؛ اما

بی‌تردید امتیاز بالای زندگی در پایتخت نصیب طبقات بالا و وفاداران به رهبر این کشور می‌شود.

کره شمالی دارای شکاف مرکز پیرامون است که فراتر از مسئله سونگبون می‌رود. توجه دولت و هزینه‌های دولتی - از جمله پروژه‌هایی که هدفشان معطوف به جلب توجه دیگران است - مانند پارک موزه‌ها به شیوه ناعادلانه و بی‌تناسبی به پایتخت متمرکز شده است. با وجود این، در چشم مردم کره شمالی، پیونگیانگ خاص است؛ کودکانش از اینکه به سفرهای مدرسه‌ای بروند هیجان زده‌اند و رشوه‌ای که برای ورود به پیونگیانگ داده می‌شود بسیار گران‌تر از رشوه‌ای است که برای رفتن به جای دیگر داده می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی مهمی هم وجود دارد که ارتباط چندانی با سیاست ندارند. ساکنان سئول^۱ گاهی روستائیان کره جنوبی را چون نوم^۲ می‌نامند (چیزی مانند «روستایی نادان») یا «دهاتی هالو») و به این ترتیب، یک پیونگیانگی که از حومه شهر یا روستاها بازدید می‌کند، احتمالاً با دیده تحقیر به بومی‌ها می‌نگرد. این حومه‌نشینان یا روستائیان هم به شما خواهند گفت که پیونگیانگی‌ها آدم‌هایی سردند و تنها با کسانی طرح رفاقت می‌ریزند که نفعی برایشان داشته باشند؛ یعنی آن فرد برای آن‌ها مفید باشد. دقیقاً همین توصیف را روستائیان کره جنوبی از مردم سئول بر زبان می‌آورند.

دهاتی‌ترین و روستایی‌ترین جا احتمالاً استان کانگ وون^۳ است که به دو منطقه غیر نظامی تقسیم می‌شود. (۷) مردم کانگ وون به‌طور کلی هم از تغییرات مهم اجتماعی که در شهرهای شمال شرقی مانند چونگجین انجام می‌گیرد و هم از سرمایه‌داری خصوصی - دولتی و مصرف آشکار پیونگیانگ دور هستند، گویی مطرودترین و دورافتاده‌ترین مردمان اند. آن‌ها فاقد

1. Seoulites
2. chon-nom
3. Kangwon

اطلاعات^۱ هستند و در نتیجه احساسات ناب‌تری از وفاداری به نظام دارند تا شهروندان این دو شهر مذکور.

برخی فراریان ساکنان کانگ وون و دیگر همشهری‌هایشان (۸) را سانجین هائه^۲ (ساده‌لوح، پشت‌کوهی^۳) در مقابل ککائن سارامدول^۴ (تحت‌اللفظی یعنی «مردمی که از خواب برخاسته‌اند») یا «روشن شده‌اند»^۵ مثلاً از واقعیت کره‌شمالی خبر دارند) نامیده‌اند که به شکلی غالب در شهرها و شمال شرق حضور دارند. اگر طغیانی هم در کره‌شمالی وجود داشته باشد، این طغیان بیشتر در چونگجین خواهد بود تا کانگ وون. درحالی‌که هم پیونگ‌یانگ و هم شمال شرق مملو از «روشن‌شدگان» است، کسانی که در پیونگ‌یانگ هستند از تحمل تناقضات سیستم کره‌شمالی نفع بسیار بیشتری می‌برند، زیرا آن‌ها شهروندان «امتیازمند» و دارای «منزلت» پایتخت هستند. با وجود این، شمال شرقی‌ها کسانی هستند که بیشترین تحقیر و سرخوردگی نصیب آن‌ها شده است. وقتی سیستم توزیع عمومی شروع به از هم گسستن کرد، هر دو استان شمال شرقی هامگیونگ شمالی و ریانگ گانگ (در کنار هامگیونگ جنوبی) در زمرهٔ اولین استان‌هایی بودند که «باختند» و تمام آنچه به آن‌ها داده می‌شد به طور کامل در ۱۹۹۴ متوقف شد. کیم جونگ ایل بارها نفرت شخصی خود از هامگیونگ شمالی را ابراز می‌کرد و آنجا را منطقه‌ای شورشی و دشمن منافع و امیال خود می‌دید. تصادفی نیست که هامگیونگ شمالی مدت‌هاست تبعیدگاه عناصر نامطلوب سیاسی تلقی می‌شود. این استان، دورترین استان از پیونگ‌یانگ است و بهترین جا - از نگاه رژیم - برای کسانی است که هیچ اطمینانی به آن‌ها وجود ندارد.

۱. نویسندگان از آن با عنوان زیان اطلاعاتی یا informational disadvantage یاد می‌کنند.

2. sunjinhae
3. pure, naive
4. kkaen saramdeul
5. the enlightened

این دو استان تعامل زیادی هم با چین دارند. طیف گسترده‌ای از کالاها از جمله دی.وی.دی‌ها و یو.اس.بی‌ها که فیلم‌های خارجی و مدهای غیرقانونی دارند، ابتدا از چین وارد شمال شرق می‌شود. همچنین تصادفی نیست که حجم نامتناسبی از فراریان از هامگیونگ شمالی و ریانگ گانگ هستند و این نیست مگر به خاطر نزدیکی جغرافیایی و باریکی جاهایی مانند رودخانه تومن؛ راه آبی که این دو کشور را از هم جدا می‌کند. فراریان اسکان یافته البته پول و اطلاعات برای خویشان خود در کره شمالی می‌فرستند و در نتیجه فاصله روان‌شناختی میان این خویشان بازمانده در شمال شرق و دولت مستقر در پیونگیانگ را افزایش می‌دهند. از بعد خویشاوندی، ساکنان هامگیونگ شمالی با ابزار و ادوات خود به حال خویش رها شده‌اند. به همین دلیل است که زنان آنجا لباس‌های مُدتری می‌پوشند و حفظ نظم پلیسی در آنجا نسبت به جاهای دیگر شُل و ول‌تر است. به عنوان قاعده‌ای کلی، ساکنان هامگیونگ شمالی با معیارهای کره شمالی زندگی به نسبت آزادتری دارند، البته تا وقتی کاری انجام ندهند که دولت آن را تهدید بینگارد. دو استان دیگر هم مرز با چین هم هست به نام‌های چاگانگ^۶ و پیونگان شمالی.^۷ این دو استان در شمال غرب کشور هستند، اما چندان هم از پیونگیانگ دور نیستند. امنیت مرزی در این دو استان عموماً سخت‌تر است و سرمایه‌گذاری‌های مالی و روان‌شناختی از سوی دولت در آنجا بیشتر است.

اقلیت قومی چینی یا هواگیو

کره شمالی مدعی است که به لحاظ قومی منسجم‌ترین کشور دنیاست. اگرچه ممکن است این ادعا تا حدی درست باشد، چنین ادعایی این حقیقت را نادیده می‌گیرد که کره شمالی به‌راستی دارای اقلیت کوچک چینی با عنوان هواگیو است

6. Chagang

7. North Pyongan

که در این کشور زندگی می‌کنند. طی سال‌ها، دولت کره‌شمالی کوشیده تا از شر آن‌ها خلاص شود (البته به شیوه‌ای که موجب خشم پکن نشود) به چه شکل؟ با دامن زدن به ملی‌گرایی قومی افراطی که بازتاب ذهنیت رژیم است. با این حال، ۸ تا ۱۰ هزار هواگیو همچنان باقی‌اند و میان پیونگ‌یانگ و شهرهای شمالی مانند سینویجو و چونگجین پخش هستند. این چینی‌ها که از تبار مهاجران قرن ۱۹ هستند و پاسپورت کره‌شمالی را هم دارند در قیاس با شمار عددی خود و با وجود جایگاهی که به عنوان خارجی دارند، نفوذ فوق‌العاده‌ای بر جامعه و تجارت کره‌شمالی دارند. قبل از اینکه دنگ شیائوپینگ فرایند بازگشایی درهای چین را شروع کند، استاندارد زندگی کره‌شمالی مورد حسادت چینی‌های میانه‌حال بود. افزون بر این، وحشت انقلاب فرهنگی دهه ۶۰ بدین معناست که هواگیوها واقعاً خوشحال بودند که در کره‌شمالی هستند؛ کشوری که در آن زمان به نسبت باثبات‌تر، پایدارتر و روندی رو به بهبود داشت. با این حال، در درون کره شمالی، هواگیوها در زمره فقیرترین اعضای جامعه بودند. پیوستن آن‌ها به حزب کارگران کره به خاطر منشأ قومی‌شان ممنوع بود و بنابراین از بعد چشم‌انداز شغلی هم محدودیت داشتند. پیران کره‌شمالی می‌توانند گدایان چینی را در خیابان‌های شهرشان به خاطر آورند.

در دهه ۸۰، بخت و اقبال به این اقلیت هواگیو رو کرد و وضع آن‌ها را دگرگون ساخت، آنگاه که به آن‌ها حق دیدار از چین به میل و اراده خودشان و نیز حق دیدار اقوام چینی‌شان در کره‌شمالی به آن‌ها داده شد. در آن زمان، تعداد معدودی از مردم کره‌شمالی قادر به ترک کشور بودند و این بدین معنا بود که به هواگیوها انحصار تجارت خصوصی با غول جدید سرمایه‌داری [چین] داده شد و آن‌ها را به ثروتمندترین گروه قابل‌شناسایی خارج از حلقه نخبگان در کره‌شمالی تبدیل ساخت. آن‌ها صدف و غذاهای دریایی را از کره‌شمالی به چین می‌بردند و کالاهای الکتریکی و لباس با خود بازمی‌گرداندند. (۹) وقتی قحطی در نیمه دهه

۹۰ لطمه‌های خود را وارد ساخت، هواگیوها شروع به وارد کردن مواد غذایی به کره‌شمالی کردند.

از این رو، زمانی که مردم کره‌شمالی بزرگ‌ترین دوران سختی و عسرت را تجربه می‌کردند، چینی‌های کره‌شمالی یا کره‌شمالی‌هایی که از تبار چینی‌های مهاجر بودند، از ثروت و منزلت برخوردار بودند و این امر شرایط و فرصت‌های کاملاً در حال تغییر در هر دو کشور را بازتاب می‌داد؛ حتی امروز هم که کره‌شمالی در مسیر اقتصاد بازار قرار گرفته است، هواگیوها توانسته‌اند امتیازات خود را حفظ کنند. آن‌ها ثروتمندترند و ارتباطات بهتری با چین دارند. این موضوع به آن‌ها در قیاس با دیگر تاجران دست برتر را می‌دهد. هواگیوها همچنین منبع قابل اعتمادی از انواع تولیدات و اطلاعاتی هستند که دولت کره‌شمالی به شدت می‌کوشد مانع دستیابی شهروندانش به آن‌ها شود. همچون تاجران و سوداگران دیگر، آن‌ها فیلم‌های دی.وی.دی امریکایی، چینی و کره‌جنوبی و سریال‌های نمایشی را با خود می‌آورند؛ تلفن‌های همراه چینی را وارد می‌کنند و آزادانه تنظیمات رادیویی و تلویزیونی را به هر سو که بخواهند می‌چرخانند. از سوی دیگر، هواگیوها مهم‌ترین جابه‌جاکنندگان صادرات غیرقانونی عتیقه‌های ربوده‌شده از گورها و مراکز باستان‌شناختی در دهه ۹۰ بودند. این کاسبی کاملاً لوکس بود؛ بومی‌ها گلدان‌های گلی چندهزارساله کوریو چئونگ‌جا را فقط با ۵۰ دلار به دست آن‌ها می‌رساندند، اما در آن زمان این اشیاء از طریق چین به سئول می‌رسید و به ۵ هزار دلار یا بیشتر فروخته می‌شدند. این تجارتی بود که موجب خشم مقامات می‌شد؛ دلالان، معامله‌گران و به یغمابرندگان این اشیاء اعدام می‌شدند.

افزون بر این، این هواگیوها به عنوان شهروندان خارجی ملزم نبودند در جلسات تبلیغی - توجیهی حضور یابند یا حتی فرزندان خود را به مدارس

کره شمالی بفرستند. آن‌ها مجاز بودند آنتن رادیوی خود را به هر سو که می‌خواهند بچرخانند و به هر چه دوست دارند گوش دهند. از این رو، هواگیوها هیچ دلیلی ندارند که ککائین سارامدول باشند. آن‌ها با امتیاز دیدار آزادانه از چین و باز شدن چشم و گوششان، کاملاً آگاه بودند که اگر بخواهند استاندارد زندگی مردم کره شمالی را بهبود بخشند، مقامات کره شمالی دست به چه کاری خواهند زد. آن دسته از مردمان کره شمالی هم که با این اقلیت چینی در تماس بودند به این مسئله واقف بودند. به نوعی، دانش و آگاهی از چین خرابکارانه‌تر از دانش و آگاهی از کره جنوبی تلقی می‌شود. اگرچه بیشتر مردم کره شمالی می‌دانند که جنوبی‌ها از آن‌ها بسیار ثروتمندترند، همچنان محتمل است مقامات شمالی، پسرعموهای جنوبی را ابزار دست امریکا یا کشوری که «روح خود را فروخت» بنامند. از سوی دیگر، چین با سیستم اقتصادی مشابه گویی نقش برادری را داشت که دست در دست کره شمالی دارد. چینی‌هایی که خود روزگاری در فقر بودند، اکنون پیشرفتی عظیم را با کنار زدن سیستم اقتصادی پیشین تجربه می‌کنند و مردمانش زندگی بسیار بسیار مرفه‌تری نسبت به مردمان کره شمالی دارند. کره شمالی این را امری خاصه آزاردهنده می‌یابد و به دروغ ادعا می‌کنند فقرشان نتیجه بلایای طبیعی یا وضعیت سخت ژئوپلیتیکی کشورشان است. شاید به همین دلیل گفته شود دولت به دنبال رصد و نظارت بر هواگیوها و سرکوب فعالیت اقتصادی‌شان است.

پی‌نوشت‌های فصل هفتم

۱. کره‌شمالی درحقیقت از برچسب کمونیستی پرهیز داشته و در عوض کوشیده است تا نوعی مکتب سیاسی - فکری مختص به خود را در قالب جوچه یا خوداتکالی به وجود آورد. اگرچه درنهایت مجسمه‌های مارکس و لنین از میدان کیم ایل سونگ در دهه ۲۰۱۰ برداشته شد، کسانی که در دولت‌های سابق شوروی بزرگ شدند می‌گویند قدم زدن در خیابان‌های پیونگیانگ گویی آن‌ها را سوار بر ماشین زمان به گذشته می‌برد.
۲. تعداد زیادی در کره جنوبی هستند که ادعاهایی قدیمی به زمین در کره‌شمالی دارند. در دوران اتحاد، مسئله چگونگی پرداختن به این ادعاهای فراوان به مسئله‌ای مهم تبدیل خواهد شد.
۳. دکتر اوه کانگدان از مؤسسه بروکینگز گفته است که ۴۰ درصد واقع‌گرایانه‌تر است.
۴. جالب اینکه کیم کیونگ هویی و جانگ سونگ تانگ در این مورد استثنا بودند. جانگ از خانواده‌ای می‌آمد که پیشینه‌ای معمولی داشت؛ بنابراین کیم ایل سونگ با ازدواجشان مخالفت کرد. کیم کیونگ هویی حرف پدر را رد کرد و درنهایت کیم ایل سونگ با غرغر ازدواج دخترش را با دامادی از طبقه پایین پذیرفت. در مورد همسر [یا همنشین] کیم جونگ ایل یعنی کویونگ هویی (مادر کیم جونگ اون) هم مسئله‌ای مشابه بروز کرد. پدر کویونگ هویی سال‌ها در ژاپن زندگی می‌کرد و در کارخانه‌ای کار می‌کرد که مالک آن وزارت جنگ ژاپن بود. برخلاف کیم جونگ سوک، مادر کیم جونگ ایل، تلاش‌ها برای تبدیل کویونگ هویی به مادر ملت با شکست مواجه شد، البته تا حدودی به خاطر پیشینه او در طبقه دشمن.
۵. می‌توان این را با کلمه «تقریباً» در مورد کره جنوبی مورد ملاحظه قرار داد، چنان‌که هم‌دستان سابق ژاپنی توانستند از دولت نظامی امریکا و سپس از دولت سینگمان ری نفعی بدست آورند.
۶. با وجود این، باید توجه کرد که این نوع قوم و خویش پرستی در کره‌شمالی منحصر به فرد نیست.
۷. مردم کانگ وون در سمت کره جنوبی هم گاهی مردمی صاف و ساده یا ساده لوح تلقی می‌شوند چنان‌که در فیلم «به دونگ‌ماک گول خوش آمدید» (۲۰۰۵) دیده می‌شود.
۸. غیر از این حقیقت که زمین‌داران قدیمی و سیستم مستأجری از میان رفته است، زندگی در کره‌شمالی بسیار شبیه به زندگی ۱۰۰ سال پیش است. کشاورزان زمین را با خیش و گاو شخم می‌زنند و با دست حفر می‌کنند. کود هم چندان سطح بالا نیست. برخلاف پیونگیانگ

(یا سئول در همین رابطه) اجتماع و زندگی خانوادگی بسیار درهم تنیده است. جالب اینکه احتمالی هست که طی ۱ یا ۲ دهه آینده مشاهده خواهیم کرد و مشخص خواهد شد کشاورزان پیشگام اصلاح در کره شمالی بودند. براساس دستورالعمل ۶/۲۸ که ابتدا در سال ۲۰۱۲ اعلام شد، کشاورزان اکنون اجازه دارند ۳۰ درصد از محصول را برای خود بردارند. محصولات به شدت زیاد شده است؛ دنگ شیائوپینگ این را می‌پذیرد.

۹. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک.: مقالهٔ جامعهٔ چینی در کره شمالی، نوشتهٔ آندریی لانکوف در این آدرس:

http://www.koreatimes.co.kr/www/news/opinion/13968_166/02/2009.html

سخن آخر

آیا کره شمالی فرو می‌پاشد؟

چنان که دیدیم، آن دسته از مردم کره شمالی که پا از خطوط مربوط بیرون بگذارند با تهدیدی از جانب یکی از خشن‌ترین و بی‌رحم‌ترین نظام‌های کیفی در جهان امروز مواجه می‌شوند؛ اما به یمن گسست کامل قرارداد اجتماعی در این کشور در بحبوحه قحطی، مردمان این کشور هرچه بیشتر قواعد دولتی اقتصادی و رفتارهای اجتماعی را نادیده می‌گیرند. افزون بر این، مقام‌هایی که کارشان اجرا یا تبعیت طلبیدن اجباری است به اندازه شهروندان معمولی پرخاشگر و تندخویند. معمولاً، رشوه حلال مشکلات در کره شمالی است. نظام جدید کره شمالی ناعادلانه و داروینی است، اما حداقل به افراد میانه‌حال فرصت کسب روزی بخور و نمیر را می‌دهد. افزون بر این، نظام کره شمالی نظامی است که چنان استحکام و استقرار یافته است که خود دولت هم باید با آن خود را مطابقت دهد، چه بخواهد و چه نخواهد. این شامل ارائه دستمزد در کارخانه‌های ملی فولاد است که قیمت‌های واقعی بازار را بازتاب می‌دهد؛ اجازه به کشاورزان برای حفظ مقداری از محصول تولیدی‌شان و اجازه به مردم برای پرداخت هزینه‌شان بدون استخدام در دولت. از این رو سوداگران خصوصی هم اجازه کار آزادانه یافته‌اند. رژیم احساس می‌کند مجبور است همین مسیر را دنبال کند، درست همان‌گونه که مجبور است عصری جدید از موفقیت، کامیابی و مصرف‌گرایی را برای مردم کره شمالی در تبلیغات خود دامن زند.

دولت کره شمالی اساساً ورشکسته است. سیستم توزیع عمومی برای اکثر مردم این کشور مرده است. بازاری شدن تنها چیزی است که مانع تجربه فاجعه جدید برای مردم کره شمالی شده است و به این ترتیب، دولت باید آن را در سطوح حداقلی ببیزد تا فروپاشی را به تعویق اندازد، اما اکنون توپ‌ها به حرکت درآمده‌اند و کسی نمی‌داند این توپ‌ها کجا متوقف خواهند شد. با تمام این تفاسیل، نویسندگان در مورد احتمال فروپاشی رژیم همچنان تردید دارند. تعداد زیادی از ناظران تحولات کره شمالی فروپاشی و اتحاد دوباره به رهبری سئول را

دهه‌هاست پیش‌بینی کرده‌اند، اما ناامید شده‌اند. همان‌طور که ذکر شد، کنترل سیاسی هنوز هست و هرگونه مانعی در برابر این کنترل به شدیدترین وجه ممکن سرکوب می‌شود. مضاف بر این، طبقه جدید و در حال ظهور سرمایه‌دار عموماً از طریق ازدواج و پیوندهای اقتصادی به دنبال ملحق شدن به نخبگان حاکم و نه تضعیف آن‌ها هستند. نخبگان بیشترین دسترسی‌ها را به فرصت‌های اقتصادی جدید دارند و همین، به این نخبگان قدرتمند این انگیزه را می‌دهد که در جست‌وجوی تضعیف نظام نباشند؛ حتی در بحبوحه اعدام آشکار بی‌ثبات‌کننده جانگ سونگ تائک، شواهد اندکی وجود داشت که رژیم در آستانه فروپاشی است. بحث جانشینی کیم جونگ اون فعلاً مطرح نیست، تبلیغات و رسانه‌ها در همه‌جا از او حمایت می‌کنند و ائتلاف مردان قدرتمند پیرامون او دارای قدرت و کنترل است، البته دشوار است بگوییم کدام‌یک از این گروه‌های قابل شناسایی - اوجی‌دی و خانواده کیم که در کنار هم ارکان قدرت را در این کشور تشکیل می‌دهند - دست برتر دارند یا اینکه وضعیت روابط میان این دو چگونه است؛ اما می‌توانیم بگوییم هیچ‌گروه دیگری ظرفیت سازمانی برای به چالش کشیدن این وضعیت را ندارد. اگرچه ممکن است موجب سرخوردگی باشد، وضعیت آمادگی برهم خوردن را دارد. در عین حال، محیط وسیع ترژئوپلیتیکی که کره شمالی در آن زندگی می‌کند به طرز شگفتی به خوبی توازن یافته است. با وجود برداشت رایجی که پیونگ‌یانگ‌نشین دیوانه می‌تواند دست به حمله هسته‌ای به کره جنوبی یا امریکا بزند، نظام رهبری در این کشور مطلقاً انگیزه‌ای برای چنین اقدام خود انتحاری ندارد. رهبری کره شمالی شاید شایسته بسیاری از القاب باشد، اما بی‌منطقی را نمی‌توان در زمره ویژگی‌های این کشور برشمرد. افزون بر این، امریکا و کره جنوبی هم برای حمله به کره شمالی بی‌انگیزه‌اند. شاید مهم‌ترین عامل در این بی‌انگیزگی، برنامه هسته‌ای کره شمالی و حمایت چین از وضع موجود باشد. پکن ممکن است این روزها از دست پیونگ‌یانگ ناراضی باشد، اما تداوم بقای

کره شمالی به نفع استراتژیک چین است. علاوه بر این، آن‌هایی که ادعا می‌کنند تحریم‌ها می‌تواند کره شمالی را به آستانه از هم گسستن نزدیک کند، این حقیقت را نادیده می‌گیرند که پیونگیانگ سالهاست با کالاهای لوکس همنشین است و با وجود سال‌ها محدودیت، از رشد اقتصادی بهره می‌برد. از این رو، نویسندگان بر این باورند که محتمل‌ترین سناریو برای کره شمالی در کوتاه و میان‌مدت بازگشایی تدریجی کشور تحت رهبری رژیم فعلی است؛ اما کره شمالی، این بهشت سوسیالیستی سودمحور، فئودالی و سنتی کره‌ای سالهاست که از قدرتی متعجب‌کننده برخوردار است. هیچ‌کس به‌راستی نمی‌داند ۱۰-۲۰ سال آینده کره شمالی واقعاً چگونه خواهد بود. با وجود این، ما همچنان تحولات این کشور را با ترکیبی از امید و ناامیدی رصد می‌کنیم.

پیوست‌ها

قلب امریکا در تیررس موشک‌های پیونگ‌یانگ

۱. کابوس واشنگتن

روزی که نظامیان کره شمالی موشک هواسنونگ - ۱۴ را پرتاب و اعلام کردند اکنون قلب امریکا و شهرهای لس‌آنجلس و شیکاگو در تیررس موشک‌های آن‌هاست، امریکایی‌ها گمان نمی‌کردند روزگاری فرا رسد که یک کشور جهان‌سومی آن‌هم در اشل کره شمالی بتواند یا جرئت کند از حمله اتمی به خاک امریکا سخن گوید. شاید اگر کشور دیگری در اشل یک قدرت بزرگ چنین تهدیدی بر زبان می‌راند هضم آن از سوی امریکایی‌ها راحت‌تر بود و کمتر به غرور اتمی آن‌ها برمی‌خورد؛ اما موشک شلیک شد و کشوری که سودای قدرت دارد و پروای هیچ‌چیز جز ماندن ندارد کار را به جایی رساند که کسی را یارای حمله به او نباشد. رسانه‌های امریکایی به کاخ سفید و تصمیم‌سازان امریکایی هشدار دادند که «شلیک موشک‌های قاره‌پیما از سوی کره شمالی، این کشور را وارد باشگاه کوچکی از کشورها کرده است که نه‌تنها قادرند آلاسکا و هاوایی را هدف قرار دهند، بلکه می‌توانند موشک‌های خود را مسلح به کلاهک‌های اتمی کنند» و برخی دیگر از شهرهای امریکایی را نیز هدف قرار

دهند. بسیاری از محافل سیاسی و آکادمیک در امریکا و شرق آسیا نه تنها از جدی بودن تهدید کره شمالی سخن به میان می آورند، بلکه این پرسش را مطرح می کردند که امریکا چه گزینه هایی در برابر کره شمالی دارد؟ آیا از امکان حمله نظامی متعارف یا حمله اتمی برای تخریب زیرساخت های نظامی این کشور برخوردار است؟ یا باید «کج دار و مریز» به پیش برود و همچنان به چینی ها و تحریم ها متوسل شود؟

کره شمالی کابوس واشنگتن است. امریکایی ها از عبارتی ضرب المثل گونه استفاده می کنند و می گویند: «آدم مرده به پول نیاز ندارد»^۱. مضمون این سخن این است که مردمان کره شمالی در قاموس رهبران این کشور مردگانی بیش نیستند. تنها چیزی که برای رژیم پیونگیانگ مهم است «بقا به هر قیمت است». رهبران پیونگیانگ می دانند راز بقای آن ها در دنیای فعلی سلاح هسته ای است؛ بنابراین می دانند بدون تسلیحات هسته ای مصداق همان ضرب المثل می شوند. سران پیونگیانگ با علم به تجربیات برخی کشورها می دانند هم در برابر حمله خارجی آسیب پذیرند (مثل صدام حسین) و هم شرایط داخلی مستعد طغیانی تمام عیار است (مثل سوریه در دوران بشار اسد و برخی مثال های مشابه دیگر). رهبران این کشور با وقوف به سرنوشت دیکتاتورهای دنیا می دانند در صورتی که یک گام عقب نشینی کنند باید دومینووار عقب بروند؛ بنابراین فروپاشی اجتناب ناپذیر می شود. به همین دلیل، در نهایت بی پروایی آماده نشان دادن سخت ترین واکنش ها به هرگونه حمله نظامی هستند.

اگر در دوران جنگ سرد، شوروی - امریکا دو خصمی بودند که عقلانیت استراتژیک داشتند و پس از رسیدن به آستانه استراتژیک از مواضع خود عقب می نشستند تا مبادا دنیا وارد جنگ هسته ای شود، رهبران پیونگیانگ ظاهراً

1. Andrei Lankov (1 August 2017), US options on North Korea: It's a choice between bad and worse, <http://edition.cnn.com/31/07/2017/opinions/north-korea-freeze-andrei-lankov/index.html>.

فاقد این دو عنصرند و تنها به بقا می‌اندیشند. در قاموس رهبران کره شمالی، جهان امروز جهانی هابزی است که همه گرگ هم هستند؛ بنابراین برای بازداشتن گرگ‌ها از حمله به طعمه‌ای که کره‌شمالی می‌نامندش، دستیابی به سلاح هسته‌ای تنها راه برای بقاست. سازمان‌های اطلاعاتی امریکا بر این باورند که هرگونه حمله نظامی به این کشور ممکن است با پاسخ کوبنده کره‌شمالی به همسایگانش مواجه شود؛ بنابراین، رعایت مصالح و منافع امریکا می‌طلبد که این کشور فعلاً دست به حمله نظامی نزند.

سناریوهای مهار کره‌شمالی ظاهراً محدود است. یک دیدگاه بر این باور است، همان‌طور که دونالد ترامپ با دستان بسته پیش می‌آید و اجازه نمی‌دهد کسی دستش را بخواند، کره‌شمالی نیز به همین سبک عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد کسی کارت‌هایش را ببیند. هدف نهایی کره‌شمالی روشن است، دستیابی به توانایی هدف قرار دادن امریکا، چنین هم شد. برخی ناظران بر این باورند که «رهبر کره‌شمالی بازیگری معقول است که به دنبال بقاست و توانایی هدف قرار دادن امریکا ضامن آن بقاست. درعین حال، هدف قرار دادن امریکا می‌تواند ضامن نابودی او نیز باشد». ^۱ امریکایی‌ها معتقدند در هیچ زمانی به اندازه این روزها سلاح هسته‌ای را بی‌اثر نیافته‌اند. کره‌شمالی چنان مفهوم «بازدارندگی» را به سخره گرفته که گویی این مفهوم از معنا تهی شده است، چرا که اگرچه امکان برخورد نظامی با تسلیحات متعارف است، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای میسر نیست. هیچ‌کس غیر از حلقه درونی «اون» نمی‌داند پس پرده چه می‌گذرد. شاید این حلقه درونی نیز نمی‌داند در پس ذهن «اون» چه می‌گذرد. آیا او اصلاً با برنامه‌ای حساب‌شده پیش می‌رود یا سیاست «از این ستون به آن ستون فرج است» را در پیش گرفته است؟ اگر در سال ۱۹۸۶ حدود

1. Jonathan Cristol (31 July 2017), Trump's reaction to North Korea cannot be nuclear, <http://edition.cnn.com/31/07/2017/opinions/trump-reaction-north-korea-cristol-opinion/index.html>.

۴۰ هزار کلاهک هسته‌ای شوروی به سوی امریکا نشانه رفته بود. امروز حدود ۱۷۰۰ کلاهک هسته‌ای روسی به سوی امریکا نشانه رفته است که ظرف ۲۰ دقیقه می‌تواند ده‌ها میلیون کشته بر جای بگذارد.^۲ در کنار روسیه، کره شمالی نیز تهدیدی دیگر است که موشک‌هایش به برخی شهرهای امریکا می‌رسد. اگرچه در قاموس امریکایی‌ها، این تهدیدات بزرگ‌نمایی بیش نیست، بیش از امریکا، متحدان آسیایی ایالات متحده ممکن است از تهدید جنگ متأثر شوند.

در طرف امریکایی نیز جنگ کره به مثابه کابوس تلقی می‌شود. ران پاول، سناتور امریکایی، در مقاله‌ای که برای مؤسسه ران پاول نوشت، به نقل از یک منبع در پنتاگون که نخواست نامش فاش شود می‌گوید: «ترامپ احتمالاً طی یک سال آینده فرمان حمله نظامی را صادر کند.» او می‌نویسد: «مردم امریکا به این دلیل به ترامپ رأی دادند که او را در برابر مشارکت امریکا در جنگ‌های منطقه‌ای بی‌میل یافتند.» ران پاول می‌نویسد: «در مطالعه‌ای که از سوی دانشگاه بوستون و دانشگاه مینه‌سوتا انجام گرفت نشان داده شد که ترامپ به این دلیل رأی آورد که از تلفات گسترده امریکایی‌ها بکاهد. کسانی که به او رأی دادند از ایالت‌های مردد و یسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان بودند. اگر او امریکا را وارد جنگی دیگر (مثلاً جنگ با کره شمالی) کند معلوم نیست تبعات آن در قیاس با جنگ‌های عراق و افغانستان چقدر خواهد بود. این جنگ احتمالاً میلیون‌ها کشته خواهد داشت و چندین کشور را درگیر خواهد کرد. کشوری که بقای خود را با سلاح هسته‌ای گره زده باشد، هیچ‌گونه تهدیدی را بر نمی‌تابد و بی‌تردید واکنشی که نشان خواهد داد تنها محدود به امریکا نخواهد بود؛ بلکه در گام اول سئول متضرر خواهد شد.»^۳

2. Ibid., Jonathan Cristol.

3. Ron Paul (31 July 2017), North Korea or Iran...Where Will President Trump Attack First?, <http://www.ronpaulinstitute.org/archives/featured-articles/2017/july/31/north-korea-or-iran-where-will-president-trump-attack-first/>

۲. آیا پیونگ یانگ پیش پای قدرت‌های بزرگ قربانی می‌شود؟

«کره شمالی و امریکا با شمشیرهای از نیام برکشیده به دنبال انتقام از یکدیگرند و ابرهای سیاه و توفانی بر فراز منطقه دیده می‌شود.»^۱ این بخشی از سخنان وانگ یی، وزیر خارجه چین، است در مورد مانور قدرت امریکا و کره شمالی که هر دو در مسیر تقابل و رودرویی نظامی قرار گرفته‌اند.^۲ این مقام چینی که با نگرانی تحولات شبه‌جزیره را دنبال می‌کند و مقامات کشورش در تماس هرروزه با کاخ سفیدند می‌گوید: «اگر جنگ شروع شود، بار این مجرمیت تاریخی بر دوش امریکا و هر دو کره خواهد بود و باید هزینه این کار را بپردازند». برخی بر این باورند بخشی از بحران شبه‌جزیره کره ریشه در سیاست‌های پکن دارد. آن‌ها می‌گویند سیاست یک بام و دو هوای چین و بندبازی با امریکا و کره شمالی باعث شد وضعیت به اینجا برسد. اگر پکن زودتر دست به کار شده بود، کسب امتیاز از طرفین را رها می‌کرد، سیاست روشنی در قبال شبه‌جزیره داشت. شبخ جنگ بر فراز شبه‌جزیره دیده نمی‌شد. متخصصان امریکایی بر این باورند که لفاظی‌های وزیر خارجه چین در راستای انداختن بار مسئولیت بر دوش امریکایی‌هاست تا اگر اتفاقی رخ داد، خود شانه خالی کند و امریکا را مقصر اعلام کنند.

میراث خاندان کیم در دست فرزند چموش

این روزها تن کیم ایل سونگ پایه‌گذار این کشور در گور می‌لرزد، زیرا کشوری که او و فرزندش کیم جونگ ایل با چنگ و دندان نگه داشتند و از بحران‌ها عبورش دادند و دو دستی تقدیم کیم جونگ اون کردند، ممکن است از سوی این نواده و

1. Gerry Mullany (14 April 2017), Chris Buckley & David E. Sanger, China Warns of 'Storm Clouds Gathering' in U.S.-North Korea Standoff, <https://www.nytimes.com/14/04/2017/world/asia/north-korea-china-nuclear.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fasia&mtref=www.nytimes.com&gwh=39A121582A5C8EB8D4FFB3C38E71F773&gwt=pay>

2. Op cit

فرزند چموش بر باد رود. برخی با خوش بینی مفرط از این احتمال دم می‌زنند که ممکن است دو کره یک گام به اتحاد نزدیک شوند. اکنون سیاست هراس افکنی به یکی از ابزارهای سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. کشورهای صاحب قدرت با «اهریمنی جلوه دادن» برخی رهبران جهان سوم و بسیج رسانه‌ای علیه آنان، حربه لازم برای سرنگونی یا برخورد نظامی با آن‌ها را فراهم می‌کنند. امروز جهان، جهان منافع و سیاست است، نه رفاقت‌ها و دوستی‌ها. آنجاکه کشوری پا از حریم خود فراتر بگذارد و به تهدید دیگران بپردازد و افزون بر آن فاقد ابزارهای قدرت هم باشد، باید هزینه تهدیدات خود را با قربانی شدن پیش پای قدرت‌های بزرگ بپردازد.

از چین در مقام حامی و تکیه‌گاه کره شمالی یاد می‌شود؛ اما آیا چین تا ابد حاضر است هزینه تهدیدات «اون» را بپردازد و منافع و بده و بستان‌های خود با ابرقدرت را فدای کشوری دست چندی کند؟ واقع‌گرایی چنین چیزی را رد می‌کند. چنین است که رسانه‌هایی مانند نیویورک تایمز از معامله پشت پرده مقامات چینی با واشنگتن بر سر پیونگیانگ خبر می‌دهند و می‌نویسند: «شاخوشانه‌های چین احتمالاً ژستی سیاسی است.» این روزنامه امریکایی می‌نویسد: «اگرچه شی جین پینگ خواستار خویشن‌داری طرفین و جلوگیری از برخورد نظامی شده است، در دیداری که رهبران چین و امریکا در حدود ۷ آوریل در مارالاگو - فلوریدا - داشتند، به نوعی درک مشترک یا توافق رسیدند تا رفتار کیم جونگ اون را تغییر دهند.^۳ چینی‌ها اگرچه خواستار برخورد نظامی تمام‌عیار نیستند، از نشان دادن ضرب شست از سوی قدرتی دیگر استقبال می‌کنند. چینی‌ها سیاست‌بازان ماهری‌اند، حتی از درگیری‌های نظامی نیز به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند. در پس ذهن رهبران پکن ظاهراً این اندیشه در غلیان است که از یک سو، حمله محدود نظامی امریکا ممکن است پیونگیانگ را

3. Ibid., Gerry Mullany, Chris Buckley & David E. Sanger

گوشمالی دهد، از سوی دیگر، خودشان دست به کار اقدام نظامی نشده‌اند و بعدها می‌توانند به رهبران پیونگیانگ بگویند: «به توصیه‌های ما گوش نکردید.» در این دیدار، چینی‌ها پذیرفتند به برخورد با بانک‌های درجه دو بی‌پرواوند که به تأمین مالی تجارت کره‌شمالی می‌پرداختند. ترامپ تلاش زیادی کرده است تا تحریم‌های سختی بر پیونگیانگ اعمال کند و پکن نیز در این زمینه تلاش کرده است تا موانعی در تجارت کره‌شمالی با خود به وجود آورد، اما دومین گام چیست؟ ظاهراً پس از اقدام اقتصادی، همکاری اطلاعاتی هم میان پکن - واشنگتن شروع شده است. اقدامی که در نوع خود بی‌نظیر است. این اقدام اطلاعاتی شامل توافق بر سر به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد کشتی‌های مظنون حامل اسلحه و سایر کالاهای غیرقانونی است. این اقدام باعث می‌شود کشتی‌های کره‌ای مورد بازرسی قرار بگیرد و محدودیت برایشان ایجاد شود.

سؤال هم از مدت‌ها پیش به آمادگی و تجهیز نظامی پرداخته است. استقرار موشک‌های تاد امریکایی و تشکیل گروه ویژه برای ترور رهبران کره‌شمالی و آماده‌باش نظامی همگی نشان می‌دهد کره جنوبی به دنبال وارد آوردن ضربه‌ای اساسی بر پیکر همسایه شمالی، کاستن از تهدیدات این کشور و در نهایت هموار کردن راه اتحاد است. این ضربه نیز از طریق امریکا وارد می‌شود و در صورت تداوم خطر ممکن است تیم‌های ترور کره جنوبی دست به عملیات بزنند.

۳. سناریوهایی برای کره شمالی

برخی ناظران می‌گویند: «تاریخ امریکا طی دو سه دهه اخیر وارد تقسیم‌بندی جدید شده است.» براساس این تقسیم‌بندی، این ناظران تاریخ معاصر ۳۰-۴۰ ساله امریکا را به دو دوره «پیش از ترامپ» و «پس از ترامپ» تقسیم کرده‌اند. دوران پس از ترامپ دوران هرچ‌ومرج، بی‌نظمی و بی‌ثباتی در امریکاست، به گونه‌ای که برخی از دوران افول امریکا سخن به میان آورده‌اند. برخی منتقدان

سیاست خارجی امریکا از جمله استفن والت و جان میرشمیر دوران ترامپ را برابر با دوران «حزب قدرت امریکا» می‌دانند. با این حال، در ائتلاف غرب هم کسانی هستند که بر این واقعیت مٌهر تأیید می‌زنند که نشانه‌هایی دیده می‌شود دال بر اینکه «امریکا تهدیدی برای صلح جهانی است».

گیدئون راشمن، تحلیلگر و مفسر بریتانیایی و برندهٔ جایزه آرول، می‌گوید: «امریکا اکنون به کشوری خطرناک می‌ماند». او می‌گوید: «در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، سخن از عبور از آستانه هسته‌ای در برابر کره شمالی، اقدام نظامی در ونزوئلا و حمایت از برتری جویی سفیدپوست‌ها از سوی ترامپ مطرح شده است که هر یک به نوبهٔ خود کافی است تا بحرانی گسترده به وجود آورد. ترامپ فاقد رهبری باثبات و قابل پیش‌بینی است که متحدان امریکا از این کشور می‌خواهند و در عوض، در مسیری خلاف آن حرکت می‌کند. راشمن معتقد است این سخن ترامپ که اگر کره شمالی دست از پا خطا کند، با «آتش و خشم» مواجه می‌شود یا «تسلیمات ما پر شده، ماشه کشیده شده و روی این کشور قفل شده‌اند» نشانه‌هایی از بی‌مسئولیتی و عدم اعتماد به نفس را به دنبال دارد. او معتقد است، حتی اگر تهدیدات رهبر کره شمالی بلوف باشد، سخنانی از جنس سخنان ترامپ، ضربه‌ای بر اعتبار امریکاست و باعث می‌شود این کشور در مسیری خطرناک با «اون» قرار گیرد. راشمن معتقد است یا ترامپ برخلاف رؤسای جمهوری سابق درکی از سیاست خارجی ندارد یا مشاوران خوبی در امور خارجی ندارد. این تحلیلگر بریتانیایی می‌افزاید: «ترامپ با طرح حملهٔ پیشگیرانه علیه کره شمالی برخلاف عرف معمول در میان هم‌قطاران پیشین خود حرکت می‌کند، زیرا آن‌ها درک می‌کردند که نباید این مفهوم را در برابر کشور هسته‌ای - هر چقدر هم ضعیف مانند کره شمالی بکار گیرند.»^۱

1. Gideon Rachman (14 August 2017), America is now a dangerous nation, <https://www.ft.com/content/308e0f80-90ce11-e94-7e-2c5b903247afd>.

برخی دانشگاهیان امریکایی معتقدند امریکای ترامپ در مسیر افول قرار گرفته است. برخی هم معتقدند این دوره، دوره گذار است که می‌توان از آن درس‌ها آموخت و به واکسینه شدن امریکا و تداوم هژمونی این کشور کمک می‌کند. دره‌رحال، ترامپ در جامعه امریکا و حتی در عرصه بین‌الملل چنان بی‌اعتبار شده است که عکس او به تمسخر و به آشکالی توهین‌آمیز روی جلد مجلات نقش می‌بندد و «دلُفک کاخ سفید» لقب می‌گیرد. مت پرپل، دستیار سردبیر در وب‌سایت آمریکن اسپکتر،^۱ در یادداشتی برای نشنال اینترست^۲ می‌نویسد: «ترامپ کسی است که گوشش به نصیحت احدی بدهکار نیست. در سخنانش چندان نشانه‌ای از عقلانیت به چشم نمی‌خورد.» او معتقد است پیام ترامپ «یکی به نعل، یکی به میخ» است، «این اما آن»، «از یک سو، از سوی دیگر»، «این به آن در» و غیره. مت پرپل معتقد است: «رئیس‌جمهوری که باید نماد وحدت ملی و رئیس دولت باشد، گویی به نماد واگرایی تبدیل شده است و امریکا را به‌سوی ناکجاآباد می‌برد. سخنان او مملو از نفرت و بحران است. این نشان می‌دهد در بزنگاه‌های حساس تاریخی، ترامپ نمی‌داند نقش خود را چگونه ایفا کند. اگر او نگاهی به تاریخ تأسیس امریکا و جنگ‌های نژادی در این کشور بیندازد، درمی‌یابد که بحران نژادی در امریکا جدی است.» این تحلیلگر و روزنامه‌نگار امریکایی معتقد است: «ترامپ از زمانی که به قدرت رسید، بحران را با خود وارد ساختار اجتماع و حکومت کرد. انتخاب او از دهه ۶۰ به این سو جزو انتخاب‌های سیاسی پرچالش بوده است. او معتقد است: «ترامپ وارد دوره بحران اقتدار و دولتش وارد مرحله بحران مشروعیت شده است. این باعث می‌شود جایگاه امریکا در داخل و خارج تضعیف شود. درنهایت امریکای ترامپ یا به‌سوی جنگ داخلی می‌رود یا ممکن است ترامپ زودتر از

1. the American Spectator
2. the National Interest

موعد از قطار کاخ سفید پیاده و بحران مدیریت شود.)^۳

گیدئون راشمن بر این باور است که بحران های چندگانه داخلی - خارجی ممکن است ترامپ را به «بهره برداری از نزاع های بین المللی برای شروع جنگ در راستای رهایی از دشواری های داخلی اش رهنمون کند.» چندی پیش، سباستین گورکا، یکی از دستیاران ترامپ، کره شمالی را بهانه ای کرد برای فشار بر منتقدان ترامپ تا هرچه بیشتر از او حمایت کنند. گورکا به فاکس نیوز گفت: «در بحران موشکی کوبا ما پشت کندی ایستادیم. این وضعیت هم مشابه بحران موشکی کوبا است. باید در کنار هم قرار بگیریم.» کش و قوس دادن این نظریه از سوی افرادی مانند گورکا (که باعث می شود از میزان و شدت انتقاد داخلی از ترامپ کاسته شود و در نهایت منتقدان هم پشت او قرار گیرند) باید زنگ خطر را به صدا درآورد. راشمن معتقد است: «پیامد بحران های داخلی ترامپ یعنی ماجراجویی در خارج». گورکا می افزاید: «این ها لحظاتی است که ما باید در کنار هم بایستیم». راشمن، این مفسر بریتانیایی، معتقد است: «رهبرانی که زیر فشارهای داخلی سهمگین قرار دارند، محتمل است رفتاری غیر منطقی از خود بروز دهند.» او معتقد است: «از آنجا که بزرگان در کابینه ترامپ کم هستند، باید نگران بود مبادا او دست به کاری غیر قابل پیش بینی بزند. در این میان، کشورهایی که جامه قدرت منطقه ای به تن دارند یا مدعی چنین جایگاهی اند مانند کره شمالی، گزینه های محدودی پیش رو دارند، یا باید سوار بر بحران با موج امریکاستیزی همراه شوند و تبعات آن را به جان بخرند یا کاری کنند از نقطه درگیری دور بمانند و فتیله لفاظی را پایین بکشند تا به این وسیله یا از زیر ذره بین امریکا خارج شوند یا توپ را به زمین ترامپ اندازند و او را مقصر یا علت درگیری معرفی کنند.» با تمام این تفاسیل، در کره شمالی چند سناریو قابل تصور است:

3. Matt Purple (16 August 2017), Trump's Crisis of Authority, <http://nationalinterest.org/blog/the-skeptics/trumps-crisis-authority21925->.

اول، یک دیدگاه معتقد است اگر کره شمالی به این باور برسد که ترامپ در قصد خود مبنی بر «زدن» کره شمالی جدی است، در این صورت ممکن است به پای میز مذاکره بیاید درست همان طور که پدر بزرگش آمد. ویلیام. جی. پری، وزیر دفاع وقت امریکا، معتقد است: «در سال ۱۹۹۴، کیم ایل سونگ، رئیس جمهور وقت کره شمالی و پایه گذار این کشور، به این نتیجه رسید که امریکا به دنبال اقدام نظامی است؛ بنابراین همین مسئله موجب شد او کوتاه بیاید و وارد مذاکره شود.» او می گوید: «این احتمال هست که رهبری کره شمالی به این نتیجه برسد که امریکا آماده اقدام نظامی است. اگر این باور برای وی جا بیفتد، هم زمان می توان از ابزار دیپلماسی نیز استفاده کرد و کره را به میز مذاکره آورد.» دوم، سناریوی بعدی این است که ترامپ دست به یک حمله پیشگیرانه بزند. شاید زمانی این سناریو می توانست کارگر باشد، اما اکنون دیگر گزینه ای جدی و مورد بحث نیست. حمله پیشگیرانه - با توجه به اینکه امریکا محدودیت های زیادی در زمینه کاربرد سلاح هسته ای دارد - ممکن است امریکا را وارد چرخه ای کند که خروج از آن دشوار باشد. عراق و افغانستان مثالی پیش روی سیاستمداران این کشور است.

سوم، اینکه امریکا پیشنهادهای فریزشده بدهد، به این معنا که کره شمالی همچنان تمام تسلیحات و موشک های هسته ای خود را نگه دارد، اما از آزمایش آن ها خودداری ورزد. در ازای آن، واشنگتن و دیگر کشورها باید بسته ای سخاوتمندانه به پیونگیانگ بدهند که شامل امتیازات سیاسی و اقتصادی است، اما این امتیازات باید به گونه ای باشد که رهبران کره شمالی را متقاعد سازد. براساس این سناریو، با وجود تحریم های گسترده، فشار چندانی روی نخبگان حاکم در این کشور نیست. تخمین زده شده که سرانه تولید داخلی این کشور در ۲۰۱۶ نزدیک به ۴ درصد بوده است. با این حال، هیچ تضمینی نیست که پیونگیانگ پس از دریافت این امتیازات در چنین معامله ای بماند و هر لحظه

ممکن است از آن خارج شود؛ بنابراین وضعیت میان خوب - بد یا بد - بدتر در نوسان است.

چهارم، کره شمالی به محدودیت‌های استراتژیک امریکا در برخورد نظامی پی برده است و تا جایی که بتواند می‌تازد تا امتیاز بگیرد. برخی محافل در امریکا، کره جنوبی، ژاپن، چین و روسیه همچنان مخالف جنگ هستند و برخی بر طبل جنگ می‌کوبند. هرگونه حمله نظامی (حمله تمام‌عیار یا محدود) به کره شمالی احتمالاً با واکنش نظامی قاطع این کشور مواجه خواهد شد. برخی مقامات امریکایی می‌گویند: «گزینه‌های نظامی بازنگری شده در مورد کره شمالی به پرزیدنت ترامپ ارائه شده است.» به این ترتیب، ژنرال مک مستر، مشاور سابق امنیت ملی ترامپ، نیز اعلام کرد: «تمام گزینه‌ها روی میز است، زیرا رئیس‌جمهور اعلام کرده است هرگز قدرت اتمی در کره شمالی را نمی‌پذیرد». با این حال، معلوم نیست گزینه‌های بازنگری شده چیست و قرار است چگونه کره شمالی را مهار کند. سناتور جمهوری خواه، لیندسی گراهام گفت: «گزینه نظامی برای تخریب کامل برنامه‌ها و زیرساخت‌های نظامی کره شمالی باید در نظر قرار گرفته شود.» او می‌گوید: «اگر قرار است جنگی برای متوقف ساختن آن‌ها در بگیرد، باید این جنگ محدود به کره شمالی باشد. اگر قرار است هزاران نفر بمیرند، این مرگ‌ها باید در آنجا باشد. این چیزی است که پرزیدنت رودرو به من گفت»؛ بنابراین شاید بتوان گزینه‌های پیش روی امریکا را چنین برشمرد:

۱. گزینه اقتصادی: در واقع آنچه مدنظر برخی سناتورهای امریکایی قرار دارد این است که سرچشمه‌های مالی کره شمالی خشکانده شود. در همین راستا، فشارهایی بر شرکت‌های چینی، سنگاپوری، میانمار و غیره که طی سالیان اخیر در حال بده و بستان با کره شمالی بودند وارد آمده است تا تعاملات اقتصادی خود را با این کشور قطع کنند، اما این کاری است بس دشوار و زمان‌زایی می‌طلبد. این امر باعث خرید زمان از سوی کره شمالی شده و باعث می‌شود به

نقطه بی بازگشت برسد. این گزینه چندی است در دستور کار دولت امریکا قرار گرفته است. در این راستا، نماینده ویژه امریکا دیدارهایی با مقامات سنگاپوری، چینی، میانماری و غیره داشته است تا اطمینان یابد آن‌ها با همکاری در راستای خشکاندن منابع مالی کره شمالی همکاری می‌کنند، اما نکته اینجاست که این شرکت‌ها یکی از راه‌های درآمدی کره شمالی است. نیویورک تایمز در گزارشی مفصل یکی دیگر از درآمدهای کره شمالی را صدور ۳۰ تا ۵۰ هزار کارگر به روسیه می‌داند. این کارگران که در شرایطی وخیم کار می‌کنند، بردگان قرن ۲۱ نامیده می‌شوند که در مناطق دوردست و سرد روسیه کار می‌کنند. دولت کره شمالی سالانه از این کارگران عایدی دارد. کارگران شاغل در روسیه تقریباً ۷۰ درصد از درآمد خود را به حزب حاکم کارگران کره می‌دهند و تنها ۳۰ درصد از حقوق برای گذران زندگی خود و خانواده‌های شان به آن‌ها تعلق می‌گیرد. برخی از این کارگران در صنایع تزئینی یا ساختمانی مشغول‌اند. با توجه به وخامت روابط روسیه - امریکا، بعید است روس‌ها کمکی به امریکا در زمینه قطع درآمدهای کره شمالی کنند.^۱

۲. **گزینه نظامی:** اگرچه اکنون در میان سناتورهای امریکایی صدای واحدی شنیده نمی‌شود، براساس گفته‌های گراهام می‌توان حدس زد استقرار ناوهای رزمی امریکایی در شبه جزیره، استقرار بمب افکن‌های استراتژیک امریکایی در گوام، فروش تسلیحات دفاعی تاد و برخی دیگر از ادوات جدید و پیشرفته امریکایی به کره جنوبی و ژاپن به این معناست که امریکا احتمالاً حمله‌ای کوبنده، تمام عیار و قاطع را در نظر دارد تا نه تنها قابلیت‌های نظامی کره شمالی را از میان بردارد؛ بلکه امکان واکنش سخت این کشور علیه سئول را نیز تا حد امکان منتفی سازد. برخی بر این باورند امریکایی‌ها به دنبال برقراری چتر

1. Andrew Higgins (11 July 2017), North Koreans in Russia Work 'Basically in the Situation of Slaves'; <https://www.nytimes.com/2017/07/11/world/europe/north-korea-russia-migrants.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld&action=click&contentCollection=world®ion=rank&module=package&version=highlights&contentPlacement=2&pgtype=sectionfront>.

امنیتی در منطقه اند تا خطر حمله نظامی از سوی پیونگیانگ را کاهش دهند. تمام این حمله باید محدود به کره شمالی و در خاک این کشور باشد و امکان تسری آن به خارج از این کشور را غیرممکن سازد. زیینگنیو برژینسکی در سال ۲۰۰۵ در کتاب خود انتخاب رهبری جهانی یا سلطه بر جهان نوشت: «مسئله کره شمالی با حیثیت امریکا گره خورده است. در صورتی که امریکا نتواند این بحران را مهار کند، احتمالاً کره جنوبی و ژاپن به سوی نظامی گری خواهند رفت. ژاپن در نظر دارد با تغییر قانون اساسی خود را صاحب ارتش کند و از وضعیت نیروهای دفاعی خارج شود. نظامی شدن و در بدترین حالت هسته ای شدن ژاپن و کره جنوبی کابوس چین است و احتمالاً توازن قدرت در پاسیفیک را برهم خواهد زد.

۳. تغییر رژیم: مایک پومپئو، رئیس سیا، در جولای ۲۰۱۷ اعلام کرد: «تغییر رژیم می تواند گزینه ای محتمل باشد.» او می گوید: «اولین گام باید جدایی میان تسلیحات و مردمی باشد که آن ها را اداره می کند.» اگرچه این سناریو مخالفانی مانند رکس تیلرسون داشت، یکی از گزینه هایی بود که ظاهراً نهادهای اطلاعاتی امریکا در حال کار روی آن بوده و هستند. به همین منظور، گفته می شود یگان ویژه ای از سوی کره جنوبی آموزش دیده اند تا در موقع مقتضی وارد پیونگیانگ شوند و با ترور برخی سران این کشور، اداره مراکز نظامی را در دست گیرند. اگرچه این یگان الگوبرداری شده از یگان مشابه آمریکایی خود است، برای محیط ویژه شبه جزیره کره آماده خواهد شد. در این یگان بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر نیرو وجود دارد که هدفش از بین بردن مسئولان فرماندهی جنگی پیونگیانگ از جمله کیم جونگ اون و فلج کردن قابلیت ها و کارکردهای آنهاست. با این حال، هنوز هیچ اجماعی روی این سناریوها وجود ندارد و همه در حد حدس و گمان است. محورهای طرح بازنگری شده هنوز علنی نشده است و نمی توان با

قاطعیت گفت کدام سناریو در نهایت مدنظر امریکا قرار خواهد گرفت و استراتژی امریکا برای کره شمالی چیست.^۱ با این حال، دیدارهای ترامپ و رهبر کره شمالی در سئنگاپور و ویتنام و نامه‌نگاری‌های رهبر کره شمالی با ترامپ ظاهراً گزینه نظامی را به اولویت‌های بعدتر منتقل ساخته است. اگرچه هنوز گفته می‌شود که گزینه نظامی روی میز است، چنین به نظر می‌رسد که فعلاً گزینه جنگ مطرح نیست.

۱. منابع مورد استفاده دیگر عبارتند از:

Zachary Cohen (2 August 2017), US military options against North Korea come at a price, <http://edition.cnn.com/01/08/2017/politics/north-korea-military-options-trump/index.html>.
 Andrei Lankov (1 August 2017), US options on North Korea: It's a choice between bad and worse, <http://edition.cnn.com/31/07/2017/opinions/north-korea-freeze-andrei-lankov/index.html>.
 Stephen Collinson (6 July 2017), North Korea's missile test gives Trump his biggest challenge, <http://edition.cnn.com/05/07/2017/politics/north-koreas-missile-test-gives-trump-his-biggest-challenge/index.html>.
 Ben Westcott (15 April 2017), Azadeh Ansari and Steve Almasy, <http://edition.cnn.com/14/04/2017/asia/north-korea-day-of-the-sun/index.html>.
 Sue-Lin Wong & James Pearson (15 Apr 2017), North Korea displays apparently new missiles as U.S. carrier group approaches, <http://www.reuters.com/article/us-northkorea-usa-anniversary-idUSKBN17G0WU>.
 Justin McCurry & Tom Phillips (15 April 2017), North Korea parades military might and warns US amid nuclear test fears, <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/15/north-korea-nuclear-test-military-parade-kim-il-sung>.
 Justin McCurry (14 April 2017), Tom Phillips and Julian Borger, China urges North Korea and US to step back from brink of war, <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/14/north-korea-blames-donald-trumps-aggression-amid-nuclear-test-crisis>.

نظریه‌ها چه می‌گویند؟

نظریه‌های سیاسی روشی مهم برای بررسی و ارزیابی تحولات است. به واسطه نظریه‌ها می‌توان درک و فهمی دقیق از موضوعات بدست آورد. داشتن چارچوب نظری، ما را به درک بهتری از یک پدیده یاری می‌رساند. با این حال، نظریه می‌تواند از برخی جهات نارسا باشد و تمام حقیقت را روشن نسازد. در اصل، کارکرد اصلی نظریه عبارت است از توضیح، تفسیر، پیش‌بینی رخداد و قوانین و تدوین قالبی که پدیده‌ها در آن معنا می‌گیرد. هر نظریه‌ای در شرایط زمانی خاص خود و در یک موضوع خاص شکل گرفته است. شاید بتوان یک سوژه را با نظریه‌های مختلف تفسیر کرد.

ناظران مسائل کره معتقدند پیونگ‌یانگ با آتش بازی می‌کند. وقتی کره شمالی موشک مدل هواسونگ - ۱۴ را از نزدیک موبیونگ - نزدیک مرز کره شمالی با چین - پرتاب کرد، اعلام شد این موشک می‌تواند شهرهای مهم امریکایی را هدف قرار دهد. این موشک پس از ۴۵ دقیقه پرواز با پیمودن مسیر ۹۹۸ کیلومتری و رسیدن به ارتفاع ۳۷۲۵ کیلومتر در آب‌های ژاپن فرود آمد. گفته می‌شود کره شمالی با آزمایش این موشک، شهرهای دنور، شیکاگو و لس‌آنجلس را در تیررس خود دارد. دیوید رایت، متخصص موشکی در اتحادیه دانشمندان نگران^۲ می‌گوید:

«احتمالاً این موشک از ظرفیت رسیدن به نیویورک و بوستون هم برخوردار است»^۱ خبرگزاری دولتی کره شمالی می‌گوید: «هدف از آزمایش، تأیید حداکثر برد و دیگر جوانب فنی این موشک بوده است که می‌تواند یک کلاهک هسته‌ای سنگین و ساین بزرگ را حمل کند.» آزمایش‌های مداوم موشکی کره شمالی باعث شد تمام همسایگان کره شمالی در حالت آماده‌باش قرار بگیرند؛ کره جنوبی مبادرت به برقراری مانور نظامی با امریکا کرد، ژاپن دست به دامان امریکا شد و چین هم ۱۵۰ هزار نیرو در مرز با کره شمالی مستقر کرد. استدلال کره شمالی این است که در محاصره کشورهای متخاصم قرار گرفته است.

برای بررسی رفتار بازیگران سیاسی در نظام بین‌الملل نظریات بسیار زیادی مطرح شده است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه بازی‌هاست که به گفته ریچارد اسنایدر:^۲ «وسوسه شدید دستیابی به طرح شناخته‌شده و شسته‌رفته برای تحلیل وجود دارد.» یکی از این نظریات «بازی با حاصل جمع صفر» است که در آن برد و باخت‌های دو بازیگر سربه‌سر می‌شود. این نظریه بیشتر در مورد بازیگرانی کاربرد دارد که از توانایی‌ها یا ظرفیت‌های قابل توجه - اگر نگوئیم برابر - برخوردار باشند. در این نظریه، برد یا باخت هریک از بازیگران برد یا باخت طرف دیگر بحساب می‌آید. این نظریه در مورد کره شمالی امریکا قابل انطباق نیست، چرا که ظرفیت‌های طرفین برابر نیست. در مورد این دو کشور نظریه «بازی با حاصل جمع غیرصفر» کاربرد بیشتری دارد که در آن برد یکی (امریکا) به یقین باخت دیگری (کره شمالی) است.

نظریه اول: بازی ترسوها یا چیکن گیم

در تحلیل شرایط کره شمالی می‌توان به نظریه‌های مختلف متوسل شد. از جمله

1. Brad Lendon (July 2017 ,29), Test shows North Korea missile could hit LA, Chicago, analyst says, <http://edition.cnn.com/29/07/2017/asia/north-korea-intercontinental-ballistic-missile-test/index.html>
2. Richard E. Snyder

این نظریه‌ها، نظریه بازی‌هاست که بازی ترسوها^۳ یکی از زیرشاخه‌ها یا زیرمجموعه‌های این نظریه است. این نظریه دارای چند اصل است که می‌گوید: «اگر یکی بترسد و به قول معروف «غلاف کند» دیگری می‌برد؛ اگر هر دو غلاف کنند هیچ‌کس نمی‌برد؛ اگر هیچ‌کدام غلاف نکنند احتمال برخورد زیاد است.»؛ بنابراین اصل اساسی نظریه بازی‌ها رفتار بخردانه است. برخی دیگر می‌گویند مبانی نظریه بازی‌ها مبتنی است بر بازیگر، کنش‌ها و ترجیحات؛ بنابراین در قاموس امریکا، کره‌شمالی بازیگر/کنشگری است که کنش‌هایش ویرانگرانه است و ترجیحش بقای خود به هر قیمتی. در قاموس کره شمالی، امریکا متجاوز است که هدفش فشار بر کره‌شمالی برای ترساندن این کشور است. براساس این فرض، استدلال کره‌شمالی این است که اگر بترسد و عقب بنشیند، امریکا پیروز شده است؛ بنابراین براساس این نظریه تاکنون هیچ طرفی برنده نبوده است (لااقل به لحاظ نظامی)، اما امریکا قطعاً دست برتری در فشار اقتصادی و قطع شریان‌های حیاتی مالی این کشور دارد. از سوی دیگر، از آنجا که رفتار این کشور مبتنی بر رفتارهای هیجانی است، بنابراین آن نوع توازن هسته‌ای که در روابط شوروی - امریکا وجود داشت، در روابط امریکا - کره‌شمالی دیده نمی‌شود، چرا که هر رفتار پرخاشگرانه‌ای از سوی امریکا ممکن است واکنش سخت‌تر کره‌شمالی را به دنبال داشته باشد. این کشور دیگری چیزی برای باختن ندارد و هدفش بقای خود به هر قیمتی است. به همین دلیل است که امریکا تاکنون متوسل به اقدام نظامی علیه این کشور نشده است.

مبنای این نظریه این است که اگر یک طرف بترسد، منحرف شود یا عقب‌نشینی کند، طرف دیگر پیروز میدان خواهد بود. می‌توان از جنبه‌هایی این نظریه را قابل کاربست به نزاع موجود میان امریکا - کره‌شمالی دانست. در منازعه فعلی، طرف ترسیده کره‌شمالی است. بازنده به استراتژی تهدید،

ادبیات تحقیر و توهین آمیز، رفتارهای پرخاشگرانه، تهاجمی و بی ثبات ساز روی می آورد. کره شمالی با صدور بیانیه‌هایی اعلام کرد در صورت حمله پیشگیرانه نظامی از سوی امریکا، کالیفرنیا، سنول و مناطق دیگر را هدف قرار خواهد داد. این کشور همچنین می گوید: «به جنگ تمام عیار با جنگ تمام عیار دیگر پاسخ می دهیم و با جنگ اتمی به شیوه خودمان پاسخ خواهیم داد و دست به مقابله‌ای بی رحمانه خواهیم زد.» از دیگر نمودهای ترس در بازیگری که دچار وحشت شده است بسیج گسترده مردمی و تلاش برای مشروعیت سازی با ابزارهای وحشت آفرینی در داخل است. رژه نظامی گسترده در کره، رونمایی از تجهیزات نظامی و چنگ و دندان نشان دادن همگی حاکی از این است که بازیگر ترسو تلاش دارد تا قدرت خود را با هوچی گری به نمایش بگذارد، در حالی که بازیگر برنده با حالتی از اعتماد به نفس و به شکلی خزنده پیش می آید. بازیگر ترسو (در اینجا کره شمالی) با پرخاشگری لفظی می گوید: «امریکا خشن تر، وحشی تر و تهاجمی تر شده است... اگر آن‌ها بخواهند آماده جنگیم.»

نکته قابل ذکر این است که آزمایش‌های هسته‌ای کره شمالی در حد و اندازه‌ای نیست که تهدیدی برای هژمون بحساب آید. تمام تجهیزات نظامی کره شمالی بازمانده از دوران جنگ جهانی است. کره شمالی بیست و چهارمین کشور جهان به لحاظ قدرت نظامی است. آنچه برای این کشور «قدرت» بشمار می آید و می تواند به آن ببالد شمار نیروهای نظامی آن است. گفته می شود کره شمالی ۱۳ میلیون نیروی انسانی برای شرکت در جنگ دارد که از این میان حدود ۱۰ میلیون نفر مناسب خدمت نظامی هستند. این کشور فاقد ابزارهای قدرت است. تمام تجهیزات نظامی این کشور - از جمله توان هسته‌ای - همچون ترقه‌ای در برابر تجهیزات و برتری‌های نظامی امریکا است.

نظریه دوم: پنجره اورتون

نظریه دیگری که می‌توان به واسطه آن تحولات کره شمالی و بازی قدرت در این کشور را مورد بررسی قرار داد نظریه پنجره اورتون^۱ است که برگرفته از نظریه جوزف اورتون (۱۹۹۹-۲۰۰۳) در مورد شکل‌دهی به افکار عمومی است. اورتون معتقد بود سیاستمداران معمولاً موضوعاتی را بیان می‌کنند که در قاب یا پنجره منطبق با دیدگاه رأی‌دهندگان قرار داشته باشد. او می‌گفت: «برای تغییر افکار عمومی اگر نتوان موضوع را تغییر داد، باید مکان قاب را تغییر داد تا خواست سیاستمداران داخل آن پنجره قرار گیرد.» اورتون تغییر فکر جامعه و جابه‌جایی پنجره افکار عمومی را شامل شش مرحله می‌داند: طرح غیرقابل تصور؛^۲ افراطی؛^۳ قابل‌پذیرش؛^۴ معقول و بدیهی؛^۵ محبوب و پرطرفدار؛^۶ تبدیل به سیاست شدن،^۷ به طور مثال سیر طرح حمله به عراق در این قالب قابل ارزیابی است. بر این اساس، اگر قرار باشد زمینه‌گذار کره شمالی به جنگ را در قالب نظریه اورتون بررسی کنیم باید بگوییم چند دهه است که دولت امریکا تلاش دارد تا از شر رژیم کره شمالی خلاص شود، اما برای این خلاصی، ابتدا باید افکار عمومی آماده‌سازی شوند. اگر طی چند دهه گذشته، طرح برهم زدن نظام کره شمالی (به هر شکلی و با هر وسیله‌ای) امری غیرقابل تصور تلقی می‌شد، چنددهه تکرار نام این کشور، تحریم‌های گسترده علیه آن و قرار دادن نام این کشور در صدر برهم‌زنندگان امنیت، صلح، و ثبات بین‌المللی این تلقی را پیش آورد که محافل فکری و توده‌ها با یک گام عقب‌نشینی، این اقدام را افراطی تلقی کردند. برخورد با این کشور دیگر غیرقابل تصور نبود، بلکه همه از افراطی بودن

1. Everton Window Theory
 2. Unthinkable
 3. Radical
 4. Acceptable
 5. Sencible
 6. Popular
 7. Policy

آن سخن می‌گفتند، چرا که می‌توانست امنیت شرق آسیا را با بحران مواجه کند. افزون بر این، بحران‌هایی که امریکا در بازه‌های مختلف زمانی درگیر آن بود به این کشور اجازه نمی‌داد به مسئله کره‌شمالی بپردازد، چرا که خاورمیانه نقطه ثقل استراتژی امریکا بود و این کشور با هر اقدام امنیت برهم‌زن یا بی‌ثبات‌ساز در این بخش از جهان به شدت برخورد می‌کرد.

موشک‌پرانی‌های کره‌شمالی و انفعال ظاهری چین و روسیه شرایط را به سرعت تغییر داد. به نظر می‌رسد لا اقل در میان برخی محافل فکری و بخشی از توده «از بین بردن خطر سلاح‌های کشتار جمعی» با توجه به تجربه لیبی (تسلیم مراکز هسته‌ای قذافی)، عراق (حمله به مرکز هسته‌ای اوسیراک) و ایران (حل و فصل دیپلماتیک) امری قابل پذیرش شده است. اکنون کره‌شمالی در سیل چین رویکردی قرار گرفته است. چنین به نظر می‌رسد از زمانی که ترامپ سکان کاخ سفید را در دست گرفته است، وارد فاز چهارم شده‌ایم: معقول و بدیهی. حمله نظامی امریکا به سوریه و یمن این باور را به وجود آورده بود که کره‌شمالی احتمالاً سومین هدف امریکای ترامپ است. تاکنون چنین حمله‌ای به دلیل برهم نخوردن فضای اقتصادی و امنیت منطقه شرق آسیا رخ نداده است؛ اما با در نظر گرفتن استراتژی کلان امریکا و چرخش این کشور به سوی آسیا (پاسیفیک) و دوری یا دست‌کم بی‌توجهی به خاورمیانه، به نظر می‌رسد کره‌شمالی در نقطه ثقل استراتژی مهار امریکا قرار گرفته است. استقرار ناوهای امریکایی در شبه‌جزیره و مواضع برخی سناتورهای امریکایی نشان می‌دهد اکنون کره‌شمالی وارد فاز معقول و بدیهی در نظریه اورتون شده است.

تقریباً از هر ۱۰ امریکایی، ۴ نفر معتقدند کره‌شمالی تهدیدی فوری برای امریکاست. براساس نظرسنجی مشترک سی‌ان‌ان / اوآرسی، حدود ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان امریکایی کره‌شمالی را فوری‌ترین و اولین تهدید جهانی برای امنیت ملی امریکا اعلام کردند. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳، این رقم

حدود ۴۱ درصد بود. از سوی دیگر، همین نظرسنجی می‌افزاید: «میان جمهوری خواهان، دموکرات‌ها و مستقل‌ها اتفاق نظری وجود دارد: کره شمالی تهدید است.» بر این اساس، ۳۹ درصد از جمهوری خواهان، ۳۷ درصد از مستقل‌ها و ۳۶ درصد از دموکرات‌ها همین احساس را دارند. حدود ۶۷ درصد از امریکایی‌ها هم اعلام کردند حامی استفاده از نیروی نظامی علیه پیونگیانگ در حمایت از کره جنوبی هستند. این رقم ۶ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۳ است. این نظرسنجی همچنین اعلام کرد ۴۲ درصد امریکایی بر این باورند که لشکرکشی امریکا به شبه جزیره کره اعتبار امریکا را خدشه دار کرده است، اما ۵۶ درصد این مسئله را رد کردند. ۶۶ درصد از دموکرات‌ها، ۴۲ درصد از مستقل‌ها و ۱۵ درصد از جمهوری خواهان نیز با نظر دوم موافق‌اند. چنین به نظر می‌رسد که اکنون کره شمالی وارد مرحله محبوب و پرطرفدار شده باشد به این معنا که گزینه نظامی می‌رود که به گزینه‌ای محبوب تبدیل شود؛ البته در شرایط فعلی و دیدارهای ترامپ - اون در سنگاپور و ویتنام و نامه‌نگاری‌های دو طرف، شرایط فعلاً در مرحله محبوب به حال توقف درآمده است.

نظریه سوم: تئوری مرد دیوانه

رفتار ابهام‌آمیز و پنهان‌کارانه کره شمالی باعث شده نظریه‌پردازان و کارشناسان مسائل کره برای تحلیل تحولات شبه جزیره به تئوری‌های مختلف متوسل شوند. ظاهراً این رفتار بسیار به کار رهبران کره شمالی آمده است، زیرا پنهان‌کاری اساساً ریشه در ذات این کشور دارد. برخی ناظران معتقدند احتمالاً ترامپ و دولت او به تئوری مرد دیوانه روی آورده‌اند و تلاش دارند تا مسیر ریچارد نیکسون را دنبال کنند. این تئوری می‌گوید: «همان‌طور که نیکسون تلاش داشت تا هوشی مین، رهبر زیرک ویتنام شمالی، را متقاعد سازد که اگر نتواند جنگ را خاتمه

دهند، انداختن بمب کاری احمقانه است، ترامپ هم به همان عادت قدیمی روی آورده است، سختگیری مثل دیگر مقامات.»

به نظر می‌رسد تئوری مرد دیوانه براننده دوگانه ترامپ - اون است، چرا که هر دو سیاست پنهان کاری یا استراتژی مشت بسته را در برابر یکدیگر به کار گرفته‌اند. مقامات امریکایی ظاهراً برنامه‌هایی در ذهن دارند که به‌طور غیرمستقیم از زبان تیلرسون، وزیر خارجه وقت امریکا، بیان شد. او در مصاحبه با ان.پی.آر. اعلام کرد: «ما به دنبال ساقط کردن رژیم نیستیم؛ به دنبال اتحاد سریع دو کره هستیم؛ فقط خواهان منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای در شبه جزیره کره هستیم.» به همین دلیل، برخی صاحب‌نظران بر این باورند که سخنان تیلرسون اشاراتی غیرمستقیم دارد به برنامه‌های امریکا برای آینده کره شمالی. پیام‌های ضد و نقیض مخابره‌شده از سوی واشنگتن مبنی بر اینکه امریکا به دنبال سقوط رهبر کره شمالی نیست، در کره شمالی درست برعکس استنباط می‌شود. شباهت دیگر در تئوری مرد دیوانه این است که ترامپ از زمان روی کار آمدن لفاظی‌های بی‌سابقه‌ای به خرج داده و از برخی پیمان‌های منطقه‌ای خارج شده است، اما اندکی بعد از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کند. «اون» هم با لفاظی توانسته حکومت خود را تا اینجا برساند؛ اصولاً لفاظی یکی از ویژگی‌های نظام رهبری در کره شمالی است که باعث شده سلسله خاندان کیم تا امروز دوام آورد.

اگر امریکا با عملگرایی می‌خواهد نشان دهد از توانایی حمله برخوردار است، کره شمالی نیز در دوران کیم ایل سونگ یک کشتی امریکایی را در سال ۱۹۶۸ تصرف و فرمان ساقط کردن یک هواپیما را هم صادر کرد که ۳۱ کشته برجای گذاشت. هفت سال پیش هم یک ناو کره‌ای به دست پیونگیانگ غرق شد. «اون» تلاش دارد تا تئوری مرد دیوانه را جا اندازد. او با کشتن برادر خود در مالزی، حمله سایبری به شرکت سونی، و اقدامات دیگر می‌خواهد دیوانگی خود را نشان دهد تا احتمال حمله را کاهش دهد. ساقط کردن هواپیمای امریکایی در

دوران نیکسون به‌دست پیونگی‌یانگ اگرچه بزرگترین خسارت به امریکا در دوران جنگ سرد بود، به دلیل ترس از مشتعل شدن جنگ کره به انتقام منجر نشد. تئوری مرد دیوانه نشانه‌های بی‌تصمیمی و بی‌خردی رهبران سیاسی را در بطن خود نهفته دارد.

نظریه چهارم: جنگ پیشدستانه

از سال ۲۰۰۲ و حتی پیش از آن یعنی زمانی که ایالات متحده به عراق حمله کرد، بحث‌هایی در مورد ویژگی‌ها، کارایی و البته خطرهای گستردهٔ حملهٔ نظامی پیشدستانه^۱ علیه کشور خصم در کاخ سفید مطرح بود. ترامپ هم همچون اسلافش سخت تلاش دارد تا برنامه هسته‌ای کره‌شمالی را با وارد آوردن فشارهای غیرقابل تحمل متلاشی سازد. کره‌شمالی اکنون به خاری در گلو می‌ماند که نه می‌توان آن را بلعید و نه بیرون آورد. ترامپ و برخی اعضای سابق و فعلی کابینه او آشکارا از گزینه‌ای سخن می‌گویند که در صورت شکست دیپلماسی ممکن است به کار گرفته شود: جنگ پیشگیرانه^۲. نگرانی اصلی در میزان تلفاتی است که ممکن است بر کره‌جنوبی وارد آید.

از زمان برگزاری مانور ده‌روزه امریکا - کره‌جنوبی (این مانور از ۲۱ اوت مورخ ۳۰ مرداد ۹۶ با نام «نگهبان آزادی اولچی») برگزار شد. این مانور با حضور ۲۵ هزار نیروی امریکایی و ده‌ها هزار سرباز کره‌ای برگزار شد که هدفش دفاع از کره‌جنوبی در برابر حمله کره‌شمالی بود) شبیه‌سازی‌های کامپیوتری از درگیری‌های فزاینده و شاید پروازهای بی‌شمار هواپیماهای هسته‌ای بدون سرنشین نشان می‌داد کاخ سفید می‌خواهد این پیام را بفرستد که گزینه نظامی

1. Pre-emptive
2. Preventive war

همچنان گزینه‌ای جدی است.

برخی معتقدند بیشتر این حرف‌ها شاید خودنمایی باشد و هدفش اقناع رهبر کره‌شمالی و چین است که با رئیس‌جمهور متفاوتی مواجه‌اند؛ رئیس‌جمهوری که به دنبال حل مسئله کره‌شمالی است. اگرچه آمریکا و کره‌شمالی با اهدافی متفاوت به دنبال برهم زدن وضعیت موجود هستند، چین به دنبال حفظ این وضعیت است. شواهد نشان می‌دهد ترامپ هیچ قصدی برای استفاده از نیروی نظامی ندارد، اما به دنبال متقاعد کردن دشمنان و متحدان است و میل به انجام دادن کاری دارد که اسلافش (اوباما، بوش و کلینتون) آن را پرهزینه و خطرناک می‌دیدند. او گزینه نظامی را «دارای ارزشی چشمگیر» می‌نامد.

مک مستر، در مقام مورخ نظامی، اصرار داشت که ایالات متحده نمی‌تواند به همان شکلی که شوروی و چین را طی جنگ سرد مهار کرد، کره‌شمالی را مهار کند یا بازدارد. این برخلاف نتیجه‌گیری سیاست‌سازان ارشد گذشته است که می‌گفتند: «آنچه در برابر قدرت‌های هسته‌ای بزرگ مؤثر افتاد، برای کشوری ورشکسته و ویران به لحاظ اقتصادی که زرادخانه چندانی هم ندارد کفایت می‌کند.» ژنرال مک مستر و سایر مقامات دولتی این دیدگاه قدیمی را به چالش کشیده‌اند که هیچ راه حل نظامی واقعی برای مسئله کره‌شمالی وجود ندارد؛ اگرچه آن‌ها به تعبیر جیمز متیس می‌پذیرند که این اقدام وحشتناک خواهد بود. آمریکا و کره‌شمالی روی لبه تیغ راه می‌روند و هر لحظه امکان اصطکاک منتهی به جنگ هست. با این حال، مقامات نظامی آمریکا برخلاف توییت‌های ترامپ سعی می‌کنند از خط قرمز عبور نکنند، اما اعلام کرده‌اند نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آمادگی کامل برای پاسخ دادن دارند. رکس تیلرسون، وزیر خارجه وقت نیز از گزینه‌های بد سخن می‌گفت. جیمز متیس هم گفته بود: «اگر کره‌شمالی موشکی به سوی خاک آمریکا یا متحدان ما شلیک کند، سریعاً

اقدامات خاصی برای خنثی کردن آن انجام خواهیم داد.»

در دوره‌ای که متیس بر سر کار بود، احتمال که از سخنانش استنباط می‌شد این بود که او درها را به روی حمله مستقیم یا خرابکاری سایبری امریکا باز گذاشته است تا به این وسیله پیش از پرتاب موشک از سوی کره شمالی، این موشک‌ها را از کار بیندازد و نابود سازد. این احتمال ممکن است به عملیاتی وسیع‌تر ختم شود؛ عملیاتی که زنجیره کشتن^۲ نام دارد و برگرفته از بیانیه مشترک امریکا - کره جنوبی است برای نابودی سیستماتیک سایت‌های نظامی کره شمالی، مراکز هسته‌ای، فرماندهی و کنترل این کشور. مقامات ارشد امریکایی می‌گویند: «طراحان این عملیات به کارایی و اجرایی شدن سریع آن تردید ندارند.» اگرچه این طرح طبقه‌بندی شده است، هدفش نابودی سیستماتیک توانایی کره شمالی برای تهدید کره جنوبی، ژاپن و امریکاست. در میان بدبینان به حمله پیشدستانه، استفن بنن^۳ بود که از کاخ سفید اخراج شد. او در مصاحبه‌ای با آمریکن پروسپکت گفته بود: «هیچ راه‌حل نظامی برای مسئله کره وجود ندارد.» ژنرال مک مستر این مسئله را با سوزان رایس، سفیر امریکا در سازمان ملل در دوران اواما، در میان گذاشت. رایس در مقاله‌ای در نیویورک تایمز نوشت: «جنگ پیشگیرانه حماقت است.» رایس در مقاله خود نوشت: «تاریخ نشان می‌دهد که می‌توانیم تسلیحات هسته‌ای در کره شمالی را تحمل کنیم، درست همان‌طور که هزاران سلاح هسته‌ای شوروی طی جنگ سرد را تحمل کردیم.» با این حال، دستیاران ترامپ می‌گویند، رهبر کره شمالی برخلاف شوروی غیرقابل پیش‌بینی است. به گفته مقامات آشنا با مسائل کره شمالی، آن‌ها این احتمال را مطرح کرده‌اند که انگیزه واقعی کره شمالی نه رقابت که باج‌گیری است. دستیاران ترامپ می‌گویند: «کره شمالی با تهدید به زدن لس‌آنجلس و

2. Kill-Chain

3. Stephen Benn

شیکاگو می‌خواهد امریکا را بترساند و به این وسیله کمک‌های بیشتری دریافت کند یا تریدیهایی در ژاپن و کره جنوبی برانگیزد که در صورت وقوع جنگ، امریکا به یاری آن‌ها برنخواهد خواست.» استراتژیست‌های کاخ سفید و پنتاگون البته فکر گزینه‌های دیگری غیر از حمله نظامی هستند. علاوه بر خرابکاری سایبری، دو گزینه دیگر هم مطرح است: (۱) شورش فراگیر در کره شمالی و در نهایت ورود نیروهای امریکایی، چینی، و کره جنوبی برای یافتن تسلیحات (که باید در مورد چند و چون آن ترتیباتی داده شود)؛ (۲) وسوسه برخی افسران برای اجرای یک انفجار هسته‌ای که موجب تلافی امریکا و متحدانش می‌شود. تمام این گزینه‌ها در کاخ سفید و پنتاگون در حال بررسی‌اند، اما احتمال اندکی هست که کیم تن به تسلیم برنامه هسته‌ای خود بدهد، زیرا تسلیحات هسته‌ای را بیمه خود می‌پندارد. بروس بنت، متخصص کره شمالی در مؤسسه رند می‌گوید: «چیزی به نام حمله جراحی گونه وجود ندارد، چرا که واقعاً نمی‌دانیم تسلیحات هسته‌ای کجا هستند و تبعات آن چیست.»

نظریه پنجم: «کیم» در کسوت «قذافی»

دیدگاه دیگر بر این باور است، «کیم جونگ اون از نسل سوم دیکتاتورهایی است که در دهه ۳۰ عمر خود قرار دارد و در آستانه هسته‌ای کردن موشک‌های بالستیک خود است.» سؤالی که مطرح می‌شود این است پارانویا، ترس و مشکل اساسی کیم در چیست؟ وقتی او کاری انجام می‌دهد یا سخنی می‌گوید جهان بلافاصله روی سخنان او زوم می‌کند. این سؤال برای جامعه جهانی مطرح است که آیا او مردی دیوانه است؟ آیا سرنوشت معمر قذافی را پیش روی خود می‌بیند؟ آیا او به عواقب تراژیک کارهایش فکر کرده است؟ نیک رابرتسون، در تحلیلی برای سی.ان.ان نوشت: «زمانی که رژیم قذافی در حال سقوط بود،

در لیبی بودم و با برخی از مشاوران عالی او صحبت می‌کردم. آن‌ها معتقد بودند غرب اجازه سقوط قذافی را نمی‌دهد. آن‌ها حتی می‌گفتند انگلیس هم حامی آن‌هاست. رژیم قذافی نه تنها با بریتانیا در بازداشت مظنونان تروریستی همکاری کرده بود، بلکه کل برنامه هسته‌ای خود را نیز تسلیم کرده بود.»

رابرتسون معتقد است: «در نهایت همین غرب رژیم قذافی را بمباران کرد و او را به زیر کشید. گویی سرنوشت قذافی در ذهن «اون» در غلیان است. ظاهراً در پس ذهن «اون» این مسئله وجود دارد که اگر با غرب کنار آید و سلاح هسته‌ای خود را تسلیم کند، چاره‌ای جز سرنوشت قذافی ندارد. ممکن است چند سالی اجازه تنفس به این کشور داده شود، اما در نهایت با یک بهانه «اون» همچون قذافی به زیر کشیده می‌شود. آیا «اون» می‌ترسد به سرنوشت قذافی دچار شود؟ قذافی در نهایت از لوله فاضلاب بیرون کشیده شد و خشم نسل‌هایی از مردان کشورش یقه او را گرفت. او بیش از ۳۰ سال کشور خود را در ترس و ارباب‌نگه داشته بود. با کمک ناتو تمام آن ترس سی‌ساله ناگهان فرو ریخت. در نهایت اسلحه‌های او به سرقت رفت و یک جوان با همان اسلحه او را کشت.»

این تحلیل‌گر سی.ان.ان می‌افزاید: «اما در دوران اون، دانشمندان و افسران نظامی کره‌ای زندگی بهتری دارند، زیرا به امتیازات خاصی دسترسی دارند. نقش و رتبه در کره شمالی و لیبی حرف اول را می‌زند. قذافی به نزدیکانش پاداش می‌داد، اما وقتی ورق برگشت همان‌ها به دشمنان خونی او تبدیل شدند. کره شمالی یک تفاوت با لیبی دارد و آن داشتن سلاح هسته‌ای است. در کشوری که فرماندهان ارشد نظامی با اندک خطایی در برابر گلوله توپ تکه‌تکه می‌شوند روشن است که با اندک تکانشی همه چیز بهم بریزد. کیم معتقد است با داشتن سلاح هسته‌ای می‌تواند، حتی مخالفان داخلی را به‌زانو در آورد و کارت نهایی را رو کند، اما غافل است که سر بزنگاه ممکن است همان‌ها که فرمان هسته‌ای را در دست دارند، علیه او بشورند، در موقع مقتضی تسلیحات هسته‌ای را از کار

بیندازند، یا در بهترین حالت آن را به کار نگیرند. ظاهراً در ذهن کیم این مسئله می‌گذرد که با داشتن قدرت بازدارندگی می‌تواند دشمن را بازدارد، اما آیا فکری به حال نیروهای داخلی کرده است؟ شاید اگر به پیشنهادات امریکا فکر کند، سرنوشت بهتری در انتظارش باشد.»

نظریه ششم: تصمیمات غریزی

دونالد ترامپ در مواضع خود در ارتباط با کره‌شمالی نوسان زیادی دارد. این نوسان در موضع‌گیری‌ها باعث شده است، کارشناسان نتوانند رویه درست یا منسجمی را در سیاست دولت ترامپ در خصوص کره‌شمالی دنبال کنند. تاکنون هیچ‌یک از رؤسای جمهور امریکا به دنبال دیدار با رهبران کره‌شمالی نبودند، اما ترامپ این کار را کرد و تابوی دیدار نکردن با رهبران کره‌شمالی را شکست. این اقدام ترامپ بیانگر نوعی خرق‌عادت در رویکردهای اوست. با این حال، رئیس‌جمهور امریکا گاهی سخنی می‌گوید که با عرف دیپلماتیک جور در نمی‌آید؛ بنابراین برخی دستگاه‌ها مانند وزارت خارجه جور سخنان او را به دوش می‌کشند و بعضاً در پی اصلاح سخنان او بر می‌آیند. شان اسپایسر، سخنگوی مطبوعاتی وقت کاخ سفید، گفته بود: «تا زمانی که کره‌شمالی رفتار خود را اصلاح نکند، دیداری در کار نخواهد بود.» این مواضع باعث شد تا نیویورک تایمز در گزارشی به این مسئله پردازد که تصمیمات ترامپ بیش از آنکه کاری کارشناسی شده باشد، برخاسته از «تصمیمات غریزی» اوست.

پیشنهاد‌های غیرمعمول ترامپ نشان می‌دهد شاید او به خود و توانایی‌هایش برای معامله با هرکسی اطمینان دارد. از زمان تأسیس کره‌شمالی به دست کیم ایل سونگ تاکنون، هیچ‌یک از رهبران امریکا سخنی از دیدار با سران این کشور بر زبان نیاورده بودند، اما ترامپ این کار را کرد. کریستوفر هیل، که یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد و سپس نماینده ویژه رئیس‌جمهور امریکا در مسائل

شبه‌جزیره بود، می‌گفت: «رهبر کره‌شمالی بسیار مفتخر و شادمان خواهد بود که به عنوان رهبر یک کشور هسته‌ای به دیدار ترامپ برود.»

ترامپ همچنان به استراتژی سنتی سفت و سخت کردن فشار اقتصادی بر کره‌شمالی و هم‌زمان به پیش بردن دیپلماسی دل‌بسته است. تنها فرق دیپلماسی او با دیپلماسی سایر رهبران امریکا این است که تعدادی کشتی و ناو جنگی روانه شبه‌جزیره کرده و تهدید نظامی را همچون شمشیر دامولکس بر سر «اون» نگه داشته است. اگرچه ترامپ در مصاحبه‌ای - پیش از دیدار با رهبر کره‌شمالی اعلام کرده بود «درگیری بسیار بسیار شدید ممکن است». جول اس سیت، متخصص کره‌شمالی در دانشگاه جان‌هاپکینز، معتقد است: «چینی‌ها به ترامپ گفته‌اند باید با این آدم‌ها بیشتر مذاکره کنید.» جول سیت کسی است که در دولت کلینتون موفق شد توافق ۱۹۹۴ را با کره‌شمالی منعقد کند.

برخی بر این باورند ترامپ یا شجاعت و اعتمادبه‌نفس در رویکردهای سیاست خارجی دارد یا برحسب گزینه تصمیم می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد رئیس جمهور امریکا در قبال تهدیدات کره‌شمالی بیشتر بر مبنای گزینه تصمیم می‌گیرد تا درک درست از شرایط. دیپلماسی شخصی او و نشان دادن شاخه زیتون به رهبر کره‌شمالی اگرچه زمینه‌ساز دو دیدار و تبادل چند نامه شده است، نتوانسته گره تحریم‌های اقتصادی کره‌شمالی و منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای را بگشاید.

رئیس جمهوری امریکا اکنون اختیاردار چمدان سیاه است. این چمدان ساده فقط دارای چند کلید یا دکمه است اما امنیت کره زمین به آن بستگی دارد. این چمدان به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا در صورت لزوم و احساس تهدید، فرمان جنگ و شلیک موشک‌های هسته‌ای را صادر کند. در واقع، این چند دکمه ساده کلید قدرت اتمی امریکاست که در دستان رئیس جمهور قرار گرفته است. ترامپ بر این باور است که رؤسای جمهوری قبلی امریکا طی ۲۵ سال گذشته

توانسته‌اند کره‌شمالی را مهار کنند. آن‌ها همواره از مذاکراتی دم زده‌اند که همواره با درهای بسته کره‌شمالی مواجه شده است؛ بنابراین او ضمن اینکه آرایش نظامی گرفته است و به کره‌شمالی اخطار می‌دهد و برای این کشور خط و نشان می‌کشد تا نشان دهد «جدی» است، هم‌زمان می‌گوید: «همواره مذاکره را در نظر داریم. من هم مثل رؤسای جمهور قبلی او، باما، بوش و کلینتون مذاکره می‌کنم، اما این مذاکره زمان دارد و بی‌انتهای نیست. اکنون وقت آن است».

مارک استیل، گزارشگر ایندیندنت، نوشت: «بازی ترامپ - اون به بازی فکاهی می‌ماند.» او معتقد است: «اکنون جهان در دست دو مضحک افتاده است که از جنگ جهانی سوم سخن می‌گویند. در داستان‌های تخیلی، جهان به دست دیکتاتورهای وحشی به پایان می‌رسد که روی تانک‌ها نشسته‌اند و در مورد امپراتوری‌شان رجز خوانی می‌کنند. طنز تاریخ اینجاست که اکنون این چهره‌های مضحک داستان‌های تخیلی جامه حقیقت بر تن کرده‌اند و یکی در واشنگتن و دیگری در پیونگ‌یانگ حاکم است.» آنجا که جیمز متیس، وزیر دفاع وقت آمریکا، گفت: «اگر کره‌شمالی به خواسته‌های آمریکا پاسخ ندهد، با «پایان رژیم خود و نابودی مردم آن» روبه‌رو خواهد شد.» آن‌ها نه تنها مردم این کشور که رژیم را هم از میان خواهند برد. استیل بر این باور است که این درگیری رسانه‌ای و «هل من مبارز طلبیدن‌های رسانه‌ای» است. وقتی ترامپ فریاد می‌زد: «من توی کله تو پسر چاقالوی الاغ می‌زنم»، بدیهی است که واکنش رهبر کره مشابه او باشد: «حرف‌های این مردک روی مخ ارتش کره‌شمالی است.» ظاهراً در اندیشه ترامپ آرماگدون هسته کلید خورده و این بار نه خاورمیانه که کشوری در شبه‌جزیره کره هدف اوست.

نظریه هفتم: آرماگدون هسته‌ای

با توجه به تحولات شبه‌جزیره، آیا می‌توان گفت آرماگدون هسته‌ای در راه است؟

نمی‌توان پاسخی ساده برای این پرسش دشوار یافت؛ یکی جنگ را عامل بقای خود می‌داند و دیگری جنگ را عامل تقویت اقتصادی کشورش. کره‌شمالی در دوران رهبری کیم جونگ اون حدود ۸۰ آزمایش موشکی انجام داده است، اما در هیچ‌یک از این آزمایش‌ها به‌طور رسمی و مشخص جایی را هدف اعلام نکرده بود؛ فقط یک بار رسماً گوام را هدف اصلی خود اعلام کرد. با توجه به اینکه گوام محل استقرار ۱۶۰ هزار نظامی امریکایی و خانواده‌هایشان است و بخشی از بمب‌افکن‌های استراتژیک امریکا در این جزیره قرار گرفته و موشک‌های تاد نیز به‌طور کامل در این جزیره عملیاتی شده است، حمله به این جزیره به‌مثابه‌ی اعلان جنگ به امریکا تلقی می‌شود.

در آرماگدون هسته‌ای، کره‌شمالی سلاح هسته‌ای را نشانی از غرور ملی و بقا می‌پندارد و بر این باور است که تحریم‌ها بخشی از توطئه‌ی امریکا برای زمین زدن این کشور است. روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه ۹۶، رهبر این کشور ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای دولتی را واداشت رژه‌ای در حمایت از او ترتیب دهند. روزنامه رودونگ سینمون، چاپ کره شمالی هم در گزارشی ۶ صفحه‌ای با عنوان «تاپای جان در دفاع از سرزمین پدری» نوشت: «باید در راه «پدر» و «سرزمین پدری به قیمت جان هم که شده ایستاد.» روایت دیگری هم هست که معتقد است هدف از رفتارهای تهاجمی کره‌شمالی درخواست از امریکا برای بخشش پیونگیانگ است. کیم دونگ یوب، تحلیلگر در مؤسسه مطالعات خاور دور در دانشگاه کیونگ نام در سئول، معتقد است: «در میان تمام این اعتمادبه‌نفس‌ها و جرأت‌ها، کره‌شمالی به‌طور متناقض از امریکا می‌خواهد تا به این کشور کمک کند تا خودزنی را متوقف سازد.»

جفری لوییس، مدیر برنامه منع اشاعه شرق آسیا در مؤسسه مطالعات بین‌الملل میدلبری در مونترری، در فارن پالیسی نوشت: «کره شمالی ۶ آزمایش هسته‌ای انجام داده است. آنجا که ترامپ به «پسر چاقالو» اشاره می‌کند، شاید

سخن او کنایه‌ای باشد از یک جنگ هسته‌ای. «مرد چاق» اسم رمز سومین بمب هسته‌ای آمریکاست که در سال ۱۹۴۵ روی ناگازاکی ژاپن انداخته شد. جفری لویس معتقد است: «پایگاه‌های هسته‌ای کره شمالی به شکلی بسیار پراکنده و زیر کوه‌ها تعبیه شده است.» او معتقد است: «این کشور ریسک فنی و امنیتی را برای رسیدن به سلاح هسته‌ای قابل کاربرد پذیرفته است.» او معتقد است: «فراریان این کشور نیز سال‌ها پیش اطلاع داده بودند که این کشور در حال آزمایش هسته‌ای است.» واشنگتن پست در دو گزارش که در ژوئیه ۲۰۱۷ منتشر کرد به دو نکته اشاره داشت: در اولین گزارش مورخ ۲۸ ژوئیه اعلام شد کره شمالی سلاح هسته‌ای برای موشک‌های بالستیک تولید کرده است. در اوایل ژوئیه هم اعلام شد این کشور ۶۰ بمب هسته‌ای دارد. او معتقد است وقتی کره به این سطح رسیده، دیگر درخواست از او برای متوقف ساختن برنامه‌هایش امری عبث است.

نظریه هشتم: حمله همه جانبه

آیا امریکا بازنده تحولات شبه جزیره کره است یا برنده؟ آیا بازدارندگی هسته‌ای به پایان خود رسیده است؟ یک دیدگاه بر این است که «وضعیت بدون برنده» تنها گزینه‌ای است که می‌توان متصور شد. اگر امریکا در حال آماده‌سازی برای اجرای حمله پیشدستانه باشد، چنین حمله‌ای تلفاتی زیاد به همراه خواهد داشت. این حمله مستلزم حمله سریع و چندبُعدی است که شدت آن باید در همان دقائق اول روشن باشد. جری هندریکس، کاپیتان بازنشسته و محقق مرکز نیو امریکن سکيوریتی^۱ معتقد است: «احتمالاً این حمله مستلزم چندین استراتژی با هدف خنثی کردن قابلیت‌های دفاعی - تهاجمی کره شمالی است. برای خنثی کردن قابلیت موشک‌های هوا به زمین این کشور، امریکا نیازمند

1. New American Security

استفاده از بمب افکن های اف ۲۲، اف ۳۵ و بی ۲ است که باید در کنار جنگنده های اف ۱۵ و اف ۱۶ کره جنوبی و ژاپن آماده عملیات شوند.» هندی ریکس معتقد است: «عملیات امریکا مستلزم انتقال جنگنده های دیگری هم هست تا دست به حمله سریع بزنند. همچنین پایگاه های هوایی در کره جنوبی و ژاپن نیز باید فعال شوند. علاوه بر این پایگاه گوام نیز با بمب افکن های بی ۱، بی ۲ و بی ۵۲ باید آماده واکنش سریع باشند.

در شرایطی که امریکا و متحدانش مشغول حمله هوایی سریع علیه اهداف پیونگ یانگ هستند، کشتی های جنگی امریکایی مستقر در ژاپن و شبه جزیره کره نیز باید با شلیک موشک های توماهاوک سایت های موشکی و سیستم های دفاع هوایی این کشور را هدف قرار دهند و از کار بیندازند. این کشتی ها باید آماده پاسخ هسته ای لازم هم باشند. افزون بر این، امریکا باید هم زمان و با اقدامی حساب شده وارد جنگ سایبری نیز بشود تا در برنامه های تسلیحاتی این کشور اختلال به وجود آورد.» با تمام این تفصیلات، هندی ریکس می افزاید: «امریکا باید اطمینان یابد که از بمب ها، موشک ها و جنگنده های مسلح به جنگ الکترونیک برای نابودی یا اختلال در سیستم های هوایی کره شمالی برخوردار است. تمام اینها باید پیش از پرواز بمب افکن های غول پیکر بی ۱ باشد.

در همان دقایق اول حمله، جنگنده ها و سایر تجهیزات امریکایی در همراهی کامل با متحدان باید هزاران تونل موشکی را از کار بیندازد.» جو سیرینسیون، رئیس پلاگ شیر فاند^۲، سازمانی که برای متوقف ساختن اشاعه هسته ای فعالیت دارد، می گوید: «مسئله ضربه زدن به کره شمالی نیست، بلکه چیزی است که پس از حمله رخ می دهد.» او معتقد است: «ممکن است پس از حمله واکنش کره شمالی بی حساب باشد. تخمین ها نشان می دهد صدها هزار نفر از ساکنان کره جنوبی در همان ساعت های اولیه جنگ به واسطه موشک ها، راکت ها و

توپخانه کره شمالی کشته خواهند شد. اگر جنگ به سطح هسته‌ای برسد، تلفات بالغ بر ده‌ها میلیون تن خواهد شد و موجب نابودی اقتصاد یازدهم جهان خواهد گردید.»

او معتقد است: «حمله باید آخرین راه حل باشد. با این حال، برخی معتقدند هنوز نشانه‌ای از ضربه اول یا حمله پیشدستانه به چشم نمی‌خورد، چرا که چنین اقدامی مستلزم آماده‌سازی‌های گسترده در آرایش نظامی امریکا و متحدانش در آسیاست.» هندی‌ریکس بر این باور است: «آماده‌سازی برای جنگ تمام‌عیار هفته‌ها یا ماه‌ها طول می‌کشد. اولین گام در این حمله تمام‌عیار این است که کره جنوبی و ژاپن اطمینان یابند امنیت آن‌ها تأمین است و به طور کامل در برنامه اقدام نظامی امریکا وارد شده‌اند. گام دیگر این است که هزاران نظامی و غیرنظامی امریکایی از منطقه خارج شوند. اگر این اتفاق رخ دهد، می‌توان به این باور رسید که در مسیر جنگ تمام‌عیار حرکت می‌کنیم.» سناتور لیندسی گراهام می‌گوید: «هرگاه دیدید وابستگان نظامی ما کره جنوبی و ژاپن را ترک کردند، بدانید کره شمالی از خط قرمز عبور کرده است و ما آماده اقدام نظامی هستیم.»

سناریوهای دیگر

برای درک اینکه آیا نزاع تمام‌عیار در شبه‌جزیره محتمل است یا خیر، جفری لویس، مدیر برنامه خلع‌سلاح در شرق آسیا در مؤسسه مطالعات بین‌المللی میدل بوری، به چند سناریو اشاره می‌کند:

۱. کره شمالی باور کند امریکا قصد حمله پیشگیرانه دارد و دست به کارهای دیوانه‌وار بزند: همه چیز در این کشور حول این تصور می‌گردد که ممکن است مورد حمله قرار بگیرند و اینکه «اون» ممکن است به سرنوشت قذافی یا صدام حسین تبدیل شود؛ اما یک تفاوت هست: «اون» به سلاح هسته‌ای دست یافته است. حقیقت این است که کره شمالی تمرین‌هایی را انجام داده که براساس آن

از آمادگی هدف قرار دادن پایگاه‌ها و سایر اهداف امریکایی برخوردار است. تئوری کره‌شمالی این است که در روز اول جنگ بالقوه با امریکا اگر از سلاح هسته‌ای - علیه کره جنوبی یا ژاپن - استفاده کنند، لطمات آن شدید و ویرانگر خواهد بود و این موضوع دیگران را از تجاوز در آینده باز خواهد داشت، اما مسئله این است، برای اینکه این استراتژی کارگر باشد، کره‌شمالی ابتدا باید حمله را شروع کند. از آنجا که ترامپ غیرقابل پیش‌بینی است، کره‌شمالی ممکن است تصمیم به انجام حمله بگیرد تا مانع واکنش امریکا شود.

۲. کره‌شمالی لفاظی‌های دیگری را شروع کند و تا جایی پیش برود که کره جنوبی واکنش نشان دهد، این اتفاق قبلاً هم تکرار شده است. حمله به قایق‌های کره جنوبی، حمله توپخانه‌ای به سواحل سئول، کارگذاری مین‌های دریایی، وارد آوردن تلفات به سربازان کره جنوبی؛ بنابراین پیونگیانگ ممکن است به محک زدن محدودیت‌های خود و توانمندی طرف مقابل بپردازد. در این سناریو هدف این است که کره‌شمالی تا جایی به تحریک کره جنوبی روی آورد که سئول مجبور به واکنش شود، اما سئول باز هم از سلاح هسته‌ای این کشور بیم دارد. آن‌ها روی قابلیت‌های خود کار می‌کنند که در صورت لزوم «اون» را هدف قرار دهند.

۳. ورود امریکا به مرحله‌ای که نتواند آن را جمع کند: در این سناریو ممکن است اتفاقات عراق در سال ۲۰۰۳ - یا حتی بدتر از آن - رخ دهد. اگر ترامپ به مرحله تغییر رژیم در کره‌شمالی برسد و آن را تنها گزینه بداند، ممکن است نبرد نظامی رخ دهد. تیلرسون در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «ترامپ تصمیم دارد کره‌شمالی را تا جایی منزوی سازد که اتفاقی شبیه به آنچه در سال ۲۰۰۳ در عراق به وجود آمد برای این کشور رخ دهد: جمع کردن نیرو در منطقه، تشکیل متحدانی جدید، اخذ اجازه‌ای نیم‌بند از کنگره برای استفاده از زور و بقیه ماجرا. در یک چشم برهم‌زدنی، درگیر جنگ شده‌ایم.» لوییس می‌گوید: «نگرانی من این است که ترامپ در مسیر بوش گام بردارد و خود را وارد بحرانی کند که خروج از آن

به آسانی میسر نیست.»

۴. تداوم وضعیت فعلی و آغاز مسابقه تسلیحاتی: اکنون مسابقه تسلیحاتی در زمینه موشک‌های کروز در آسیا شروع شده است. چین، کره جنوبی و تایوان در این مسیر قرار گرفته‌اند. کره شمالی موشک‌های بالستیک هم دارد. تنها ژاپن است که هنوز وارد بازی نشده است. ژاپن مبادرت به خرید موشک‌های تاماهاوک از امریکا کرده است که قابلیت‌های تهاجمی ژاپن را افزایش می‌دهد، و این هشدار است به کره شمالی و چین. شاید یکی از هدف‌های کره شمالی وارد کردن ژاپن به رقابت تسلیحاتی و منازعه منطقه‌ای باشد. هدف بی‌ثبات‌سازی منطقه و ایجاد زنجیره‌ای از پیامدهای مخرب است. یکی دیگر از اهداف کره شمالی ممکن است گل‌آلود کردن آب باشد؛ یعنی با به جان هم انداختن کشورهای منطقه و وارد کردن آن‌ها به مسابقه تسلیحاتی، خود کنار بکشد و توپ را به زمین رقبا بیندازد.

۵. فروپاشی احتمالی: این فرضیه برای قدرت‌های منطقه هم مطلوب است هم نامطلوب. مطلوب از این جهت که خطر وجود رژیم استالینیستی و نظامی از میان برود، اما منطقه را با سیل گرسنگان مواجه می‌سازد و پیامدهای امنیتی دیگری با خود می‌آورد. با این حال، جناح‌های نظامی در داخل ممکن است وارد کشمکش قدرت شوند و در این سناریو ممکن است کشورهای منطقه به علاوه امریکا ورود کنند. اگر کره شمالی فرو بیاشد، این فروپاشی شبیه به آلمان شرقی نخواهد بود، بلکه شباهت‌های بسیاری به بوسنی، سوریه و لیبی خواهد داشت. این یعنی نیروهای نیابتی وارد میدان می‌شوند و خلأ قدرت به وجود می‌آید. نکته مهم این است که اگر رژیم فرو بیاشد، باید قدرتی وارد این کشور شود و به تضمین امنیت سلاح‌های هسته‌ای بپردازد و این کار آسانی نخواهد بود.

سناریوهای کره جنوبی در برابر همسایه شمالی

سؤال اساسی در محافل آسیایی اکنون این است: آیا اصلاً کره شمالی مبادرت به آزمایش هسته‌ای خواهد کرد؟ یا این کشور بلوف می‌زند و به دنبال محک زدن رقباست؟ یک چیز روشن است: سؤال در تیررس ارتش کره شمالی است؛ اما کره جنوبی نیز بیکار ننشسته است. رایان پیکرل در دیلی کالر^۱ می‌نویسد: «کره جنوبی استراتژی یا سیستم دفاع سه مرحله‌ای را در برابر اقدامات کره شمالی تدوین و طراحی کرده است:

۱. گزینه حمله یا ضربه پیشگیرانه برای از بین بردن قابلیت‌های تهاجمی کره شمالی. سیستم حمله یا ضربه پیشگیرانه زنجیره کشتار نشانه‌هایی از پرتاب هسته‌ای قریب‌الوقوع را کشف می‌کند و سایت‌های هسته‌ای کره شمالی و پایگاه‌های موشکی را با موشک‌های کروز و سایر تسلیحات هدف قرار می‌دهد. امریکا و کره جنوبی نیز برنامه پاسخ مشترکی به نام اوپلن ۵۰۱۵^۲ دارند. این برنامه مخفیانه بوده و ظاهراً مکمل یا تقویت‌کننده اوپلن ۵۰۲۹^۳ (ایجاد بی‌ثباتی داخلی در کره شمالی) و اوپلن ۵۰۲۷^۴ (آماده‌سازی برای جنگ تمام‌عیار) است. ظاهراً اوپلن ۵۰۱۵ به دنبال ضربه / حمله پیشگیرانه به مراکز و تسلیحات نظامی اساسی و احتمالاً رهبری کره شمالی است.

۲. فاز دوم سیستم دفاع هوایی و موشکی کره^۵ است که برای ممانعت از شلیک موشک‌ها در آینده طراحی شده است. امریکا با تجهیز کره جنوبی به موشک‌های تاد عملاً توان عملیاتی ارتش سئول را بالا برده است و این یکی از دلایلی بود که کره شمالی^۴ موشک به دریای ژاپن شلیک کرد. این موشک قادر است صدها مایل آن سوتر موشک‌ها را در ترمینال‌ها و مخفی‌گاه‌های خود نابود سازد.

1. Dailycaller
2. Oplan 5015
3. Oplan 5029
4. Oplan 5027
5. the Korea Air & Missile Defense (KAMD)

درواقع، پیش از پرتاب اولیه موشک از سوی کره شمالی، این موشک‌ها از توان منهدم کردن آن‌ها برخوردار است. علاوه بر این، امریکا نیز ناوهای رزمی خود را در شبه جزیره نگه داشته است تا شلیک موشک‌های دشمن را رصد و در صورت لزوم آن‌ها را خنثی سازد. کارشناسان امریکایی می‌گویند: «هرگونه حمله محدود کره شمالی با اقدام نظامی قاطع و گسترده امریکا مواجه خواهد شد.»

۳. اگرچه ژاپن و کره جنوبی هم ارتش‌های خود را دارند، این ارتش‌ها به شدت متکی به کمک‌ها و مشاوره‌های امریکا است. با این حال، سومین فاز طراحی شده از سوی سئول «تنبیه گسترده کره و انتقام» نام دارد که هدف آن استفاده از نیروهای ویژه برای فلج کردن همسایه شمالی و نابودی و حذف رهبر این کشور است. فاز سوم بر انهدام کامل مراکز اساسی پیونگ‌یانگ متمرکز است. هدف این فاز «خاکستر کردن پایتخت کره شمالی و حذف آن از روی نقشه است». با تمام این تفصیلات، شرایط در منطقه بحرانی است. هر اقدام دور از عقلانیتی تبعاتی ناخواسته و گسترده برای این منطقه به دنبال دارد. صرف نظر از حمله نظامی به پیونگ‌یانگ، آنچه از همه چیز مهم‌تر است فروپاشی درونی در این کشور است که ممکن است ۲۴ میلیون گرسنه را در سراسر منطقه پراکنده کند که این نیز پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی خواهد داشت.

۴. کره جنوبی می‌گوید: «در صورت هرگونه حمله‌ای از سوی پیونگ‌یانگ، ضمن اینکه مراکز حساس نظامی این کشور را هدف قرار خواهد داد، نیروهای نفوذ را وارد این کشور می‌کند تا به ترور رهبران کره شمالی پردازند.» اما آیا پیونگ‌یانگ دست روی دست می‌گذارد تا همسایگان علیه این کشور وارد عمل شوند؟ ایندیندنت در گزارشی در این مورد می‌نویسد: «کره شمالی نیروهای ویژه را برای ربودن غربی‌هایی که به کره جنوبی سفر می‌کنند تربیت کرده است.» این گزارش می‌افزاید: «پیونگ‌یانگ در صورت حمله نظامی امریکا، این نیروها

را وارد سؤال می‌کند تا با ربودن توریست‌های غربی آن‌ها را گروگان خود در برخورد با واشنگتن نگه دارد.» البته به نوشته این روزنامه بریتانیایی، ماین ادعایی است که برخی فراریان از کره‌شمالی مطرح کرده‌اند.» اونگ جیل لی، که در سال ۲۰۰۶ به کره جنوبی گریخت، می‌گوید: «کیم جونگ اون جوخه‌هایی را تشکیل داده است که دیپلمات‌ها و توریست‌های غربی را از کره جنوبی می‌رباید.»

لی که ۶ سال در یکی از این جوخه‌ها خدمت کرده بود، می‌گوید: «بهترین روش محاصره و انتقال آن فرد به کره‌شمالی است، البته شاید در کره جنوبی هم به عنوان گروگان در جایی نگه داشته شوند. اما احتمال ترور هم مطرح است.»

با این حال، صحت و سقم این سخنان روشن نیست. اینکه فرد محاصره‌شده یا به پیونگیانگ منتقل شود یا در بهترین حالت در سؤال نگه داشته شود، بیشتر همچون فیلم‌های تخیلی می‌ماند، با این حال، گزینه‌ای است که نباید اهمیت آن را نادیده گرفت. لی پناهنده ۳۷ ساله که اکنون مشاور مالی شرکتی در سؤال است، می‌گوید: «حکومت کیم قوی‌تر از حکومت دیکتاتورهای دیگر در خاورمیانه و آفریقا است.» او می‌گوید: «ترامپ در صورت اطمینان از حذف کیم از قدرت باید وارد درگیری نظامی شود. در صورت عدم اطمینان نباید حمله‌ای به کره‌شمالی صورت گیرد، زیرا رهبر این کشور با تمام ابزارهای در دسترس پاسخ خواهد داد.» لی از سن ۱۷ سالگی وارد این نیروی ویژه بدنام شد و پس از یک سال شست‌وشوی مغزی و بازآموزی، ۵ سال هم به عنوان مأمور ارتباطات دوره دید. او یکی از ۱۰۰ عضو گروه قدرتمند زمینی - هوایی بود که برای یورش و تخریب زیرساخت‌ها، تخریب جاده‌ها، اختلال در بنادر و ربودن خارجی‌ان دوره دیده بود. به گروه او آموزش داده شده بود که جزئیات سیستم‌های تلفنی را حفظ کنند؛ آن‌ها مسلح به گاز اعصاب بودند که در برخی موارد به این وسیله ملزم به انجام عملیات انتحاری بودند.

لی می‌گوید: «ما باید به کره جنوبی می‌رفتیم، لباسمان را عوض می‌کردیم و

به مناطقی می‌رفتیم که خارجیان بسیاری آنجا بودند و سپس دست به ربودن آن‌ها می‌زدیم. آن منطقه، شماره تلفن‌ها و پلاک خودروهای سفارت‌های مختلف را حفظ می‌کردیم. من مسلح به برמיד نئوستیگمین و سیانید پتاسیم بودم. اگر با آن به کسی حمله می‌کردم او دچار حمله قلبی می‌شد. از این‌ها یا برای حمله استفاده می‌شد یا خودکشی انتحاری. قرار بود زنده برگردیم، اما اگر چنین امکانی نبود باید خودمان را می‌کشتیم.»^۱

۱. برخی منابع مورد استفاده در این گزارش عبارتند از:

- Choe Sang-Hun (28 April 2017), a New North Korean Missile Test Ends in Failure, <https://www.nytimes.com/28/04/2017/world/asia/north-korea-missile-test.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld&mtref=www.nytimes.com&gwh=E67C5CFC49623D449CE87D1E2AF31C76&gwt=pay>.
- Brad Lendon (29 July 2017), Test shows North Korea missile could hit L.A., Chicago, analyst says, <http://edition.cnn.com/29/07/2017/asia/north-korea-intercontinental-ballistic-missile-test/index.html>.
- Miranda Green (29 April 2017), Homeland Security secretary: Kim Jong Un <knows what he's doing>, <http://edition.cnn.com/28/04/2017/politics/john-kelly-kim-jong-un-unbalanced-cnntv/index.html>.
- David E. Sanger (28 April 2017), Trump on North Korea: Tactic? 'Madman Theory'? Or Just Mixed Messages?, <https://www.nytimes.com/28/04/2017/world/asia/trump-kim-jong-un-north-korean.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld&r=0&mtref=www.nytimes.com&gwh=4C70B53660B00B20AE888484CC265EF&gwt=pay>.
- Jeremy Diamond & Zachary Cohen (2 May 2017), Trump: I'd be <honored> to meet Kim Jong Un under <right circumstances>, <http://edition.cnn.com/01/05/2017/politics/donald-trump-meet-north-korea-kim-jong-un/index.html>.
- Choe Sang-Hun (10 Aug 2017), North Korean Threat to Guam Tests Credibility of Kim and Trump, <https://www.nytimes.com/10/08/2017/world/asia/north-korea-guam-missiles-kim-trump.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.
- Jeffrey Lewis (9 August 2017), the Game Is Over & North Korea Has Won, <http://foreignpolicy.com/09/08/2017/the-game-is-over-and-north-korea-has-won/>.
- David E. Sanger (28 Feb 2019), Trump-Kim Summit's Collapse Exposes the Risks of One-to-One Diplomacy, <https://www.nytimes.com/28/02/2019/world/asia/trump-north-korea-nuclear-sanctions.html>.
- Zachary Cohen (11 August 2017), the last resort: How a US strike on North Korea could play out, <http://edition.cnn.com/11/08/2017/politics/us-north-korea-strike-first/index.html>.
- Peter Baker (10 Aug 2017), Trump Doubles Down on Threats Against North Korea as Nuclear Tensions Escalate, <https://www.nytimes.com/10/08/2017/world/asia/north-korea-trump.html>.
- Mark Steel (10 August 2017), We're all about to die in a third world war caused by Donald Trump and Kim Jong-un - but at least it has comedy value, <http://www.independent.co.uk/voices/donald-trump-north-korea-kim-jong-un-nuclear-weapons-holocaust-world-war-three-a7886901.html>.
- Mark Landler (1 May 2017), Trump Follows Instincts, Not Establishment, With Overtures to Kim and Duterte, https://www.nytimes.com/01/05/2017/world/asia/trump-north-korea-kim-jong-un.html?_r=0.
- David E. Sanger (20 Aug 2017), Talk of 'Preventive War' Rises in White House Over North Korea, <https://www.nytimes.com/20/08/2017/world/asia/north-korea-war-trump.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fasia&mtref=www.nytimes.com&gwh=ADD96A5B91191C29F1B868BEC202B48A&gwt=pay>.
- Nic Robertson (10 August 2017), Why Gadhafi's downfall scares the life out of Kim Jong Un, <http://edition.cnn.com/10/08/2017/opinions/kim-john-un-gaddafi-robertson-opinion/index.html>.
- Phil W. Reynolds (3 September 2016), What Happens If North Korea Collapses?, <http://thediplomat.com/09/2016/what-happens-if-north-korea-collapses/>. 5 ways the North Korea situation could spiral out of control (11 Apr, 2017), <http://www.vox.com/policy-and-politics/15192866/11/4/2017/north-korea-kim-jong-un-donald-trump-japan-china-south-korea>.
- Ryan Pickrell, What Would Happen If Kim Jong-Un Launched A Nuclear Strike?, 2017/14/04, <http://dailycaller.com/14/04/2017/what-would-happen-if-kim-jong-un-launched-a-nuclear-strike/>.
- James A. Kelly, Opening Up the Hermit Kingdom, <http://www.the-american-interest.com/16/02/2017/opening-up-the-hermit-kingdom/>.

زیر و بم اقتصاد یک دولت اسرارآمیز

پیش‌بینی تحولات کره‌شمالی و زندگی ساکنان این کشور اسرارآمیز همواره دشوار بوده است. کره‌شمالی گویی پادگانی است که مردمانش همواره آماده‌باش و آماده جنگند. سلاح هسته‌ای این کشور به‌مثابه شمشیر داموکلس بر سر آمریکا و متحدان آسیایی این کشور قرار گرفته است. چنین می‌نماید که انگشت رهبر این کشور روی دکمه شلیک قرار دارد و آماده است در هر زمانی که صلاح بداند آتشی به پا کند. ویل ریپلی، تیم شوارتز، جاستین روبرتسون، و مارک لوردز گزارشگران سی‌ان‌ان در جولای ۲۰۱۷ از کره‌شمالی دیدار کردند و ۱۵ روز در این کشور به سر بردند. اگرچه آن‌ها دائماً تحت نظر نیروهای امنیتی و دولتی بودند، سطحی از دسترسی هم در این کشور اسرارآمیز داشتند که این دسترسی خارج از دید رهبران پیونگیانگ بود. آن‌ها با سفر به قلب کره‌شمالی ناگفته‌هایی از این کشور را قلمی کردند که شرح آن از این قرار است:

۱. جامعه پادگانی

وقتی نام کره‌شمالی مطرح می‌شود پرتاب موشک، کلاهک‌های هسته‌ای، رژه‌های نظامی گسترده و کیم جونگ اونی به ذهن متبادر می‌شود که قدرت مطلق را در کف دارد؛ اما در وُنسان، شهری در ساحل شرقی این کشور، چیزی غیرمنتظره می‌یابیم. بچه‌ها در حال بازی‌های ویدئویی‌اند. برخلاف نوجوانان غربی، این نوجوانان ۱۴-۱۵ ساله فقط بازی نمی‌کنند. آنچه آن‌ها در حال انجامش هستند، آماده‌سازی برای زندگی

واقعی است. بیشتر پسران و دختران سال‌های اولیه بزرگسالی خود را همچون پدرانشان در ارتش سپری می‌کنند. وقتی از این کودکان و نوجوانان می‌پرسیم بخش جذاب بازی‌تان کدام است، پاسخ می‌دهند: «کشتن دشمن.» وقتی از آن‌ها می‌پرسیم این دشمن کیست، پاسخ آن‌ها عرق سردی بر تن مان می‌نشانند: «امریکا.» زندگی در شبه‌جزیره کره از زمان تقسیم آن به دو کشور کمونیستی تحت لوای شوروی و دموکراتیک تحت لوای امریکا یک جور و یک شکل نبوده است. نفرت کره شمالی‌ها از امریکا به جنگ کره در دهه ۵۰ بازمی‌گردد؛ جنگی خونین و خشونت‌بار سه ساله که جان ۳ میلیون کره‌ای را گرفت و اکثرشان غیرنظامی بودند.

کره شمالی به مردمانش می‌آموزد این امریکا بود که جنگ را شروع کرد. نگاه متخصصان غربی اما چیز دیگری است. این پسران کوچک می‌گویند: «آرزو دارند روزی به ارتش ملحق شوند تا با دشمن قسم‌خورده امریکایی بجنگند، زیرا آن‌ها به‌زور به ما حمله کردند و مردمان ما را کشتند... آن‌ها را زنده سوزاندند، زنده دفنشان کردند، و کشتندشان.» به این کودکان گفتیم ما امریکایی هستیم. آیا می‌خواهید ما را بکشید؟ پاسخ آن‌ها این بود: «بله.» وقتی به آن‌ها گفتیم: «ما امریکایی‌های خوب هستیم.» پاسخ این کودکان این بود: «پس شما را نمی‌کشیم.» این پارادوکس است: جوانانی خنده‌رو، مؤدب، و مهربان که آشکارا از امریکا نفرت دارند. این جوانان به‌نوعی شبیه هم‌تایان امریکایی خود هستند: عاشق بازی و ورزش و والیبال ساحلی. واقعیت این است که این کودکان و نوجوانان تحت تأثیر تبلیغات دولتی‌اند که به آن‌ها نفرت از دشمن قسم‌خورده و وفاداری به خاندان کیم را می‌آموزد. مجسمه و تصاویر کیم همه‌جا هست، حتی در رسانه‌ها هم حضوری دائمی دارند.

حدود ۵ میلیون کودک زیر ۱۴ سال در کره شمالی هستند. آن‌ها بخشی از جامعه اشتراکی‌اند که در آن کار جمعی و نه فردی غالب است. اولین چیزی که از این کشور می‌بینیم کودکانی است که گرد مجسمه دو رهبر سابق این کشور جمع شده‌اند و خنده به لب دارند، گویی زندگی حول مجسمه این دو رهبر می‌گردد. روز تولد رهبران این

کشور دانش‌آموزان جمع می‌شوند و با سرود و رقص و پایکوبی به تمجید از قائد اعظم می‌پردازند. چائخ جین سونگ، یکی از پسرانی که در روز تولد قائد اعظم حضور داشته است می‌گوید: «کیم جونگ اون پدری است که عشقش به کشور بیش از عشق والدین به فرزندانشان است». این پسر جوان می‌گوید: «اون عشقی را به مردمان سرزمینش می‌دهد که والدین به‌راستی نمی‌توانند آن عشق را به فرزندان خود بدهند.»

۲. وُئسان، شهر غذاهای دریایی و موشک‌ها

با یک عبارت می‌توان مسیر ۱۲۵ مایلی از پیونگ‌یانگ به وئسان را توصیف کرد: پردست‌انداز و ناهموار. این سفر ۵ ساعت طول کشید، آن هم با توقف‌های بسیار. فقط ماشین‌های کوچک می‌توانند از جاده‌ها عبور کنند. ما درونی بزرگ هستیم و سرعتمان کم است. چندین تماس تلفنی میان متصدیان امر و افسران پلیس مانیتورینگ انجام می‌گیرد که حرکت را کندتر می‌کند. کارگران ساختمانی هم در مسیر مشغول کار بودند. وقتی از مقابل تونل‌ها عبور می‌کنیم، زنان و مردانی را می‌بینیم که در تاریکی تونل و در شرایط رقت‌بار کار می‌کنند. چشم‌انداز وحشت‌آور است: کوه‌های باستانی، جنگل‌های زیاد و چند نقطه که گویی شهرهایی کوچک در دوردست هستند. نمی‌دانیم در این به اصطلاح شهرها مردم چگونه امورات خود را می‌گذرانند. ورود خبرنگاران به این شهرها ممنوع است. وئسان پنجمین شهر بزرگ و البته نیمه‌صنعتی کشور است؛ این شهر در میان توریست‌های معدود به‌خاطر ماهی‌ها و غذاهای دریایی‌اش شهره است. این شهر، شهر موشکی کره‌شمالی نیز است. برنامه‌های موشکی این کشور در این شهر توسعه می‌یابد. کیم ایل سونگ اولین موشک اسکاد را در دهه ۸۰ از این شهر پرتاب کرد. فرزندش کیم جونگ ایل هم طی ۱۷ سال حکمرانی چندین موشک از این شهر پرتاب کرد؛ اما کیم جونگ اون پیشرفت‌ها را به سطحی جدید رساند: پرتاب ماهواره، آزمایش‌های هسته‌ای، و شلیک موشک. این باعث شده است کره‌شمالی در آستانه جنگ با امریکا قرار بگیرد. هدف از این موشک‌پرانی‌ها چیست؟ تبلیغات و نشان دادن

قدرت خود به مردم کره و کشورهای خارجی. این موضوع بیمه‌ای برای اون و حزب حاکم کره است و مدافع این کشور است در برابر دشمنان خارجی. کیم اون تائک می‌گوید: «تنها حسن این شهر هوای پاک آن است، هرچند به دلیل موشک‌ها نیز این شهر شهرتی جهانی یافته است.» او نیز همچون بسیاری دیگر از شهروندان کشورش معتقد است: «اون تمام این کارها را برای دفاع از کشورش انجام می‌دهد.» یکی دیگر از نمادهای این شهر نیروگاه هیدروالکتریک جدید است که در بخش‌های زیادی از شهر از سوی خود شهروندان ساخته می‌شود و باعث شده است و نسان یکی از معدود شهرهای این کشور باشد که کمتر با قطعی برق مواجه است.

۳. مزارع و اخبار جعلی

استان هوانگیگی^۱، در ۴۰ مایلی جنوب پیونگ‌یانگ، محلی است برای مزارع و روستاهای کشاورزی. کشاورزی یکی از مسائل کلیدی در این کشور است، زیرا تغذیه شهروندان به‌عنوان اصل اولیه شهروندی در وضعیت بحران است. با این حال، زمین‌های کشاورزی اندک است، زیرا این کشور با بدترین بحران خشکسالی در دو دهه اخیر مواجه است. اکنون تغذیه اساسی در این کشور و بقای شهروندان به چند چیز بسته است: کلم تخمیرشده - کیمچی - و برنج یا فرنی. مزارع عملاً خالی است. یکی از این کشاورزان که ۳۸ سال دارد می‌گوید: «بهترین چیز برای ما کشاورزان فقط مراقبت از زمین است.» وقتی از او می‌پرسیم دوست داری به کدام کشور خارجی ابتدا سفر کنی؟ برخلاف انتظار ما می‌گوید: «امریکا». با این حال، در ادامه سخنانش می‌گوید: «امریکایی‌ها به کشور ما حمله کردند و ما را کشتند. تمام بدبختی‌های ما به خاطر امریکاست. می‌خواهم سرزمینشان را نابود کنم». جالب این است که او و همسرش غذای خود را با ما شریک می‌شوند. غذایشان تخم اردک، خمیر لوییا، و برنج است که در کاهو با سیر و ادویه جات و ترشی جات پیچیده شده است. غذایی

1. Hwanghae

سالم و خوشمزه. این کشاورز می‌گوید: «رفیق کیم می‌گوید پول و برنج برای زندگی داریم. او این خانه را رایگان به ما داده است.»

تحریم‌ها و خشکاندن اقتصاد کره شمالی

تحریم اقتصادی اولین گام برای مهار برنامه هسته‌ای - موشکی کره شمالی است. چنین به نظر می‌رسد تحریم اقتصادی به تنهایی پیش نمی‌رود، بلکه موازی با عملیات ترور و اقدام نظامی. حجم اقتصاد کره شمالی به طور بالقوه ۲۸۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود^۲، اما به طور بالفعل کل حجم صادرات اقتصادی این کشور حدود ۴ میلیارد دلار است. آزمایشات هسته‌ای - موشکی که این کشور در طی سال ۲۰۱۷ انجام داد، کشورهای غربی، آسیایی، و متحدان آمریکا را به این نتیجه رساند که وارد فاز دیپلماسی سخت شوند. در همین راستا، تحریم‌های اقتصادی سفت و سختی علیه کره شمالی اعمال شد که برخی آن را بزرگترین بسته تحریمی علیه یک کشور خارجی خواندند. با این حال، اگرچه اکنون فضای اقتصادی در این کشور تیره و تار است (برخی معتقدند این کشور رشد اقتصادی ۴ درصدی دارد و در زیر پوست این کشور فعالیت اقتصادی جریان دارد)، حقیقت این است که اقتصاد کره شمالی در بیشتر دوران کیم ایل سونگ بزرگتر از اقتصاد کره جنوبی بود؛ اما امروز درآمد سرانه در این کشور قابل قیاس با کره جنوبی نیست. حجم تجارت خارجی کره جنوبی چیزی حدود ۳ تریلیون دلار است، اما حجم تجارت خارجی کره شمالی به سختی به ۵ میلیارد دلار می‌رسد.

استراتژی کیم جونگ اون دنبال کردن سیاست پیونگ جین^۳ یا توسعه موازی است. براساس این سیاست، این کشور هم‌زمان هم باید به تسلیحات هسته‌ای دست یابد هم

۲. این آمار را رسانه‌های کره شمالی اعلام کرده‌اند. افزون‌براین، در ایران یک کانال تلگرامی با عنوان «کره شمالی به فارسی: مرجع رسمی اخبار کره شمالی به زبان فارسی» وجود دارد که این خبر را ذکر کرده است. بسیاری از معادن کره شمالی را شرکت‌های چینی در اختیار گرفته‌اند و وظیفه آن‌ها توسعه این معدن‌هاست. مسئولان کره در سال‌های گذشته با ۳۸ شرکت خارجی برای توسعه منابع معدنی از جمله معادن طلا، نقره و زغال‌سنگ قرارداد بسته‌اند که ۳۳ شرکت از آن‌ها متعلق به چین است. برخی از قراردادهایی را که شرکت‌های چینی، فرانسوی، ژاپنی و سوئیسی با کره شمالی امضا کرده‌اند، طولانی‌مدت و بین ۱۰ تا ۵۰ سال زمان دارند و شامل هیچ‌گونه تحریمی نمی‌شود.

3. byungjin

به توسعه اقتصادی. اون معتقد است فقط با یک بازدارندگی هسته‌ای کره شمالی می‌تواند بر رشد خود متمرکز شود. با این حال، یک دیدگاه معتقد است او اجازه داده بازارها حتی به صورت زیرزمینی و در مرزها به حیات خود ادامه دهند. فضای ساخت‌وساز در این کشور رشد کرده است. با وجود دهه‌ها تحریم، اقتصاد این کشور نشانه‌هایی از زندگی را از خود نشان می‌دهد، اما فضا در خارج از پیونگ‌یانگ تیره‌وتار است. رشد اقتصادی مستلزم امنیت و پایان دادن به بحران هسته‌ای است. از آغاز قحطی دهه ۹۰ به بعد، گفته می‌شود بیش از ۳۰ هزار کره‌ای از کشور خود گریخته‌اند. کره شمالی معتقد است با قدرت هسته‌ای می‌خواهد غرب را وادار به کرنش کند و آن‌ها را به قبول این حقیقت وادارد که پیونگ‌یانگ به جرگه کشورهای هسته‌ای پیوسته است و اکنون وقت معامله با این کشور است. تسلیحات هسته‌ای اعتماد به نفس زیادی به رهبران این کشور می‌دهد تا به آن وسیله هم به رسمیت شناخته شود و هم به عنوان کشوری هسته‌ای با قدرت چانه‌زنی بیشتری وارد میز مذاکرات شود. کوه یو هوان، استاد مطالعات کره شمالی در دانشگاه دونگ‌گوک در سئول، می‌افزاید: «اون معتقد است جهان چاره‌ای ندارد جز پذیرش این کشور به عنوان قدرتی هسته‌ای.» کره شمالی معتقد است در صورت هرگونه اقدام نسنجیده از سوی امریکا جنگ حتمی است.

ایالات متحده و کره شمالی به‌رغم دیدارها و نامه‌نگاری‌های دوستانه میان رهبران دو کشور، هنوز در فاز تقابل قرار دارند. مرحله اول این تقابل تحریم‌های اقتصادی است. امریکا با ارائه قطعنامه‌ای به شورای امنیت تلاش دارد تا صادرات تقریباً ۳ میلیارد دلاری کره شمالی را متوقف سازد و گام دیگری در راستای خشکاندن منابع مالی این کشور بردارد. کره شمالی هم اکنون در زمینه زغال‌سنگ، آهن، سنگ آهن، سرب و غذاهای دریایی صادرات دارد. چین و روسیه، دو متحد کره شمالی، از این قطعنامه پیشنهادی حمایت کردند. این قطعنامه روز جمعه ۱۳ مردادماه ۹۶ به ۱۵ عضو شورای امنیت ارائه شد. قطعنامه برای تصویب باید به تأیید ۹ عضو برسد و با وتوی کشورهای صاحب و تو مواجه نشود. نکته مهم دیگری که در این قطعنامه آمد این

بود که کشورها باید از واردات نیروهای کارگر کره‌شمالی خودداری ورزند تا به این ترتیب منبع مالی دیگری نصیب این کشور نشود. هم‌اکنون به طور مثال ۳۰ تا ۵۰ هزار کارگر کره‌ای در روسیه مشغول به کارند و سالانه ۱۲۰ میلیون دلار عاید کشور خود می‌کنند.

رای به این قطعنامه پیشنهادی امریکا - که به اتفاق آرا هم صورت گرفت - مبنی بر تحریم‌های بیشتر و جدیدتر تقریباً یک هفته پس از ششمین آزمایش هسته‌ای از سوی کره‌شمالی صورت گرفت. هدف این قطعنامه دستیابی به ۶ هدف اصلی بود: محدود کردن واردات نفتی کره شمالی، ممنوع کردن صادرات منسوجات، پایان دادن به حضور کارگران کره‌ای در کشورهای خارجی، مقابله با تلاش‌های قاچاق، متوقف ساختن سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای دیگر، و تحریم نهادهای دولتی کره شمالی. ایالات متحده ابتدا یک قطعنامه مقدماتی ارائه داد که خواستار ممنوعیت کامل صادرات نفت به کره‌شمالی و مسدود کردن دارایی اون، رهبر کره شمالی، حزب کارگران، و دولت کره‌شمالی شده بود؛ اما بعد، امریکا قطعنامه دیگری را به بحث گذاشت که محاصره کامل نفتی، مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت برای سفر کیم را برمی‌داشت و زبان خود درخصوص کارگران خارجی و مسائل دیگر را نرم‌تر می‌کرد. احتمالاً ترس از فروپاشی کره‌شمالی باعث نرم‌تر شدن لحن قطعنامه دوم شد. نیکی هیلی، سفیر وقت امریکا در سازمان ملل می‌گفت: «نفت همچون خونی در رگ‌های کره‌شمالی برای تأمین مالی برنامه هسته‌ای‌اش است». این قطعنامه جدید حدود ۳۰ درصد از کل واردات نفتی کره را کاهش داد، همچنین موجب کاهش ۵۵ درصدی فرآورده‌های نفتی صادر شده به کره شد. در سال ۲۰۱۶، کره‌شمالی از فروش منسوجات ۷۶۰ میلیون دلار درآمد بدست آورده بود و باعث شده بود این صنعت در کره‌شمالی به مهم‌ترین بخش درآمدی تبدیل شود. این صنعت تاکنون مورد تحریم‌های سازمان ملل قرار نگرفته بود. همچنین از قبیل کارگران خارجی نیز کره‌شمالی سالانه ۵۰۰ میلیون دلار عایدی دارد. این دو بخش اکنون مورد تحریم قرار دارند.

بونی گلاس، مشاور ارشد آسیا در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۱ می‌گوید ایالات متحده به دنبال وارد آوردن ضربات فلج‌کننده به کره شمالی است. این کشور با مجازات‌های اقتصادی غیرمنتظره کمر همت بر بسته است تا اقتصاد کره شمالی را زمین گیر کند. ظاهراً آزمایش‌های موشکی کره شمالی به کام امریکایی‌ها سخت‌گران آمده است. به این ترتیب می‌کوشند تا خشم خود را با فلج کردن اقتصاد این کشور نشان دهند. دیپلمات‌ها معتقدند: «این بسته تحریمی مؤثرترین و گسترده‌ترین مجموعه تحریمی است که تا امروز علیه این کشور به اجرا درآمده است.» زغال‌سنگ، آهن، سنگ‌آهن، سرب، و غذاهای دریایی ۱ میلیارد دلار از تجارت ۳ میلیارد دلاری کره شمالی را تشکیل می‌دهد. اکنون میست در گزارش روز جمعه مورخ ۱۳ مرداد ۹۶ خود نوشت هزینه‌ای که امریکایی‌ها برای حیوانات خانگی‌شان می‌پردازند، دو برابر کل تولید ناخالص داخلی کره شمالی است.

تنگ‌تر شدن گلوگاه اقتصاد پیونگ‌یانگ با فشار بر متحدان این کشور

رژیم حاکم بر کره شمالی از آن دست پدیده‌هایی است که تعامل با آن نه تنها سخت بلکه در مواقعی غیرممکن می‌شود. گاهی تعامل با این کشور با درهای بسته مواجه می‌شود؛ گاهی دیپلماسی شکست می‌خورد و گاهی روح تازه‌ای در کالبد دیپلماسی ناکام دمیده می‌شود تا مانع وقوع جنگ شود؛ اما فضا هر روز برای این کشور تنگ‌تر می‌شود. از سال ۱۳۹۶ به بعد دیپلماسی از قالب گروه ۶ (امریکا، روسیه، چین، ژاپن، کره جنوبی و شمالی) خارج شده و شکل جدی‌تر و گسترده‌تری به خود گرفته است. این دفعه دیپلماسی امریکا در جنوب شرق آسیا به فعالیت افتاده است تا کشورهای بیشتری را وارد ائتلاف خود کند. جوزف یون، نماینده ویژه امریکا در مسائل کره شمالی، در دیدار با مقامات میانماری کوشش داشت تا هوتناهای حاکم بر این کشور را که از قضا متحدان نظامی قدیمی پیونگ‌یانگ هستند، به جدایی از این کشور و حرکت به سوی ائتلاف

1. Center for Strategic & International Studies (CSIS)

امریکا متقاعد کند تا به این وسیله از شمار متحدان کیم بکاهد. به گفته تحلیلگران، هدف این سفر روشن است: اقدامات نمادین دولت ترامپ برای قطع شریان‌های مالی کره شمالی. برای دولت ترامپ اهمیتی ندارد این شریان‌های مالی چقدر است و چه میزان درآمد و از سوی کدام کشور وارد کره شمالی می‌کند. هدف قطع کامل درآمدهای کره شمالی از منابع مختلف است.

پیش از انتخابات ۲۰۱۵، هونتاهای نظامی حاکم بر میانمار، یکی از مهم‌ترین خریداران تسلیحات کره شمالی و فناوری‌های تسلیحاتی از این کشور بودند. به گفته وزارت خزانه‌داری امریکا، این خریده‌ها به پیونگیانگ کمک کرده است تا برنامه‌های تسلیحاتی خود را پیش ببرد و زندگی نخبگان نظامی خود را زیور و کند. با این حال، اگرچه این هونتاهای دیگر بر سر کار نیستند، همچنان نفوذ قابل توجهی دارند و فعالیت‌های شان در مورد کره شمالی به شدت تحت نظر قرار گرفته است. گزارش سازمان ملل نشان داد شرکت‌هایی از چین، سنگاپور، میانمار، اندونزی و خاورمیانه به کره شمالی کمک کرده‌اند تا تحریم‌ها را دور بزنند. این کمک‌ها هم شامل خریدهای تسلیحاتی و وارد کردن ارز خارجی به این کشور می‌شود و هم کمک به واردات برخی محصولات و تکنولوژی‌ها. این شرکت‌ها نقش واسطه یا پوشش دهنده داشتند. در این میان برخی نهادها و افراد به طور اخص در میانمار کمک‌های زیادی به کره شمالی کرده‌اند. این کمک‌ها از نوع خریده‌ها و فناوری‌های تسلیحاتی بوده، اما از زمانی که خانم «سوچی» روی کار آمده، میزان تبادلات میانمار - کره شمالی زیر ذره‌بین قرار گرفته است. در گزارش سال ۲۰۱۷ مجمع متخصصان کره شمالی سازمان ملل آمده است این کشور در سال ۲۰۱۳ راکت‌ها و موشک‌های هدایت‌شونده‌ای را هم به سودان فروخته است.

مقامات فعلی و قبلی امریکا می‌گویند: «دولت ترامپ بر متحدان کره شمالی از جمله میانمار فشار می‌آورد تا همین روابط محدودی را هم که با کره شمالی دارند قطع کنند.» امریکا معتقد است ارتش میانمار نه تنها مبادرت به خریدهای تسلیحاتی از

کره‌شمالی می‌کرد، بلکه پرسنل نظامی این کشور را هم در صنایع نظامی خود به کار گماشته بود. پس از ورود جوزف یون، نماینده امریکا به یانگون، سخنگوی ارتش میانمار اعلام کرد این کشور دیگر هیچ تبادل نظامی با پیونگیانگ نخواهد داشت و مطابق با مقررات سازمان ملل عمل خواهد کرد. چندی پیش برخی شرکت‌های میانماری به دلیل تبادلاتی که با کره‌شمالی داشتند به همراه چند شرکت دیگر آسیایی از سوی دولت امریکا تحریم شدند. اقدام دیگر ممنوعیت ورود گردشگرانی به خاک امریکا است که به کره‌شمالی سفر کرده‌اند. چند شرکت گردشگری آمریکایی اعلام کردند این ممنوعیت به آن‌ها ابلاغ شده است.

پول‌هایی برای روز مبادا

گزارش‌ها حاکی از این است که چین حدود ۸۰ درصد از تجارت خارجی همسایه کوچک خود را در دست دارد؛ بنابراین برای اعمال فشار بر کره شمالی، چین برگی مهم است. در این زمینه، امریکا باید پکن را ترغیب به فعالیت بیشتر کند تا به تجارت خود با کره‌شمالی پایان دهد، اما مسئله این است که آیا امریکا در ازای قطع رابطه تجارتي پکن با پیونگیانگ، امتیازی به چین می‌دهد؟ در حال، زغال‌سنگ یکی از منابع مهم درآمدی کره‌شمالی است. این کشور با برخورداری از منابع عظیم زغال‌سنگ یک سوم از صادرات رسمی به چین را در سال ۲۰۱۵ تشکیل می‌داد. چین چندان تمایلی به براندازی اقتصادی کره‌شمالی ندارد، چرا که این کشور را به‌مثابه دولت حائل میان خود، کره جنوبی و سایر متحدان منطقه‌ای امریکا می‌نگرد. استفان هاگارد، محقق مؤسسه اقتصاد بین‌الملل پیترسون، می‌گوید: «هدف تحریم زغال‌سنگ کره‌شمالی از سوی پکن سقوط اقتصادی این کشور نیست». تاجرانی که میان این دو کشور در رفت‌وآمدند، به روش‌های مختلف برای دور زدن تحریم‌ها متوسل می‌شوند، چرا که حساب و کتاب مشخصی میان آن‌ها وجود ندارد. یکی دیگر از راه‌های درآمدی کره‌شمالی اعزام کارگران به کشورهای خارجی از

جمله روسیه و تحصیل درآمد آن‌ها از سوی کره شمالی است. دولت کره شمالی با اعزام حدود ۵۰ هزار کارگر - برده به روسیه در مواردی حتی نزدیک به ۹۰ درصد از درآمد سالانه آن‌ها را بدست می‌آورد. این اقدام درآمدی سالانه معادل ۱۲۰ میلیون دلار را در اختیار حکومت کره شمالی قرار می‌دهد. این افراد غالباً با حقوق‌های بسیار نازل و در مشاغل سخت در کشور روسیه مشغول به کارند. این افراد شرایطی برده‌گونه دارند و مجبورند بخش زیادی از درآمد خود را به کره شمالی بفرستند. اسکات سیندر، مدیر برنامه سیاست آمریکا و کره شمالی در شورای روابط خارجی آمریکا، در این باره می‌گفت: «دولت کره شمالی نظارتی دقیق بر میزان حقوق دریافتی این کارگران دارد و در مواردی حتی نزدیک به ۹۰ درصد از درآمد سالانه آن‌ها را می‌گیرد.» دولت کره شمالی از این شیوه به عنوان راهی برای دور زدن تحریم‌ها و کسب درآمد استفاده می‌کند. حدود ۴ سال است که بسیاری از کارگران کره شمالی در اردوگاه‌هایی در مناطق شرق دور روسیه مشغول به کارند. شرایط آن‌ها به قدری وخیم است که در صورت مرگشان یا کسی خبردار نمی‌شود یا جسد پنهانی به خاک سپرده می‌شود.

در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره وضعیت قاچاق انسان در جهان، به وضعیت وخیم کارگران کره شمالی در روسیه اشاره و وضعیت آن‌ها «استثمارگونه، فاقد اسناد هویت، پرداخت نشدن دستمزد متناسب، سوءاستفاده فیزیکی، نبود ایمنی و زندگی در شرایط بسیار فقیرانه» توصیف شده است. مسئول پروژه‌ای بزرگ ساختمانی در ولادی وستک روسیه که نخواسته است نامش فاش شود، در مصاحبه‌ای با روزنامه نیویورک تایمز آمریکا گفته است: «کارگران کره شمالی مشغول کار در پروژه ساختمانی آن‌ها نزدیک به نیمی از حقوق ناچیز خود را به دولت کره شمالی و حدود ۲۰ درصد آن را به عنوان باج به مدیران پروژه می‌دهند و چیزی از حقوقشان برای خودشان نمی‌ماند.» گزارش سال ۲۰۱۵ سازمان ملل می‌نویسد: «کره شمالی کارگرانی را به چین، روسیه و خاورمیانه صادر کرده است و بخشی از درآمد آن‌ها را به چنگ می‌آورد.»

روش دیگر کره شمالی برای گریز از تحریم‌ها همانا ذخایر مالی این کشور برای روز مباداست. برخی تحلیل‌گران می‌گویند: «این کشور مبالغ قابل توجهی را در چین سپرده‌گذاری کرده تا در روز مبادا آنچه را مورد نیاز برنامه‌های تسلیحاتی‌اش است بخرد.»؛ بنابراین محدود کردن دسترسی پیونگیانگ به این منابع مالی نقدی به اراده سیاسی مقامات چینی بستگی دارد. افزون بر این، راه درآمدی دیگری هم برای کره شمالی شناسایی شده و آن هک کردن بانک‌هاست. این کشور با هک کردن نهادهای مالی ۱۸ کشور توانسته است مبالغی گزاف وارد چرخه مالی خود کند.

با این حال، برخی گزارش‌ها هم می‌گویند: «با وجود تحریم‌های بین‌المللی، کیم جونگ اون همچنان بهترین زندگی را دارد، به خریدهای آنچنانی می‌رود، سوار قایق‌های تفریحی می‌شود، شراب‌های گران‌قیمت می‌نوشد و اسکی‌بازی او ترک نمی‌شود.» گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد این کشور در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۴۵/۸ میلیون دلار صرف خرید کالاهای لوکس کرد. در سال ۲۰۱۵، واردات کره شمالی ۳/۴۷ میلیارد دلار شد. بخشی از این واردات هم باز کالاهای لوکس بود. کارشناسان معتقدند خرید این کالاهای لوکس از فلک شخصی رهبر کره انجام می‌گیرد که به خاطر تعاملات غیرقانونی پیونگیانگ در جهان پر می‌شود. این کشور متهم است که به هک کردن بانک‌ها، فروش تسلیحات، معاملات مواد مخدر، پول‌های تقلبی، قاچاق‌گونه‌های در حال انقراض و غیره می‌پردازد. گفته می‌شود این عملیات میلیون‌ها دلار وارد فلک شخصی اون کرده است. گزارش تحقیقات کنگره در سال ۲۰۰۸ نشان داد پیونگیانگ می‌تواند به واسطه درآمدهایی که از انواع قاچاق بدست می‌آورد، سالانه ۵۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار عایدی داشته باشد. آنتونی روگی یه رو، یکی از مدیران سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا، می‌گوید: «کره شمالی همه چیز را به همه کس به صورت نقدی می‌فروشد. تا زمانی که پول نقد بدهید به شما جنس می‌فروشد.» به همین دلیل، کارشناسان می‌گویند: «کیم توانسته قدرت خود را تحکیم بخشد و در برابر چالش‌های پیش روی قدرت خود مقاومت کند.» شینا گرتینز،

استاد دانشگاه میسوری که ۱۰-۱۵ سال فعالیت مالی غیرقانونی کره شمالی را مورد مطالعه قرار داده بود، می‌گوید: «این پول مستقیم به جیب یا حساب شخصی رهبری کره شمالی می‌رود. قطع این منبع مالی می‌تواند تأثیراتی خارج از حساب در جریان پول و تجارت این کشور داشته باشد».

گوشی‌های هوشمند در پیونگ‌یانگ

پیونگ‌یانگ پایتخت کره شمالی محل سکونت برخی از قابل‌اعتمادترین و صاحب امتیازترین شهروندان کره است. در اینجا نمایش وحدت امری رایج است که از سوی ده‌ها، بلکه صدها و هزاران نفر به صورت سازمان‌یافته به اجرا در می‌آید. اگر شما یکی از ۳ میلیون شهروندی باشید که اجازه اقامت در پیونگ‌یانگ به شما داده شده است، نظم، انضباط و وقف خود برای شور انقلابی امری مورد انتظار است. در این شهر ورزش کره شمالی اپل استور دیده می‌شود. برند آیرانگ هم وجود دارد که در زمینه طراحی شهره است. اگرچه درآمد متوسط کره شمالی‌ها میان ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار یا ۳ تا ۵ دلار در روز است، زندگی برای طبقه مصرف‌کننده پیونگ‌یانگ که در حال افزایش‌اند در حال بهبود است. بانک مرکزی کره جنوبی تخمین زد در سال ۲۰۱۶ رشد اقتصادی کره شمالی حدود ۴ درصد بود. گزارش‌هایی است دال بر اینکه در این کشور بسیاری از مردم در حال خرید گوشی‌های هوشمند، تبلت، اسپیکرهای های‌فای، و تلویزیون‌های اچ‌دی هستند؛ حتی بازی‌انگری بردز به این کشور بسته و اسرارآمیز هم راه یافته است. هر کاری که می‌توانیم با گوشی‌های هوشمندمان انجام دهیم، ساکنان این کشور هم می‌توانند؛ اما تنها تفاوت در این است که آن‌ها نمی‌توانند با این گوشی‌ها به اینترنت وصل شوند. آن‌ها دارای شبکه ملی اینترنت هستند که همه چیز را کاملاً تحت نظر دارد. آن‌ها حتی ورزش خود از گوگل را دارند. دیتو^۱ معادل همان فیس‌بوک، اما به سبک کره‌ای است. وقتی وارد مغازه‌ها می‌شویم، برخی کالاهای وارداتی از چین را هم

1. Ditto

می‌بینیم که به‌رغم تحریم در این کشور وجود دارد. در رستوران‌ها مردمی را می‌بینیم که بشقاب‌های خود را از غذا پر می‌کنند و حتی فست‌فودهای امریکایی هم به چشم می‌خورد. بسته‌بندی‌های میلک‌شیک و سیب‌زمینی سرخ‌کرده هم بسیار شبیه به مک‌دونالد است. بسته‌های آن قرمز و زرد است. تمام این‌ها نشان می‌دهد اندکی بهبود در فضای اقتصاد باعث می‌شود مردم از همان زمان اندک خود لذت ببرند. این نشان می‌دهد که تغییر چهره خود را به جامعه نشان داده است. این تغییرات زیر پوستی است، با این حال آرام‌آرام جریان دارد. زیر پوست این کشور تغییر در حال وقوع است، اما هنوز به سطح جامعه و حکومت نرسیده است.

کره‌شمالی در رده‌های آخر اقتصادی در دنیا

آمار و ارقام اقتصادی در مورد کره‌شمالی فراوان است. این کشور ۲۵ میلیونی بیش از ۷۰ سال است که زیر سیطره سلسله کیم‌ها قرار دارد. یکی از سؤالاتی که نزد بسیاری از کارشناسان و مردم جهان مطرح است این است که وضع اقتصادی این کشور فقیر در جهان که نامش با تحریم و انزوای بین‌المللی گره‌خورده، چگونه است که نه تنها توانسته در برابر تحریم‌ها دوام بیاورد، بلکه موفق به دستیابی به بمب اتم هم شده است؟ براساس شاخص گرسنگی جهانی^۲، از سال ۲۰۰۰ به این سو، درصد مردمان مبتلا به سوء تغذیه در کره‌شمالی از ۳۷/۵ درصد به ۴۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. با این حال، این کشور دارای یکی از بدترین آمار سوء تغذیه در جهان نیست، بلکه جایگاه آن ۱۰۹ از ۱۹۹ است؛ اما وضعیت در این کشور تعریف چندانی ندارد. از دهه ۹۰ به این سو که قحطی جان ۲ میلیون را گرفت، وضع اقتصادی همواره شکننده بوده است. کره‌شمالی با وجود فقر گسترده، بر روی دریایی از ثروت خوابیده است. براساس برخی تخمین‌ها، این کشور دارای ذخایر معدنی ۱۰ تریلیون دلاری است و

۱. کیم ایل سونگ از ۹ سپتامبر ۱۹۴۸ تا ۸ ژوئیه ۱۹۹۴؛ کیم جونگ ایل از ۸ ژوئیه ۱۹۹۴ تا ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱؛ کیم جونگ اون از ۲۹ دسامبر ۲۰۱۱ تا اکنون زمام این کشور را در دست داشته‌اند.

2. Global Hunter Index (GHI)

برخی دیگر هم به رقم ۶۰ تریلیون دلار را ذکر کرده‌اند. این کشور دارای ۲۰۰ نوع ماده معدنی است. افزون بر این، کره شمالی دارای مقادیر فراوانی فلزات نادر است که در تولید گوشی‌های هوشمند در چین و کره جنوبی کاربرد دارد. کوارتز معتقد است در این کشور برداشت و استخراج معادن به شکلی ناکارآمد انجام می‌گیرد و معدن، کاری خصوصی و هم غیرقانونی است.

کیم جونگ ایل، در زمان حیاتش، سالانه حدود ۸۰۰ هزار دلار خرج نوعی مشروبات الکلی به نام هنسی^۳ می‌کرد. وال استریت ژورنال در گزارشی اعلام کرده بود او بزرگترین خریدار هنسی در جهان است. در کره شمالی یک بطری هنسی ۶۳۰ دلار آب می‌خورد. این رقم بسیار بیش از توان مردم این کشور است که سالانه هزار تا دو هزار دلار درآمد دارند. در این کشور دسترسی به اینترنت امری بسیار نادر است. درحقیقت، تعداد معدودی به اینترنت دسترسی دارند و این دسترسی برای شهروندان در مناطق مرکزی کشور به شدت کنترل می‌شود. گفته می‌شود تنها ۱ درصد از جمعیت این کشور به اینترنت دسترسی دارند. با این حال، کره شمالی دارای یک ارتش هکری است که ۶۷۰ میلیون دلار از این طریق عائد جیب رهبران دولتی می‌کند. براساس برخی آمارها، ۸۱ میلیون از بانک مرکزی بنگلادش، ۱۳/۵ میلیون دلار از بانک کوسموس در هند و ۱۰ میلیون دلار از شبکه ای‌تی‌ام شیلی بدست آورد. افزون بر هک کردن، دولت این کشور سالانه ۵۰ میلیون دلار هم از فعالیت‌های غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر و پول‌های تقلبی درآمد کسب می‌کند.

فرار از کره شمالی هم مستلزم هزینه است. از سال ۲۰۱۱ که کیم جونگ اون به قدرت رسیده، شرایط برای ترک کشور دشوارتر شده است. براساس آمار واشنگتن پست، فراریان ۱۲ هزار دلار برای فرار به کره جنوبی به دلالت می‌پردازند. برخی دیگر این رقم را ۱۷ هزار دلار می‌دانند. این رقم در سال ۲۰۱۲ برای فرار حدود ۲ تا ۳ هزار دلار بود و تا اوایل ۲۰۰۰، این رقم فقط ۴۵ دلار بود، البته این فرار می‌تواند تبعات جانی هم به دنبال

داشته باشد، چرا که بیشتر مسیر فرار از طریق رودخانه مرزی است که مرز کره شمالی با چین را تشکیل می‌دهد.^۱ امتیاز آزادی اقتصادی کره شمالی هم از سوی مؤسسه هریتیج ۵/۹ درصد عنوان شده و آزادی در این کشور را براساس شاخص سال ۲۰۱۹ در رده‌های آخر در میان ۱۸۰ کشور دنیا قرار داده است.^۲ با تمام این تفصیلات، اگرچه کره شمالی کشوری فقیر است، برآوردها نشان می‌دهد رشد سالانه این کشور از ۱ تا ۵ درصد متغیر است.

دستِ چین در دستِ پیونگ‌یانگ

چین که ۹۰ درصد از تجارت خارجی کره شمالی را در دست دارد، به این دلیل با تحریم مخالفت می‌کند که می‌ترسد این امر موجب فروپاشی و در نهایت جاری شدن سیل آوارگان به خاک این کشور شود. از سوی دیگر، احتمالی که مطرح شده این است که فروپاشی کره شمالی زمینه اتحاد دو کره را فراهم می‌کند و باعث می‌شود که نیروهای امریکایی - با از میان رفتن دولت حائل کره شمالی - با چین هم‌مرز شوند. تحریم‌های امریکا خشم پیونگ‌یانگ را برانگیخته است. پیونگ‌یانگ هرگونه اقدام از سوی امریکا (اعم از تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم در شورای امنیت، و غیره) را اقدامی خصمانه تلقی می‌کند. برخی تحلیل‌گران ابراز تردید کرده‌اند و می‌گویند: «معلوم نیست آیا این تحریم‌ها می‌تواند نظامی‌گری و هسته‌ای شدن کره شمالی را به تعویق می‌اندازد یا خیر.» این دسته از تحلیل‌گران می‌گویند: «این تحریم‌ها حتی ممکن است موجب تحکیم نیروهای حاکم بر ساختار قدرت در این کشور شود.» رهبر کره شمالی معتقد است سلاح هسته‌ای برای دفاع این کشور از خود ضروری است. دیگر مقامات کره شمالی هم می‌گویند: «این کشور تحت هیچ شرایطی، موشک‌های بالستیک و هسته‌ای خود را روی میز مذاکره قرار نخواهد داد.»

1. Pat Evans (23 Apr 9), (2019 mind-blowing facts about North Korea's economy, <https://markets.businessinsider.com/news/stocks/north-korea-economy-facts#1028130721-4-2019-north-korean-hackers-have-stolen-670-million-of-foreign-and-virtual-currency7->

2. 2019 index of Economic Freedom, North Korea, <https://www.heritage.org/index/country/northkorea>

مارشال بلینگسلی، معاون وقت وزیر در اداره تروریسم و اطلاعات مالی در وزارت خزانه‌داری امریکا می‌گوید: «رهبران چین اجازه می‌دهند کره‌شمالی از سیستم بانکی این کشور استفاده کنند و به تعامل بپردازند. شرکت‌های روسی هم همچنان به ارائه حمایت به پیونگیانگ می‌پردازند.» او معتقد است: «نمایندگان و عوامل بانکی کره‌شمالی در روسیه مشغول فعالیت‌اند و با این کار قطعنامه‌ها را زیر پا می‌گذارند.» بخش‌های مختلف دستگاه دولتی در امریکا، به تدریج به این اتفاق نظر نزدیک می‌شوند که باید به چین فشار بیشتری وارد آورد تا دست به عمل بزند و پیونگیانگ را مهار کند، چرا که اکنون ۹۰ درصد تجارت کره‌شمالی با چین است. بلینگسلی می‌افزاید: «مصمم هستیم به چین فشار آوریم و این کشور را برای حل مشکل وادار به همکاری کنیم.» بندبازی چین میان امریکا و کره‌شمالی مقامات واشنگتن را به‌خشم آورده است. کره‌شمالی صد و نوزدهمین کشور در زمینه صادرات اقتصادی در جهان محسوب می‌شود.

آیا باید در برابر کره‌شمالی تسلیم شد؟

از دهه ۹۰ به بعد، بسیاری بانگ برآورده‌اند که کره‌شمالی روزهای آخر خود را سپری می‌کند. جان وُلْفِستال، محقق بنیاد کارنگی، معتقد است کره‌شمالی توانسته است از فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی ۵ دولت متوالی امریکا جان به در ببرد. دولت ترامپ با بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی خود مواجه است. اگر در گذشته بحث‌ها بر متوقف ساختن قابلیت‌های کره‌شمالی متمرکز بود، امروزه چالش اصلی امریکا این است که مانع از لطمه زدن و صدمه رساندن کره‌شمالی به امریکا و متحدانش شود، چرا که اون به قابلیت موشک‌های هسته‌ای دوربرد دست یافته است. به‌نوشته وُلْفِستال اولین سؤالی که سیاست‌گذاران امریکایی می‌پرسند این است: اهداف بازدارندگی امریکا برای کره‌شمالی چیست؟ به عبارت دیگر، امریکا از کره‌شمالی می‌خواهد چه کاری

«انجام ندهد» و چگونه می‌تواند این کشور را متقاعد به «انجام ندادن» این کارها کند؟ کیم جونگ اون باید درک کند تحت هیچ شرایطی نباید از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند؛ انجام دادن این کار یعنی پایان رژیم و پایان اون. امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، کره‌شمالی تهدید آشکار استراتژیک علیه امریکاست و باید با این کشور به عنوان تهدید برخورد شود.

بازدارندگی راه‌حلی کامل نیست، اما برای اینکه قرین موفقیت شود، دولت ترامپ باید با همتایان کره‌شمالی خود تماسی مستقیم برقرار کند و به آن‌ها بفهماند چه چیزی یا چه اقدام تحریک‌آمیزی می‌تواند موجب پاسخ مستقیم امریکا شود. این تماس مستقیم برقرار شد، اما هنوز به پاسخی ملموس منجر نشده است. به نوشتهٔ ولفستال: «پیام باید روشن کند استفاده از تسلیحات هسته‌ای و انتقال این تسلیحات یا موشک‌های بالستیک و غیره به دولت دیگر و استفاده از آن‌ها غیرقابل پذیرش است. اگر امریکا نتواند مانع کره‌شمالی از داشتن تسلیحات هسته‌ای شود، باید روشن سازد که هر تصمیمی برای استفاده از آن‌ها به معنای آخرین روز حیات کیم و کشورش خواهد بود.»

تاکنون هیچ ترکیبی از تهدید، مشارکت، مذاکره، و تحریم نتوانسته است به نتیجه‌ای روشن منتج شود. امریکا نمی‌داند و کره‌شمالی هم نخواهد گفت که تمام مراکز تولید تسلیحاتی‌اش در کجا قرار گرفته است. اکنون مهم‌ترین نکتهٔ بازدارندگی دادن تضمین به کره جنوبی و ژاپن در مواجهه با تهدید کره‌شمالی است. رهبران این دو کشور از خود می‌پرسند آیا واشنگتن حاضر است نیویورک و لس‌آنجلس را در حمایت از توکیو و سئول به خطر اندازد؟ اکنون که موشک‌های کره‌شمالی به این شهرها می‌رسد، این نگرانی‌ها طبیعتاً افزایش خواهد یافت. امریکا در دوران جنگ سرد به اروپا قول داده بود که در برابر تهدید جنگ هسته‌ای شوروی از این قاره دفاع خواهد کرد و اکنون همین تعهد را در برابر تهدید روسیه دارد. وقت آن است که این تعهد امریکا امروز به دوستان آسیایی‌اش

هم داده شود تا خیال آن‌ها از کره‌شمالی راحت شود.

بیت‌کوین در کره‌شمالی

بیت‌کوین^۱ نوعی پول دیجیتال است که هنوز در عرصه بین‌المللی مورد شناسایی رسمی قرار نگرفته است. با تشدید تحریم‌های امریکا علیه کره‌شمالی که هدفش به نصف رساندن درآمدهای مالی کره‌شمالی و درنهایت قطع آن‌هاست، این کشور به دنبال روش‌های جایگزین برای تأمین مالی پروژه‌های موشکی است. شریس فام، گزارشگر سی‌ان‌ان، می‌نویسد: «تحریم‌ها علیه کره‌شمالی احتمالاً باعث تقویت فعالیت‌های مجرمانه سایبری خواهد شد. حمله به تبادلات رمزنگاری‌شده ارزی روشی برای تأمین پول موردنیاز این کشور است.» این گزارش می‌نویسد: «تاکنون سه حمله سایبری از ماه می تا جولای علیه کره‌جنوبی انجام گرفته است که همگی به نوعی با هکرهای کره‌شمالی پیوند داشته‌اند. شدت گرفتن تحریم‌ها باعث شد حملات سایبری برای کسب درآمد افزایش یابد.»

گزارش‌های جدید از رشد حملات سایبری کره‌شمالی به سامانه‌های اقتصادی جهان و تلاش این کشور برای سرقت منابع مالی منتشر شده است. براساس گزارش اخیر مؤسسه امنیت سایبری فایر‌آی، کره شمالی، ارتش سایبری متشکل از ۳۰۰۰ هکر آموزش‌دیده در چین و روسیه در اختیار دارد. شرکت فایر‌آی، با توجه به وضعیت کنونی بیت‌کوین، ارائه‌دهندگان خدمات ملی دیجیتال در کره‌جنوبی را هدف اصلی هکرهای کره‌شمالی می‌داند. اگرچه متخصصان این شرکت با قطعیت هدف این حملات را کسب منابع مالی اعلام کرده‌اند، همچنان نحوه استفاده پیونگ‌یانگ از بیت‌کوین‌های سرقتی مشخص نشده است. به نظر می‌رسد کره‌شمالی کاربران و مرکز مبادلات بیت‌کوین را وسیله‌ای

1. bitcoin

برای مقابله با افزایش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی هدف قرار داده است. این فرض اساسی که کره شمالی بیت‌کوین‌ها را هدف قرار می‌دهد، در گزارشی از خبرگزاری بین‌المللی یونایتدپرس تکرار شده است. در این گزارش آمده است: «یک مرکز تحقیقاتی در کره جنوبی اعلام کرد مبادلات داخلی برای بیت‌کوین، رمزنگاری جهانی، و سامانهٔ پرداخت دیجیتال هدف برای نفوذ بوده است.» شریس فام می‌نویسد: «ارزش بیت‌کوین اکنون افزایش یافته است. یک بیت‌کوین اکنون معادل ۴۳۰۰ دلار است. این در حالی است که این رقم در آغاز سال جاری کمتر از هزار دلار بود.» او می‌نویسد: «کره شمالی در پس حمله به تمپ و هرمیت هم بوده است.»^۱

۱. برخی منابع مورد استفاده در این بخش عبارتند از:

- Will Ripley & Marc Lourdesm, Secret State: A journey into the heart of North Korea, <https://edition.cnn.com/interactive/09/2017/asia/north-korea-secret-state/>
- Jane Perlez & Rick Gladstone (7 Aug 2017), North Korea Rails Against New Sanctions, Whether They Will Work Is Unclear, <https://www.nytimes.com/07/08/2017/world/asia/north-korea-responds-sanctions-united-states.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.
- Gardiner Harris (7 Aug 2017), a Rare Round of Diplomacy From North Korea's Top Diplomat, <https://www.nytimes.com/07/08/2017/world/asia/north-korea-asean-tillerson.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.
- Joshua Berlinger (13 August 2017), the -4,000-year-old people sharing an island with the US military, <http://edition.cnn.com/12/08/2017/asia/guam-north-korea-military-island/index.html>.
- Melissa Mahtani (12 August 2017), North Korea is «a cult» to Kim Jong Un, undercover reporter says, <http://edition.cnn.com/12/08/2017/politics/undercover-reporter-north-korea-cult-cnntv/index.html>.
- Brad Lendon & Joshua Berlinger (30 August 2017), Next target Guam, North Korea says, <http://edition.cnn.com/29/08/2017/asia/north-korea-missile-launch-guam-threat/index.html>.
- Kenza Bryan (1 July 2017), North Korea could be sitting on trillions in untapped mineral resources, <http://www.independent.co.uk/news/world/asia/north-korea-trillions-mineral-resources-nuclear-iron-ore-a7818651.html>.
- Choe Sang-Hun (30 April 2017), As Economy Grows, North Korea's Grip on Society Is Tested, <https://www.nytimes.com/30/04/2017/world/asia/north-korea-economy-marketplace.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.
- Antoni Slodkowski (22 July 2017), David Brunnstrom and Matt Spetalnick, Exclusive: U.S. presses Myanmar to cease military ties with North Korea, <http://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-usa-idUSKBN1A6248>.
- Rick Gladstone (4 Aug 2017), North Korea Could Lose 1\$ Billion in Exports Under U.N. Measure, <https://www.nytimes.com/04/08/2017/world/asia/north-korea-missile-nuclear-security-council-resolution.html?rref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.
- Jethro Mullen (5 April 2017), How North Korea makes its money: Coal, forced labor and hacking, <http://money.cnn.com/05/04/2017/news/economy/north-korea-economy-china-trump-xi/index.html>.
- Joshua Berlinger (17 July 2017), Guns and money: Why US> top North Korea diplomat is in Southeast Asia, <http://edition.cnn.com/16/07/2017/asia/north-korea-myanmar-singapore/index.html>.
- Sherisse Pham (12 September 2017), North Korea is trying to amass a bitcoin war chest, <http://money.cnn.com/12/09/2017/technology/north-korea-hackers-bitcoin/index.html>.

آیا احتمال ورود به فاز ترور وجود دارد؟

کره شمالی، سیستم اطلاعاتی امریکا (سیا) و سیستم اطلاعاتی کره جنوبی (آی. اس) را به توطئه برای حمله و ترور رهبر کره شمالی با تسلیحات بیوشیمیایی متهم می‌کند. وزارت امنیت دولت در کره شمالی در بیانیه‌ای اعلام کرده بود: «تلاش‌های خرابکارانه امپریالیست‌های امریکایی و کره جنوبی از حد گذشته است.» این وزارتخانه همچنین اشاره کرده بود: «سیستم‌های اطلاعاتی این دو کشور که گرانیگاه شیاطین در جهان هستند، توطئه‌ای از پیش خنثی را برای ضربه به رهبری کره شمالی تدارک دیدند و این اقدامات وارد فاز بسیار جدی اجرا شده است.» بیانیه وزارت امنیت دولت در کره شمالی همچنین اعلام کرده بود: «یک گروه تروریستی مخفی که از سوی سیا و آی. اس به کره شمالی وارد و در تدارک اقدامات پنهانی و خرابکارانه علیه رهبر اعظم با استفاده از تسلیحات بیوشیمیایی شده بودند، شناسایی و کشف شدند.»

۱. احتمالات چه می‌گویند؟

در این زمینه می‌توان سناریوهایی را متصور شد:

اول، با توجه به اینکه کره شمالی تلاش کرده بود تا برادر ناتنی رهبر کره شمالی را در کوالالمپور به قتل برساند و در این کار نیز موفق شد، یک احتمال این است که سران این رژیم با اجیر کردن برخی، در نظر دارند تا این سناریو را این بار در

کره شمالی به اجرا در آورند تا احتمالاً بستر لازم برای انتقام جویی از همسایه جنوبی را فراهم کنند. ارجاعات مکرر به حضور نیروهای دشمن یا عوامل نفوذی برای ترور رهبر کره شمالی و تهدید وجودی برای این کشور تاکتیک‌هایی‌اند که از سوی این کشور برای جلب همراهی توده‌ها تدارک دیده شده تا به این وسیله به مظلوم‌نمایی داخلی و کسب مشروعیت بپردازد. رهبران پیونگ‌یانگ می‌گویند: «به این عوامل ۷۴۰ هزار دلار پرداخت شده است و ابزارهای ماهواره‌ای و سایر تجهیزات هم به دنبال داشته‌اند.»

دوم، احتمال دوم این است که تیم‌های ترور از سوی کره جنوبی همان‌طور که وعده داده شده بود - وارد کره شمالی شوند. بیشتر سئول هشدار داده بود در صورت تشدید تنش و تهدید در منطقه، تیم‌های ویژه‌ای را که برای ترور رهبران کره شمالی تشکیل داده است، روانه این کشور خواهد کرد. اگرچه گزارش‌هایی از ترور اون و پدر و پدربزرگش وجود داشته است، تحلیل‌گران غربی و مقامات اطلاعاتی بیشتر این‌ها را به توطئه‌های داخلی از سوی رهبران نظامی و سیاسی ناراضی نسبت می‌دهند.

سوم، احتمال به وجود هسته‌های ناراضی در سطح رهبران عالی سیاسی - نظامی. با توجه به وخامت اوضاع در این کشور و ترور رهبران عالی‌رتبه نظامی و حذف سایر مقامات سیاسی به دلایل واهی، چنین به نظر می‌رسد که هسته‌های ناراضی فعال شده و در تلاش‌اند تا از وضعیت فعلی به نفع خود بهره‌برداری کنند؛ بنابراین، هسته‌های ناراضی طیف گسترده‌ای از توده‌های ناراضی تا نیروهای میانی در ارتش و مقامات عالی‌رتبه سیاسی و نظامی را شامل می‌شوند. این مقامات عالی‌رتبه نظامی و سیاسی در خفا به تجهیز این هسته‌ها می‌پردازند و برای طغیان داخلی در کشور در شرایط بحرانی که احتمالاً به دنبال جنگ شکل خواهد گرفت، زمینه‌سازی می‌کنند.

چهارم، سناریوی آخر انگشت اتهام را به سوی امریکا می‌برد. سازمان سیا

سابقه‌ای طولانی در اقداماتی از این دست دارد. اقدامات سیا برای ترور رهبران سیاسی دنیا از دهه ۷۰ شروع شد و ابتدا صدام حسین و معمر قذافی بودند که هدف ترورهای مخفی سیا قرار گرفتند و سپس دامنه این حملات گسترده شد و به فیدل کاسترو هم رسید. با این حال، سیا از تسلیحاتی پیچیده‌تر از تک‌تیرانداز یا انفجار سیگار استفاده می‌کند. عصر دیجیتال هم ابزارهای ترور را پیچیده‌تر کرده است. اسناد سیا که به ویکی لیکس راه یافت، نشان داد سیا به دنبال یافتن روش‌هایی برای هک کردن سیستم‌های عامل خودروهای حامل رهبران دنیاست. سیا همچنین ساقط کردن یا کشتن رهبران دنیا را از ۱۹۴۵ شروع کرد و این کار را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از همراهی عوامل نظامی محلی، مجرمان اجاره‌ای محلی، و مخالفان دمدمی مزاج انجام می‌داد.

۲. یگان ویژه برای ترور رهبران کره شمالی

آخرین باری که کره جنوبی تصمیم به ترور رهبر کره شمالی گرفت، هیچ چیز خوب و طبق برنامه پیش نرفت. در اواخر دهه ۶۰، پس از اینکه کماندوهای کره شمالی تلاش کردند تا کاخ ریاست جمهوری کره جنوبی در سنئول را غارت کنند، کره جنوبی به‌طور پنهانی افراد را در زندان یا در خیابان‌ها یافت و آموزش داد تا وارد کره شمالی شوند و گلوی رهبر این کشور کیم ایل سونگ را ببرند. وقتی این مأموریت ناکام ماند، آن مردان طغیان کردند. آن‌ها مریدان خود را کشتند و پیش از اینکه خود را منفجر کنند تا سنئول رفتند. این اپیزودی است که دولت چندین دهه آن را پنهان کرده است. اکنون که نوه رهبر کره یعنی کیم جونگ اون برنامه هسته‌ای و موشکی خود را سرعت داده، سنئول بار دیگر رهبری کره شمالی را هدف گرفته است. یک روز پس از آنکه پیونگیانگ ششمین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد، سونگ یونگ مو، وزیر دفاع کره جنوبی، به نمایندگان پارلمان اعلام کرد یگانی از نیروهای ویژه تا پایان سال جاری تشکیل خواهد شد که یگان

گردن زنی نامیده می‌شود.

هدف این یگان زدن گردن رهبران کره شمالی اعلام شده است. این پیامی تهدیدآمیز است که سنئول در حال مخابره آن است. مقامات دفاعی می‌گویند: «این یگان می‌تواند یورش‌های مرزی را با هلیکوپترها و هواپیماهای ترابری که می‌توانند شب‌هنگام به کره شمالی رسوخ کنند انجام دهد.» به‌ندرت اتفاق افتاده است که کشوری رئیس دولت دیگر را به ترور تهدید کند، اما این استراتژی از سوی کره جنوبی برای ایجاد وحشت و هراس در رهبران شمالی، عصبی کردن آن‌ها، و در نهایت به‌مثابه نتیجه آزمایش‌های هسته‌ای آن‌ها به کار گرفته می‌شود. شین ون سیک، یک ژنرال سه ستاره که تا پیش از بازنشستگی در سال ۲۰۱۵ از استراتژیست‌های ارشد عملیاتی کره جنوبی بود، می‌گوید: «بهترین بازدارندگی برای ما - در کنار تسلیحاتمان - این است که کاری کنیم کیم از زندگی خود بترسد و بر سر آن قمار نکند.»

در همین راستا، دولت ترامپ محدودیت‌های چند دهه‌ای را برای ساخت موشک‌های بالستیک قدرتمندتر از کره جنوبی برداشت. امریکا در دهه ۷۰ به سنئول کمک کرد موشک‌های بالستیک بسازد، اما محدودیت‌های سفت و سختی بر این کشور نهاد تا مانع مسابقه تسلیحاتی شود. آقای شین می‌گوید: «ما اکنون می‌توانیم موشک‌های بالستیک بسازیم که کیم جونگ اون را در درون مخفی‌گاه‌های عمیق زیرزمینی هدف قرار دهد. نظر بر این است که این ترس را نه از طریق سلاح هسته‌ای، بلکه از طریق سلاح‌های غیرهسته‌ای به او بفهمانیم. زندگی کیم در کشوری قرون‌وسطایی هزار برابر بیش از شهروندان معمولی اهمیت دارد.» اگرچه اکثر مردم و سیاستمداران کره جنوبی خواستار سلاح هسته‌ای شده‌اند و گزارش‌هاشنگتن پست نیز این را تأیید می‌کند که مردم کره جنوبی بیش از هر زمان دیگری خواستار سلاح هسته‌ای هستند، مون، رئیس‌جمهور کره جنوبی، همچنان خواستار شبه‌جزیره عاری از تسلیحات

هسته‌ای است. کره جنوبی وعده داده است بودجه دفاعی خود را ۲/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورش قرار دهد، یعنی در دوران ریاست «مون جائه این» هزینه‌های دفاعی این کشور حدود ۳۵/۴ میلیارد دلار خواهد بود. برای سال ۲۰۱۸ دولت مون بودجه ۳۸/۱ میلیارد دلاری را پیشنهاد داد که ۱۲ میلیارد دلار آن برای دفاع در برابر کره شمالی اختصاص دارد. دانیل. ای. بینکستون، متخصص دفاعی، می‌نویسد: «قابلیت‌های جاسوسی، نظارتی، و شناسایی مهم هستند. بدون آن‌ها کره شمالی به شکل «کور» شلیک خواهد کرد.» در مقابل، کره جنوبی ۵ ماهواره جاسوسی به فضا فرستاده است تا تحرکات نظامی این کشور را بهتر رصد کند. سئول اکنون با تل‌آویو و پاریس بر سر خرید ماهواره‌های جاسوسی دیگر وارد مذاکره شده است.^۱

۱. منابع مورد استفاده در این بخش عبارتند از:

Choe Sang-Hun (12 September 2017), South Korea Plans 'Decapitation Unit' to Try to Scare North's Leaders, <https://www.nytimes.com/2017/09/12/world/asia/north-south-korea-decapitation-.html?ref=collection2%Fsectioncollection2%Fworld>.

Nicole Gaouette & Zachary Cohen (13 September 2017), Trump says UN North Korea sanctions are <not a big deal>, <http://edition.cnn.com/2017/09/12/politics/trump-north-korea-pressure-china-congress/index.html>.

Ewen MacAskill (5 May 2017), The CIA has a long history of helping to kill leaders around the world, <https://www.theguardian.com/us-news/2017/may/05/cia-long-history-kill-leaders-around-the-world-north-korea>.

Ewen MacAskill & Justin McCurry (5 May 2017), North Korea accuses CIA of biochemical plot to kill Kim Jong-un, <https://www.theguardian.com/world/2017/may/05/north-korea-accuses-cia-biochemical-plot-kill-kim-jong-un>

North Korea accuses CIA of <bio-chemical> plot against leadership (5 May 2017), <http://www.reuters.com/article/us-northkorea-usa-iduskbn18113D>.

مروری گذرا بر نظام سیاسی کره شمالی و اندیشه جوجه

شبه جزیره کره طی حیات سیاسی خود، چندین نقطه عطف داشت. با مروری بر تحولات این منطقه از جهان می‌توان سه مرحله مهم را مشاهده کرد که حیات سیاسی این منطقه از جهان را تشکیل داده است:

اول، سال ۱۹۰۵، یعنی زمانی که شبه جزیره کره پس از پایان جنگ میان روسیه و ژاپن، به تصرف چشم بادامی‌های استعمارگر ژاپنی درآمد و در سال ۱۹۱۰ این شبه جزیره جزئی از قلمرو ژاپن شد.

دوم، دوران جنگ جهانی دوم است. در نوامبر ۱۹۴۳، یعنی دو سال پیش از پایان جنگ جهانی دوم، فرانکلین روزولت (رئیس جمهور آمریکا)، وینستون چرچیل (نخست وزیر بریتانیا)، و چیانگ کای‌شک (رهبر چین) در کنفرانس قاهره با یکدیگر دیدار کردند تا در مورد سرنوشت کشورهای مستعمره ژاپن تصمیم بگیرند. این تصمیم به مرحله عمل در نیامد. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۵ نیروهای شوروی به بخش شمالی کره رسیدند و در مدار ۳۸ درجه متوقف شدند. در دهم اوت ۱۹۴۵، دو افسر جوان آمریکایی به نام‌های دین راسک و چارلز بونستیل، مأمور شدند تا محدوده اشغال آمریکا را مشخص کنند. آن‌ها نیز بر روی نقشه مدار ۳۸ درجه را مشخص کردند، زیرا این مدار تقریباً کشور را به دو نیمه مساوی تقسیم می‌کرد و پایتخت، سئول، را هم در قلمروی آمریکا قرار می‌داد.

سوم، در سال ۱۹۵۰ نقطه عطف سوم رقم خورد که سرنوشت کره را تا امروز روشن کرد. در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ نیروهای جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) با پشتیبانی نظامی چین و شوروی و تحت فرمان کیم ایل سونگ به بخش جنوبی که همان جمهوری کره (کره جنوبی) بود و تحت حمایت امریکا قرار داشت حمله کردند. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ پیمان آتش بس میان دو کره برقرار شد که تا امروز ادامه دارد. میان دو کره هیچ پیمان صلحی نیست جز همان پیمان آتش بس که وضعیت میان آن‌ها را بسیار شکننده کرده است.

اکنون این دو کره یکی در ظل عنایات امریکا در مسیر سرمایه داری قرار گرفت و به اقتصادی ۳ تریلیون دلاری دست یافت و دیگری در کنف حمایت شوروی و چین به آخرین دژ کمونیسم در دنیا تبدیل شد و حجم اقتصاد این کشور به زور به ۴ میلیارد دلار می‌رسد. سئول به یکی از غول‌های اقتصادی در دنیا تبدیل شد؛ پیونگیانگ به یکی از مخوف‌ترین کشورها در دنیا. بلومبرگ در گزارشی با عنوان «شاخص نوآوری ۲۰۱۵» جدیدترین رتبه‌بندی خود از ۵۰ کشور مبتکر جهان را منتشر کرد که در این میان، کره جنوبی رتبه نخست جهانی را به خود اختصاص داد، اما کره شمالی به اسرارآمیزترین نقطه از جهان تبدیل شد که مردمانش در هر نقطه از این سرزمین که زندگی می‌کنند باید تا آخر عمر همانجا بمانند و تنها در صورت داشتن اجازه از حکومت مجاز به جابه‌جایی‌اند. در سئول دموکراسی جاری است، اما در پیونگیانگ صدای شیپور رأس ۶ صبح بیدارباش را اعلام می‌کند و شب‌هنگام نیز خاموش‌باش اعلام می‌شود. بی‌جهت نیست که زندگی در کره شمالی بدتر از زندگی پادگانی توصیف شده است.

فلسفه سیاسی هدایتگر در کره شمالی

فلسفه سیاسی هدایتگر در کره شمالی جوچه (یا همان اعتماد به نفس) است. رهبران این کشور جوچه را به منزله بدیع‌ترین و انقلابی‌ترین خدمت کیم ایل سونگ

به تفکر بین‌المللی نام می‌برند. جوچه مذهب مختار در کشور است و بر تمام جوانب زندگی در کره شمالی نفوذ و برتری دارد. این ایدئولوژی در ابتدا تداوم مارکسیسم - لنینیسم تلقی می‌شد، اما گویی رهبران کره شمالی جوچه را فراتر از تمام ایسم‌ها می‌دانستند و تقلیل آن به مارکسیسم، لنینیسم، یا استالینیسم را تخفیف آن دانستند و با تغییر قانون اساسی، جوچه جانشین تمام ایسم‌های مستتر در آن شد. در این ایدئولوژی، رهبران کره (کیم ایل سونگ، کیم جونگ ایل، و کیم جونگ اون) در صدر قرار می‌گیرند و سپس ارتش و حزب کارگران کره در بالاترین جایگاه در جامعه قرار می‌گیرد. جوچه در مسیر خود به چاجو (استقلال) می‌رسد. این استقلال شامل دو مؤلفه است: توسعه اقتصاد مستقل از طریق چاریپ (خودپایداری) و ملتی که قادر به دفاع از خود از طریق چاوی (دفاع از خود) است. در تفکر جوچه تا زمانی که امپریالیسم و کشورهای امپریالیستی وجود دارند، تفکر «ابتدا ارتش» هم وجود دارد؛ به این معنا که ارتش در صدر امور است.

در آغاز تأسیس جمهوری دموکراتیک خلق کره، اگر این فلسفه سیاسی هدایتگر تا حد زیادی بر روی نظام فکری مارکسیسم - لنینیسم و سپس استالینیسم ساخته شد و پا گرفت، در دهه ۵۰، وقتی میان کیم ایل سونگ با شوروی تنش درگرفت، وی به تفکر مائویستی متمایل شد. با این حال، کارشناسانی مانند پاول فرنیچ بر این باورند این ایدئولوژی ملغمه‌ای است از مارکسیسم، لنینیسم، استالینیسم، مائویسم، و کنفوسیوسیسم؛ اما در دهه ۷۰ به بعد به عنوان دکترین بومی انقلابی یا در قالب مکتب کیم ایل سونگیسم بسط داده شد. در این زمان، جوچه به عنوان «راه سوم»ی برای کشورهای توسعه‌نیافته و کشورهای غیرمتعهد مطرح شد؛ اما در نهایت بسیاری از کشورها در برابر کیش شخصیت و تکبر بیش از حد کیم و بی‌مایگی و تخیلی بودن این ایدئولوژی از آن اعلام برائت کردند. حتی کشورهایمانند اتیوپی و

آلبانی هم کره شمالی را جامعه‌ای به طرز غیرقابل باوری بسته توصیف کردند و کیان کیچن، وزیر خارجه وقت چین، هم در سال ۱۹۹۱ این کشور را کشوری با مصیبت‌های نامریی توصیف کرد.

نظام سیاسی کره شمالی

نظام سیاسی کره شمالی را از دههٔ ۸۰ به بعد می‌توان بر پایهٔ مفهوم نظام سوریونگ (نظام رهبری) توصیف کرد. در این قالب، این مفهوم به «سیستمی اشاره دارد که هدفش جاودانه ساختن هدایت رهبر از طریق جانشینی ارثی است.» ویژگی برجستهٔ نظام سوریونگ این است که درحالی‌که این نظام ریشه‌های خود را به دیکتاتوری سوسیالیستی لنینیسم می‌رساند، تا حد زیادی مبتنی است بر ایدئولوژی ساختگی کره شمالی یعنی همان جوچه و سوریونگ نیز جانشین حزب شده است. هدف نهایی دائمی ساختن حکمرانی از طریق گروه‌بندی جامع و کامل مردم است. تاکاشی ساکایی، متخصص ژاپنی مسائل کره شمالی در مجله ورد افیرز،^۱ ساختار سیاسی کره شمالی را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

کارکرد سوریونگ و حزب؛ یکی از ویژگی‌های اساسی لنینیسم موضع‌گیری آن در مورد حزب پیشاهنگ به‌منزلهٔ نمایندگی واقعی دیکتاتوری پرولتاریاست. مخالفان این جریان تفکر را مورد نقد قرار می‌دهند و می‌گویند: «این تفکر راه را به سوی دیکتاتوری فردی هموار می‌کند و استدلال می‌کند انتقال قدرت به حزب با انتقال قدرت به کمیته مرکزی حزب و در نهایت گروه کوچکی از رهبران دنبال می‌شود. نظام سوریونگ ممکن است نشانه‌هایی در نکته‌ای که این انتقاد مطرح کرده است داشته باشد. براساس اصل بنیادین بشری که در بطن ایدئولوژی جوچه قرار دارد، آحاد انسان‌ها موجوداتی اجتماعی معرفی می‌شوند که ویژگی

استقلال و خلاقیت به آن‌ها اعطا شده است. از آنجا که افراد موجوداتی اجتماعی‌اند، فقط از طریق اقدام اجتماعی مناسب است که می‌توانند استعداد فکری استقلال و خلاقیت را ابراز دارند. براساس این ایدئولوژی، این فرایند اطاعت بی‌چون‌وچرا و غیرمشروط از هدایت سوریونگ به منزله رهبر اعظم جامعه را ملزم می‌سازد. در این متن، به حزب کارکرد و وضعیت کمربند یا بندی داده می‌شود که هدایت و رهنمود رهبر را به مردم منتقل می‌سازد. در نهایت، این ایدئولوژی با قرار گرفتن ذیل تئوری ارگانیکسیسیسی - اجتماعی، طعم جزم‌اندیشی مذهبی به خود می‌گیرد که براساس آن فرد می‌تواند از محدودیت‌های زندگی جسمی فراتر برود و از طریق اطاعت بی‌چون‌وچرا از اوامر و رهنمودهای رهبر به زندگی سیاسی - اجتماعی ابدی دست یابد. تعریف جایگاه و اهمیت سوریونگ به این شکل از اهمیت نسبی حزب می‌کاهد. کاملاً غیرممکن است تمام فعالیت‌های ملت و جامعه همواره از طریق قدرت فردی رهبر کنترل و اداره شود. به این ترتیب، با اختیاراتی که با اقتدار مطلق سوریونگ تقویت می‌شود، بر روی حزب سرمایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین اقتدار واقعی که حزب کارگران خلق کره دارد (و اعمال می‌کند) با اقتدار نخبگان حاکم هیچ کشور سوسیالیستی دیگری قابل قیاس نیست.

کارکردهای واقعی نخبگان حاکم کشورهای سوسیالیستی را می‌توان به این شکل طبقه‌بندی کرد: (۱) تحقیق، برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی سیاسی و سیاست‌ها؛ (۲) آموزش و انتخاب نامزدها برای رهبری؛ (۳) آموزش و نظارت بر ارگان‌های دولتی؛ (۴) شست‌وشوی مغزی و آموزش ایدئولوژیکی و بسیج مردم براساس ایدئولوژی. علاوه بر این کارکردهای واقعی، نخبگان حاکم کشورهای سوسیالیستی کارکردی نمادین هم دارند که شامل ایجاد مشروعیت سیستم با فشار بر مردم و جامعه بین‌المللی است که دولت براساس فرامین ارگان‌هایی اداره می‌شود که نماینده مردم‌اند، مانند کنگره حزبی و کمیته مرکزی حزب. به عبارت

دیگر، این کارکرد نمادین تصمیمات مختلف اتخاذشده از سوی گروه کوچک رهبری را به مثابهٔ تصمیماتی براساس ارادهٔ مردم توصیف می‌کند.

اگر موارد بالا را مبنایی برای تحلیل در نظر بگیریم، بررسی کارکرد حزب در سیستم سوریونگ ناظر بر موارد و ملاحظات زیر است:

۱. می‌توان گفت با توجه به اختیار مطلق سوریونگ و جایگاهی که در چارچوب ایدئولوژیک به رهبر داده شده است، کارکرد نمادین حزب ضرورتاً الزامی برای سیستم نیست و از مردم انتظار می‌رود اطاعت کنند و این تصمیمات را دنبال کنند. با این حال، به معنای انکار این مسئله نیست که حزب از کارکرد تحکیم مشروعیت سیستم برخوردار است. در مورد کره شمالی، در حالی که کنگره حزب کارگران پس از ۱۹۸۰ تشکیل نشد، جلسات عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب طی بازهٔ زمانی ۱۹۸۰ و مرگ کیم ایل سونگ در ۱۹۹۴، تقریباً به طور سالانه برگزار می‌شد. به استثنای کارکرد اولِ تدوین و تهیه خط‌مشی سیاسی و سیاست‌ها - که به همین خاطر به سوریونگ اختیار تصمیم‌گیری نهایی داده شده است - تقریباً تمام کارکردهای دیگر ذیل اختیار حزب قرار می‌گیرند. با توجه به کارکردهای سوم و چهارم، تصور بر این است که حزب در کره شمالی به‌راستی دارای بیشترین قدرت در قیاس با هم‌تایانش در دیگر کشورهای سوسیالیستی است. کارکردهای واقعی حزب با سازمان‌های زیر به اجرا درمی‌آید: اول، مجموعه‌ای از ادارت و وزارتخانه‌ها^۱ (مانند دپارتمان سازماندهی و ارشاد و دپارتمان اطلاع‌رسانی از جمله رؤسای مربوطشان به‌منزلهٔ رهبران) که ذیل کمیتهٔ مرکزی حزب (و چندین سطح از کمیته‌های حزبی در هر منطقه) کار می‌کند. دوم، سازمان‌های حزبی که در چارچوب نهادهای دولتی و چندین سازمان مختلف اجتماعی و مردمی تشکیل شدند و ذیل هدایت حزب قرار می‌گیرند؛ بنابراین تا زمانی که این نهادهای دائمی به‌طور طبیعی کار کنند، کارکردهای واقعی حزب بدون هیچ

مشکلی مؤثر می ماند و انجام می گیرد، حتی اگر این ارگان‌های غیردائمی مانند کنگره حزب کارگران و جلسات عمومی کمیته مرکزی حزب چندسال یکبار برگزار شوند یا هرگز برگزار نشوند.

۲. روش‌های اداره و حکومت بر مردم، سؤال دیگری که مطرح می شود این است که چگونه مردم زیر حاکمیت سوریونگ و حزب قرار می گیرند. نگاهی به ساختار حزب کارگران کره شمالی نشان می دهد، در ارتباط با مردم، این حزب در مقیاس نسبی بسیار وسیع تر از احزاب کمونیستی دیگر در کشورهایی مانند چین یا شوروی سابق است. اندازه و فراگیری حزب به تنهایی کافی است تا نفوذ قدرتمندش بر کل جامعه را نشان دهد. افزون بر این، سیستم کره شمالی با گروه‌بندی چندلایه‌ای از مردم با سازمان‌ها و نهادهای گسترده‌ای مشخص می شود که تحت رهبری حزب قرار دارند و دربردارنده تمام جوانب جامعه می شود.

از جمله سازمان‌های مهم که اهمیت دارند می توان به سازمان‌های اجتماعی و مردمی اشاره کرد که ذیل دو طبقه قرار می گیرند: اولین طبقه متشکل است از سازمان‌های خاص طبقاتی مانند اتحادیه جوانان سوسیالیست کیم ایل سونگ و اتحادیه دموکراتیک زنان کره. دومین طبقه متشکل است از سازمان‌های خاص شغلی از جمله فدراسیون عمومی اتحادیه‌های تجاری کره (سازمانی برای کارگران در بخش صنعتی)، اتحادیه کارگران کشاورزی کره، فدراسیون عمومی دانشمندان و تکنسین‌های کره‌ای و اتحادیه نویسندگان کره. افزون بر این، اتحادیه کودکان کره ذیل اتحادیه جوانان وجود داشت. در نتیجه، به استثنای کودکان تازه متولد شده، اکثر مردم به گونه‌ای به شکلی از سازمان از طریق مدرسه یا وابستگی‌های شغلی‌شان تعلق دارند. این سازمان‌ها هدایت حزب را در اجرای آموزش ایدئولوژیکی و شست‌وشوی مغزی دنبال می کنند.

مردم کره شمالی ذیل «واحد‌های محله‌ای تقسیم‌بندی می شوند که براساس

منطقه محل سکونت و کارکرد آن به منزله کوچک‌ترین واحد دولت محلی سازماندهی می‌شوند. کارکرد واحدهای محله‌ای همانا پیوند دادن امنیت و سایر نهادهای دولتی با ساکنان محلی است. افزون بر این، کارکرد دیگر آن نظارت متقابل شهروندان بر هم و کنترل فعالیت‌های آنان است. با توجه به اینکه جیره غذایی عمدتاً از طریق همین واحدهای محله‌ای توزیع می‌شود و مسکن را هم نمی‌توان بدست آورد، مگر از طریق همین واگذاری‌های عمومی، می‌توان گفت عضویت در این واحدهای محلی جزئی جدایی‌ناپذیر از حفظ و کسب زندگی در کره شمالی است. به عبارت دیگر، شهروندان برای کسب یا داشتن حداقلی از زندگی باید عضو همین واحدهای محلی شوند. در نتیجه، مردم به شکلی مؤثر از طریق همین واحدهای محله‌ای مورد کنترل و نظارت قرار می‌گیرند.

جنبه‌ای دیگر از گروه‌بندی مردم در کره شمالی مربوط است به عضویت در سازمان‌های نظامی. اول، کره شمالی دارای تعدادی عظیم از نیروها و عضویت فعال در ارتش است که به بیش از ۱ میلیون نفر می‌رسد. افزون بر این، این کشور دارای سیستمی عظیم از نیروهای ذخیره است که عبارتند از: سپاه آموزش نظامیان ذخیره، گارد سرخ کارگران - دهقانان و گارد سرخ جوانان. این سازمان‌های شبه‌نظامی تحت فرماندهی سوریونگ (همان رهبر اعظم) هستند که فرمانده کل قوای ارتش خلق کره است و هم‌زمان به‌شدت تحت اداره حزب‌اند. افزون بر این، نیروهای ذخیره در معرض دوره‌های آموزشی سالانه‌اند و در مواقع تشدید تنش‌های خارجی، به طور موقت به خدمت فرا خوانده می‌شوند؛ بنابراین در صورت لزوم، انجام شست‌وشوی مغزی، آموزش‌های ایدئولوژیک مردم، و نظارت بر جامعه با حس اضطراب میسر می‌شود.

می‌توان گفت کل جمعیت کره شمالی با ساختار قدرت به‌شدت لایه‌بندی شده با رهبری که در صدر قرار دارد درهم تنیده شده است. این ساختار قدرت هم چندلایه است و هم فراگیر و می‌تواند به شکلی مؤثر جنبه‌های مختلف زندگی

کره شمالی را اداره کند. اگرچه این ساختار کانالی است برای توزیع جیره غذایی و مسکن، می‌تواند مجرای برای شست‌وشوی مغزی تلقی می‌شود و مردم را ملزم به اطاعت و وفاداری بی‌چون‌وچرا از قدرت کند.

۳. سیاست «ابتدا ارتش»، مرور تاریخی نظام سوریونگ در کره شمالی نشان می‌دهد چارچوب‌های آن طی دهه ۷۰ به اجرا گذاشته شد. این سیستم طی دهه ۸۰ و پس از مجموعه‌ای از تسویه‌ها تکمیل شد که بیشتر این تسویه‌ها ایدئولوژیک بودند. از آن پس، این سیستم کم‌وبیش شروع به فعالیت در این چارچوب یا قالب کرد تا زمان مرگ کیم ایل سونگ در سال ۱۹۹۴. با انتقال قدرت به کیم جونگ ایل این روند ادامه یافت. به دنبال آن، این سیستم با مجموعه‌ای از آزمون‌های جدی مواجه شد که از تغییرات در محیط داخلی و خارجی نشئت می‌گرفت. یکی از تغییرات همین سیاست «ابتدا ارتش» بود.

اولین آزمون برای کره شمالی در نیمه دهه ۹۰ رخ داد، در بحبوحه بحرانی که راهپیمایی بزرگ نامیده می‌شد. اقتصاد این کشور از اوایل دهه ۹۰، متحمل ضرباتی جدی شد. روابط با شوروی - مهم‌ترین حامی اقتصادی اش - دچار نوسان شد و چین هم شرایط سخت‌تری را در تعاملات اقتصادی خود با کره شمالی اعمال کرد. اوضاع زمانی به حالت فاجعه‌بار درآمد که سیلی ویرانگر در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۶ این کشور را به‌زانو در آورد. این سیل موجب ویرانی مزارع کشاورزی و در نتیجه گرسنگی و قحطی شد که پیامد آن مرگ تعداد فراوانی از مردم بود. این قحطی چنان بحرانی در جامعه به وجود آورد که حتی کادرهای حزبی هم برای یافتن قوت‌لایموت محل خدمت خود را ترک می‌کردند. شرکت‌های دولتی هم کارهای روزمره خود را رها کردند و با بحرانی‌تر شدن وضعیت شروع به فروش تجهیزات، قطعات و کارخانه‌های خود کردند. نتیجه این شد که حزب، سایر سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهایی که حامی نظام سوریونگ بودند، دچار کژکارکردی شدند و فعالیت‌های‌شان تعلیق شد. دیگر آن

کنترلی که در بالا ذکر آن آمد امکان‌پذیر نبود. می‌توان گفت مردم به‌شدت به مقامات بی‌اعتماد شده بودند و مسائلی مطرح شد دال بر اینکه ایدئولوژی حکومتی تا چه میزان درونی یا بومی‌سازی شده است. سیستم در سال ۱۹۹۷ متحمل ضربه دیگری شد، زمانی که دبیر کل حزب - هوانگ جانگ یوپ - که پدر واقعی نظریه جوجه بود به کره جنوبی پناهنده شد. معلوم نیست فرار او تا چه میزان بر مردم کره تأثیر گذاشت، اما قطعاً باید بر نخبگان این کشور تأثیر گذاشته باشد. در چنین محیطی، ایدئولوژی حاکم برای کنترل مردم دیگر کارایی نداشت. در حدود همین سال، انتشار نوشته‌ها به نام کیم جونگ ایل در مورد تئوری‌های ایدئولوژیک کاملاً متوقف شد. در حالی که اصطلاحاتی مانند ایدئولوژی پرچم قرمز گاهی در سازمان‌های دولتی رخ می‌نمود، از حد شعار فراتر نمی‌رفت و نتوانست به‌لحاظ سیستماتیک در نظریه‌های ایدئولوژیک ادغام شود. می‌توان گفت در نظام سیاسی کارکرد و وزن ایدئولوژی کاهش پیدا کرد؛ البته این بدان معنا نیست که فضای باز سیاسی پیدا شده بود و دولت دیگر از تبلیغات، شعارهای سیاسی، احساسات مردمی، فیلم‌ها و غیره چشم‌پوشی کرده باشد. این فعالیت‌ها تا امروز به‌شدت و در بالاترین سطوح ادامه دارد.

از زمان مرگ کیم ایل سونگ، جلسات عمومی کمیته مرکزی حزب حتی یک‌بار هم برگزار نشد. این جلسات در دوران کیم جونگ ایل هم برگزار نشد. این وضعیت تا دهه ۲۰۱۰ ادامه داشت. این یعنی هیچ تغییری در عضویت در کمیته مرکزی حزب و پولیتبورو در این دوره براساس رویه‌هایی که تحت قواعد حزبی ترسیم شده بود به‌وجود نیامد. در این وضعیت بلبشویی که بر کلیت نظام سیاسی تأثیر گذاشته بود، ارتش خلق کره تنها نهادی بود که توانسته بود کارکرد اصلی سازمانی خود را حفظ کند، چرا که تمام نهادهای دیگر عملاً از کارکرد اصلی خود تهی شده بودند. در نتیجه، نقش ارتش در اداره کشور روز به روز بیشتر شد. در سال ۱۹۹۸، مجمع عالی خلق برای اولین بار از زمان مرگ کیم ایل سونگ

تشکیل شد و نظامی جدید شکل گرفت که در آن کیم جونگ ایل اداره کشور را در قالب رئیس کمیسیون دفاع ملی و نه به عنوان رئیس جمهور، جمهوری دموکراتیک خلق کره به دست گرفت. این همان نقشی بود که پدرش نیز ایفا کرده بود. هم‌زمان، مفهوم «ابتدا ارتش» (سونگون) به عنوان نشانه‌ای از روش‌شناسی اساسی در نظام سیاسی کره‌شمالی مورد حمایت قرار گرفت. این مفهوم یعنی اولویت دادن به ارتش در اختصاص منابع سیاسی و شناسایی ارتش به عنوان مهم‌ترین نهاد در اداره کشور. گویی همین معنای دوم بر همه چیز چربید و ارتش رکن اساسی اداره کشور و حاکم بر مرگ و زندگی و جان و مال آحاد مردم شد. این مفهوم نه تنها ارتش را رکن نهایی حفظ نظام سیاسی معرفی کرد، بلکه به این حقیقت هم اشاره می‌کرد که ارتش در فضای اقتصادی هم وارد شد و علاوه بر ساخت‌وساز و احداث کارخانه‌های مهم در تولید کشاورزی و حتی اجرای کارهای مربوط به تعمیرات جاده‌ای هم وارد شد. الگوی ارتش یعنی اطاعت مطلق و گوش به فرمان بودن به عنوان الگویی در تبلیغات دولتی برای مردم تکرار شد. این گذار مهم در سیستم بود و بسیاری این را چنین تفسیر می‌کردند که ارتش از لحاظ اقتدار سیاسی از حزب پیشی گرفته است. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که ارتش ابزار سیاسی مهم در دست خاندان کیم است، اما خود ارتش در نقش رهبری سیاسی ظاهر نشد. نقش ارتش هم باز دچار استحاله شد. ارتش حامی مراکز انقلابی معرفی شد که حول کیم جونگ ایل به عنوان قائد اعظم و جانشین سوریونگ حلقه زده بودند و بالاترین رسالت ارتش حمایت از رهبری تلقی شد.

خط فکری «ابتدا ارتش» پایه نظریه رژیم و جوچه است که عملاً به عنوان رکن سوم جمهوری دموکراتیک خلق کره استقرار یافته است. اگرچه این رویکرد به کیم جونگ ایل نسبت داده می‌شود، پاول فرنیچ معتقد است این تفکر از رویکرد چهارخطی نظامی کیم ایل سونگ گرفته شده است، یعنی مسلح کردن مردم؛

تقویت کشور؛ تبدیل هر سرباز به یک کادر و نوسازی ارتش. کیم جونگ ایل در سال ۱۹۹۹ این سیاست چهارخطی را با رسمی سازی «ابتدا ارتش» توسعه داد که هدفش ایجاد دولت-ملتی قوی در زمینه اقتصادی و نظامی (کانگسونگ تائک) و پس از آن ترویج خط فکری «ابتدا ارتش» بود. این سیاست تنها ابزاری است که رژیم می تواند با آن بقا یابد. در واقع، مشروعیت غایی رژیم بسته به بقای «ابتدا ارتش» است. برخی از مفسران مطلع، از جمله هوانگ جانگ یوپ (که در سال ۲۰۱۰ در سؤال درگذشت) بر این باور بودند که رویکرد «ابتدا ارتش» در اصل مصالحه میان رهبری نظامی و کیم جونگ ایل بود، چرا که پس از مرگ کیم ایل سونگ، رهبری نظامی با اکراه کیم دوم را در قدرت پذیرفت؛ بنابراین کیم دوم در ازای واگذاری نقش بیشتر به ارتش در ساختار قدرت و سیاستگذاری توانست وارد ساختار قدرت شود و به تحکیم اقتدار خود پردازد. رهبران پیونگیانگ معتقدند «ابتدا ارتش» دلیل وجودی برای ارتش کلاسیک است که باعث می شود بیکاری پنهان شود، ارتش به عنوان مهم ترین خریدار داخلی عمل و پایگاه قدرت حزب کارگران کره را حفظ می کرد. این رویکرد خواستار اولویت دادن به ارتش پیش از هر نهاد دیگر بود و ارتش را قبل از طبقه کارگر می نشانند. به موجب اندیشه رهبران کره، ارتش در جایگاه محوری ترین گروه در جامعه قرار داشت و به باور آن ها لوله تفنگ باید بر سر چکش و داس قرار گیرد.^۱

1 Takashi Sakai, North Korea's Political System, https://www2.jiia.or.jp/en/pdf/digital_library/korean_peninsula/160331_Takashi_Sakai.pdf

اصل این مقاله در مجله World Affairs نوشته شده بود:

Journal of World Affairs (February 2013), vol.59-46, 2-61.

کیم جونگ اون کیست؟

وارث اسرارآمیز

اون برای اولین بار در سپتامبر ۲۰۱۰ - اندکی پیش از اینکه جانشین قائد اعظم یعنی پدرش شود - آفتابی و در رسانه‌ها تصاویری از او پخش شد. در آن زمان اعلام شد او ناگهان ژنرال چهارستاره شده و اینکه حزب حاکم کارگران او را به عنوان قائم‌مقام کمیسیون نظامی مرکزی منصوب کرده است. تا آن زمان هنوز معلوم نبود آیا او قرار است جانشین پدرش شود یا خیر. خارجی‌ها هیچ تصویری از او نداشتند. کیم جونگ ایل (پدر) که از ۱۹۹۴ تا زمان مرگش در سال ۲۰۱۱ قدرت را به دست داشت، ۳ همسر و ۶ فرزند داشت. همسر اول او در سال ۱۹۷۱ یک فرزند آورد، اما از چشم کیم افتاد و در نهایت در مسکو و در تبعید درگذشت. همسر دومش ۲ دختر به دنیا آورد، اما هیچ پسری نداشت. همسر سوم که کویونگ هویی نام داشت، دو پسر و یک دختر به دنیا آورد. تا سال ۲۰۰۱ چنین تصور می‌شد که کیم جونگ نام، فرزند ارشد، جانشین پدر است، اما وقتی با پاسپورت جعلی در ژاپن دستگیر شد، شانس رسیدن به قدرت از او سلب شد. او به تبعید رفت و در ماکائو زندگی می‌کرد و تا پیش از ترورش در مالزی در فوریه سال جاری به شدت از رژیم انتقاد می‌کرد.

کیم جونگ چول، دومین فرزند کیم پدر، در سال ۲۰۱۵ در کنسرت اریک

کلاپتون در لندن دیده شد، اما اطلاعات اندکی از او موجود هست و معلوم نیست چرا شانس رسیدن به قدرت را از دست داد، اما کنجی فوجیموتو، آشپز سابق کیم پدر که در سال ۲۰۰۱ از کره شمالی گریخت و در سال ۲۰۰۳ خاطرات خود را منتشر کرد و تنها کسی است که از شانس کیم جونگ اون برای رسیدن به قدرت سخن می‌گفت. او می‌گوید: «کیم پدر، چول را فردی بسیار زن‌صفت می‌دانست.» گزارشگر نیویورک تایمز می‌نویسد: «اما فرزند سوم یعنی همان کیم جونگ اون مورد علاقه پدر بود و کیم نگرش‌ها و ویژگی‌های رهبری خود را در او می‌جست؛ گویی از همان طفولیت خلق و خوی او بسیار شبیه به پدرش بود.» فوجیموتو می‌نویسد: «چول هنگام بازی بسکتبال زمین را ترک کرد اما اون هم تیمی‌های خود را جمع و شروع به تحلیل موقعیت کرد.» «همو می‌نویسد: «اون در تخته بازی گاهی از برادرش پیش می‌افتاد.» کویونگ سوک، خاله‌اى اون که در سال ۱۹۹۸ به امریکا گریخت، می‌گوید: «در هشتمین سالروز تولدش، به اون اونیفورم یک ژنرال هدیه داده شد و از آن پس، ژنرال‌های ارتش حرمت او را پاس می‌داشتند. کوه یوهوان، استاد مطالعات کره‌شمالی در دانشگاه دونگ گوک در سنئول، می‌گوید: «او از همان بچگی آموخته است که قدرت چیست و اصول قدرت را فرا گرفته است.» رسانه‌های کره‌شمالی دوران کودکی اون را با افسانه آمیخته‌اند و او را «نابغه‌ای در میان نوابغ» نامیده‌اند که دوست دارد ماشین با سرعت براند. گفته می‌شود اون در ۱۶ سالگی مقاله‌ای تحقیقی در مورد شیوه رهبری پدر بزرگش در جنگ کره نوشت. از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ در مدارس دولتی سوئیس درس خواند، آن هم نه به‌عنوان فرزند رهبر کره‌شمالی، بلکه به‌عنوان فرزند یکی از دیپلمات‌های این کشور تا هویتش ناشناخته بماند. این کلاس‌ها به زبان آلمانی بود و کیم جوان با این زبان بسیار کلنجار می‌رفت. جوآنو میکائلو، هم‌کلاسی آن دوران اون، می‌گوید: «او جوانی بود عاشق فیلم‌های جیمز باند و بسکتبال.» او می‌گوید: «اون کنسول پلی‌استیشن، راننده و معلم خصوصی

داشت.) «فوجیموتو می‌گوید: «در صحبت‌هایی که با کیم جوان و رهبر آینده این کشور داشتیم، او از کمبود قدرت در کشور شکایت می‌کرد و از مغازه‌های فراوان در آن‌سوی آب‌ها متعجب بود.» او می‌نویسد: «کیم جوان معتقد بود باید از سیاست‌های اقتصادی بازارمحور چین درس گرفت.» این تحلیل‌ها باعث شده بود ناظران کره‌شمالی امیدوار به بهبود اوضاع شوند.

اون: فردی با کیش شخصیت خاص

شهروندان کره‌شمالی در حالی رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند که باید همواره لباس سربازی به تن داشته باشند. گویی در هنگام تولد هم باید لباس نظام به تن داشته باشند و تا لحظه مرگ این لباس بر تن آن‌هاست. تعداد افرادی که در کره‌شمالی مشغول به خدمت سربازی هستند، دو و نیم برابر جمعیت نروژ است؛ مردان در این کشور باید ۱۱ سال و زنان ۷ سال لباس سربازی به تن کنند. قبلاً سن و سال سربازی در این کشور ۱۳ سال بود، اما ظاهراً به ۱۸ سال افزایش یافته است؛ یعنی افرادی که به ۱۸ سالگی می‌رسند باید عازم خدمت شوند. ملیسا مهتانی، گزارشگر سی.ان.ان می‌نویسد: سوکی کیم که در سال ۲۰۱۱ حدود ۶ ماه را در کره‌شمالی زندگی کرد، او می‌گوید: «زندگی در اینجا کاملاً براساس برنامه‌ریزی قائد اعظم یعنی کیم جونگ اون انجام می‌گیرد. هرگونه کسب اطلاعاتی از خارج ممنوع است. این سیستم بر کنترل مطلق متکی است.» سوکی نویسنده کتاب بدون تو ما دیگر نیستیم که به‌عنوان مبلغ و مدرس در دانشگاه علم و تکنولوژی پیونگ‌یانگ مشغول بود، به فرزندان طبقه نخبه و حاکم این کشور درس می‌داد. او در مصاحبه‌ای با سی.ان.ان از روانشناسی پیچیده مردم کره‌شمالی سخن می‌گوید و می‌افزاید: «مردم بسیار دوست داشتنی و کاملاً آدم هستند، اما به‌لحاظ فکری و احساسی بسیار منزوی‌اند.» او در توصیف این کشور می‌گوید: «برای شناخت مردم کره شمالی، ابتدا باید

کیش شخصیت رهبر این کشور را بشناسیم. کره شمالی دیکتاتوری نظامی با یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌ها در جهان است. اینجا جایی است که ارتباطات بی‌معنی است». او می‌افزاید: «وقتی تمام راه‌ها و منافذ ارتباطی مردم با جهان را ببندید، چگونه انتظار دارید اطلاعاتی برای آموزش مردمی وجود داشته باشد که در بی‌خبری از جهان به‌سر می‌برند؟» خانم سوکی کیم می‌گوید: «حتی مهندسان کامپیوتر در اینجا تا چندی پیش نمی‌دانستند اساساً چیزی به نام اینترنت هست.» دانشجویان هفته‌ای یک‌بار جمع می‌شوند و همدیگر را نقد می‌کنند و در مورد یکدیگر به هم گزارش می‌دهند: در اینجا سیستم نظارتی سفت و سخت وجود دارد، به گونه‌ای که هر شهروند بر دیگری نظارت دارد. او می‌گوید: «ساختمانی برای مطالعه جنبه‌های فکری و شخصیتی رهبر کره شمالی وجود دارد. شما برای مطالعه و تحقیق پیرامون او به آنجا می‌روید و هم‌زمان باید محافظ ساختمان هم باشید و باید آنجا را نظافت کنید». در این کشور مردم فقط به یک روزنامه دولتی و یک شبکه تلویزیونی دسترسی دارند. آن‌ها نه فرصت و نه توانایی سفر داخلی دارند. خانم سوکی می‌گوید: «این کشوری است که تاکنون نمونه‌ای از آن وجود نداشته است؛ قدرتی هسته‌ای که شهروندان را به بردگی می‌گیرد؛ اینجا مردمانش افسرده‌ترین مردمان این کره خاکی‌اند». با این حال، پرسش این است کیم جونگ اون کیست که ۲۴ میلیون انسان را به بردگی گرفته است و کشورش به دل‌اژدهای جنگ رهنمون می‌شود؟

پسر چاق‌لویی که صاحب قدرتی هسته‌ای است

مردی که اکنون اداره کره شمالی را در دست دارد در چین به برادر چاق معروف است. یک سناتور امریکایی هم در بحبوحه تنش‌های امریکا با کره شمالی او را بچه چاق دیوانه خطاب کرد. ترامپ هم یک‌بار او را چاق احمق به تمام معنا نامید، اما این جوان ۳۳ ساله کیست که کشوری را به بردگی گرفته و کشورش

اسرارآمیزترین کشور کره خاکی لقب گرفته است؟ او جوان‌ترین فرزند از میان سه فرزندی است که به سرعت مراتب ترقی را طی کرد و توانست جانشین پدرش کیم جونگ ایل شود. بسیاری از تحلیل‌گران او را فردی بی‌تجربه می‌دانستند. وقتی اون به قدرت رسید، ۲۷ سال داشت و برخی بر این باور بودند که او دوام نخواهد آورد، اما در ۶ سال گذشته و اکنون عنان قدرت در کشورش را در دست گرفته است. چو سانگ هون در گزارشی برای نیویورک تایمز می‌نویسد: «برخلاف تمام حرف‌هایی که در مورد او وجود دارد، اکنون کره‌شمالی در زمره معدود کشورهای قرار گرفته که با وجود فقر و انزوا از قابلیت هدف قرار دادن امریکا با موشک‌های هسته‌ای برخوردار است. کیم اکنون نه اهمیتی به ترامپ می‌دهد و نه به همسایگانش که متحدان امریکانند.»

برخی به دولت امریکا اصرار می‌کنند با اون وارد مذاکره شوند، اما معلوم نیست آیا او بپذیرد یا خیر. او دستیابی به سلاح هسته‌ای را بالاترین اولویت خود ساخته است و استدلال می‌کند این کار تنها راه برای تضمین امنیت و توسعه اقتصادی کره‌شمالی است. کیم هم سفرهای اندکی می‌رود و هم میهمانان اندکی را می‌پذیرد. از جمله چهره‌هایی که می‌توان به دیدارشان با اون اشاره کرد می‌شود به دنیس رودمن، ستاره سابق بسکتبال، آسپز ژاپنی‌اش و معاون رؤسای جمهور کوبا و چین اشاره کرد. مقامات اطلاعاتی کره جنوبی می‌گویند: «به دستور کیم جونگ اون، برخی از رهبران ارشد این کشور اعدام شده‌اند از جمله دایی‌اش که مشاور و مرشد او نیز بود. کیم حتی دستور قتل برادر ناتنی‌اش را نیز صادر کرده بود که در مالزی و در فوریه سال جاری با گاز اعصاب کشته شد.»

با این حال، به نظر می‌رسد شرایط داخلی و فشارهای اقتصادی او را ملزم کرده است از میزان فشار بر اقتصاد بکاهد؛ بنابراین کشورش اندکی رشد اقتصادی را تجربه کند. آندری لاکوف، متخصص کره‌شمالی در دانشگاه کومکین در سئول، می‌گوید: «کیم تصمیمی هوشمندانه، عمل‌گرایانه و قاطع

گرفته است، درعین حال، تصمیمی است از روی هوس که می تواند به راحتی از میان برود». میان رویکرد کیم ها بر سر دستیابی به تسلیحات هسته ای اختلاف است. کیم پدر حاضر بود در ازای کمک های اقتصادی و تضمین های امنیتی برنامه هسته ای را کنار بگذارد. به این ترتیب با دولت کلینتون به توافقی دست یافت، اما اندکی بعد نقض شد. کیم پسر تحت هیچ شرایطی حاضر به کنارگذاری برنامه هسته ای نیست و آن را رمز بقای خود و کشورش می پندارد. در دوران کیم پسر بیش از ۸۰ آزمایش موشکی انجام شده که دو برابر دوران کیم پدر و کیم پدر بزرگ (کیم ایل سونگ) است.

عصر وحشت

این امیدواری ها دیری نپایید. وقتی این جوان به قدرت رسید، تمام آرزوها بر باد رفت. عبارت عصر وحشت را اولین بار مقامات کره جنوبی به کار بردند. کیم جوان پس از بازگشت به کشورش وارد دانشگاه نظامی کیم ایل سونگ شد و در سال ۲۰۰۶ از تحصیل فراغت یافت. او به سرعت مدارج نظامی را طی کرد. در همان روزهای اول که به قدرت جلوس کرد، برخی می گفتند کنترل او بر قدرت لریزان است؛ اما نکته این است که او در محاصره رهبران نظامی و مقامات حزبی بود و همان ها بودند که دستیابی او به قدرت را مسجل کردند. در خارج از کره شمالی بسیار تصور می کردند که او اسماً رهبر کشور است و امور در واقع به دست دایی اش جانگ سونگ چانگ گردانده می شود. او به خواهرزاده اش کمک کرد دست به تصفیه سیستماتیک بزند و بسیاری از بوروکرات های استخوان دار و ژنرال های قدرتمند به شکل های مختلف حذف شدند. دو سالی نگذشته بود که دایی هم طعمه شهوت قدرت اون شد. اتهام او این بود که وقتی اون وارد اتاق حزب شد او به شکلی بی حال دست زده است، بنابراین، گفته شد که چانگ قصد براندازی دارد.

چونگ سونگ چانگ، متخصص خاندان کیم در مؤسسه سجونگ، می‌گوید: «بسیاری از فراریان و پناهندگان رده بالای این کشور به او گفته‌اند چانگ حدود ۲۰ فرزند داشت که به‌دست اون همگی کشته شدند.» گفته می‌شود اون از زمانی که به قدرت رسید، ۱۴۰ تن از مقامات ارشد کشور را کشته است. دانیل ای. بینکستون، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه تروی در سئول، می‌گوید: «او به سرعت و بی‌رحمانه پیش می‌رفت. فکر می‌کنم بیشتر مردم انتظار نداشتند چنین جوانی در مدیریت دیکتاتوری در این کشور آن قدر حرفه‌ای باشد، اما واقعاً حرفه‌ای بود». برخی تحلیل‌گران می‌گویند او اقتدار حزب کارگران کره را بازگرداند؛ تصمیمات را در جلسات فوق‌العاده پنهانی و با محارم خود در رأس قدرت اتخاذ می‌کند و میزانی از پیش‌بینی‌پذیری را هم به سیستم وارد کرده است، اما برخی هم هستند که نظری برخلاف این دارند.

نیویورک تایمز می‌نویسد: «اون برخلاف پدرش سعی کرده است تصویری مردمی از خود نشان دهد؛ فردی که از دل مردم برخاسته است. او دست خود را گرد سربازانش می‌اندازد، با کارگران در خانه‌هایشان دیدار می‌کند، گهواره کودکان را در بیمارستان‌ها تکان می‌دهد، گاهی هم با همسر خود که فردی طرفدار مُدهای جدید است در برخی مراسم حضور می‌یابد تا بگوید از درد مردم آگاه است.»

آیا پایان سلسله کیم نزدیک است؟

چوی جونگ کان، استادیار دپارتمان علوم سیاسی و مطالعات بین‌الملل در دانشگاه یون سی در سئول، می‌گوید: «کیم جونگ اون از ۵ سال پیش که به قدرت رسیده، قدرت خود را روزبه‌روز تحکیم بخشیده است، به گونه‌ای که فضا و ساختار قدرت در این کشور قابل مقایسه با کیم‌های گذشته نیست. او معتقد است: «کیم جوان اگرچه وضعیت اقتصادی را بسیار بیش از پدرانش بهبود

بخشیده، قابلیت‌های هسته‌ای و موشکی کورش را نیز به‌شدت افزایش داده است.» یوان مک کردی، گزارشگر سی.ان.ان، به نقل از نیک بیسلی، مدیر اجرایی دانشگاه لاتروب در ملبورن، می‌نویسد: «امنیت در قالب برنامه هسته‌ای پیش‌شرط هرگونه تلاش جدی در اصلاح اقتصادی کره‌شمالی است. گویی برنامه هسته‌ای جزء لاینفک اصلاح اقتصادی در کشور است.» او می‌گوید: «تنها وقتی اطمینان داشته باشد تسلیحات هسته‌ای و امنیتی را که می‌خواهد یافته است، شاهد تشدید اصلاحات اقتصادی خواهیم بود.» بیسلی بر این باور است که محتمل‌ترین الگو برای اصلاح اقتصادی الگوی چین خواهد بود، اما نشانی از اصلاحات سیاسی نخواهد بود.

با این حال، صعود کیم به قدرت و ترفیع او به بالاترین رده، حکمرانی در کشورش به شیوه‌ای بسیار خشن بوده است. گزارشی از مؤسسه استراتژی امنیت ملی، اندیشکده‌ای در سئول، مدعی است کیم از سال ۲۰۱۱ که به قدرت رسید، دستور داد تا بیش از ۳۴۰ نفر از مقامات کشور کشته شوند. ۱۴۰ نفر از آن‌ها در ساختارهای حکومتی بودند و در زمره مقامات ارشد در دولت، ارتش و حزب محسوب می‌شدند. شدیدترین قتل همانا قتل دایی‌اش جانگ سونگ تائک، شوهر عمه رهبر کره‌شمالی بود. او نظامی بلندپایه و سیاستمدار کره‌شمالی بود که معمولاً در کنار اون دیده می‌شد. بسیاری او را قدرت اصلی پشت سر رهبری می‌دانستند. وی پس از برکناری از قدرت در دادگاه، به رشوه‌خواری و کودتا علیه حکومت متهم و اعدام شد. پس از اعدام وی موجی از اعدام‌ها و برکناری‌ها متوجه خانواده وی شد که می‌توان از بین آن‌ها به اعدام جونگ یونگ جین (شوهر خواهر جانگ سونگ تائک) سفیر کره‌شمالی در کوبا و اعدام جانگ یونگ چول (برادرزاده جانگ سونگ تائک) سفیر کره‌شمالی در مالزی اشاره کرد.

مک کردی می‌نویسد: «همین جانگ بود که زمینه به قدرت رسیدن اون را

فراهم کرد، اما تاوان یاری اش قتلی بود که نصیبش شد. مایکل مادن، محقق اندیشکده «۳۸ درجه کره شمالی» می‌گوید: «تمرکز قدرت در دست کیم به این معناست که او همه‌کاره است و شما هیچ‌کاره.» رسانه‌های این کشور جانگ را خائن تمام اعصار نامیدند. کیم می‌خواهد نشان دهد هیچ مخالفی در برابر تصمیماتش حق عرض اندام ندارد. چوی می‌گوید: «وقتی جانگ دستگیر شد، بسیاری می‌گفتند رهبری وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی خواهد شد، اما من استدلال می‌کردم قدرت او تا حدی تمرکز یافته است که مرد شماره ۲ کشور را تسویه می‌کند.» بیسلی می‌گوید: «مردم معتقدند مرحله تسویه تمام شده است و اکنون کیم وارد دوره تحکیم قدرت شده است.» این محقق می‌افزاید: «این احساس وجود دارد که تسلیحات هسته‌ای به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت، امنیت و جایگاه کره شمالی در دنیا تبدیل شده است.» این کشور حتی در سال ۲۰۱۳ قانون اساسی خود را تغییر داد تا خود را کشوری هسته‌ای معرفی کند.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد میزان پیشرفت‌های هسته‌ای و موشکی این کشور به سطوح غیر قابل پرسش و البته موفقیت‌آمیزی رسیده است. اون افرادی را به پست‌های بالا ارتقا داده بود که قبلاً شناخته شده نبودند. اکنون تنها وفاداری به اون است که کلید پیشرفت است، نه شایسته‌سالاری. مایکل مادن و بیسلی در این قول اتفاق نظر دارند که وقتی اون در عنفوان جوانی به قدرت رسید، بیشتر اعضای حلقه درونی او را کهنسالان شکل می‌دادند. این کشور به کشور نخبگان کهنسال شناخته می‌شد. اکنون که در دهه ۳۰ عمر خود قرار دارد هنوز جوان‌ترین فرد در سلسله مراتب قدرت است و قصد دارد جوان‌ترهایی مانند خود را به شرط وفاداری به خود به مراتب بالایی قدرت برساند. آن‌ها می‌گویند: «نسلی جدید از جوانان در کنار اون ساختار قدرت را در دست خواهند گرفت».



آیندهنگر

کتابخانه تخصصی صنایع و معادن
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINING AND CONSTRUCTION



۸۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-95477-9-3



9 786229 547793